

مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان مستند از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷

زیر نظر

دکتر غلامحسین الهام

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

مرکز تحقیقات شورای نگهبان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)

مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان مستند از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷

زیر نظر

دکتر غلامحسین الهام

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

شورای نگهبان قانون اساسی، مرکز تحقیقات

مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷/ تهیه و تنظیم مرکز تحقیقات شورای نگهبان؛ زیر نظر غلامحسین الهام؛ همکاران سید سجاد آل صاحب فصول ... (ودیگران)؛ مشاور ابراهیم موسی زاده. تهران: ریاست جمهوری معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۹۱.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. شورای نگهبان قانون اساسی -- صورت مذاکرات ۲. شورای نگهبان قانون اساسی -- مصوبات الف. الهام، غلامحسین، ۱۳۳۸-، ناظر ب. آل صاحب فصول، سید سجاد ج. موسی زاده، ابراهیم، ۱۳۵۴ د. شورای نگهبان قانون اساسی، مرکز تحقیقات ه- ایران. ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

۳۲۰/۹۵۵

۱۳۸۷ م ۹۲ ش/ ۲۵۱۲ KMH

۲۷۲۷۲۴۴

شماره کتابخانه ملی

اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
نشانی: تهران - خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به چهار راه جمهوری اسلامی، شماره ۱۱۵۸
کد پستی: ۱۳۱۶۷۶۷۴۵۱ تلفن: ۶۶۴۹۲۷۰۸ - ۹۸۲۱ + دورنگار: ۶۶۴۹۲۷۰۷ - ۹۸۲۱ +

نام کتاب: مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷

تهیه و تنظیم: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

همکاران: سید سجاد آل صاحب فصول، عادل ابراهیم پور، ابوالفضل درویشوند، سید مهدی

سیدی، سلمان عمرانی، کاظم کوهی و یمیی مزروعی

مشاور: دکتر ابراهیم موسی زاده

آماده سازی: سید مهدی سیدی

یر نظر: دکتر غلامحسین الهام (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

ناشر: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری

لیتوگرافی و چاپ: اداره چاپ و انتشار

چاپ اول: فروردین ماه ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۸ - ۸۷ - ۵۸۴۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کلیه حقوق برای مرکز تحقیقات شورای نگهبان محفوظ است.

شناسنامه کتاب

مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان
مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷

تهیه و تنظیم
مرکز تحقیقات شورای نگهبان

زیر نظر
دکتر غلامحسین الهام (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

همکاران (به ترتیب الفبا)
سیدسجاد آل صاحب فصول، عادل ابراهیم پور، ابوالفضل درویشوند،
سید مهدی سیدی، سلمان عمرانی، کاظم کوهی و یحیی مزروعی

مشاور
دکتر ابراهیم موسی زاده

فهرست

- مقدمه ز
- ۱- طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل
مصوب ۱۳۷۳ ۱
- ۲- لایحه اصلاح قانون اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۷ ۶
- ۳- طرح اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹
شورای انقلاب ۷
- ۴- اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه‌های شرکت غله و خدمات بازرگانی مناطق (۱)
الی (۱۱) ۱۳
- ۵- لایحه استفساریه بند (۴) ماده (۱۷) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷ ۱۷
- ۶- لایحه اصلاح سن فرزندان ذکور مشمولین صندوق‌های بازنشستگی کشوری،
لشکری و تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌ها در برخورداری از خدمات درمانی ۱۹
- ۷- لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری
اسلامی ایران و جمهوری بلاروس ۲۱
- ۸- لایحه اصلاح قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵ و
الحاق موادی به آن ۲۴
- ۹- لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست و سومین کنگره اتحادیه جهانی
پست (UPU) منعقد شده در بخارست سال ۲۰۰۴ میلادی ۵۶
- ۱۰- طرح اصلاح ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ ۶۲
- ۱۱- لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و
ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده (۱۷۱)
قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ۶۵

- ۱۲- لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۱۴) قانون مقررات صادرات و واردات
مصوب ۱۳۷۲..... ۶۷
- ۱۳- لایحه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات..... ۶۹
- ۱۴- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا
و پروتکل اصلاحی آن..... ۹۱
- ۱۵- لایحه تصویب موافقتنامه بین دولتی شبکه راه‌آهن سراسری آسیایی..... ۹۴
- ۱۶- لایحه شوراهای حل اختلاف..... ۹۸
- ۱۷- لایحه موافقتنامه معاضدت قضایی در زمینه امور حقوقی و تجاری بین
جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تونس..... ۱۱۸
- ۱۸- لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد..... ۱۲۲
- ۱۹- لایحه اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث..... ۱۶۱
- ۲۰- لایحه نحوه واگذاری مالکیت و اداره امور شهرکهای صنعتی..... ۱۷۹
- ۲۱- لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجراء ماده (۵۶)
قانون جنگلها و مراتع..... ۱۸۲
- ۲۲- اساسنامه سازمان فضایی ایران..... ۱۸۴
- ۲۳- لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر
درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت..... ۱۸۷
- ۲۴- استفساریه وزیر دادگستری و عضو حقوقدان شورای نگهبان در رابطه
با اصل ۱۴۱ قانون اساسی..... ۱۸۹
- ۲۵- لایحه تعیین تکلیف هیأت منصفه مطبوعات..... ۱۹۲
- ۲۶- اساسنامه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی..... ۱۹۳
- ۲۷- طرح افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاههای مادر و مهم دولتی
در سال ۱۳۸۷..... ۱۹۸
- ۲۸- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن فرهنگستانهای
علوم آسیا..... ۲۰۶

- ۲۹- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء ۲۱۰
- ۳۰- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت ۲۱۴
- ۳۱- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی ۲۱۷
- ۳۲- لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) ۲۲۰
- ۳۳- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲۲۶
- ۳۴- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آسیایی کاهش بلايا ۲۲۹
- ۳۵- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع آسیایی بو آ او ۲۳۲
- ۳۶- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی آب ۲۳۵
- ۳۷- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی پارکهای علمی ۲۳۸
- ۳۸- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه جهانی بهره‌برداران هسته‌ای ۲۴۱
- ۳۹- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت ۲۴۳
- ۴۰- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان منطقه‌ای دریای پاک ۲۴۶
- ۴۱- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی ۲۴۸
- ۴۲- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند ۲۵۱
- ۴۳- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در طرح همکاری نظارت بر امور دارویی ۲۵۴
- ۴۴- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه مطالعات بین‌المللی مس ۲۵۷
- ۴۵- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز ۲۶۰
- ۴۶- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی گاز ۲۶۳

- ۴۷- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در صندوق همبستگی اسلامی
برای توسعه ۲۶۶
- ۴۸- لایحه الحاق به موافقتنامه اصولی بین دولتهای طرفهای موافقتنامه چندجانبه
اصولی راجع به حمل و نقل بین‌المللی برای ایجاد دالان اروپا - قفقاز - آسیا و
موافقتنامه راجع به تأمین مالی مشترک دبیرخانه دائمی کمیسیون بین دولتی ۲۶۹
- ۴۹- لایحه موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی
ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا ۲۷۱
- ۵۰- لایحه موافقتنامه سرویسهای هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر ۲۷۵
- ۵۱- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در آژانس جهانی مبارزه
با زورافزایی (دوپینگ) ۲۷۸
- ۵۲- طرح اصلاح مواد (۳۵) و (۵۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی
ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن ۲۸۱
- ۵۳- لایحه اصلاح تبصره (۴) لایحه قانونی اصلاح مقررات مربوط به تحصیل
افسران و همافران و درجه‌داران و محصلین در نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۸ ۲۸۷
- ۵۴- طرح تفسیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۲۹۰
- ۵۵- طرح اصلاح بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور و قانون بیمه‌های
اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶ (طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های
اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶) ۲۹۳
- ۵۶- لایحه عضویت مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در کنسرسیوم بین‌المللی
زمین‌لغزش ۲۹۷
- ۵۷- لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مقابله با اعمال
غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی و پروتکل پیوست آن در خصوص مقابله با
اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهای ثابت واقع در فلات قاره ۲۹۹
- ۵۸- لایحه تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ۳۰۰
- ۵۹- لایحه توافقنامه جامع همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بولیوی ۳۰۲

- ۶۰- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو
اکو و پروتکل اصلاحی آن ۳۰۴
- ۶۱- لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از
میراث فرهنگی زیر آب ۳۰۸
- ۶۲- لایحه موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی
ایران و دولت پادشاهی مغرب ۳۱۰
- ۶۳- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی علوم باغبانی ۳۱۳
- ۶۴- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز ماشینها و مهندسی
کشاورزی آسیا و اقیانوسیه ۳۱۶
- ۶۵- طرح الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین ۳۱۹
- ۶۶- لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در برنامه کنترل بیماریهای
مشترک انسان و دام مدیترانه ۳۲۰
- ۶۷- لایحه اصلاح قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۶۲ ۳۲۴
- ۶۸- لایحه الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به فهرست
نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی ۳۲۷
- ۶۹- لایحه اصلاح قانون حمایت از طرح بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده
پیرامون حرم مطهر حضرت امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) مصوب ۱۳۸۴ ۳۲۹
- ۷۰- لایحه اصلاح تبصره(۱) ماده(۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت
مصوب ۱۳۸۰ ۳۳۲
- ۷۱- لایحه اصلاح ماده(۱۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ و ماده(۲۹۵)
آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱ ۳۳۵
- ۷۲- اساسنامه شرکت فناوری اطلاعات ایران ۳۳۸
- ۷۳- لایحه الحاق دو بند به ماده(۷) قانون مقررات انتظامی هیأت علمی
دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ ۳۴۱
- ۷۴- طرح الزام دولت به پیگیری حقوق جانبازان و قربانیان جنگ شیمیایی
علیه جمهوری اسلامی ایران ۳۴۴

- ۷۵- لایحه موافقتنامه تجارت ترجیحی بین جمهوری اسلامی ایران و
جمهوری مردمی بنگلادش ۳۴۶
- ۷۶- لایحه اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور ۳۴۸
- ۷۷- طرح نظارت شرعی بر ذبح و صید ۳۵۳
- ۷۸- طرح ایجاد ردیف مستقل به منظور واریز منابع مالی صندوق تأمین
خسارتهای بدنی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۳۵۹
- ۷۹- طرح اصلاح ماده (۲۰ مکرر) آئین نامه مالی شهرداریها ۳۶۱
- ۸۰- طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی ۳۶۷
- ۸۱- طرح اصلاح ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۳۷۳
- ۸۲- لایحه جرائم رایانه ای ۳۷۷
- ۸۳- لایحه اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری
اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ ۴۰۸
- ۸۴- لایحه ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت ۴۱۲
- ۸۵- طرح اصلاح مواد (۷) و (۱۰) اصلاحی اساسنامه جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران ۴۱۶
- ۸۶- طرح بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی
شناسه‌دار (کددار) ۴۱۹
- ۸۷- لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ ۴۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

مقام معظم رهبری در دیداری که با اعضای شورای محترم نگهبان در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۸ داشتند، خطاب به آنها فرمودند: «... مردم، مطلع نیستند... لازم است یک روال اطلاع‌رسانی منظم و مرتبی باشد که مردم در جریان قرار بگیرند، یا نظرات شورا مدون بشود و در اختیار اهل علم، حقوقدان‌ها، فقها و متخصصین بخش‌های مختلف گذاشته بشود؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌ها ببینند و در جریان مباحث قرار گیرند؛ بیان شود در مورد این ماده‌ای که آنجا آمده، چه بحث‌هایی شده، تا رد شده است، و چه اشکالاتی بود و بعد آن اشکالات، رفع شد، یا تصویب شد، و از این قبیل. البته اینها برمی‌گردد به خود شورا؛ یعنی تقصیر کسی نیست که اینها منعکس نشده است؛ خود شورا بایستی این کارها را می‌کرد و از حالا به بعد هم به نظر من باید این کارها انجام بگیرد... الآن شما استدلال دارید، اما این استدلال برای مجلس، گاهی معلوم نیست، گاهی برای مجمع تشخیص هم درست معلوم نیست، ... در حالی که خوب است در متن آن حکم اشاره‌ای به استدلال بشود و در یک محل جداگانه آن استدلال به تفصیل نوشته بشود. ... اینها چیزهایی است که بعد برای دیگری منبع و مدرک خواهد شد، مثل آرای هیأت عمومی که خوشبختانه دو سه سالی است با استدلال‌هایشان چاپ می‌شود، کار خیلی خوبی است. ... آنها نظرات، استدلال‌ها و بحث‌هایی دارند، آنها را تدوین می‌کنند. مرکز شما از هیأت عمومی، خیلی مهمتر است، آنها برای یک قانون کوچک عرفی آن‌چنان نظر می‌دهند و انطباق یا عدم انطباقش را با قوانین یا رویه و فلان را مشخص می‌کنند. شماها بیست سال است که دارید یک کار اساسی و مهم انجام می‌دهید، اگر شما در این بیست سال، این استدلال‌ها را ذکر کرده بودید، الآن مثل یک دوره جواهر کتاب داشتید، در همه ابواب و در همه فصول فقهی. آقایانی که این‌جا تشریف دارید، الحمدلله همگی فاضل و عالم هستید، ... اگر همه این استدلال‌ها نوشته می‌شد، الآن ببینید چه منبع غنی‌ای بود! چه برای آن کسی که در مجلس دارد رأی می‌دهد، چه

آن کسی که به شورای نگهبان - به جای گذشتگان - آمده است، از آنها استفاده می‌کند و چه برای علما و دانشگاه‌ها، آن وقت دیگر کسی نمی‌توانست به شورای نگهبان بگوید که چرا این‌جور گفتید و چرا این‌جور رأی دادید. اگر نوشته و تدوین شده بود، الآن یک کتاب مفصل مدون در اختیار همه بود».

در راستای فرمایشات معظم‌له، مرکز تحقیقات شورای نگهبان در کنار سایر وظایف خویش همچون انجام پژوهش‌های بنیادی و تهیه گزارش‌های کارشناسی برای طرح‌ها و لوایح مصوب، اقدامات اولیه برای تهیه، پیاده‌سازی، تنظیم و تدوین مشروح مذاکرات و نظرات شورای نگهبان را انجام داد بطوریکه تا پایان بهار سال ۱۳۸۴ کار اولیه پیاده‌سازی و تنقیح مشروح مذاکرات برخی از سال‌ها انجام و همچنین مجموعه نظرات شورای نگهبان راجع به مصوبات دوره‌های ششم، پنجم و چهارم مجلس شورای اسلامی و نظرات تفسیری و مشورتی این شورا راجع به اصول قانون اساسی و مجموع نظرات فقهی فقهای معزز شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری؛ جمع‌آوری، تدوین، تنقیح و به زیور طبع و نشر آراسته گردید. اقدامات مزبور در دوره‌ای با تغییر در مدیریت مرکز تحقیقات با وقفه مواجه گردید. مجدداً از ابتدای سال ۱۳۸۹، امر تدوین، تنقیح و چاپ و نشر نظرات و مشروح مذاکرات شورای نگهبان از سر گرفته شد. علاوه بر اینها مجموعه‌های دیگری نیز در دستور کار پژوهشگران و کارشناسان مرکز تحقیقات قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به تحلیل نظرات فقهی فقهای شورای نگهبان، استخراج مبانی آراء و نظرات این شورا، شرح و توضیح اصول قانون اساسی، جمع‌آوری نظرات موضوعی شورای نگهبان، جمع‌آوری نظرات فقهی و حقوقی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی اشاره نمود. اینک پس از پایان چاپ و نشر کلیه نظرات شورای نگهبان راجع به مصوبات مجلس شورای اسلامی و چاپ و نشر مشروح مذاکرات برخی از سال‌ها، انتشار مبانی و استدلال‌های نظرات شورا در دستور کار قرار گرفت.

مجموعه حاضر که در پیش‌روی خوانندگان قرار دارد، اولین مجلد از مجموعه «مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان» می‌باشد؛ که در این اثر، مبانی و استدلال‌های فقهی و حقوقی نظرات شورا براساس مشروح مذاکرات و با استناد و مستنبط از آن، و به تفکیک دیدگاه‌های اکثریت و اقلیت و بدون ذکر اسامی دسته‌بندی و ارائه گردیده است.

مرکز تحقیقات شورای نگهبان امیدوار است که با تولید و عرضه این مجموعه‌ها گامی در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری و آشنا ساختن مجامع حوزوی و دانشگاهی و مراکز قانونگذاری و متخصصین بخش‌های مختلف با مبانی و استدلال‌های نظرات شورای نگهبان برداشته باشد.

مسئلاً انتشار و عرضه چنین آثاری می‌تواند ثمره سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار علاقمندان و نیز محافل علمی، پژوهشی، دانشگاهی و حوزوی قرار داده و به غنی‌تر شدن هرچه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور منجر گردد.

مرکز تحقیقات ضمن پوزش و اعتذار از همه کاستی‌ها و نواقص در چاپ این مجموعه، پیشاپیش از خوانندگان ارجمند و صاحب‌نظرانی که برای غنا و کمال هر چه تمامتر این مجموعه در چاپ‌های بعدی، نظرات اصلاحی، انتقادی و ارشادی خویش را ابراز و ارسال می‌نمایند، تشکر و قدردانی می‌نماید. بِمَنْ اللهُ تَعَالَى وَكَرَمِهِ.

دکتر غلامحسین الهام
رئیس مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تابستان ۱۳۹۰

طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱/۲۸ و ۱۳۸۷/۲/۴

ماده واحده - متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/ ۱۰/ ۱۱ به شرح زیر الحاق می شود:

تبصره - عضویت کلیه اشخاص شاغل در هر یک از قوای سه گانه و مؤسسات و سازمانهای تابعه آنها و شرکتها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و به هر مقدار از بودجه کل کشور استفاده می نمایند، در شورای نگهبان به عنوان حقوقدان ممنوع است و این ممنوعیت شامل اعضاء کنونی شورای نگهبان که قبل از این قانون انتخاب شده اند نیز می شود و چنانچه ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون استعفاء ندهند از عضویت در شورای نگهبان مستعفی شناخته می شوند.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق تبصره از این جهت که شامل مشاغل آموزشی می شود مغایر اصل ۱۴۱ است، چرا که این اصل مشاغل آموزشی را از اصل منع جمع مشاغل استثناء کرده است.

- با توجه به اینکه در قانون اساسی در رابطه با عزل حقوقدانان شورای نگهبان تعیین تکلیف نشده است و مجلس شورای اسلامی صرفاً حق دخالت در انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان را دارد و حق قانونگذاری در رابطه با عزل یا استعفاء حقوقدانان را ندارد، تبصره مغایر با اصل ۹۲ قانون اساسی است.

- به دلیل آنکه بر اساس قانون اساسی هر یک از وزیران تنها از طرق مشخص، از جمله استعفاء به همراه پذیرش از سوی رئیس جمهور قابل برکناری هستند، اطلاق تبصره مبنی بر برکناری اعضای شورای نگهبان از سمت وزارت به صرف تقدیم استعفاء، دارای ابهام است.

- عضویت در شورای نگهبان به عنوان حقوقدان شغل نیست و به همین دلیل مشمول

اصل ۱۴۱ قانون اساسی و اصل منع جمع مشاغل نمی‌گردد.

- تعیین شرایط برای عضویت حقوقدانان در شورا مغایر با اصل ۹۱ قانون اساسی است چرا که قانون اساسی در مقام بیان، سکوت نموده و در این موارد مجلس حق قانونگذاری ندارد. - مجلس در رابطه با وظایف شورای نگهبان حق قانونگذاری ندارد و به همین جهت مصوبه مغایر اصل ۹۱ است.

- از آنجا که بر اساس قانون اساسی، حق انتخاب حقوقدانان را برای مدت ۶ سال به مجلس اعطاء کرده و در مقابل حق عزل آنان را به مجلس نداده است، شمول مصوبه مزبور به اعضای کنونی شورای نگهبان در حکم عزل آنان بوده فلذا مغایر با اصل ۹۲ قانون اساسی است. - مقنن اساسی با التفات و توجه، اعضای شورای نگهبان را غیر قابل عزل دانسته است تا شورای نگهبان در جایگاهی برتر قرار بگیرد، خصوصاً اینکه این اختیار با توجه به اینکه شورای نگهبان مسئولیت نظارت بر عملکرد مجلس را دارد، به مجلس سپرده نشده است. - با توجه به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، عضویت شورای نگهبان شغل نیست؛ چرا که اعضای شورا نه پست سازمانی دارند و نه همکاری تمام وقت با شورا دارند و با شورا نیز رابطه استخدامی ندارند.

- با توجه به اینکه قانون اساسی بررسی شرایط لازم برای عضویت حقوقدانان در شورای نگهبان را به رئیس قوه قضائیه واگذار کرده است، این مصوبه، اختیار رئیس قوه قضائیه را در پیشنهاد حقوقدانان شورا محدود می‌نماید به همین دلیل، مغایر اطلاق اصل ۹۱ است. - در مصوبه، در رابطه با اینکه اگر حقوقدانان از پست دولتی استعفاء دهند ولی استعفايشان پذیرفته نشود، تعیین تکلیف نشده است که از این جهت دارای ابهام است.

- در قانون اساسی، مقامات کشوری به سه دسته تقسیم شده اند: دسته اول مقاماتی هستند که شرایط آنها در قانون اساسی مشخص شده است؛ مانند رئیس جمهور. دسته دوم مقاماتی هستند که قانون اساسی تعیین شرایط آنان را به قانون عادی واگذار کرده است؛ مانند نمایندگان مجلس. دسته سوم مقاماتی هستند که قانون اساسی شرایطی برای آنان تعیین نکرده و تعیین شرایط را به قانون عادی ارجاع نداده است؛ مانند حقوقدانان شورای نگهبان. با توجه به اینکه قانون اساسی، تعیین شرایط حقوقدانان را به قانون عادی ارجاع نداده است، موضوع از مصادیق سکوت در مقام بیان بوده، فلذا مجلس حق قانونگذاری در آن را ندارد.

ب - نظرات موافق

- مجلس شورای اسلامی می‌تواند شرایطی برای عضویت حقوقدانان در شورای نگهبان در نظر بگیرد همانند بسیاری از مواردی که به موجب قانون عادی منع‌هایی در نظر گرفته است. از جمله به خاطر مصالح کشور یکی از شرایط احراز این عنوان را عدم اشتغال به مشاغل دولتی تعیین کند و این امر مغایر با قانون اساسی نیست.

- مجلس شورای اسلامی به موجب اصل ۷۱ می‌تواند در تمام امور کشور قانونگذاری کند و این تبصره نیز در راستای همین اختیار مجلس تصویب شده است. حتی مجلس می‌تواند در رابطه با اموری که قانون اساسی در آن موضوع سکوت کرده است، اقدام به قانونگذاری نماید.

- با توجه به اینکه تبصره به قانون «ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» الحاق می‌شود و در آن قانون، مشاغل آموزشی از اصل منع جمع مشاغل استثناء شده است، این ایراد که مصوبه، مانع تصدی مشاغل آموزشی توسط حقوقدانان عضو شورای نگهبان می‌گردد وارد نیست.

- از آنجا که حق انتخاب حقوقدانان به مجلس داده شده است، بر اساس قواعد حاکم بر عقود معنوی و لزوم استدامه در آنها، مجلس حق دارد هر زمان مصلحت بداند در راستای استدامه رای خود آنان را عزل نماید. به همین جهت، شمول حکم تبصره به اعضای کنونی شورای نگهبان مغایر با قانون اساسی نیست.

- اینکه در تبصره فوق بیان شده است که حقوقدانان در صورت عدم کناره‌گیری از مناصب دولتی مستعفی شناخته می‌شوند مغایر با قانون اساسی نیست و همانند موردی است که نماینده مجلس به دلیل غیبت مستعفی شناخته می‌شود.

- عدم بیان شرایط حقوقدانان در قانون اساسی و نیز عدم ارجاع تعیین شرایط آنان به قانون عادی، صرفاً مبین اطلاق و سکوت قانون اساسی است و این مساله نمی‌تواند مانع از صلاحیت عام تقنینی مجلس شورای اسلامی در این زمینه باشد.

- این مصوبه در مقام شغل تلقی کردن عضویت حقوقدانان در شورای نگهبان نیست، بلکه در مقام تعیین شرایط عضویت در این شورا است؛ به همین دلیل نمی‌توان با استناد به شغل نبودن عضویت در شورای نگهبان، این مصوبه را مغایر با قانون اساسی ارزیابی کرد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- صدر ماده واحده، با ۹ رأی موافق، مغایر اصل ۹۱ قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- ذیل ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۹۱ قانون اساسی شناخته شد.
- ۴- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، از نظر اشتغال به مشاغل آموزشی دارای ابهام شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

صدر تبصره الحاقی مغایر اصول ۹۱ و ۱۴۱ قانون اساسی شناخته شد و همچنین قسمت اخیر تبصره الحاقی در خصوص اعضاء کنونی شورا مغایر اصل ۹۱ قانون اساسی است. از جهت اینکه آیا ممنوعیت مزبور شامل مشاغل آموزشی هم می‌گردد یا خیر ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

ماده واحده - متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/ ۱۰/ ۱۱ به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره - عضویت کلیه اشخاص شاغل در هر یک از قوای سه‌گانه و مؤسسات و سازمانهای تابعه آنها و شرکتها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و به هر مقدار از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند، در شورای نگهبان به جز مشاغل آموزشی موضوع تبصره (۱) و افراد موضوع تبصره (۸) قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ به عنوان حقوقدان ممنوع است و این ممنوعیت شامل اعضاء کنونی شورای نگهبان که قبل از این قانون انتخاب شده‌اند نیز می‌شود و چنانچه ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون استعفاء ندهند از عضویت در شورای نگهبان مستعفی شناخته می‌شوند.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۶۷۳ مورخ ۸۷/۲/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه در صدر تبصره الحاقی و قسمت اخیر آن اصلاحی به عمل نیامده، لذا ایراد بند (۱) قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ابهام مذکور در بند (۲) نامه قبلی این شورا مرتفع شده است.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۵/۶ نسبت به مصوبه خویش در خصوص ماده واحده فوق، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۶۷ مورخ ۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.
۲. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۰ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی، عیناً مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه اصلاح قانون اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۷

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۴

ماده ۲- ماده (۳) قانون فوق و بندهای آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

الف - ...

د - در بند (۴) ماده (۳) و همچنین در کلیه مواد عبارت «شاهد، خانواده‌های معظم شاهد و نظایر آن» به عبارت «جامعه هدف» اصلاح می‌شود.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه عبارت «و همچنین در کلیه مواد» در متن لایحه دولت^(۱) نبوده و از سوی مجلس افزوده شده است، و با عنایت به اینکه تغییر عبارت «شاهد، خانواده‌های معظم شاهد و نظایر آن» به «جامعه هدف» در تمام مواد، موجب تسری کلیه خدمات مربوط به خانواده شهداء به جانبازان و ایثارگران و آزادگان شده و در نتیجه، افزایش هزینه‌های عمومی (بدون تعیین طریق جبران آن) را در پی خواهد داشت، فلذا این بند مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- از آنجا که هدف از لایحه اصلاح اساسنامه بنیاد شهید، ادغام دستگاههای خدمت رسان به خانواده شهداء، جانبازان و آزادگان بوده است، فلذا تغییر مزبور، در مجموع، موجب افزایش هزینه های عمومی دولت نخواهد شد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر: چون اصل قانون اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۷ دارای مواد، به شماره‌های (۱۵) و (۱۶) می‌باشد، لازم است ماده (۱۵) این اصلاحیه به شماره مناسب دیگر تبدیل شود.

۱. د - در بند (۴) ماده (۳) عبارت «شاهد، خانواده‌های معظم شاهد و نظایر آن» به عبارت «جامعه هدف» اصلاح می‌شود.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۶۷۲ مورخ ۸۷/۲/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۴

ماده ۱- ماده (۱) لایحه قانونی مذکور با الحاق یک تبصره به شرح ذیل اصلاح و جایگزین می‌شود:

ماده ۱- به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت در معابر، میادین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، باغات، بوستان‌ها و محلهایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ (اعم از باغ، باغچه و زمین مشجر) شناخته شوند در محدوده شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است.

تشخیص مصادیق و ضوابط چگونگی اجراء این ماده در چارچوب آئین‌نامه مربوط توسط کمیسیون مرکب از شهرداری و سازمان‌های مسکن و شهرسازی و حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب شورای اسلامی شهر می‌رسد.
تبصره - در حریم شهرها تشخیص مصادیق این ماده بر عهده کمیسیون با عضویت رؤسا یا نمایندگان شورای اسلامی شهر، شهرداری، جهاد کشاورزی، حفاظت محیط زیست و به ریاست فرماندار شهرستان مربوط خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه به موجب اصل ۱۰۰ قانون اساسی شوراهای شهر صرفاً نقش نظارتی دارند، واگذاری تشخیص امور مذکور در این ماده (تشخیص مصادیق و ضوابط اجرائی) به شوراهای اسلامی شهر مغایر اصل مزبور است.
- اطلاق لفظ «باغچه» از این جهت که آیا شامل باغچه‌های خصوصی مردم می‌شود یا نه واجد ابهام است. همچنین از این جهت که مشخص نیست محدوده باغچه چیست و آیا دو و یا سه درخت را نیز شامل می‌شود یا خیر، واجد ابهام است.

- اگر این ماده در صدد است که برای اعمال تغییر در باغچه‌های خصوصی مردم با توجیه اقتضای مصالح کلی، تضییقات و محدودیتهایی ایجاد نماید، این گونه تضییقات بی‌مورد و خلاف موازین شرع است.

ب - نظرات موافق

- هر چند وفق اصل ۱۰۰ قانون اساسی، شأن نظارتی برای شوراهای شهر، روستا و... در نظر گرفته شده است، لیکن اعمال وظیفه نظارتی توسط شوراها نیازمند مقدمات و ابزاری است که تشخیص مذکور در این ماده، می‌تواند مقدمه اعمال نظارت شوراها قلمداد شود.

- اولاً با توجه به سیاق عبارات به کار رفته در این ماده، به نظر می‌رسد حکم ماده منصرف از خانه‌های شخصی و داخل خانه افراد است و مختص به بیرون خانه است؛ ثانیاً حتی اگر مربوط به داخل خانه هم باشد، بر اساس مصالح، دولت می‌تواند در رابطه با این امور مداخله نماید و محدودیتهایی را وضع نماید.

ج - تصمیم شورا

- ۱- واگذاری تشخیص مصادیق، ضوابط و چگونگی اجراء در ماده ۱ و تبصره آن به شورای اسلامی شهر، با ۸ رأی موافق، مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- لفظ «باغچه» در این ماده از این جهت که آیا شامل درختان موجود در منازل با هر مساحتی می‌شود یا نه، با ۷ رأی موافق، واجد ابهام تشخیص داده شد.

ماده ۴- متن ذیل جایگزین ماده (۶) می‌شود:

ماده ۶- هرکس بدون کسب مجوز از شهرداری و بر خلاف مقررات این قانون مرتکب قطع درخت شود و یا موجبات از بین رفتن درختان مشمول این قانون را فراهم سازد به حبس تعزیری از یک ماه تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی بر حسب نوع، محیط، سن و موقعیت درخت از یک میلیون تا ده میلیون ریال علاوه بر پرداخت عوارض شهرداری مربوط به قطع درخت محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- مجازات مذکور در این ماده برای متخلفین، نامتناسب است؛ زیرا فردی که یک اصله درخت را قطع می‌نماید با فردی که هزار اصله درخت را قطع نماید، هر دو به حداقل یک ماه و حداکثر به شش ماه زندان محکوم می‌شوند، حال آنکه تعزیر، می‌بایست متناسب با جرم ارتكابی باشد. از این حیث، این مصوبه مغایر با موازین شرع می‌باشد.

- این ماده مغایر بند (۱۴) سیاستهای کلی نظام در امور قضایی مبنی بر «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» است که از سوی مقام معظم رهبری وفق وظایف و اختیارات مندرج در بند (۱) اصل ۱۱۰ ابلاغ شده است، در نتیجه این مصوبه، به لحاظ عدم در نظر گرفتن این سیاستها، مغایر با بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق مجازاتهای مذکور در ماده از حیث عدم تناسب بین جرم و مجازات و تعیین مجازاتهای حبس با ۸ رأی موافق، خلاف سیاستهای کلی قضائی و در نتیجه، مغایر بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

در ماده (۱) واگذاری تشخیص امور مذکوره به شورای اسلامی شهر، مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد. همچنین لفظ *باغچه* در این ماده با توجه به تبصره (۱) ماده (۲) از این جهت که شامل درختان موجود در منازل با هر مساحتی می‌شود یا نه؟ ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

واگذاری تشخیص مصادیق و ضوابط و چگونگی اجراء در ماده (۱) و تبصره آن به شورای اسلامی شهر، مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۶۶۹ مورخ ۸۷/۲/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

در ماده (۴) اطلاق مجازاتهای پیش‌بینی شده از حیث تناسب بین جرم و مجازات و تعیین مجازات حبس در همه موارد خلاف سیاستهای کلی قضائی است و در نتیجه مغایر بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد.

مرحله دوم

مصوبه اصراری مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۳/۵

* مجلس شورای اسلامی بدون اینکه نسبت به رفع ابهام از لفظ باغچه در ماده (۱) موضوع قسمت اخیر بند (۱) نظریه شورا اقدام نماید، با اصرار بر مصوبه خویش، برای رفع اختلاف طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، اقدام به ارسال مصوبه مذکور به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌نماید.^(۱)

* مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در جلسه مورخه ۸۷/۹/۹ با توجه به اینکه مجلس از مصوبه خود رفع ابهام ننموده، موضوع را قابل طرح در مجمع تشخیص مصلحت نظام تشخیص نداد و مصوبه را برای رفع ابهام مورد نظر شورای نگهبان به مجلس بازگرداند.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲

ماده ۱- ماده (۱) لایحه قانونی مذکور با الحاق یک تبصره به شرح ذیل اصلاح و جایگزین می‌شود:

ماده ۱- به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت در معابر، میادین، بزرگراهها، پارکها، باغات، بوستانها و محلهایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ (اعم از باغ و زمین مشجر) شناخته شوند در محدوده شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است.

۱. طی نامه شماره ۷۵۷/۱۴۸۳۱ مورخ ۱۳۸۷/۳/۶ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

تشخیص مصادیق و ضوابط چگونگی اجراء این ماده در چارچوب آئین نامه مربوط توسط کمیسیون مرکب از شهرداری و سازمانهای مسکن و شهرسازی و حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب شورای اسلامی شهر می رسد.

...

(حذف کلمه باغچه از پاراگراف اول ماده ۱)

- تصمیم شورا

۱- با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف مورد ابهام = لفظ «باغچه»)، ابهام مصوبه برطرف شده است.

۲- با توجه به عدم اصلاح ماده (۱) و تبصره آن، ایرادات قبلی شورا نسبت به این ماده، کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۴- متن ذیل جایگزین ماده (۶) می شود:

ماده ۶- هر کس بدون کسب مجوز از شهرداری و بر خلاف مقررات این قانون مرتکب قطع درخت شود و یا موجبات از بین رفتن درختان مشمول این قانون را فراهم سازد به حبس تعزیری از یک ماه تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی بر حسب نوع، محیط، سن و موقعیت درخت از یک میلیون تا ده میلیون ریال علاوه بر پرداخت عوارض شهرداری مربوط به قطع درخت محکوم خواهد شد.

- تصمیم شورا

با توجه به عدم اصلاح ماده (۴)، ایراد قبلی شورا نسبت به این ماده، کماکان به قوت خود باقی است.

نظریه (مرحله سوم) شورای نگهبان^(۱)

با توجه به حذف مورد، ابهام وجود ندارد. ولی ایرادات قبلی شورا به لحاظ عدم اصلاح کماکان به قوت خود باقی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۱۴۹ مورخ ۸۷/۱۱/۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ نسبت به مصوبه خویش در خصوص ۲ ماده فوق، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱)

۱. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و به شرح زیر مورد اصلاح و تصویب قرار گرفت:

ماده ۱- ماده (۱) لایحه قانونی مذکور با الحاق دو تبصره به شرح ذیل اصلاح و جایگزین می‌شود:

ماده ۱- به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت و یا نابودکردن آن به هر طریق در معابر، میادین، بزرگراهها، پارکها، بوستانها، باغات و نیز محلهایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است. ضوابط و چگونگی اجراء این ماده در چهارچوب آئین‌نامه مربوط با رعایت شرایط متنوع مناطق مختلف کشور توسط وزارت کشور با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی و شهرداری تهران تهیه و به تصویب شورای عالی استانها می‌رسد.

تبصره ۱- اصلاح و واکاری باغات در حریم شهرها به شکل جزئی و یا کلی مشمول این ماده نیست و طبق ضوابط مصوب وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌شود.

تبصره ۲- مصوبات شورای عالی استانها جهت تطبیق با قوانین و رعایت اصل یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی خواهد رسید تا در صورتی که برخلاف قوانین بود، با ذکر دلیل برای تجدیدنظر و اصلاح به شورای عالی استانها ارسال گردد.

ماده ۴- لایحه قانونی مذکور با توجه به ماده (۶۸۶) قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۴- هرکس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه‌های شرکت غله و خدمات بازرگانی مناطق (۱) الی (۱۱)

مرحله اول

مصوبه هیأت وزیران: ۱۳۸۶/۱۲/۱۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۴

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۹ بنا به پیشنهاد شماره ۱/۱۵۴۲۶ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ وزارت بازرگانی و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - و با رعایت جزء «ز» بند (۱) تصویب نامه شماره ۱۵۸۷۹۵/ت/۳۸۸۵۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱ تصویب نمودند: ماده (۶) اساسنامه‌های شرکت غله و خدمات بازرگانی مناطق (۱) الی (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شوند:

۱- ماده (۶) اساسنامه شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه (۱)، موضوع تصویب نامه شماره ۲۶۱۳۷/ت/۳۱۳۷۵ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ۸۱۲،۹۴۴،۶۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که به ۸،۱۲۹،۴۴۶ سهم ۱۰۰،۰۰۰ ریالی منقسم گردیده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران می‌باشد».

...

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه قسمت اخیر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد» و مصوبه فوق به تصویب کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک رسیده است نه «هیأت وزیران»، مصوبه مغایر با قسمت اخیر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس هم حق تفویض تصویب اساسنامه شرکتهای

دولتی را به مرجعی غیر از هیات وزیران ندارد و هیات وزیران نیز نمی‌تواند تصویب اساسنامه را به چند وزیر و یا کمیسیونهای داخلی خود تفویض نماید.

- موضوع اصل ۱۳۸ این است که اگر مجلس، وزیر یا هیات وزیران را مسئول تصویب آیین‌نامه نماید، وزیر یا هیات وزیران حق تفویض این امر را به هیچکس ندارند. همچنین اصل فوق بیان می‌دارد هیات وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری، اقدام به تصویب تصویبنامه نماید و این موضوع نیز قابل تفویض به کمیسیونی متشکل از چند وزیر است. اگر مجلس بر عهده خود هیات وزیران تکلیفی قرار دهد این امر قابل تفویض به مرجع دیگری نیست. این در حالی است که موضوع اصل ۸۵ اصالتاً وظیفه خود مجلس است و مجلس می‌تواند این وظیفه را به «هیات وزیران» واگذار نماید و این موضوع ارتباطی با اصل ۱۳۸ ندارد. با توجه به اینکه موضوع اصل ۸۵ وظیفه ذاتی دولت نیست، قابل واگذاری به کمیسیونهای داخلی دولت نیز نمی‌باشد.

ب - نظرات موافق

- به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد و به موجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. بر این اساس از آنجا که تصویب اساسنامه‌ها پس از تفویض مجلس، از جمله امور و وظایف هیأت دولت محسوب می‌شود، دولت می‌تواند با استناد به اصل ۱۳۸، تصویب اساسنامه را به کمیسیونهای خود واگذار نماید. بنابراین مصوبه فوق، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی نیست.

- با توجه به اینکه اصل ۱۳۸ قانون اساسی مطلق است و هیچ ظهوری در انحصار حق تفویض اختیار دولت به هیأت وزیران در رابطه با وظایف ذاتی خود ندارد، وظیفه دولت مقرر در اصل ۸۵ قابل تفویض به کمیسیونهای داخلی هیات وزیران است و بر این اساس مصوبه مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی نیست.

ج - تصمیم شورا

مصوبه مزبور با ۸ رأی موافق، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه اصلاح اساسنامه مذکور به تصویب وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک رسیده نه دولت، بنابراین مغایر با قسمت اخیر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی هیأت وزیران: ۱۳۸۷/۲/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۵ بنا به پیشنهاد شماره ۱/۱۵۴۲۶ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ وزارت بازرگانی و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - تصویب نمود:

ماده (۶) اساسنامه‌های شرکت غله و خدمات بازرگانی مناطق (۱) الی (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شوند:

۱- ماده (۶) اساسنامه شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه (۱)، موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۱۳۷۵/ت/۲۶۱۳۷ هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ۸۱۲،۹۴۴،۶۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که به ۸،۱۲۹،۴۴۶ سهم ۱۰۰،۰۰۰ ریالی منقسم گردیده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران می‌باشد».

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۶۷۴ مورخ ۸۷/۲/۷ شورای نگهبان، خطاب به معاون اول رئیس‌جمهور.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۴۸ مورخ ۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به معاون اول رئیس جمهور.

لایحه استفساریه بند(۴) ماده(۱۷) قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۱۸

موضوع استفساریه:

ماده واحده - آیا کمک سازمان‌های دولتی به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران که بر اساس بند(۴) ماده(۱۷) اساسنامه قانونی آن جمعیت^(۱) تجویز شده است. با توجه به ماده(۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰- نیازمند اخذ مجوز قانونی جداگانه می‌باشد؟
نظر مجلس:

خیر، چون در قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر این مجوز به جمعیت هلال احمر داده شده است.

الف - نظر مخالف

- موضوع بند(۴) ماده(۱۷) اساسنامه جمعیت هلال احمر اختصاص به اخذ و گرفتن کمک و هدیه دارد. در حالی که سؤال مندرج در مصوبه مجلس شورای اسلامی در پرداخت کمک است نه گرفتن؛ فلذا ارتباطی به ماده(۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰- مبنی بر ممنوعیت «پرداخت» هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی، ندارد.

۱. ماده ۱۷- منابع مالی جمعیت علاوه بر آنچه که قانون در گذشته مشخص نموده است عبارت است از:

۱- ...

۴- اعانات، عواید و اموالی که در اجرای تصمیمات و مصوبات مراجع و سازمان‌های دولتی و شهری اختصاص به جمعیت داده می‌شود و همچنین اعانات مردمی و کمک‌های خارجی.

...

ب - نظر موافق
- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)
مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۸۲۷ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح سن فرزندان ذکور مشمولین صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌ها در برخورداری از خدمات درمانی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۲۵

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون حد نصاب سن برخورداری از خدمات درمانی برای فرزندان ذکور مشمولین صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه و بازنشستگی تا زمان اشتغال به کار، افزایش می‌یابد.

تبصره - بار مالی ناشی از اجراء این قانون در بودجه سنواتی توسط دولت منظور می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه لایحه دولت^(۱) سقف ۲۲ سال را تعیین کرده است و مصوبه مجلس شورای اسلامی این سقف را برداشته است و در نتیجه افراد بیشتری مشمول مزایای لایحه می‌شوند، لذا موجب افزایش هزینه عمومی می‌شود. علیهذا با توجه به اینکه طریق تأمین هزینه جدید معلوم نشده است، این مصوبه مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. متن لایحه دولت: «ماده واحده - حد نصاب سن برخورداری از خدمات درمانی برای فرزندان ذکور مشمولین صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری و تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه و بازنشستگی از تاریخ تصویب این قانون به شرط عدم اشتغال به کار، به ۲۲ سال افزایش یافته و از سن مذکور به بعد نیز خدمات درمانی کماکان مطابق ضوابط جاری صندوق‌های متبوع خواهد بود.»

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۵/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۳۰

ماده واحده - حد نصاب سن برخورداری از خدمات درمانی برای فرزندان ذکور مشمولین صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه و بازنشستگی از تاریخ تصویب این قانون به شرط عدم اشتغال به کار، به بیست و دو سال افزایش یافته و از سن مذکور به بعد نیز خدمات درمانی کماکان مطابق ضوابط جاری صندوق‌های متبوع خواهد بود. تبصره - پس از سن بیست و دو سالگی با کسر بیست و هفت هزار و پانصد ریال بابت هر فرزند از بیمه‌گذار فرزندان وی می‌توانند از خدمات درمانی آن صندوق بهره‌مند گردند.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که در تبصره رقم ثابتی برای حق بیمه فرزندان تعیین شده است و تأثیر تورم سالیانه آن لحاظ نگردیده است، عملاً موجب کاهش درآمدهای عمومی گردیده و طریق جبران آن نیز جبران نشده است. بر این اساس، اطلاق مصوبه مزبور مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه تعیین رقم حق بیمه یک امر کارشناسی است، و شورای نگهبان در مقام بررسی کارشناسانه آن نیست، فلذا مغایرتی با اصل ۷۵ قانون اساسی ندارد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۵۹۰۱ مورخ ۸۷/۲/۲۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۳۶۶ مورخ ۸۷/۶/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۲/۲۵

ماده واحده - موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین
جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس مشتمل بر یک مقدمه و سی و
شش ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

...

ماده ۳- حدود معاضدت حقوقی

معاضدت حقوقی شامل اقدامات قانونی است که در قوانین طرف
درخواست‌شونده پیش بینی شده باشد، از جمله:

- تعیین هویت و مکان اشخاص؛
- تحقیق از طرفین دعوی، مظنونین، متهمین، شهود، زیان دیدگان،
کارشناسان و سایر افرادی که در دادرسی دخالت دارند؛
- معاینه محل، جست و جو و جمع آوری اشیاء؛
- انجام بررسیهای کارشناسی؛
- جمع آوری، نگهداری و ارائه آلات جرم و سایر دلایل؛
- ابلاغ و ارسال اسناد و مدارک؛
- انتقال موقت اشخاص بازداشت شده؛
- ارائه اطلاعات در مورد سوابق کیفری افراد؛
- شناسایی و اجراء تصمیمات قضائی صادره در امور مدنی و جبران
خسارات ناشی از جرم در امور کیفری؛
- کشف و توقیف اموال و منافع حاصل از جرم؛
- انجام هر نوع معاضدت حقوقی دیگر که منافاتی با قوانین طرف
درخواست‌شونده نداشته باشد؛

...

ماده ۱۱- دعوت از اشخاص مرتبط با دادرسی

۱- در صورتی که در جریان تحقیقات مقدماتی یا دادرسی در قلمرو یکی از طرفین نیاز به حضور شاهد یا کارشناس مقیم قلمرو طرف دیگر باشد مرجع دادگستری صلاحیتدار طرف درخواست‌کننده دعوت‌نامه‌ای را برای آن اشخاص از طریق طرف درخواست‌شونده ارسال خواهد داشت. اشخاص مندرج در این بند در رابطه با حضور خود به موجب دعوت طرف درخواست‌کننده آزادانه تصمیم می‌گیرند.

۲- اشخاص مذکور در بند (۱) این ماده که بدون توجه به تابعیت‌شان به موجب دعوت مرجع دادگستری طرف دیگر داوطلبانه حضور یافته‌اند در قلمرو طرف مزبور در رابطه با هر فعلی که قبل از گذشتن آنها از مرز اتفاق افتاده است، بازداشت، مشمول مسئولیت کیفری یا اداری یا مجازات نخواهند شد. چنین اشخاصی در قلمرو آن طرف در رابطه با شهادت یا نظرات کارشناسی‌شان یا هر فعلی که موضوع دادرسی است و برای آن دعوت شده‌اند، بازداشت، مشمول هرگونه مسئولیت کیفری یا اداری یا هرگونه مجازات نخواهند شد.

۳- ...

...

ماده ۱۳- اعتبار اسناد و مدارک

۱- اسناد و مدارکی که در قلمرو یکی از طرفین تنظیم و یا توسط مراجع دادگستری، یا مراجع رسمی دیگر از قبیل مترجم و کارشناس رسمی در حدود صلاحیت آنها و به طور رسمی تنظیم و مهر شده باشد، بدون هیچ‌گونه تصدیق دیگری مورد قبول و شناسایی طرف دیگر می‌باشد.

۲- اسناد و مدارکی که در قلمرو یک طرف معتبر و رسمی تلقی می‌گردد، در قلمرو طرف دیگر نیز معتبر و رسمی تلقی خواهد گردید.

...

ماده ۲۰- اهلیت قانونی

۱- اهلیت قانونی شخص حقیقی به وسیله قانون طرفی تعیین خواهد شد که فرد تبعه آن است.

۲- اهلیت قانونی شخص حقوقی به وسیله قانون طرفی که شخص حقوقی در قلمرو آن تأسیس شده است، تعیین خواهد شد.

۳- ...

الف - نظر مخالف

- این موافقتنامه دارای ایرادات شرعی مشابه با سایر موافقتنامه‌های معاضدت قضایی است، که به همین لحاظ این موافقتنامه نیز مغایر با شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- ماده (۳) این موافقتنامه، انجام هر نوع معاضدت حقوقی را که منافاتی با قوانین طرف درخواست شونده نداشته باشد، مجاز دانسته است، که به همین جهت اجرای مقررات مغایر با موازین شرع را منتفی ساخته است.

ج - تصمیم شورا

کلیات لایحه مزبور، با ۴ رأی موافق، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه دیگر اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق بعضی از مواد آن اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم الاجراء دانسته و نیز مواد متعددی از جمله: بندهای (۱) و (۲) ماده (۱۱)، بند (۱) ماده (۱۳)، بند (۲) ماده (۲۰) و... مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه بلاروس و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاهها ولو برخلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس (در جلسه ۱۳۸۷/۴/۵) نسبت به مصوبه خویش نسبت به مواد مورد ایراد شورای نگهبان، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۶۷۰ مورخ ۸۷/۳/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.
۲. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی، عیناً مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه اصلاح قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵ و الحاق موادی به آن

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

- ماده ۵- ماده (۱۶) به عنوان ماده (۵) به شرح زیر اصلاح می شود:
- «ماده ۵- وظایف و اختیارات شورای نظارت مرکزی عبارت است از:
- ۱- تهیه و تصویب دستورالعملهای مورد نیاز جهت اجراء این قانون در چهارچوب سیاستها و مقررات وزارت آموزش و پرورش.
 - ۲- تأیید صلاحیت متقاضیان تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی از طریق تحقیق و بررسی و استعلام از مراجع قانونی ذی ربط.
 - ۳- صدور مجوز تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی.
 - ۴- نظارت بر عملکرد مدارس و مراکز غیردولتی و شوراهای نظارت استان، شهرستان و منطقه.
 - ۵- تهیه و تدوین «الگوی تعیین شهریه مدارس و مراکز پرورشی یا آموزشی غیردولتی».
 - ۶- تجدیدنظر در آراء و تصمیمات شوراهای نظارت استان وفق این قانون.
- تبصره - کلیه مصوبات شورای نظارت مرکزی پس از تصویب وزیر آموزش و پرورش قابل اجراء است.»

الف - نظرات مخالف

- تشکیل شورای مذکور در این ماده با اختیارات در نظر گرفته شده برای آن، مانع اعمال صلاحیتهای اجرایی وزیر آموزش و پرورش و تصمیم گیری وی به طور مستقیم به عنوان جزئی از قوه مجریه، می شود که نوعی دخالت در اجرا و تضییق آن است؛ به عبارت دیگر، بر اساس این ماده، وزیر آموزش و پرورش الزاماً باید در چهارچوب مصوبات و پس از تصمیم گیری این شورا، صرفاً اقدام به تأیید مصوبات آنها کند. لذا تضییق صورت گرفته در این ماده نسبت به اختیارات وزیر در مقام اعمال صلاحیتهای

اجرائی خویش، مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی می‌باشد.

- با توجه به سلب اختیار و حق تصمیم‌گیری از وزیر آموزش و پرورش به صورت ابتدایی و مستقیم در این ماده، در این موارد، وی در مقابل مراجع نظارتی پاسخگویی هم نمی‌تواند داشته باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۶- متن زیر به عنوان ماده (۶) به این قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۶- ترکیب شورای نظارت استان از قرار زیر است:

- ۱- رئیس سازمان آموزش و پرورش استان (رئیس شورا)
- ۲- مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان آموزش و پرورش استان (نایب رئیس شورا)
- ۳- مسئول امور مدارس غیردولتی سازمان آموزش و پرورش استان (دبیر شورا)
- ۴- مسئول امور حقوقی سازمان آموزش و پرورش استان
- ۵- یک نفر به انتخاب انجمن اولیاء و مربیان استان
- ۶- دو نفر از مؤسسان مدارس غیردولتی به پیشنهاد معاون امور مدارس غیر دولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان آموزش و پرورش استان و تصویب سایر اعضای شورای نظارت استان»

الف - نظرات مخالف

- در این بندها به ترتیب از ۳ عنوان: ۱- مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان آموزش و پرورش استان، ۲- مسئول امور مدارس غیردولتی سازمان آموزش و پرورش استان، ۳- معاون امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان آموزش و پرورش استان؛ نام برده شده است که واجد ابهام است؛ چرا که مشخص نیست آنچه در بند (۱) و (۲) تحت عنوان «مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان آموزش و پرورش» و «مسئول امور مدارس غیردولتی سازمان آموزش و پرورش استان» آمده است، آیا همان معاون امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی سازمان است یا خیر و آنچه ذکر شده سه پست

است یا دو پست یا یکی؟

- با توجه به اینکه پست‌های مذکور در این ماده در لایحه پیشنهادی دولت پیش‌بینی نشده، بلکه در تغییرات صورت گرفته در مجلس به لایحه اضافه شده است، بنابراین، این امر مستلزم توسعه تشکیلاتی و سازمانی در آموزش و پرورش و تحمیل بار مالی به دولت می‌گردد که طریق تأمین هزینه‌های آن نیز مشخص نشده است. از این حیث، این ماده، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

- با عنایت به اینکه طبق اصل ۱۲۶ مسئولیت امور اداری و استخدامی بر عهده رئیس‌جمهور گذاشته شده، تعریف پست‌های سازمانی و چارت تشکیلاتی؛ همچون معاونت وزیر در صلاحیت قوه مجریه و رئیس‌جمهور است - که معمولاً با پیشنهاد وزیر مربوطه و تأیید آن به وسیله معاونت مربوطه در ریاست جمهوری صورت می‌گیرد - و مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند با قانونگذاری و ضابطه‌گذاری الزام به تعیین و ایجاد پست سازمانی جدید نماید. بر این اساس، اقدام مجلس در تعیین پست سازمانی معاون وزیر آموزش و پرورش در این ماده، مغایر اصل ۱۲۶ قانون اساسی می‌باشد.

- از آنجایی که افزودن پست سازمانی جدید و یا حتی تغییر عناوین درون سازمانی از شئون اجرایی به شمار می‌رود که وفق اصل ۶۰ قانون اساسی در حیطه صلاحیتی قوه مجریه (رئیس‌جمهور و وزرا) است، اقدام به انجام این امور توسط مجلس شورای اسلامی، دخالت در امور اجرایی محسوب شده و با اصل ۶۰ قانون اساسی در تضاد می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- به نظر می‌رسد آنچه در بند (۶) تحت عنوان «معاون امور مدارس غیر دولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی سازمان آموزش و پرورش استان» آمده، همان مسئول مذکور در بند (۲) این ماده («مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی سازمان آموزش و پرورش استان») است. بر این اساس، این ماده، مستلزم تعیین پست جدید و الزام به ایجاد آن برای دولت نیست.

- مفروض انگاشتن یک پست در قانون توسط قانونگذار، افاده تأسیس و جعل آن پست و الزام به ایجاد آن را نمی‌کند که متضمن بار مالی برای دولت باشد، بلکه وجود چنین مواردی در قوانین، صرفاً ایرادی مربوط به قانون‌نویسی است که برای چیزی که وجود ندارد، وظیفه مقرر کرده است.

ج - تصمیم شورا

از آنجا که معلوم نیست آیا مقصود از بندهای (۲)، (۳) و (۶) ماده مزبور، ایجاد معاون و مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی است یا خیر، با ۸ رأی موافق، این ماده واجد ابهام می‌باشد.

ماده ۷- متن زیر به عنوان ماده (۷) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۷- وظایف و اختیارات شورای نظارت استان عبارت است از:

۱- نظارت بر عملکرد مدارس و مراکز غیر دولتی و شوراهای نظارت شهرستان و منطقه.

۲- رسیدگی به تخلفات مدارس و مراکز غیردولتی و صدور حکم مطابق این قانون.

۳- رسیدگی به اعتراض مؤسسان مراکز غیر دولتی در مورد انتصاب مدیر و تعیین شهریه.

۴- تجدیدنظر در آراء و تصمیمات شوراهای نظارت شهرستان یا منطقه در شهرستان‌ها و مناطقی که دارای شورای نظارت هستند.

۵- سایر موارد مذکور در این قانون.»

ماده ۸- تبصره ماده (۱۵) به عنوان ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۸- با تشخیص شورای نظارت مرکزی در سطح شهرستانها و مناطق نیز با توجه به تعداد مدارس و مراکز غیردولتی و دانش‌آموزان تحت پوشش، شورای نظارت شهرستان یا منطقه با ترکیبی معادل ترکیب شورای نظارت استان تشکیل می‌شود. شورای نظارت شهرستان یا منطقه وظایف و اختیارات شورای نظارت استان را در آن شهرستان یا منطقه بر عهده دارد.»

الف - نظرات مخالف

- وظایف محوله به شورای نظارت شهرستان و مناطق دارای ماهیت اجرایی بوده و با عنایت به اینکه چنین شورایی با این ترکیب و وظایف در متن لایحه پیشنهادی دولت به مجلس وجود نداشته است، دخالت مجلس در حیطه امور اجرایی بوده و لذا مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی می‌باشد.

- از آنجا که ترکیب شوراهای نظارت شهرستان یا منطقه در ماده (۸)، معادل ترکیب

شورای نظارت استان مقرر در ماده (۶) پیش‌بینی شده است و دارای پست‌هایی است که قبلاً وجود نداشته، عیناً دارای همان مشکل و ابهام موجود در بندهای سه‌گانه ماده (۶) می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- اقدام مجلس به واگذاری وظایف اجرایی به شوراهای مذکور در مواد (۷) و (۸)، با ۱۱ رأی موافق، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- علاوه بر ایراد فوق، ابهام موجود در بندهای سه‌گانه ماده (۶)، در ماده (۸) نیز وجود دارد.

ماده ۱۰- ماده (۳) به عنوان ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۱۰- مؤسسان مدرسه یا مرکز پرورشی یا مرکز آموزشی غیردولتی باید

واجد شرایط ذیل باشند:

...

تبصره ۲- مؤسسان مدارس و مراکز غیردولتی اقلیتهای دینی شناخته شده در

قانون اساسی توسط مراجع رسمی دینی آنان که تابع و مقیم کشور هستند یا

نمایندگان مورد تأیید ایشان به وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌شوند. این

مدارس و مراکز فقط مجاز به ارائه خدمات آموزشی و پرورشی به دانش‌آموزان

اقلیتهای دینی هستند.»

الف - نظرات مخالف

- اطلاق اجازه تأسیس مدارس و مراکز غیردولتی به اقلیت‌های دینی شناخته شده در

قانون اساسی با عنایت به صرف اعطای آزادی در انجام مراسمات دینی و احوال شخصیه

و تعلیمات دینی، مغایر اصل ۱۳ قانون اساسی می‌باشد. به عبارت دیگر، ظاهر اصل ۱۳ تنها

حق تعلیمات دینی مستقل برای اقلیتهای دینی را پذیرفته است، نه آموزش و پرورش

مجزا را.

- اطلاق اجازه تأسیس مراکز غیردولتی به اقلیت‌های دینی، که در برگرفته مراکز و

فعالیت‌های پرورشی در مدارس هم می‌باشد موجب اجازه در اختیار قرار دادن شرایط و

امکانات تبلیغی به اقلیت‌های دینی می‌باشد که خلاف موازین شرع شمرده می‌شود. اجازه تأسیس مراکز پرورشی شبیه اجازه تأسیس کلیسا و کنیسه به اهل ذمه بوده که در مباحث فقهی به طور مفصل مطرح شده و مجوزی شرعی برای آن وجود ندارد.^(۱)

- اجازه تأسیس چنین مراکزی به اقلیت‌های دینی می‌تواند به طور طبیعی موجبات ترویج مسائلی شود که هر چند مطابق احکام اقلیت‌ها مجاز است، ولی با مبانی دینی و احکام و موازین اسلامی در تضاد است؛ همچون اختلاط زن و مرد، ترک حجاب و مسائل اخلاقی یا شرب مشروبات در اعیاد مذهبی و... که این امر در تضاد با بند ۱ از اصل ۳ قانون اساسی است.

- با عنایت به اینکه پذیرش حقوق اقلیت‌های دینی در حوزه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و حاکمیتی در قانون اساسی به نحو حصر در اصول ۱۳، ۲۶ و ۶۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، بنابراین، مجلس نمی‌تواند اجازه ایجاد مراکز آموزشی، پرورشی که حقوقی فراتر از موارد حصری یاد شده در قانون اساسی است، به آنها اعطا کند.

- با مقایسه اصل ۱۲ و ۱۳ مشخص می‌گردد قانون اساسی انجام فعالیت‌های تربیتی و پرورشی را تنها برای برادران و خواهران اهل سنت مجاز دانسته و مقرر داشته: «... مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند...». این در حالی است که در اصل ۱۳، چنین مجوزی برای انجام فعالیت‌های پرورشی - تربیتی به اقلیت‌های دینی داده نشده است.

۱. «القول فی شرایط الذمة ... السادس أن لا يحدثوا كنيسة ولا يضربوا ناقوساً ولا يطيّلوا بناء، و لو خالفوا عزّروا ... هذان الشرطان أيضاً كالثالث والرابع يحتمل أن يكون مخالفتهم فيهما ناقضاً للعهد مطلقاً، و يحتمل أن يكون ناقضاً مع الاشتراط» (تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۰۲)؛ «لا يجوز إحداث أهل الكتاب و من فی حکمهم المعابد فی بلاد الإسلام كالبيع و الكنائس و الصوامع و بيوت النيران و غيرها، و لو أحدثوها وجبت إزالتها علی والی المسلمین ... لا فرق فی ما ذکر من عدم جواز الاحداث و وجوب الإزالة بین ما كان البلد مما أحدثه المسلمون كالبصرة و الكوفة و بغداد و طهران، و جملة من بلاد ایران مما مصرها المسلمون أو فتحها المسلمون عنوة کثیر من بلاد ایران و تركيا و العراق و غيرها أو صلحا علی أن تكون الأرض للمسلمین، ففي جميع ذلك يجب إزالة ما أحدثوه، و يحرم إبقاؤها كما يحرم الاحداث، و علی الولاة و لو كانوا جائرين منهم عن الاحداث، و إزالة ما أحدثوه، سيما مع ما ترى من المفاصد العظيمة الدينية و السياسية و الخطر العظيم علی شبان المسلمین و بلادهم» (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۰۴).

ب - نظرات موافق

- در خصوص منع اهل ذمه از ساختن معابد و...، نظر مشهور فقها و نظر حضرت امام^(ره) همان است که بیان شد، لیکن صاحب جواهر در ذیل شرایط ذمه و در بحث از حکم ساختن معابد توسط اهل کتاب بیان می‌کند که مستند این حکم، اجماع فقها است و بر این اساس، چنانچه دلیل اجماع کامل و تمام باشد، این حکم مورد قبول است، و گرنه حکم ممنوعیت، دلیل لفظی ندارد، بلکه مقتضای اصل اباحه و اطلاق ادله، آن است که اهل کتاب در آنچه که در شریعت خود مجاز به انجام آن هستند، آزادند، ضمن آنکه مقتضای پیمان ذمه نیز مؤید آزادی فعالیت آنها است.^(۱) لذا حکم ممنوعیت اهل ذمه از ساختن معابد و... جزء مسلمات نیست، بلکه نظر فقهی مشهور فقها است.

- آنچه در منابع فقهی آمده است که اهل کتاب، امکان ساخت معابد ندارند شامل مدرسه و امور پرورشی نمی‌شود و با این استدلال نمی‌توان دایر کردن مراکز آموزشی و پرورشی را خلاف شرع دانست. همان‌گونه که میان مسجد و کانون فرهنگی مسجد تفاوت قائلیم و احکام شرعی مسجد را بر کانون بار نمی‌کنیم، اینجا نیز نمی‌توان دایر کردن مراکز آموزشی و پرورشی را با دایر کردن عبادتگاهها یکسان دانست.

- با توجه به اینکه جمهوری اسلامی از اقلیتهای مذهبی جزیه نمی‌گیرد، در اینکه اقلیتهای مذهبی موجود و پذیرفته شده در ایران، همان اهل ذمه مقرر در فقه هستند قابل بحث است و به نظر می‌رسد وضعیتشان به اهل عهد بیشتر نزدیک باشد. در این صورت، نحوه برخورد با اهل عهد، تابع قرارداد و شرایط معهود بین آنها با حکومت اسلامی می‌باشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق تبصره (۲) ماده (۱۰) در تجویز تأسیس مدارس و مراکز غیر دولتی به اقلیتهای دینی، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۱۳ قانون اساسی می‌باشد و نیز اطلاق اجازه تأسیس مراکز مذکور، با ۵ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۱. «الخامس أن لا يحدّثوا كنيسة ولا يضربوا ناقوسا ولا يطيلوا بناء و يعزرون لو خالفوا كما صرح بذلك غير واحد، بل يظهر من بعضهم المفروغية منه، بل عن الغنية الإجماع على التقض به و إن لم يشترط، فإن تم ذلك كان هو الحجة، و إلا كان مقتضى الأصل و الإطلاق جواز ما كان جائزا في شرعهم الذي أمرنا بإقرارهم عليه بل عقد الذمة يقتضيه...» (جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، صص ۲۷۱-۲۷۰).

ماده ۱۲- ماده (۱۸) به عنوان ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۱۲- بانک‌های کشور موظفند طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا با معرفی وزارت آموزش و پرورش پنجاه درصد (۵۰٪) از نیاز مالی مؤسسان مدارس و مراکز پرورشی غیردولتی را - که از کارکنان آموزش و پرورش هستند - جهت تهیه فضای آموزشی و پرورشی و تأمین تجهیزات و امکانات مورد نیاز به صورت وام قرض‌الحسنه و برای سایر اشخاص از دیگر منابع اعتبارات بانکی تأمین نمایند.»

الف - نظرات مخالف

- تفکیک میان کارکنان آموزش و پرورش که مدارس و مراکز پرورشی تأسیس می‌کنند با غیرکارکنان آموزش و پرورش - که به گروه اول، وام بدون بهره (قرض‌الحسنه) و به گروه دوم وام بانکی رایج تعلق می‌گیرد - مستلزم تبعیض ناروا میان دو گروه یاد شده است. بنابراین، این ماده، مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

- متن ماده صرفاً به «مراکز پرورشی غیردولتی» اشاره کرده و نامی از «مراکز آموزشی غیردولتی» به میان نیاورده است. این مسئله نیز مستلزم تبعیض ناروا میان مراکز آموزشی غیردولتی و مراکز پرورشی غیردولتی و مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

- اطلاق تخصیص منابع اعتباری قرض‌الحسنه به مؤسسان مراکز مذکور از آنجا که دربرگیرنده مؤسسان مدارس مختص به اقلیتهای دینی (موضوع تبصره ۲ ماده ۱۰) نیز می‌باشد، با عنایت به اینکه مستلزم کمک به اقلیتها از محل منابع قرض‌الحسنه و بودجه عمومی جهت تأسیس مراکز پرورشی و در نتیجه، اعانت در ترویج ادیانشان می‌باشد، خلاف شرع قلمداد می‌گردد.

- با توجه به اطلاق مندرج در این ماده مبنی بر الزام کلیه بانکها به تخصیص منابع بانکی به مؤسسان مدارس، مشخص نیست که بر پایه چه مبنایی بانکهای غیردولتی نیز چنین تکلیفی دارند؟ همچنین مشخص نیست که در صورت عدم کفاف منابع مالی بانکها، انجام این تکلیف چه وضعیتی خواهد داشت؟

- به نظر می‌رسد بحث رضایت صاحبان سرمایه در نحوه تخصیص منابع مالی بانکها نیز مهم است؛ چه آنکه در صورتی که سپرده‌گذاران دارایی‌های خود را بدون قید و شرط و به صورت مطلق در اختیار صندوقهای قرض‌الحسنه قرار نداده باشند، رضایت آنها در

نحوه اعطای وام شرط خواهد بود. بر این اساس، تصور نمی‌شود مسلمانان راضی به اعطای وام از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه خود به غیرمسلمانان باشند.

ب - نظرات موافق

- این استدلال که اطلاق این ماده شامل مؤسسه آموزشی مربوط به اقلیتها هم می‌شود، محل ایراد است؛ زیرا بر اساس این استدلال، تمامی قوانین و مقرراتی که تسهیلاتی بانکی در اختیار مردم قرار می‌دهند را باید خلاف شرع دانست؛ چرا که در آنها نیز قیدی مبنی بر اینکه استفاده کننده از تسهیلات حتماً مسلمان باشد وجود ندارد. ضمن آنکه صرف در اختیار گذاردن تسهیلات بانکی به اقلیتهای دینی عیبی ندارد، بلکه آنچه محل ایراد است کمکی است که در راستای ترویج دینشان صرف شود.

- از آنجا که مقرر شد در ماده قبل بحث پرورش بر عهده مدارس اقلیتها نباشد و صرفاً آموزش را بر عهده بگیرند، لذا به نظر می‌رسد استفاده از تسهیلات بانکی برای ساختن و اداره مدرسه اشکالی نداشته باشد؛ زیرا پرورش و ترویج دین در آن متفی خواهد بود.

- کمک کردن به اقلیتهای دینی در جهت سوادآموزی و رشد علمی و استفاده آنها از منابع مالی مسلمانان منع شرعی ندارد؛ چنانچه هم اکنون نیز همه ایرانیان حق برخورداری از این منابع را دارا می‌باشند. وقتی فرزندان اقلیتها حق درس خواندن دارند، ما برای استفاده از این حق آنها را کمک می‌کنیم تا با استفاده از تسهیلات بانکی مدرسه بسازند، همین طور که الان کمکشان می‌کنیم و حقوق معلمینشان را دولت پرداخت می‌کند.

- بانک، وکیل یا مستخدم صاحبان سرمایه نمی‌باشد که ملزم به اجازه‌گیری و اخذ رضایت آنها در نحوه اعطای اعتبارات بانکی باشد. به عبارت دیگر، بانک از طرف صاحبان اصلی اقدام به اعطای وام نمی‌کند، بلکه سرمایه‌ها در اختیار بانک است و بانک طبق نظر خود عمل می‌کند و وام اعطا می‌کند.

ج - تصمیم شورا

در ماده (۱۲)، اطلاق پرداخت وام قرض‌الحسنه با توجه به اشکال مندرج در ماده (۱۰)، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۳- متن زیر به عنوان ماده (۱۳) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۳- دولت موظف است همه ساله یارانه مربوط به تسهیلات بانکی را برای خرید زمین، ساختمان، تجهیزات و یا احداث، تکمیل و تعمیر مدارس غیردولتی در حدود امکانات خود در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید.»

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که حکم مندرج در این ماده، در لایحه دولت نبوده و توسط نمایندگان مجلس اضافه گردیده است و با این وجود، محل تأمین هزینه‌ها و بار مالی ناشی از این تکلیف، توسط مجلس پیش‌بینی نشده است، این ماده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

- از آنجا که اطلاق ماده (۱۳) در ارائه تسهیلات بانکی برای مدارس غیردولتی، شامل مدارس اقلیتهای دینی نیز می‌شود، همان ایراد شرعی مطروحه در ذیل تبصره (۲) ماده (۱۰) و ماده (۱۲) در این ماده نیز وجود دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

از آنجا که منابع تأمین هزینه‌های ناشی از تکلیف دولت به پرداخت یارانه در ماده (۱۳) تعیین نشده، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد. همچنین، اطلاق این ماده، مبتنی بر ایراد مذکور در تبصره (۲) ماده (۱۰)، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۴- متن زیر به عنوان ماده (۱۴) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۴- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود مطابق قوانین و مقررات، زمین و ساختمانهای مازاد بر نیاز خود را به صورت اجاره یا فروش به مؤسسان مدارس غیر دولتی واگذار نماید. آئین‌نامه تعیین قیمت فروش، اجاره و نحوه و شرایط واگذاری ساختمانها و اراضی مذکور، ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره - واگذاری زمین و ساختمان‌های مازاد بر نیاز آموزش و پرورش به مؤسسان مدارس غیرانتفاعی در هر محل مشروط بر آن است که در دسترسی مردم به مدارس دولتی آن محل خللی وارد نشود.

ماده ۱۵- متن زیر به عنوان ماده (۱۵) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۵- به منظور حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی، به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود با مشارکت این مؤسسان «صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» را ایجاد نماید. دولت موظف است همه ساله، علاوه بر کمک‌ها و تسهیلات مذکور در این قانون، حداقل معادل پنجاه درصد (۵۰٪) از قیمت تمام شده سرانه سالانه دانش‌آموزی در بخش دولتی را به ازاء کل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس غیردولتی به این صندوق کمک نماید. اساسنامه صندوق مذکور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

- تصمیم شورا

در مواد (۱۴) و (۱۵)، اطلاق اجاره یا فروش زمین و ساختمان‌ها، با توجه به ایراد مطروحه در ذیل تبصره (۲) ماده (۱۰)، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۸- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۸- مؤسسان یا نماینده حقوقی ایشان با توجه به «الگوی تعیین شهریه مدارس و مراکز پرورشی یا آموزشی غیردولتی» میزان شهریه را برای بررسی و تصویب به شورایی مرکب از افراد زیر در آموزش و پرورش شهرستان، منطقه یا ناحیه پیشنهاد می‌کنند:

۱- مدیر یا رئیس آموزش و پرورش (رئیس شورا).

۲- دو نفر به انتخاب مدیر یا رئیس آموزش و پرورش.

۳- مسؤول انجمن اولیاء و مربیان.

۴- یک نفر از مؤسسان مدارس و مراکز غیردولتی به انتخاب ایشان.

تبصره - مؤسس می‌تواند اعتراض خود را نسبت به نرخ شهریه تعیین شده، برای بررسی و تصمیم نهایی به شورای نظارت استان تقدیم نماید.»

الف - نظر مخالف

- وظایف محوله به شورای مذکور در تبصره ماده (۱۸) دارای ماهیت اجرایی بوده و با عنایت به اینکه چنین شورایی با این ترکیب و وظایف در متن لایحه پیشنهادی دولت به مجلس وجود نداشته است، دخالت مجلس در حیطه امور اجرایی بوده و لذا مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

تبصره ماده (۱۸)، با ۹ رأی موافق، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۲- متن زیر به عنوان ماده (۲۱) به قانون الحاق می گردد:

«ماده ۲۱- مدارس و مراکز پرورشی و آموزشی غیردولتی در برخورداری از تخفیفات، ترجیحات و کلیه معافیهای مالیاتی و عوارض در حکم مدارس دولتی هستند.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه مؤسسات مشمول تخفیف، ترجیح، معافیت مالیاتی و عوارض در لایحه پیشنهادی دولت^(۱)، تنها محدود به «مدارس غیردولتی» بوده، لیکن در اصلاحات به عمل آمده در مجلس، گستره مؤسسات برخورداری از این تسهیلات افزایش یافته و شامل «مدارس و مراکز پرورشی و آموزشی غیردولتی» گردیده است، این ماده مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می باشد؛ زیرا افزایش گستره مشمولین تسهیلات مزبور، منجر به تقلیل درآمدهای عمومی دولت می شود که هیچ طریقی برای جبران این کاهش توسط نمایندگان پیش بینی نشده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

۱. ماده ۲۲ لایحه پیشنهادی دولت: «مدارس غیردولتی در برخورداری از تخفیفها، ترجیحات و کلیه معافیهای مالیاتی و عوارض، در حکم مدارس دولتی خواهند بود».

ج - تصمیم شورا

ماده (۲۲) نسبت به مواردی که بر لایحه دولت افزوده گردیده است، به اتفاق آراء، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۴- ماده (۵) به عنوان ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۲۳- مدیر مدرسه، مرکز پرورشی یا آموزشی باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

ب - اعتقاد و التزام عملی به مبانی و احکام اسلام.

ج - التزام عملی به قانون اساسی و ولایت فقیه.

د - عدم وابستگی به رژیم گذشته یا گروه‌های منحرف و غیرقانونی.

ه - نداشتن سوء پیشینه کیفری.

و - سلامت روانی و نداشتن نقص عضوی که مانع انجام وظیفه است.

ز - تأهل برای مردان.

تبصره ۱- حداقل میزان تحصیلات، سوابق تجربی و سایر شرایط لازم برای

مدیر مدرسه غیردولتی همانند مدیر مدرسه دولتی است.

تبصره ۲- مدیر مرکز پرورشی لازم است حداقل پنج سال سابقه آموزشی یا

پرورشی داشته باشد. سایر شرایط مدیر مرکز پرورشی یا آموزشی مطابق

مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش است.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه در تبصره ۲ این ماده، حق تعیین سایر شرایط مدیر مرکز پرورشی یا آموزشی به شورای عالی آموزش و پرورش واگذار شده است و این امر، نوعی قانونگذاری محسوب می‌شود که وفق اصل ۸۵، منحصرأ در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، تبصره مزبور، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

تبصره (۲) ماده (۲۴) به دلیل تقنینی بودن مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، با رأی موافق، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۵- ماده (۶) به عنوان ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۲۴- مدیر مدرسه، مرکز پرورشی یا آموزشی غیردولتی بر اساس پیشنهاد مؤسس و تأیید و حکم آموزش و پرورش تعیین می گردد. انتخاب مجدد وی بلامانع است.

تبصره ۱- در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ پیشنهاد، حکم مدیر صادر نشود، با درخواست مؤسس، شورای نظارت استان در مورد افراد پیشنهاد شده تصمیم می گیرد.

تبصره ۲- چنانچه مدیر پیشنهادی، مستخدم رسمی آموزش و پرورش نباشد، تأیید صلاحیت او توسط گزینش وزارت آموزش و پرورش الزامی است.»

الف - نظر مخالف

- از آنجا که وفق اصل ۶۰ قانون اساسی، اعمال قوه مجریه و امور اجرایی - جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده - در صلاحیت رییس جمهور و وزرا است، حکم مندرج در تبصره (۱) ماده مذکور که وظیفه ای اجرایی را به شورای نظارت استان واگذار کرده است، مغایر با اصل مزبور می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

تبصره (۱) ماده (۲۵)، به دلیل اجرایی بودن تصمیم شورای نظارت، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۸- ماده (۱۹) به عنوان ماده (۲۷) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۲۷- کارکنان تمام وقت فاقد پوشش بیمه ای مدارس و مراکز غیردولتی از مزایای «قانون تأمین اجتماعی و اصلاحات بعدی آن» برخوردار می شوند. هفت درصد (۷٪) از حق بیمه این گروه بر عهده کارکنان، سیزده درصد (۱۳٪) بر عهده کارفرما و ده درصد (۱۰٪) دیگر بر عهده دولت است. کارکنان پاره وقت فاقد پوشش بیمه ای نیز به نسبت ساعات انجام کار مشمول حمایت های مقرر در این ماده هستند.

تبصره ۱- ...»

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه حکم مقرر در این ماده در لایحه پیشنهادی دولت وجود نداشته و بر اساس پیشنهاد نمایندگان در مجلس به تصویب رسیده است و با عنایت به اینکه تحمیل معادل ۱۰ درصد از حق بیمه کارکنان مراکز و مدارس غیردولتی به دولت، مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌باشد که طریق تأمین آن در این مصوبه پیش‌بینی نشده است، این ماده، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در ماده (۲۸)، تحمیل پرداخت ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه کارکنان مدارس و مراکز غیردولتی به دولت، به اتفاق آراء، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۹- متن زیر به عنوان ماده (۲۸) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۲۸- تعیین حقوق و مزایای کارکنان غیر رسمی مدارس غیردولتی، مطابق آئین‌نامه‌ای است که توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه تعیین حقوق و مزایای کارکنان، امری تقنینی است که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی بوده و قابل واگذاری به غیر هم نیست، لذا حکم مقرر در ماده مزبور مبنی بر واگذاری صلاحیت حق تعیین حقوق و مزایای کارکنان به آیین‌نامه، از آن جهت که اعطای حق قانونگذاری به هیأت وزیران است، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در ماده (۲۹)، تفویض تعیین حقوق و مزایای کارکنان به آیین‌نامه، با رأی موافق، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۴- متن زیر به عنوان ماده (۳۳) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۳۳- در صورت انحلال یا تعطیلی دائم مدرسه غیردولتی وضعیت

مدرسه به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف - مدرسی که در زمین با کاربری آموزشی احداث می‌گردند، برای همیشه با کاربری آموزشی و با اولویت مدرسه استفاده می‌شوند.

ب - مدرسی که در زمین با کاربری غیر آموزشی و با استفاده از تسهیلات بانکی موضوع این قانون خریداری و یا احداث می‌گردند، پس از بازپرداخت تسهیلات و تسویه حساب با بانک عامل، متناسب با میزان تسهیلات دریافتی و آورده مؤسس به مدت پنج الی ده سال به عنوان مدرسه باقی می‌مانند.

ج - مدرسی که در زمین با کاربری غیر آموزشی و بدون استفاده از تسهیلات بانکی خریداری و یا احداث می‌گردند، حداقل به مدت یک دوره تحصیلی به عنوان مدرسه باقی می‌مانند.

تبصره - در مورد بندهای (الف) و (ب) این ماده، چنانچه به هر دلیلی مؤسس امکان ادامه فعالیت نداشته باشد، ملک مورد نظر به مؤسس واجد شرایط دیگر یا آموزش و پرورش واگذار می‌گردد.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به تصریح ماده (۳۴) این مصوبه که «واگذاری» ملک را قسیم «فروش» و «اجاره» املاک قرار داده است^(۱)، تبصره ماده مزبور که مؤسس مدرسه غیردولتی را مجبور به «واگذاری» صرف مدرسه به مؤسس واجد شرایط دیگر یا آموزش و پرورش می‌کند و به عبارت دیگر، امکان «فروش»، «اجاره» یا «تعویض مدیر» و... را از مؤسس مدرسه غیردولتی می‌گیرد، بلا وجه و خلاف موازین شرع می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- مراد از «واگذاری» در تبصره ماده (۳۳)، اعم از «اجاره»، «فروش»، «صلح» و «هبه» و غیر اینها است. بنابراین، این تبصره، محدودیت بلا وجهی را برای مؤسس ایجاد نمی‌کند.

۱. «ماده ۳۴- در صورت فوت مؤسس، ورثه قانونی او یا نماینده آنها با دارا بودن شرایط مؤسس می‌توانند فعالیت مدرسه را ادامه دهند و اگر فاقد شرایط بودند یا تمایلی به ادامه فعالیت نداشتند، باید پس از پایان سال تحصیلی نسبت به فروش، اجاره یا واگذاری آن با رعایت ماده (۳۳) اقدام نمایند. در این صورت مدرسه تا پایان سال تحصیلی زیر نظر آموزش و پرورش به فعالیت خود ادامه می‌دهد.»

- عبارات و قیود مندرج در تبصره مزبور، دلالت بر آن دارد که مؤسس هیچ راه دیگری جز «واگذاری»، برای تعطیل نشدن مدرسه غیردولتی ندارد و به عبارت دیگر، منصرف از «اجاره»، «صلح»، و... است؛ زیرا متن این تبصره بیان می‌کند که «... چنانچه به هر دلیلی مؤسس امکان ادامه فعالیت نداشته باشد...» و روشن است که «اجاره»، «تعویض مدیر» و... هر یک امکانی است که برای ادامه فعالیت مدرسه وجود دارد. بنابراین، با وجود قیود مندرج در این تبصره، محدود شدن مؤسس به «واگذاری»، صرفاً ناظر بر مواردی است که هیچ امکان و راهی؛ از جمله اجاره و... برای تعطیل نشدن مدرسه و ادامه فعالیت آن، جز «واگذاری» وجود ندارد.

ماده ۳۶- تبصره (۲) ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
«ماده ۳۵- در صورت انحلال یا تعطیلی دائم مدرسه غیردولتی اموال منقولی که به عنوان کمک دولت در اختیار مدرسه بوده است، به آموزش و پرورش واگذار می‌شود. تعیین تکلیف اموال منقول و غیرمنقول اهدایی از سوی افراد خیر و مؤسسات خیریه مطابق دستورالعملی است که توسط شورای نظارت مرکزی تهیه می‌شود و پس از تصویب وزیر آموزش و پرورش قابل اجرا است.»

الف - نظر مخالف

- اعطای حق تصمیم‌گیری در خصوص اموال اهدایی از سوی خیرین و مؤسسات خیریه به شورای نظارت مرکزی از دو جهت دارای ایراد می‌باشد: اولاً اطلاق حکم مندرج در این ماده مبنی بر تعیین تکلیف اموال اهدایی، از این جهت که مقید به لحاظ نظر خیرین و اهدا کنندگان نشده است، از لحاظ شرعی واجد اشکال است؛ ثانیاً تصمیم‌گیری نسبت به موضوع فوق، از شئون قانونگذاری است که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و قابل واگذاری به غیر نیز نمی‌باشد. بنابراین اعطای حق تصمیم‌گیری در این خصوص به شورای نظارت مرکزی، واگذاری صلاحیت قانونگذاری به غیر محسوب می‌شود که با اصل ۸۵ قانون اساسی در تضاد می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در ماده (۳۶)، انتقال اموال منقول مدرسه به آموزش و پرورش، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع و واگذاری تعیین تکلیف اموال مذکور به دستورالعمل اجرایی، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۸- ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
 «ماده ۳۷- مجازاتهای قابل اعمال در مورد مدارس و مراکز غیردولتی در صورت تخلف از تکالیف مندرج در این قانون و سایر مقررات ابلاغ شده از طرف آموزش و پرورش عبارتند از:
 الف - اخطار کتبی به مدیر یا مؤسس.
 ب - توبیخ مدیر یا مؤسس همراه با درج در پرونده.
 ج - عزل مدیر و محرومیت از مدیریت در مدارس و مراکز غیردولتی از یک تا سه سال.

د - محرومیت دائم مدیر از مدیریت مدارس و مراکز غیردولتی.
 ه - تعطیلی موقت مدرسه یا مرکز از یک تا سه سال.
 و - لغو مجوز تأسیس و تعطیلی دائم مدرسه یا مرکز.
 ز - محرومیت موقت مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیر دولتی تا پنج سال.
 ح - محرومیت دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی.
 تبصره ۱- در صورت عزل مدیر مدرسه، انتخاب مدیر جدید به روش مذکور در ماده (۱۱) انجام می‌شود و تا تعیین مدیر جدید اداره مدرسه حداکثر تا پایان سال تحصیلی بر عهده مدیر موقتی است که توسط آموزش و پرورش با اولویت کارکنان همان مدرسه مشخص می‌شود. در صورت عزل مدیر مرکز پرورشی یا آموزشی، نحوه اداره آن مرکز به تشخیص شورای نظارت استان است.
 تبصره ۲- در صورت تأیید رأی شورای نظارت استان مبنی بر تعطیلی مدرسه غیردولتی، اداره آن تا پایان سال تحصیلی بر عهده آموزش و پرورش است.»

الف - نظر مخالف

- تفویض تعیین نحوه اداره مراکز مذکور در تبصره (۱) به شورای نظارت استان از آنجا که در زمره امور اجرایی است که وفق اصل ۶۰ قانون اساسی، اعمال آن در صلاحیت قوه مجریه (رییس جمهور و وزرا) است، مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

وظیفه تفویض شده در تبصره (۱) ماده (۳۸)، به شورای نظارت استان، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۹- تبصره (۱) ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۸) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۳۸- آراء شورای نظارت استان در موارد حکم به تعطیلی موقت یا دائم مدرسه یا مرکز یا محرومیت موقت یا دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی قابل تجدیدنظرخواهی در شورای نظارت مرکزی است. آراء صادره توسط شورای نظارت مرکزی قطعی و لازم الاجراء است. فرجام خواهی از آراء شورای نظارت مرکزی در مورد تعطیلی دائم مدرسه یا مرکز غیردولتی یا محرومیت دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیر دولتی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی در دیوان عدالت اداری انجام می شود.»

الف - نظر مخالف

- در این ماده، فرجام خواهی از آراء شورای نظارت مرکزی، در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار گرفته که با عنایت به صلاحیت دیوان عدالت در خصوص ابطال تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی خلاف قانون (مقرر در اصل ۱۷۰ قانون اساسی)، چنین برداشت می شود که آراء صادر شده توسط شورای نظارت، به عنوان تصویب نامه یا آیین نامه قلمداد گردیده است، در حالی که آرای شورای نظارت، در حیطه تصمیمات جای می گیرد. بر این اساس، این ماده مغایر با اصل ۱۷۰ قانون اساسی می باشد. همچنین با عنایت به اختیار سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه های اداری و نادیده گرفتن این اختیار در این ماده، مغایر با اصل ۱۷۴ قانون اساسی نیز می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده (۳۹)، با رأی موافق، مغایر با اصول ۱۷۰ و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۴۱- «قانون اجازه اخذ هزینه‌های مربوط به صدور اجازه تأسیس و تجدید امتیاز آموزشگاه‌های علمی آزاد» مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ ملغی می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به حکم مندرج در این ماده مبنی بر الغاء قانون اجازه اخذ هزینه‌های مربوط به صدور، تأسیس و تجدید امتیاز آموزشگاه‌های علمی آزاد که موجبات کاهش درآمد عمومی دولت را فراهم می‌نماید و با عنایت به اینکه این حکم در لایحه پیشنهادی دولت وجود نداشته و توسط نمایندگان مجلس، پیشنهاد و به تصویب رسیده است و برای جبران این کاهش درآمد نیز، هیچ پیش‌بینی صورت نگرفته است، این ماده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- قانون جدید امکان اخذ وجوهی را از دولت نگرفته، بلکه همه قوانین ناظر به مدارس غیردولتی و آموزشگاه‌های آزاد و... را یکپارچه کرده است و بر این اساس، در این ماده اعلام کرده که اخذ هزینه‌های مربوط به صدور و تأسیس چنین مراکزی، دیگر در قالب آموزشگاه‌های علمی آزاد ممکن نیست و باید در قالب مراکز غیرانتفاعی اخذ گردد، لذا هیچ گونه کاهشی در امکانهای درآمدی دولت ایجاد نکرده و مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی نمی‌باشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه در بندهای (۲) و (۳) ماده (۶)، از این جهت که معلوم نیست آیا مقصود ایجاد معاون و مسئول امور مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی است یا خیر ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

در مواد (۷) و (۸) به دلیل اجرایی بودن وظایف محوله به شوراهای مذکور، مغایر اصل ۶۰

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۶۲ مورخ ۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

قانون اساسی شناخته شد.

ماده (۸) علاوه بر ایراد فوق، ابهام ماده (۶) را نیز دارد.

اطلاق تبصره (۲) ماده (۱۰)، مغایر اصل ۱۳ قانون اساسی می‌باشد و نیز اطلاق اجازه تأسیس مراکز مذکور، خلاف موازین شرع شناخته شد.

در ماده (۱۲)، اطلاق پرداخت وام قرض‌الحسنه با توجه به اشکال مندرج در ماده (۱۰)، خلاف موازین شرع شناخته شد.

در ماده (۱۳)، الزام دولت به پرداخت یارانه چون منابع تأمین آن تعیین نشده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی و نیز اطلاق آن خلاف موازین شرع شناخته شد.

در مواد (۱۴) و (۱۵)، اطلاق اجاره یا فروش زمین و ساختمانها با توجه به تبصره (۲) ماده (۱۰)، خلاف موازین شرع شناخته شد.

تبصره ماده (۱۸)، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده (۲۲)، نسبت به مواردی که بر لایحه دولت افزوده گردید، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

تبصره (۲) ماده (۲۴)، به دلیل تقنینی بودن مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

تبصره (۱) ماده (۲۵)، به دلیل اجرائی بودن تصمیم شورای نظارت، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

در ماده (۲۸)، تحمیل ده درصد (۱۰٪) به دولت، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
در ماده (۲۹)، تفویض تعیین حقوق و مزایای کارکنان به آئین‌نامه، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

در ماده (۳۶)، انتقال اموال منقول مدرسه به آموزش و پرورش، خلاف موازین شرع و واگذاری تعیین تکلیف اموال مذکور به دستورالعمل اجرائی، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

وظیفه تفویض شده در تبصره (۱) ماده (۳۸) به شورای نظارت استان، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده (۳۹)، مغایر اصول ۱۷۰ و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی اول مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۳/۶^(۱)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲۲

ماده ۶- متن زیر به عنوان ماده (۶) به این قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۶- در سطح استانها به ریاست رئیس سازمان آموزش و پرورش استان و در صورت لزوم در سطح شهرستانها و مناطق به ریاست مدیر یا رئیس سازمان آموزش و پرورش شوراهایی با ترکیب نمایندگان شورای نظارت مرکزی تشکیل می‌شود. در صورت اعتراض متقاضیان به تصمیمات این شوراهای، موضوع به شورای بالاتر ارجاع می‌گردد.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده (۷) حذف شد.

ماده (۸) حذف شد.

مقرر شد ضمن حذف تبصره (۲) ماده (۱۰)، عبارت زیر به عنوان ماده (۹) منظور گردد:

ماده ۹- تبصره (۳) ماده (۳)^(۲) به عنوان تبصره (۲) ماده (۱۰) لحاظ شده و عبارت زیر به انتهای آن افزوده گردد:

«این مدارس فقط مجاز به ثبت نام از دانش‌آموزان اقلیت‌های دینی هستند.»

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- با اصلاح صورت گرفته، ایراد شورای نگهبان مبنی بر در برگرفتن بحث پرورش

۱. مصوب کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

۲. تبصره (۳) ماده (۳) قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷: مؤسسان مدارس اقلیتهای دینی شناخته شده موضوع این قانون، توسط مراجع رسمی مذهبی آنان که تابع و مقیم کشور هستند یا نمایندگان مورد تأیید ایشان باشند، به وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌شوند.

در کنار آموزش در مصوبه مجلس و گسترده شدن دامنه اصل ۱۳، مرتفع گردیده و تبعاً با بازگشت به قانون سابق و الحاقیه جدید مجلس، این مدارس صرفاً مجاز به ثبت نام دانش‌آموزان اقلیتهای دینی هستند و در سایر موارد و شرایط نیز، تابع مقررات عمومی کشور می‌باشند.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۱۲- ماده (۱۸) به عنوان ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
 «ماده ۱۲- بانک‌های کشور موظفند طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا با معرفی وزارت آموزش و پرورش پنجاه درصد (۵۰٪) از نیاز مالی مؤسسات مدارس و مراکز پرورشی غیردولتی را - که از کارکنان آموزش و پرورش هستند - جهت تهیه فضای آموزشی و پرورشی و تأمین تجهیزات و امکانات مورد نیاز به صورت وام قرض‌الحسنه و برای سایر اشخاص از دیگر منابع اعتبارات بانکی تأمین نمایند.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده نسبت به تبصره (۲) ماده (۱۰)، ایراد شورا نسبت به این ماده نیز برطرف شده است.

ماده ۱۳- متن زیر به عنوان ماده (۱۳) به قانون الحاق می‌گردد:
 «ماده ۱۳- دولت موظف است همه ساله یارانه مربوط به تسهیلات بانکی را برای خرید زمین، ساختمان و تعمیرات مدارس غیردولتی در حدود امکانات خود در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایرادات شورا برطرف شده است.

ماده ۱۴- متن زیر به عنوان ماده (۱۴) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۴- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود مطابق قوانین و مقررات، زمین و ساختمانهای مازاد بر نیاز خود را به صورت اجاره یا فروش به مؤسسان مدارس غیر دولتی واگذار نماید. آئین‌نامه تعیین قیمت فروش، اجاره و نحوه و شرایط واگذاری ساختمانها و اراضی مذکور، ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره - واگذاری زمین و ساختمانهای مازاد بر نیاز آموزش و پرورش به مؤسسان مدارس غیرانتفاعی در هر محل مشروط بر آن است که در دسترسی مردم به مدارس دولتی آن محل خللی وارد نشود.»

ماده ۱۵- متن زیر به عنوان ماده (۱۵) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۵- به منظور حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی، به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود با مشارکت این مؤسسان «صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» را ایجاد نماید. دولت موظف است همه ساله، علاوه بر کمک‌ها و تسهیلات مذکور در این قانون، حداقل معادل پنجاه درصد (۵۰٪) از قیمت تمام شده سرانه سالانه دانش‌آموزی در بخش دولتی را به ازاء کل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس غیردولتی به این صندوق کمک نماید. اساسنامه صندوق مذکور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده نسبت به تبصره (۲) ماده (۱۰)، ایراد شورا نسبت به مواد (۱۴) و (۱۵) نیز برطرف شده است.

ماده ۱۸- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۱۸- ...

تبصره - مؤسس می‌تواند اعتراض خود را نسبت به نرخ شهریه تعیین شده، برای بررسی و تصمیم نهایی به شورای نظارت مرکزی تقدیم نماید.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه در اصلاح صورت گرفته در مصوبه مجلس، وظایف مقرر برای

شورای نظارت استان، به شورای نظارت مرکزی منتقل گردیده، اشکال مطرح شده در خصوص واگذاری امور اجرایی به شورای مذکور که دخالت در حیطه صلاحیتهای اجرایی دولت قلمداد می‌شود، همچنان به قوت خود باقی است. لذا تبصره ماده (۱۸) همچنان مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در تبصره ماده (۱۸)، علیرغم اصلاحات به عمل آمده، ایراد قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۲- متن زیر به عنوان ماده (۲۱) به قانون الحاق می‌گردد:

«ماده ۲۱- مدارس غیردولتی در برخورداری از تخفیفات، ترجیحات و کلیه معافیت‌های مالیاتی و عوارض در حکم مدارس دولتی هستند.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده توسط مجلس مبنی بر بازگشت به لایحه پیشنهادی دولت در این ماده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۴- ماده (۵) به عنوان ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۲۳- ...

تبصره ۲- مدیر مرکز پرورشی لازم است حداقل پنج سال سابقه آموزشی یا پرورشی داشته باشد.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۵- ماده (۶) به عنوان ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۲۴- ...»

تبصره ۱- در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ پیشنهاد، حکم مدیر صادر نشود، با درخواست مؤسس، شورای نظارت مرکزی در مورد افراد پیشنهاد شده تصمیم می گیرد.
تبصره ۲- ...»

الف - نظر مخالف

- ایراد این ماده از این جهت بود که صلاحیت اعطایی به شورای نظارت استان، از شئون امور اجرایی و صلاحیتهای مقرر در اصل ۶۰ قانون اساسی است که اعمال آن بر عهده دولت (رئیس جمهور و وزرا) قرار گرفته است. لذا از آنجا که در اصلاح صورت گرفته، صرفاً وظایف محوله از شورای نظارت استان به شورای نظارت مرکزی منتقل شده است، ایراد مغایرت با اصل ۶۰ قانون اساسی مرتفع نشده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در تبصره (۱) ماده (۲۵)، علیرغم اصلاحات به عمل آمده، ایراد قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۸- ماده (۱۹) به عنوان ماده (۲۷) به شرح زیر اصلاح می گردد:

«ماده ۲۷- کارکنان تمام وقت فاقد پوشش بیمه ای مدارس و مراکز غیردولتی از مزایای «قانون تأمین اجتماعی» و اصلاحات بعدی آن برخوردار می شوند. کارکنان پاره وقت فاقد پوشش بیمه ای نیز به نسبت ساعات انجام کار مشمول حمایت های مقرر در این ماده هستند.
تبصره ۱- دولت می تواند از محل اعتبارات «صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» بخشی از حق بیمه کارکنان غیررسمی مدارس غیردولتی را پرداخت نماید.

تبصره ۲- شرایط تمام وقت یا پاره وقت بودن کارکنان غیررسمی مدارس غیردولتی در آئین نامه اجرایی این قانون مشخص می شود.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۹- متن زیر به عنوان ماده (۲۸) به قانون الحاق می گردد:

«ماده ۲۸- تعیین حقوق و مزایای کارکنان غیر رسمی مدارس غیردولتی، مطابق آئین نامه ای است که توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب مراجع قانونی ذیصلاح می رسد.»

الف - نظر مخالف

- با توجه به نامشخص بودن «مرجع قانونی ذیصلاح» در اصلاح به عمل آمده در این ماده، ایراد شورا مرتفع نگردیده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

«ماده ۳۶- تبصره (۲) ماده (۱۷) حذف می گردد.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۳۸- ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۷) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۳۷- ...

تبصره ۱- در صورت عزل مدیر مدرسه، انتخاب مدیر جدید به روش مذکور در ماده (۱۱) انجام می شود و تا تعیین مدیر جدید اداره مدرسه حداکثر تا پایان سال تحصیلی بر عهده مدیر موقت است که توسط آموزش و پرورش با اولویت کارکنان همان مدرسه مشخص می شود. در صورت عزل مدیر مرکز پرورشی یا

آموزشی، نحوه اداره آن مرکز به تشخیص آموزش و پرورش است.
تبصره ۲- «...»

– تصمیم شورا
با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۳۹- تبصره (۱) ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۸) به شرح زیر اصلاح می شود:
«ماده ۳۸- آراء شورای نظارت استان در موارد حکم به تعطیلی موقت یا دائم مدرسه یا مرکز یا محرومیت موقت یا دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی قابل تجدیدنظرخواهی در شورای نظارت مرکزی است. آراء صادره توسط شورای نظارت مرکزی قطعی و لازم الاجراء است. فرجام خواهی از آراء شورای نظارت مرکزی در مورد تعطیلی دائم مدرسه یا مرکز غیردولتی یا محرومیت دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیر دولتی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی در مراجع قضائی ذیصلاح انجام می شود.»

ضمناً متناسب با تغییرات فوق شماره مواد (۹) و (۱۰) به (۷) و (۸) و شماره مواد (۱۱) تا (۴۲) به (۱۰) تا (۴۱) تغییر می یابد.

الف – نظر مخالف

– به رغم تغییر مرجع فرجام خواهی از دیوان عدالت اداری به «مرجع قانونی ذیصلاح»، همچنان ایراد واگذاری وظایف خارج از چارچوب قانون اساسی به شورای نظارت وجود دارد.

ب – نظر موافق

– نظری ابراز نشد.

ج – تصمیم شورا

در ماده (۳۹) با توجه به ایراد قبلی شورا مربوط به تفویض وظایف به شورای نظارت، در این ماده نیز تفویض اختیارات اجرائی به شورا همان ایراد قبلی را دارد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

در تبصره ماده (۱۸) و تبصره (۱) ماده (۲۵) علیرغم اصلاحات به عمل آمده، اشکال قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

در ماده (۳۹) با توجه به ایراد قبلی شورا مربوط به تفویض وظایف به شورای نظارت، در این ماده نیز تفویض اختیارات اجرائی به شورا همان ایراد قبلی را دارد.

تذکر: ایراد قبلی مربوط به مراجع قانون نبوده، بلکه مقام ذیصلاح جهت تدوین آئین نامه بوده است.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی دوم مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۱۰^(۲)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۴/۲۵

ماده ۱۸- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) به قانون الحاق می گردد:

«ماده ۱۸- ...

تبصره - مؤسس می تواند اعتراض خود را نسبت به نرخ شهریه تعیین شده، برای بررسی و تصمیم نهایی به سازمان آموزش و پرورش استان تقدیم نماید. این تصمیم لازم است به تأیید وزیر آموزش و پرورش برسد.»

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۵- ماده (۶) به عنوان ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح می شود:

«ماده ۲۴- مدیر مدرسه، مرکز پرورشی یا آموزشی غیردولتی بر اساس پیشنهاد مؤسس و تأیید و حکم آموزش و پرورش منطقه یا شهرستان تعیین می گردد. انتخاب مجدد وی بلامانع است.

تبصره ۱- در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ پیشنهاد، حکم مدیر صادر

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۹۸ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مصوب کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

نشود، با درخواست مؤسس، آموزش و پرورش استان در مورد افراد پیشنهاد شده تصمیم می‌گیرد.
تبصره ۲- «...»

– تصمیم شورا
با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۳۹- تبصره (۱) ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
«ماده ۳۸- آراء شورای نظارت استان در موارد حکم به تعطیلی موقت یا دائم مدرسه یا مرکز و یا محرومیت موقت یا دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی لازم است به تأیید رئیس سازمان آموزش و پرورش برسد و ابلاغ آراء مذکور ظرف بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در شورای نظارت مرکزی است. آراء شورای نظارت مرکزی در صورت تأیید و ابلاغ وزیر آموزش و پرورش قطعی و لازم‌الاجراء است.
فرجام خواهی از آراء شورای نظارت مرکزی در مورد تعطیلی دائم مدرسه یا مرکز غیردولتی یا محرومیت دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی در مراجع قضائی ذیصلاح انجام می‌شود.»

الف - نظر مخالف

– از آنجایی که مفهوم اصطلاح فرجام‌خواهی در علم حقوق صرفاً رسیدگی شکلی را در بر می‌گیرد و امکان رسیدگی ماهوی به موضوع در مرحله فرجام‌خواهی امکان ندارد، این ماده در صورتی که صرفاً فرجام‌خواهی اصطلاحی به معنای امکان رسیدگی شکلی را مد نظر داشته باشد، از آنجایی که منجر به ایجاد محدودیت در تظلم‌خواهی افراد در مراجع ذیصلاح قضایی می‌گردد، خلاف موازین شرعی تلقی می‌گردد. لذا می‌باید مقصود قانونگذار از عبارت «فرجام‌خواهی» روشن گردد که آیا صرفاً ناظر به رسیدگی شکلی به آرای شورای نظارت مرکزی است یا امکان رسیدگی ماهوی را نیز در بر دارد.

ب - نظرات موافق

– از آنجا که در این ماده مرجع فرجام‌خواهی را از دیوان عدالت اداری به مراجع

صالح تغییر داده است و در مراجع قضایی نیز رسیدگی همچون دیوان عدالت اداری صرفاً بررسی شکلی نیست، بلکه قاعداً تجدید نظر به صورت ماهوی صورت می‌گیرد، ایراد منتفی به نظر می‌رسد.

– با توجه به اینکه در این ماده، فرض بر آن است که آرای شورای نظارت بر اساس یک سری مقررات صادر شده است. بنابراین، چنانچه شورای نظارت مثلاً مدرسه‌ای را تعطیل کرد، اعتراض محکوم علیه از این جهت صورت نمی‌گیرد که به من ظلم شده است تا رسیدگی ماهوی نسبت به اعتراض مزبور صورت گیرد، بلکه می‌گوید من مصداق این قانون نبودم که بر اساس آن مدرسه را تعطیل کرده‌اید، لذا عبارت «فرجام‌خواهی» که ناظر بر رسیدگی صرفاً شکلی است، در این ماده، صحیح می‌باشد.

نظریه (مرحله سوم) شورای نگهبان^(۱)

اشکال بند (۲) قبلی شورای نگهبان در خصوص ماده (۳۹)، نظر به اینکه عبارت «فرجام‌خواهی» مذکور در این ماده، از این جهت که معلوم نیست منظور رسیدگی شکلی یا ماهوی است، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

تذکر: در ماده (۳۹) عبارت «ابلاغ آراء مذکور» مفهوم نیست. ظاهراً منظور از عبارت مذکور این است که آراء مذکور ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است، بنابراین نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

مرحله چهارم

مصوبه نهایی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۵/۶^(۲)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

ماده ۳۹- تبصره (۱) ماده (۱۷) به عنوان ماده (۳۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«ماده ۳۸- آراء شورای نظارت استان در موارد حکم به تعطیلی موقت یا دائم مدرسه یا مرکز و یا محرومیت موقت یا دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی لازم است به تأیید رئیس سازمان آموزش و پرورش برسد و آراء

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۸۲۶ مورخ ۸۷/۴/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مصوب کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

مذکور پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در شورای نظارت مرکزی است. آراء شورای نظارت مرکزی در صورت تأیید و ابلاغ وزیر آموزش و پرورش قطعی است.

آراء شورای نظارت مرکزی در مورد تعطیلی دائم مدرسه یا مرکز غیردولتی یا محرومیت دائم مؤسس از تأسیس مدرسه یا مرکز غیردولتی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی در مراجع قضائی ذیصلاح قابل شکایت است.»

الف - نظر مخالف

- ایراد شورا نسبت به این ماده، ناظر به لفظ «فرجام‌خواهی» نبود، بلکه از این باب بود که تجدیدنظر در نظر گرفته شده در این ماده، ناظر بر تجدیدنظر شکلی است یا ماهوی. بنابراین، اصلاح صورت گرفته کمکی در جهت روشن شدن این ابهام نمی‌کند.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۲۶۶ مورخ ۸۷/۵/۱۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست و سومین کنگره اتحادیه جهانی پست (UPU) منعقد شده در بخارست سال ۲۰۰۴ میلادی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

ماده واحده - احکام و مصوبات اتحادیه جهانی پست (UPU) مصوب بیست و سومین کنگره جهانی پست منعقد شده در تاریخ سیزدهم مهرماه سال ۱۳۸۳ هجری شمسی مطابق با پنجم اکتبر ۲۰۰۴ میلادی در بخارست به شرح زیر تصویب و اجازه تسلیم اسناد آن داده می‌شود:

- ۱- اساسنامه اتحادیه جهانی پست مشتمل بر (۳۳) ماده.
 - ۲- هفتمین پروتکل الحاقی به اساسنامه اتحادیه جهانی پست مشتمل بر (۶) ماده.
 - ۳- قرارداد پستی جهانی مشتمل بر (۳۸) ماده.
 - ۴- پروتکل نهایی قرارداد پستی جهانی مشتمل بر (۱۵) ماده.
 - ۵- آئین‌نامه عمومی اتحادیه جهانی پست مشتمل بر (۳۵) ماده.
 - ۶- موافقتنامه سرویسهای پستی مشتمل بر (۲۳) ماده.
- تبصره ۱- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قوانین زیر ملغی می‌گردد:
- ۱- قانون اجازه تصویب اسناد مصوبه کنگره پستی جهانی توکیو منعقد شده در سال ۱۹۶۹ میلادی مصوب ۱۳۵۶/۹/۱۳ هجری شمسی.
 - ۲- قانون اجازه تصویب اسناد مصوبه کنگره پستی جهانی لوزان منعقد شده در سال ۱۹۷۴ میلادی مصوب ۱۳۵۶/۴/۸ هجری شمسی.
 - ۳- قانون تصویب قرارداد پستی جهانی و موافقتنامه مربوط به امانات پستی و آئین‌نامه‌های اجرائی آنها و اساسنامه اتحادیه پست جهانی و آئین‌نامه عمومی و پروتکل‌های نهایی آن منعقد شده در کنگره ریودوژانیرو در سال ۱۹۷۹ میلادی و اجازه تسلیم اسناد آنها مصوب ۱۳۶۵/۴/۱ هجری شمسی.
 - ۴- قانون تصویب مصوبات نوزدهمین کنگره اتحادیه پستی جهانی منعقد شده در هامبورگ ۱۹۸۴ میلادی و اجازه تسلیم اسناد آنها مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۰ هجری شمسی.

۵- قانون تصویب احکام و مصوبات بیستمین کنگره پست جهانی منعقد شده در سال ۱۹۸۹ میلادی مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۷ هجری شمسی.

۶- قانون تصویب تغییرات اساسی در احکام اتحادیه پستی جهانی (upu) مصوب بیست و یکمین کنگره منعقد شده در سنول سال ۱۹۹۴ میلادی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ هجری شمسی.

۷- قانون تصویب احکام و مصوبات بیست و دومین کنگره اتحادیه پست جهانی (upu) منعقد شده در پکن سال ۱۹۹۹ میلادی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ هجری شمسی.

تبصره ۲- در مورد ارجاع به داوری موضوع ماده (۳۲) اساسنامه اتحادیه جهانی پست و ماده (۱۳۲) آئین نامه عمومی آن، رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

الف - نظر مخالف

- در تبصره (۲) ماده واحده، مجلس شورای اسلامی جهت رعایت تشریفات مقرر در اصل ۱۳۹ قانون اساسی، حق شرطی را پیش‌بینی کرده و بر اساس آن، رعایت اصل ۱۳۹ را در مواقع «ارجاع به داوری» الزامی دانسته است. این در حالی است که ماده ۲۲ اساسنامه اتحادیه جهانی پست^(۱)، اعمال هرگونه حق شرطی را نسبت به اساسنامه و آئین‌نامه مربوط به آن، رد کرده و نپذیرفته است. بر این اساس، از نظر مقررات بین المللی حق شرط ایران در این تبصره، پذیرفته نیست. لذا این مصوبه، مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- ایران در چنین مواردی حق شرط مذکور را برای خودش پذیرفته و طرف ایرانی مذاکره کننده، در موارد مربوط به حکمیت و ارجاع به داوری، ملزم است تشریفات مندرج در اصل ۱۳۹ و تصویب مجلس را رعایت کند.

۱. ماده ۲۲- احکام اتحادیه جهانی پست:

۱- اساسنامه به منزله سند اساسی اتحادیه تلقی شده، قوانین و مقررات سازمانی آن را در برگرفته و مشمول هیچ‌گونه حق الشرطی نخواهد شد.

۲- آئین‌نامه عمومی شامل مقرراتی می‌شود که اجراء اساسنامه و طرز عمل اتحادیه جهانی پست را تضمین می‌کند، رعایت آئین‌نامه عمومی برای کلیه کشورهای عضو اجباری بوده و مشمول هیچ‌گونه حق الشرطی نخواهد شد.

قرارداد پستی جهانی

بخش اول - قوانین مشترک قابل اجراء در سرویس پستی بین‌المللی

ماده ۱- ...

ماده ۱۱- تخلفات

۱- مرسولات پستی

۱-۱- کشورهای عضو باید در زمینه انجام اقدامات لازمه در جهت پیشگیری،

پیگرد و مجازات افراد مقصر در موارد زیر تعهد نمایند:

۱-۱-۱- ...

۱-۱-۲- ...

۲- پرداخت هزینه پستی و به‌ویژه شیوه‌های پرداخت آن

۲-۱- کشورهای عضو باید در زمینه انجام اقدامات لازمه در جهت پیشگیری،

پیگرد و مجازات هرگونه تخلف مربوط به روشهای پرداخت هزینه پستی،

تعیین شده در قرارداد پستی جهانی حاضر، نظیر موارد زیر تعهد نمایند:

۲-۱-۱- ...

۲-۱-۴- کوپن رپنهای بین‌المللی.

...

الف - نظر مخالف

- عبارت «کوپن رپنهای بین‌المللی» که در این ماده و ماده ۱۳ بخش قوانین و مقررات قابل اجرا در مورد پست نامه‌ها و امانات پستی و همین‌طور ماده ۱۱۸ آیین‌نامه عمومی اتحادیه جهانی پست ذکر گردیده، عباراتی غیرفارسی است که معادل فارسی آنها بیان نگردیده است، لذا مواد فوق، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم استفاده از زبان فارسی در اسناد و مکاتبات و متون رسمی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

عبارت «کوپن رپنهای بین‌المللی» مذکور در موارد متعدد لایحه، با ۱۰ رأی موافق، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

موافقتنامه سرویسهای پرداخت پستی

ماده ۱۸- روابط مالی بین ادارات پست شرکت کننده

...

۲-۴- چنانچه بدهی حساب رابط بیش از بستانکار آن باشد، بهره کمی که نرخ آن در آئین نامه تصریح گردیده بر بدهی حسابها تعلق خواهد گرفت.

الف - نظرات مخالف

- آنچه در بند (۲-۴) تحت عنوان «بهره» به دلیل پرداخت دیر هنگام بدهی منظور شده است، مشمول عنوان «ربا» است؛ قرضی است که زمان داشته و عنوان «ربا» بر آن صدق می کند و حرام است؛ خصوصاً آنکه در اینجا پرداخت ربا به کفار انجام می شود.

- «بهره» مذکور در بند موصوف، تحت عنوان «ربا» قرار نمی گیرد، لیکن مناط ربا را دارا می باشد و بر این اساس، مسلماً مشمول حکم حرمت می شود. توضیح آنکه آنچه از روایات و ادله در خصوص ربا برداشت می شود، آن است که ربا در قالب دو عنوان «قرض» و «بیع» قابلیت تحقق دارد. در فرض مذکور در این بند، بحث از تأخیر در پرداخت دین است که نه ارتباطی با «قرض» دارد و نه «بیع». اما از آنجا که مناط مزبور در روایات و ادله خاصه مربوط به ربا، در این مورد نیز وجود دارد، حرمت چنین بهره ای مسلم است.

ب - نظر موافق

- منظور از آنچه در این مصوبه آمده آن است که چنانچه بدهی حساب رابط بیش از بستانکار باشد، چیزی علاوه بر آن مبلغ بدهی که رابط دارد، از او گرفته می شود، نه اینکه از ابتدا مبلغ زیادتری برای بدهکار مشخص کرده باشند.

قرارداد پستی جهانی

ماده ۲۱- مسؤولیت ادارات پست - غرامات

۱- کلیات

۱-۱- ادارات پست، به جز موارد پیش بینی شده در ماده ۲۲، در موارد زیر مسؤول خواهند بود:

...

۱-۵- میزان غرامت پرداختی نباید از مبالغ مذکور در آئین نامه پست نامه ها و آئین نامه امانات پستی فراتر رود.

الف - نظر مخالف

- مصوبه مزبور از این جهت که برای میزان غرامت در قانون، سقف مشخصی تعیین کرده است، مخالف با موازین شرع است؛ زیرا میزان غرامت، به میزان ضرر وارد شده بستگی دارد و لذا ممکن است ضرر وارد شده به حدی باشد که از سقف غرامت تعیین شده در این قانون فراتر باشد. استناد به «شرط» (تعیین سقف برای غرامت در ضمن قانون مزبور) برای طرفین نیز رافع اشکال نیست؛ زیرا «إِنَّ شَرْطَ اللَّهِ قَبْلَ شَرْطِكُمْ» با وجود قاعده اتلاف^(۱)، شرط قراردادی معنی ندارد و شرط خلاف شرع است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۲)

عبارت «کوپن رپنسهای بین‌المللی» مذکور در موارد متعدد این لایحه، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۵/۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

قرارداد پستی جهانی

بخش اول - قوانین مشترک قابل اجراء در سرویس پستی بین‌المللی

...

ماده ۱۱- تخلفات

...

۴-۱-۲- برگه بهادار پستی (کوپن رپنسهای) بین‌المللی.

...

ماده ۱۳-

...

۱. مَنْ أْتَلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۶۳ مورخ ۱۳۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲-۵. برگه بهادار پستی (کوپن رپنسه‌ای) بین‌المللی که در هر یک از کشورهای عضو قابل مبادله‌اند. با این وجود، فروش برگه بهادار پستی (کوپن رپنسه‌ای) بین‌المللی اختیاری است.

آیین‌نامه عمومی اتحادیه جهانی پست

ماده ۱۱۸- فرمهایی که توسط دفتر بین‌الملل تهیه می‌شود (ماده ۲۰ اساسنامه) دفتر بین‌الملل مسئول تهیه برگه بهادار پستی (کوپن رپنسه‌ای) بین‌المللی است و باید آنها را به قیمت تمام شده در اختیار ادارات پستی که آنها را تقاضا می‌کنند قرار دهد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۸۷/۳/۲ و ۱۳۸۷/۳/۸

ماده واحده - ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:
ماده ۵- متن زیر به عنوان ماده (۷۱ مکرر) به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ الحاق می‌گردد:

ماده ۷۱ مکرر - پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون به دستگاههای اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیر نقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود ممنوع است.

هدایای نقدی که با رعایت ماده (۴) این قانون برای مصارف خاص به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی اهداء می‌شود باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه‌داری کل کشور برای دستگاههای مذکور افتتاح شده یا می‌شود واریز گردد. مصرف وجوه مذکور با رعایت هدفهای اهداء کننده برابر آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، هدایایی که به طور غیر نقدی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اهداء می‌گردد، مشمول مقررات اموال دولتی خواهد بود و شرکتهای دولتی این‌گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند. هدایای اهداء شده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداء کننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت مردمی با بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به مصرف خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- با توجه به آنکه دولت، هم‌اکنون با تصویب برخی مصوبات در هیأت دولت، تعهداتی را برای خود نسبت به برخی مراکز نظیر دانشگاهها، کمیته امداد امام خمینی (ره)،

حوزه‌های علمیه و مصلی در شهرهای مختلف کشور ایجاد کرده است که هنوز به مرحله اجرا نرسیده است و با عنایب به اینکه با تصویب این طرح، سرنوشت این تعهدات صورت گرفته - که برخی از آن‌ها مورد تأیید و تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده‌اند - از لحاظ اجرایی دچار ابهام می‌شود، می‌بایست مجلس شورای اسلامی در مصوبه خویش، نسبت به مجاز یا غیرمجاز بودن تعهدات مزبور اظهارنظر نماید.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد

ج - تصمیم شورا

به دلیل اینکه مشخص نیست این ماده، در خصوص تعهداتی که تاکنون صورت گرفته نیز اعمال می‌گردد یا خیر، با یازده رأی موافق، واجد ابهام شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

در خصوص پاراگراف اول ماده (۷۱) مکرر، از این جهت که آیا شامل تعهداتی که تاکنون براساس این مواد ایجاد شده می‌گردد یا خیر ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۱۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۴/۲۵

ماده واحده - ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۵- متن زیر به عنوان ماده (۷۱ مکرر) به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ الحاق می‌گردد:

ماده ۷۱ مکرر - پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون به دستگاههای اجرایی به عنوان

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۰۸ مورخ ۸۷/۳/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیر نقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود ممنوع است.

هدایای نقدی که با رعایت ماده (۴) این قانون برای مصارف خاص به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی اهداء می‌شود باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه‌داری کل کشور برای دستگاههای مذکور افتتاح شده یا می‌شود واریز گردد. مصرف وجوه مذکور با رعایت هدفهای اهداء کننده برابر آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، هدایایی که به طور غیرنقدی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اهداء می‌گردد، مشمول مقررات اموال دولتی خواهد بود و شرکتهای دولتی این‌گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند. هدایای اهداء شده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداء کننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت مردمی با بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به مصرف خواهد رسید.

اجراء تعهدات معموله قبل از تصویب این قانون بلامانع است.

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ابهام موجود در مصوبه، برطرف و ایرادی نیز از سوی اعضای شورا مطرح نگردید.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، باتوجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۸۱۹ مورخ ۸۷/۴/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

ماده واحده - متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ اضافه می شود:

تبصره - هرگاه مستمری بگیر بازنشسته یا ازکارافتاده به مدت شش ماه مستمری بازنشستگی یا ازکارافتادگی کلی خود را مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. در صورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است وضع مستمری او به حالت اول اعاده می گردد. بازنشستگان کلیه صندوقهای بازنشستگی کشور نیز مشمول این تبصره خواهند بود.

الف - نظر مخالف

- ایرادی که در خصوص این مصوبه به نظر می رسد این است که پرداخت مستمری بازنشستگی و ازکارافتادگی به یک فرد، بر اساس قراردادی است که با وی منعقد شده و وفق آن قرارداد بیان شده که تا هنگامی که خود فرد زنده است، مستمری به او پرداخت شود. بر اساس این قرارداد، این مستمری حق خود شخص است که تا زمانی که زنده است به او پرداخت می شود. حال اگر طبق شرایطی این مستمری به کس دیگری پرداخت شد و بعد مشخص گردید که فرد، زنده بوده است، علی الاصول می بایست مقرر شود که مبلغ مستمری از افرادی که به آنها پرداخت شده، پس گرفته شود و به شخص مستمری بگیر بازپرداخت شود.

ب - نظر موافق

- از آنجا که حق دریافت مستمری به وسیله «قانون» برای فرد به وجود آمده است، لذا همان «قانون» و قانونگذار در حال حاضر مقرر می‌کند که اگر شش ماه این مستمری را دریافت نکردی، بازماندگان و خانواده مستمری‌بگیر که محتاج دریافت مستمری مزبور هستند، می‌توانند آن را دریافت کنند و در این اثناء، چنانچه شخص مستمری‌بگیر مجدداً بازگشت، از آن تاریخ، خود وی می‌تواند مستمری خود را دریافت کند. لذا به نظر می‌رسد اشکالی متوجه این مصوبه قانونگذار نیست.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۵۰ مورخ ۱۳۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۱۴) قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲

ماده واحده - متن زیر به عنوان تبصره (۶) به ماده (۱۴) قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ اضافه می‌شود:

تبصره ۶- کالاهای وارداتی که عیناً و بدون تغییر شکل صادر می‌گردد، مشمول تسهیلات ماده فوق‌الذکر می‌باشد. شرایط، محدوده زمانی و سایر ضوابط مورد نظر به پیشنهاد وزارت بازرگانی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه «تعیین شرایط، محدوده زمانی و سایر ضوابط» دریافت تسهیلات مدّ نظر در این ماده، متضمّن نوعی قانونگذاری است و با عنایت به منطوق اصل ۸۵ قانون اساسی که صلاحیت و اختیار قانونگذاری را به مجلس شورای اسلامی اختصاص داده و آن را غیرقابل واگذاری به غیر دانسته است، حکم مندرج در انتهای تبصره (۶) مصوبه مذکور که «تعیین شرایط، محدوده زمانی و سایر ضوابط» دریافت تسهیلات مدّ نظر در این ماده را به هیأت وزیران واگذار کرده است، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

واگذاری تصویب شرایط و ضوابط مذکور در تبصره (۶) به هیأت وزیران، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۶۴ مورخ ۸۷/۳/۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۱۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۴/۲۵

ماده واحده - متن زیر به عنوان تبصره (۶) به ماده (۱۴) قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ اضافه می‌شود:
تبصره ۶- کالاهای وارداتی که عیناً و بدون تغییر شکل صادر می‌گردد، مشمول تسهیلات ماده فوق‌الذکر می‌باشد.

- تصمیم شورا

با توجه به اصل به عمل آمده (حذف قسمت اخیر تبصره ۶)، ایراد شورا برطرف گردیده است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۸۲۱ مورخ ۸۷/۴/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۸

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:
الف - اطلاعات: هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت
نرم‌افزاری ذخیره گردیده یا هر وسیله یا شیء دیگری ضبط شده باشد.

- تصمیم شورا

تذکر: عبارت «و یا هر وسیله یا شیء دیگری» به دلیل عدم ارتباط معنایی با عبارات قبلی
بند(الف)، نیاز به ذکر حرف «به» یا «در» در ابتدای آن دارد تا مفهوم جمله در کنار سایر جملات
این قسمت، روشن شود.

ماده ۲- هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر
آن‌که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین
و مقررات مربوط خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- اطلاق ماده ۲، از لحاظ شرعی ایراد دارد و استثنای ذکر شده در این ماده نیز، برطرف
کننده ایراد نمی‌باشد؛ زیرا عمومی بودن اطلاعات یک دستگاه، به معنای پخش عمومی
اطلاعات آن نیست و قراردادن اطلاعات برخی از دستگاهها، به دلیل خدشه به اسرار
اشخاص و همچنین اسرار نظام، خلاف موازین شرع است؛ مثل اطلاعات موجود در قوه
قضائیه یا سازمان بازرسی کل کشور یا اطلاعاتی که در تحقیق و تفحص مجلس شورای
اسلامی یا بررسی کمیسیون اصل نود از افراد گرفته می‌شود.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۴- اجبار تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات به افشاء منابع اطلاعات خود ممنوع است مگر به حکم مقام صالح قضائی و البته این امر نافی مسئولیت تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات نمی‌باشد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه در این ماده، هرگونه تحقیق، بازخواست و پرسش از تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات برای کشف منابع اطلاعاتی را ممنوع کرده و تنها مقام قضایی را در این مورد، صالح دانسته، لذا اطلاق ممنوعیت ذکر شده در این ماده، مغایر حق اعمال مدیریت وزرا و رؤسای دستگاهها بر مجموعه تحت مدیریتشان می‌باشد و انضباط و کنترل سیستم اداری را مختل می‌کند. (از سیاق عبارت مشخص است که منظور از «اجبار»، تعزیر و شکنجه و... نیست؛ زیرا استفاده از این موارد حتی برای محاکم قضایی برای تحقیق نیز طبق اصل ۳۸ مجاز نیست. بنابراین، منظور از «اجبار»، پرس و جو از افراد است.)

- محدودیت ذکر شده در این ماده، باعث عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی و در نتیجه حمایت از عوامل در اختیارگذارنده اطلاعات می‌شود.

- با حکم ممنوعیت مندرج در این ماده، چنانچه تهیه‌کننده یا اشاعه‌دهنده یکی از کارمندان دولتی باشد، امکان رسیدگی به تخلف اداری این کارمند در هیئت‌های تخلفات اداری و دیوان عدالت اداری وجود ندارد؛ بر این اساس، این ماده، موجب اخلاف در نظام اداری می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که در این ماده، انتشار اطلاعات به صورت غیرقانونی، جرم‌انگاری نشده است، رسیدگی قضایی نیز برای محاکم در برخی موارد امکان‌پذیر نیست؛ زیرا طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل ۳۶ قانون اساسی، صرف ممنوع کردن یک عمل در قانون کافی نیست، بلکه می‌بایست ابتدا انتشار غیرقانونی اطلاعات، جرم‌انگاری شود و میزان مجازات آن نیز ذکر شود، تا رسیدگی قضایی مذکور در این ماده، امکان‌پذیر باشد. در نتیجه، از دو جهت امکان برخورد با انتشار غیرقانونی اطلاعات مسدود گردیده است که موجب بروز بی‌نظمی خواهد شد.

ب - نظرات موافق

- این ماده، اساساً ناظر به عدم امکان برخورد با تخلفات اداری کارمندان نهادهای دولتی و نافی اختیارات هیأت‌های بررسی تخلفات اداری نیست و ارتباطی به محدوده اختیارات

آنها ندارد. بنابراین، افشای اسناد مجرمانه یک سازمان توسط یکی از کارمندان آن اداره، با قوانین مربوطه و توسط مراجع صالح اداری قابل رسیدگی است. این ماده، در صدد بیان این است که هیچ کس جز مقام صالح قضایی، نمی تواند تهیه کننده یا اشاعه دهنده اطلاعات را به افشای منابع اطلاعاتی خود، الزام و اجبار کند که این موضوع نیز امر پذیرفته شده ای است.

– با توجه به عبارت ذیل ماده که بیان می دارد: «البته این امر، نافی مسئولیت تهیه کنندگان و اشاعه دهندگان اطلاعات نمی باشد»، مشکلی برای رسیدگی هیأت های تخلفات اداری برای رسیدگی به تخلفات کارمندان و همچنین محاکم قضایی برای رسیدگی به اعمال واجد جنبه مجرمانه نیست.

– آنچه در این ماده منع شده، ممنوعیت اجبار تهیه کننده یا اشاعه دهنده اطلاعات به افشای منابع اطلاعاتی است؛ بنابراین اصل پرسش و تحقیق و بررسی را این ماده نفی نکرده است، ضمن آنکه با توجه به ماده ۲۳ همین لایحه، منعی برای طبقه بندی اطلاعات و تعقیب متخلفین وجود ندارد. حتی در قوانین و ضوابط اداری، می توان انتشار برخی اطلاعات عادی را هم برای کارمندان ممنوع کرد.

– با توجه به استثنای ذکر شده در این ماده، مشخص می شود که مراد از «اجبار»، مفهومی وسیع تر از دستگاه قضایی دارد؛ چون استثنای ذکر شده در این ماده، آن اجبار را برای مقام صالح قضایی پذیرفته است و برای دیگران منع کرده است. اجبار ذکر شده در این ماده، به معنای الزام و جبر است؛ یعنی شخص، مطلبی را خارج از اختیارش بیان کند. بنابراین، اگر از کسی سؤال کنند و وی پاسخ گوید، اجبار تحقق نیافته است.

ماده ۵- مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل

زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند.

تبصره: اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر

موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه های همگانی به

آگاهی مردم برسد.

الف – نظر مخالف

– اطلاق تبصره این ماده و عدم تقیید آن به استثنایی که در ماده ۲ همین لایحه ذکر

شده بود (مگر آنکه قانون منع کرده باشد)، صحیح نیست و لازم است حکم این ماده نیز محدود به مواردی شود که مشکل قانونی نداشته باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۶- مؤسسات خصوصی موظفند با رعایت مقررات این قانون، اطلاعات مورد نیاز افراد را که برای اجراء حقوق یا حمایت از حقوق آنها ضروری است در دسترس آنان قرار دهند.

الف - نظرات مخالف

- الزام مؤسسات خصوصی در این ماده، بلاوجه است؛ زیرا چنانچه مؤسسه عمومی باشد، اختیار آن در دست دولت است و می‌توان آن را تکلیف به موضوعی نمود، ولی هیچ منشأ و جهتی برای الزام مؤسسه خصوصی - که هیچ تعهدی نسبت به اشخاص، برای در دسترس قرار دادن اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده، نداده است - وجود ندارد. از این حیث، چنین الزامی خلاف آزادی افراد و خلاف شرع است.

- در این مسئله می‌بایست قائل به تفکیک شد: در برخی موارد - همچون امور قضایی - ارائه اطلاعات، ممکن است واجب^(۱)، جایز یا مستحب باشد و در برخی مواقع نیز اجبار کردن به ارائه اطلاعات، صحیح نیست. بنابراین، اطلاق ذکر شده در این ماده، مبنی بر لزوم ارائه اطلاعات توسط مؤسسات خصوصی در همه موارد، صحیح نیست و با قاعده «تسلیط» (الناس مسلطون علی اموالهم) سازگار نیست و بنابراین، خلاف شرع است.

- مقام قضایی می‌تواند در جهت استیفای حق یا قطع دعوا و از باب مقدمه واجب، کسی را به عنوان مطلع احضار و کسب اطلاع کند. اما این ماده، ناظر به بحث قضا و صلاحیت قضایی نیست، بلکه ناظر بر «در اختیار قرار دادن اطلاعات مؤسسه خصوصی به اشخاص متقاضی» است. لذا اطلاق این ماده، نسبت به مواردی که هیچ رابطه قراردادی یا الزام شرعی و قانونی خاصی وجود نداشته باشد، صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱. به عنوان مثال، در جایی که ارائه اطلاعات در دادگاه و برای اقامه شهادت باشد، که در این صورت وفق قاعده «و لا یأبى الشهداء إذا ما دُعوا» (بقره/۲۸۲)، بر دارنده اطلاعات لازم و واجب است که اطلاعات را در دسترس قرار دهد.

ب - نظرات موافق

- با توجه به قاعده «لاضرر»، کسی که احقاق حقش متوقف بر در اختیار داشتن اطلاعاتی است که در یک مؤسسه خصوصی است، نباید متضرر شود. بنابراین، نمی‌توان به کلی چنین حقی را نفی کرد، بلکه می‌بایست موضوع را در جایی که تزامم بین دو ضرر و دو حق است (حق مؤسسه خصوصی و حق کسی که به اطلاعات مؤسسه خصوصی نیاز دارد)، تعیین تکلیف کرد و مثلاً حق مؤسسه حقوقی را مقدم دانست.

- موضوع بحث در این ماده، مربوط به زمانی است که احقاق حق یک فرد، متوقف بر ارائه یک سری اطلاعاتی است که در اختیار یک مؤسسه حقوقی است؛ به عبارت دیگر، بدون در اختیار داشتن این اطلاعات، فرد نمی‌تواند از حقوق خویش حمایت کند یا آنها را استیفا نماید. در این موارد، ارائه اطلاعات برای دفاع و حمایت از حق یک مظلوم، واجب است و دارنده اطلاعات، نمی‌تواند امتناع کند؛ چون باعث تضییع حق می‌شود. بر این اساس، حکم مندرج در این ماده، کاملاً روشن و موافق شرع است.

- ماده ۶ اساساً اطلاق ندارد؛ زیرا حکم مندرج در این ماده، مقید شده است به عبارت «با رعایت مقررات این قانون». بنابراین، می‌بایست مقررات بعدی این قانون در خصوص حکم مندرج در این ماده، مورد ملاحظه قرار گیرد.

- مواد ۵ و ۶ مربوط به اشخاص حقیقی نیست، بلکه ناظر بر اشخاص حقوقی است؛ لذا هویت افراد حقیقی، مداخلیتی در هویت مؤسسات مذکور ندارد. مؤسسه خصوصی نیز در بند (ه) ماده ۱ همین قانون، تعریف شده است. با این اوصاف، الزام مندرج در ماده ۶، الزام اشخاص حقیقی نیست، بلکه الزام شخص حقوقی است. از سوی دیگر، این الزام، مطلق و همه‌جایی نیست، بلکه در صورت وجود ضرورت (نیاز افراد به آن اطلاعات برای اجرای حقوق یا حمایت از حقوقشان) است.

ج - تصمیم شورا

اطلاق ماده ۶، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۷- درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنها پذیرفته می‌شود.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه این ماده، درخواست‌کننده اطلاعات را منحصر به خود شخص یا نماینده قانونی‌اش کرده، صحیح نمی‌باشد و خلاف شرع است؛ زیرا انحصار مندرج در آن، قاضی دادگاه یا شخص مأذون از طرف شخص اصیل را از ارائه درخواست منع می‌کند.

ب - نظرات موافق

- ماده ۷ در صدد بیان اشخاصی است که می‌توانند حق دسترسی به اطلاعات موضوع مواد ۵ و ۶ را داشته باشند، لذا محدودیت ذکر شده در ماده ۷، به جهت ممانعت از سوء استفاده احتمالی دیگر افراد از اطلاعات شخصی افراد است که کاملاً دقیق و منطقی است.

- «نماینده قانونی»، عنوان مصطلح خاصی است که متضمن احکام خاص وکالت است و بنابراین، شامل اشخاص مأذون و... نمی‌شود. علت تضییق مندرج در این ماده - مانند سایر تضییقات مندرج در قوانین - به جهت تنظیم امور و مصلحت مندرج در منظم اداره شدن امور است.

ماده ۸- مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.

الف - نظر مخالف

- اطلاق ماده ۸، از آنجا که شامل مواردی هم می‌شود که یک ایرانی، قصد ارائه اطلاعات به یک مؤسسه خارجی را دارد و علم به قصد این چنینی متقاضی هم وجود دارد، صحیح به نظر نمی‌رسد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۹- مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریعترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت مدت زمان پاسخ

نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد. ضوابط مربوط به درخواست و مهلت‌های مربوط به ارائه اطلاعات با توجه به خصوصیات آنها تابع آئین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون بنا به پیشنهاد کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

الف - نظر مخالف

- به کارگیری عبارت «ضوابط» در این ماده به طور مطلق و واگذاری تعیین این ضوابط به هیئت وزیران، چون شامل امور تقنینی نیز می‌گردد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق عبارت «ضوابط» در این ماده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۰- پاسخی که توسط مؤسسات خصوصی به درخواست‌های دسترسی به اطلاعات داده می‌شود باید به صورت کتبی یا الکترونیکی باشد.

الف - نظرات مخالف

- الزام مندرج در این ماده (به صورت کتبی یا الکترونیکی بودن پاسخ)، بدون وجه و خلاف موازین شرع است.

- اطلاق این ماده در لزوم ارائه اطلاعات به صورت‌های ذکر شده در این ماده، که ظهور در مجانی بودن ارائه اطلاعات به متقاضیان دارد، خلاف موازین شرع است. این ماده، از یک سو بیان می‌کند که لازم است این اطلاعات به افراد متقاضی ارائه شود. از سوی دیگر، ممکن است شخص متقاضی بیان کند که حاضر به پرداخت هزینه برای دریافت اطلاعات نیست. بر این اساس، با الزام مندرج در این ماده برای مؤسسات خصوصی، ضرر تحمیل شده به این مؤسسات غیر قابل توجیه است.

ب - نظرات موافق

- در جایی که الزام قانونی نسبت به لزوم ارائه اطلاعات وجود دارد، قانونگذار می‌تواند نحوه ارائه آن را نیز بیان کند.

- کتبی بودن ارائه اطلاعات، منطبق با هدف قانونگذار است؛ زیرا شخصی که نیاز به اطلاعات دارد، می‌خواهد آنها را به عنوان مدرک مستند در جایی ارائه کند. بر این اساس، اصولاً اطلاعات شفاهی، هدف مزبور را تأمین نمی‌کند.

- الزام مندرج در این ماده به ارائه اطلاعات به صورت کتبی یا الکترونیکی، مستلزم عدم امکان دریافت هزینه و لزوم در اختیار قرار دادن اطلاعات به صورت مجانی نیست. به عبارت دیگر، این ماده درصدد بیان مجانی بودن یا نبودن ارائه اطلاعات نیست و منصرف از آن است.

ماده ۱۱- هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست‌کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و بیلان خود از جمله موارد ذیل را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی‌الامکان در یک کتاب راهنما منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف - اهداف، وظایف، سیاستها و خط‌مشی‌ها و ساختار.

ب - روشها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیماً به اعضاء جامعه ارائه می‌دهد.

ج - ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه.

د - انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می‌شود و آئین

دسترسی به آنها.

ه - اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود.

و - تمام ساز و کارها یا آئین‌هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و

حقوقی و سازمانهای غیردولتی می‌تواند در اجراء اختیارات آن واحد مشارکت

داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که ماده ۱۳^(۱) و بند (ح) ماده ۱۱^(۲) لایحه تهیه شده توسط دولت، ارائه اطلاعات به متقاضی را در مقابل دریافت هزینه پیش‌بینی کرده بود، اما مفاد مواد مزبور در خصوص دریافت هزینه، در مجلس شورای اسلامی دستخوش تغییر و حذف شده، به گونه‌ای که ماده ۱۱ مصوب مجلس، مستلزم تحمیل هزینه‌های اضافی به دولت است که طریق جبران آنها پیش‌بینی نگردیده، لذا ماده مزبور، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است. همچنین، ماده ۱۱ مصوب مجلس، برخی الزامات جدید؛ همچون انتشار نوبه‌ای و سالانه اطلاعات که مستلزم بار مالی برای دولت است را ایجاد کرده، که در لایحه پیشنهادی دولت وجود نداشت. بنابراین، از آنجا که طریقه تأمین این هزینه‌های جدید نیز در اصلاحات مجلس، مشخص نشده است، مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی، از جنبه دیگری نیز به ماده مزبور وارد است.

- تغییرات صورت گرفته در مصوبه مجلس نسبت به لایحه دولت (= حذف مفاد ناظر بر اخذ هزینه از متقاضیان اطلاعات)، ظهور در مجانی بودن ارائه اطلاعات به متقاضیان دارد که از این لحاظ، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ب - نظرات موافق

- اساساً فلسفه وجودی برخی از سازمانها؛ مانند سازمان آمار، بررسی برخی مسائل اجتماعی، اقتصادی و... و انتشار آمار و ارقام آن مسائل برای بالا بردن سطح اطلاع و آگاهی عمومی افراد جامعه و همچنین برنامه‌ریزی مسئولین و مدیران کشور است. بنابراین، چنین سازمانهایی تکلیف سازمانی نسبت به انتشار چنین اطلاعاتی دارند که هزینه‌های مربوط به آن نیز در بودجه آنها لحاظ می‌شود.

- با توجه به اینکه اولاً این ماده، الزام به انتشار کتبی که مستلزم هزینه اضافی باشد، نکرده است؛ ثانیاً در بسیاری موارد، با توجه به امکانات موجود در سازمانها و ادارات، انتشار اطلاعات در یک سایت و... مستلزم هزینه‌های گزافی نیست؛ ثالثاً متن ماده بیان

۱. ماده ۱۳- دستگاههای دولتی مشمول این قانون می‌توانند برای ارائه اطلاعات درخواستی از اشخاص حقیقی و حقوقی با رعایت این قانون و وظایف ذاتی خود طبق تعرفه‌های عادلانه هزینه دریافت کنند. تعرفه این گونه هزینه‌ها و موارد معافیت از دریافت هزینه بنا به پیشنهاد هر یک از دستگاههای اجرایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۲. ماده ۱۱- ...

ح - هزینه‌هایی که در صورت لزوم متقاضی باید مطابق این قانون در رابطه با یک بخش از درخواست یا تمام آن بپردازد.

داشته که انتشار اطلاعات، «حتی الامکان در کتاب راهنما» باشد که به کاربردن چنین عبارتی، به هیچ وجه مستلزم بار مالی نیست، ضمن آنکه امکان دارا بودن مجوز قانونی برای انتشار این اطلاعات در چارچوب ردیفهای تبلیغات و اعلام بیان کار و... برای سازمانهای دولتی می باشد، لذا مغایرتی با اصل ۷۵ ندارد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۱۱، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۲- مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه بندی به عنوان اسرار دولتی نمی باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- در برخی موارد، ممکن است دولت، بر اساس پیش بینی های صورت گرفته، اقدام به وضع تمهیدات لازم برای مردم نماید که یقیناً ایجاد حق عمومی برای کل کشور یا برخی از مردم می کند. اما انتشار این تمهیدات و تصمیمات، خود موجب بروز استرس، نگرانی و اضطراب عمومی در جامعه شود. بر این اساس، الزام ذکر شده در این ماده مبنی بر انتشار این تصمیمات، مغایر با امنیت عمومی و مصالح کلی جامعه و نظام است.

- حق عمومی یا تکلیف عمومی، لزوماً به معنای شمول حق یا تکلیف بر تمامی مردم و کل کشور نیست، بلکه اگر بخشی از مردم را نیز شامل شود، داخل در عنوان «عمومی» می شود. بر این اساس، چنانچه دغدغه دولت در جهت عدم افشای این تصمیم در نظر گرفته نشود، ممکن است موجب بروز ضرر و خسارت و ایجاد مشکل برای جامعه نماید.

ب - نظرات موافق

- حق عمومی و تکلیف عمومی به حق یا تکلیفی گفته می شود که ناظر بر تمامی مردم است، نه نسبت به یک قشر یا صنف خاص. بنابراین، در چنین مواردی باید این حق و تکلیف عمومی به اطلاع عموم مردم برسد. از طرف دیگر، این حق و تکلیف عمومی نمی تواند جنبه محرمانه و طبقه بندی نیز داشته باشد؛ زیرا متعلق آن حق و تکلیف، کل مردم هستند. این قبیل موارد، همچون مصوبات مجلس است که ایجاد حق یا تکلیف

عمومی می‌کند و لذا می‌بایست به صورت عمومی نیز انتشار یابد.

- با توجه به اینکه موضوع ماده ۱۲، تصمیم یا مصوبه است، مقام تصویب‌کننده یا تصمیم‌گیرنده در هنگام تصویب یا اتخاذ تصمیم خود، ملاحظات لازم برای جلوگیری از بروز تبعات منفی در جامعه را نیز مد نظر قرار می‌دهد. بنابراین، انتشار آن اشکالی ندارد.

ماده ۱۶- مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف - شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشاء اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.

ب - شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.

ج - متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چهارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه استثنای ذکر شده در این ماده، شامل مواردی که موجب هتک عرض و آبروی اشخاص یا مغایر با عفت عمومی و یا اشاعه فحشاء می‌شود، نگردیده، خلاف موازین شرع و همچنین مغایر با بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۱۶ به جهت عدم شمول استثنای آن بر موارد مفسده‌انگیز، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع و به همین جهت با ۱۰ رأی موافق، خلاف بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۷- در صورتی که برای مؤسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای آنها باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.

الف - نظرات مخالف

- نظر به اینکه اطلاق ماده مزبور، شامل تکلیف مؤسسات مشمول این قانون به در اختیار قرار دادن اطلاعاتی نیز می‌شود که خلاف عفت عمومی است و یا موجبات هتک عرض و حیثیت افراد و یا اشاعه فحشاء را فراهم می‌آورد، خلاف موازین شرع و مغایر بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

- اطلاق حکم مندرج در ماده ۱۷، مبنی بر عدم جواز در اختیار قرار دادن اطلاعات در صورتی که موجب ورود خسارت مالی یا جانی یا به مخاطره افتادن سلامت افراد شود، به نظر صحیح نمی‌رسد؛ زیرا ممکن است مصلحت مهمتری در میان باشد. لذا می‌بایست این ماده، نسبت به مواردی که رسیدن به مصلحت و هدف مهمتری مد نظر باشد، تقیید بخورد؛ هر چند که متضمن خسارت مالی باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۱۷ به جهت عدم استثنای موارد مفسده‌انگیز، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع و به همین جهت با ۱۰ رأی موافق، خلاف بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۸- مؤسسات مشمول این قانون مکلفند در مواردی که ارائه اطلاعات درخواست شده به امور زیر لطمه وارد می‌نماید از دادن آنها خودداری کنند.

الف - امنیت و آسایش عمومی.

ب - پیشگیری از جرایم یا کشف آنها، بازداشت یا تعقیب مجرمان.

ج - ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آنها.

د - اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور.

تبصره - موضوع مواد (۱۴) الی (۱۸) شامل اطلاعات راجع به وجود یا بروز خطرات زیست محیطی و تهدید سلامت عمومی نمی‌گردد.

الف - نظر مخالف

- اطلاق تبصره ماده ۱۸، به جهت شمول بر موارد مفسده‌انگیز (= مواردی که خلاف عفت عمومی است و یا موجب هتک عرض و حیثیت افراد و یا اشاعه فحشاء می‌گردد)، خلاف موازین شرع است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق تبصره ماده ۱۸ به جهت شمول بر موارد مفسده‌انگیز، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۹- به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، سیاستگذاری‌های لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجراء، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگسازی، ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رییس‌جمهور با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس کمیسیون).

ب - وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا معاون ذی‌ربط.

ج - وزیر اطلاعات یا معاون ذی‌ربط.

د - وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا معاون ذی‌ربط.

ه - رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون ذی‌ربط.

و - رئیس دیوان عدالت اداری.

ز - رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی.

ح - دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات کشور.

تبصره - دبیرخانه کمیسیون یاد شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌گردد. نحوه تشکیل جلسات و اداره آن و وظایف دبیرخانه به پیشنهاد کمیسیون مذکور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق واگذاری مسئولیت «سیاستگذاری»، به کمیسیون پیش‌بینی شده در این ماده، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است؛ زیرا سیاستگذاری، واجد ماهیتی تقنینی است که طبق اصل مزبور، منحصراً در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

- با توجه به اینکه در اصل ۶۰ قانون اساسی، اعمال قوه مجریه - جز در اموری که مستقیماً در قانون اساسی به عهده رهبری گذاشته شده - تنها از طریق رئیس‌جمهور و وزرا پیش‌بینی شده است، واگذاری اختیارات اجرایی به کمیسیون مقرر در این ماده که مشتمل بر افرادی، غیر از افراد قوه مجریه است، این ماده را در مغایرت با اصل مزبور قرار می‌دهد.

- از آنجا که تعیین وظایف دبیرخانه کمیسیون، ماهیتی تقنینی دارد، تبصره ماده ۱۹، که تعیین این وظایف را به عهده هیأت دولت گذارده، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده ۱۹، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

۲- ماده ۱۹، با ۱۰ رأی موافق، مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۰- مؤسسات ذی‌ربط ملزم به همکاری با کمیسیون می‌باشند.

الف - نظر مخالف

- الزام کلیه نهادها و مؤسسات؛ اعم از عمومی و خصوصی، به همکاری با کمیسیون صحیح نیست. به عنوان مثال، قوه مقننه در چارچوب قانون اساسی، وظایفی بر عهده دارد، حال الزام این قوه به همکاری با کمیسیون مزبور در قالب قوانین عادی، که چیزی

علاوه بر وظایف تعریف شده آن است، خلاف اصول مربوط به وظایف قوه مقننه، مندرج در قانون اساسی است. همچنین، مشخص نیست که چگونه می‌توان مؤسسات خصوصی را به همکاری الزام کرد؟!

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۱- هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیرواقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسوولیت مدنی جبران خسارتهای وارد شده را مطالبه نماید. تبصره - در صورت انتشار اطلاعات واقعی بر خلاف مفاد این قانون، اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند که مطابق قواعد عمومی مسوولیتهای مدنی، جبران خسارتهای وارد شده را مطالبه نمایند.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه اولاً شورای نگهبان در گذشته، تقویم خسارت معنوی به مادی را مغایر با موازین شرع شناخته بوده است، و ثانیاً استناد تبصره این ماده به قواعد عمومی مسوولیتهای مدنی، که در قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بیان شده است، مستلزم پذیرش تقویم مادی خسارات معنوی است، تبصره مزبور مغایر با موازین شرع می‌باشد. - تأیید این تبصره از سوی شورای نگهبان زمینه را برای پذیرش تمامی قواعد مسوولیت مدنی - از جمله موارد مغایر با شرع - فراهم خواهد آورد و عملاً موجب دوگانگی و تردید در قابلیت استناد به قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ خواهد شد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۳- ارتکاب عمدی اعمال زیر جرم می‌باشد و مرتکب به پرداخت جزاء نقدی از سیصد هزار (۳۰۰،۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال با

توجه به میزان تأثیر، دفعات ارتکاب جرم و وضعیت وی محکوم خواهد شد.
 الف - ممانعت از دسترسی به اطلاعات بر خلاف مقررات این قانون.
 ب - هر فعل یا ترک فعلی که مانع انجام وظیفه کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات یا وظیفه اطلاع‌رسانی مؤسسات عمومی بر خلاف مقررات این قانون شود.

ج - امحاء جزئی یا کلی اطلاعات بدون داشتن اختیار قانونی.
 د - عدم رعایت مقررات این قانون در خصوص مهلت‌های مقرر.
 چنانچه هر یک از جرایم یاد شده در قوانین دیگر مستلزم مجازات بیشتری باشد همان مجازات اعمال می‌شود.

الف - نظر مخالف

- بند (ج) ماده فوق، از آنجا که ناظر بر اموال خصوصی اشخاص نیز می‌شود، مغایر موازین شرع است؛ زیرا طبق قاعده فقهی تسلیط^(۱)، هر کس بر اموال خویش سلطه دارد و می‌تواند به اختیار خود در آنها دخل و تصرف داشته باشد.

ب - نظر موافق

- سلطه انسان بر اموال خویش، مطلق و همه جایی نیست، بلکه در مواردی، سلطه اشخاص بر اموال به جهت برخی ملاحظات و اعتبارات، جنبه عمومی نیز دارد. به عنوان مثال، اسناد خطی و یا املاک باستانی، هر چند ممکن است، مالکیت شخصی داشته باشد، اما به جهت اهمیت و اعتبار عمومی، قابل تخریب یا دخل و تصرف به هر شکلی که مالک اراده کند، نیست.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۲)

اطلاق ماده (۶) در مواردی که مؤسسات مذکور تعهدی نسبت به متقاضیان در خصوص در اختیار قرار دادن اطلاعات نداشته باشند، خلاف موازین شرع شناخته شد.
 اطلاق ضوابط مندرج در ماده (۹) چون شامل امور تقنینی نیز می‌گردد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. «الناس مسلطون علی أموالهم».

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۴۲ مورخ ۸۷/۳/۱۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

نظر به اینکه ماده (۱۱) شامل مواردی است که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و علاوه بر این، در لایحه دولت در مواردی انجام خدمات مذکور در قبال دریافت هزینه پیش‌بینی گردیده که مجلس محترم آن را حذف نموده است و این امر، ظهور در ارائه اینگونه خدمات به صورت مجانی دارد، لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظر به اینکه مستثنیات مذکور در ماده (۱۶) شامل مواردی که موجب هتک عرض و آبروی اشخاص یا مغایر با عفت عمومی و یا اشاعه فحشاء می‌شود، نگردیده، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین مغایر بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی است.

نظر به اینکه اطلاق ماده (۱۷) شامل تکلیف در اختیار قرار دادن اطلاعات در مواردی که این اعمال موجب هتک عرض و حیثیت افراد و یا خلاف عفت عمومی و یا موجب اشاعه فحشاء می‌شود نیز می‌گردد، خلاف موازین شرع و مغایر بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد.

در ماده (۱۹) اطلاق سیاستگذاری مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد، علاوه بر این اختیارات محوله در این ماده به شورای مذکور، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است.

تذکر: بند (الف) ماده (۱)، عبارت «یا هر وسیله یا شیء دیگری»، لازم است اصلاح شود.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:
الف - اطلاعات: هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده یا با هر وسیله دیگری ضبط شده باشد.

ماده ۶- مؤسسات خصوصی موظفند با رعایت مقررات این قانون، اطلاعات مورد نیاز افراد را که برای اجراء حقوق یا حمایت از حقوق آن افراد ضروری است، در دسترس آنان قرار دهند.

- تصمیم شورا

اشکال شرعی وارد شده در نظریه شورا بر این ماده، به لحاظ عدم اصلاح مجلس و اصرار بر مصوبه قبلی، کماکان باقی است.

ماده ۹- مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریعترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت، مدت زمان پاسخ نمی تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد. آیین نامه اجرایی این ماده، ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، بنا به پیشنهاد کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به تصویب هیئت وزیران می رسد.

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۱۱- هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه بندی می باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی، دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و بیلان خود را با استفاده از امکانات رایانه ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می تواند شامل موارد زیر باشد، منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف – اهداف، وظایف، سیاستها و خط مشی ها و ساختار

ب – روشها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیماً به اعضاء جامعه ارائه می دهد.

ج – ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه

د – انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می شود و آیین دسترسی به آنها

ه – اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود

و – تمام ساز و کارها یا آیین هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و

حقوقی و سازمانهای غیردولتی می تواند در اجراء اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.

الف – نظرات مخالف

– با توجه به اینکه در این ماده، به طور مطلق، کلیه مؤسسات عمومی را مکلف به انتشار اطلاعات خود نموده است و بر این اساس، این اطلاق شامل مؤسسات زیر نظر مقام معظم رهبری؛ از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دفتر بازرسی ویژه رهبری و... و نیز مجلس خبرگان می شود، خلاف موازین شرع می باشد؛ زیرا این

الزام، محدود کننده یا سلب کننده اختیارات رهبری و مجلس خبرگان می باشد.

- طبق تعریف مندرج در بند (د) ماده (۱) همین قانون، نهادهای زیر نظر مقام رهبری نیز جزء مؤسسات عمومی مشمول این قانون هستند که طبق ماده ۱۱، ملزم به انتشار اطلاعات خود هستند. بر این اساس، این ماده، محدود کننده اختیارات ولی فقیه و خلاف شرع است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به قیود مندرج در ماده که انتشار اطلاعاتی را الزام کرده که نفع عمومی را در بردارد و جنبه طبقه بندی نیز ندارد، منافاتی با اختیارات ولی فقیه ندارد؛ خصوصاً آنکه تشخیص موارد و قیود فوق نیز، طبق قانون با مؤسسات مزبور است.

- با توجه به حق و اختیار مجلس نسبت به قانونگذاری در کلیه امور کشور و قیود مندرج در ماده، مجلس حق قانونگذاری و الزام کلیه مؤسسات عمومی؛ از جمله مؤسسات و دستگاههای زیر نظر مقام رهبری را با کسب اجازه از ایشان دارد. ضمن آنکه، مقام معظم رهبری نیز در بسیاری موارد، صریحاً به بی اشکال بودن بازرسی از دستگاههای زیر نظر خود و یا قانونگذاری مجلس نسبت به آنها (از جمله صدا و سیما) نظر داده اند.

- از آنجا که مؤسسات عمومی در قانون احصاء شده اند و نهادهایی همچون شورای نگهبان، جزء مؤسسات عمومی نیستند، بلکه جزء نهادهای انقلابی طبقه بندی می شوند، لذا چنین دستگاههایی از شمول ماده ۱۱ این قانون خارج هستند.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است، لیکن اطلاق این ماده، از جهت تسری نسبت به دستگاههای زیر نظر مقام معظم رهبری، با رأی موافق، مغایر شرع تشخیص داده شد.

ماده ۱۶- مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف - شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.

ب - شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.

ج - متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چهارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد. ماده ۱۷- در صورتی که برای مؤسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای آنها باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.

ماده ۱۸- مؤسسات مشمول این قانون مکلفند در مواردی که ارائه اطلاعات درخواست شده به امور زیر لطمه وارد می‌نماید، از دادن آنها خودداری کنند.

الف - امنیت و آسایش عمومی

ب - پیشگیری از جرایم یا کشف آنها، بازداشت یا تعقیب مجرمان

ج - ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آنها

د - اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور

تبصره ۱- موضوع مواد (۱۴) الی (۱۸) شامل اطلاعات راجع به وجود یا بروز خطرات زیست‌محیطی و تهدید سلامت عمومی نمی‌گردد.

تبصره ۲- موضوع مواد (۱۶) و (۱۷) شامل اطلاعاتی که موجب هتک عرض و حیثیت افراد یا مغایر عفت عمومی و یا اشاعه فحشاء می‌شود، نمی‌گردد.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح صورت گرفته (الحاق تبصره ۲ به ماده ۱۸)، ایرادات قبلی شورا به مواد (۱۶) و (۱۷) برطرف شده است.

ماده ۱۹- به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرایی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجراء، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگسازی، ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رئیس‌جمهور با

ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

- الف - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس کمیسیون)
 - ب - وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا معاون ذی‌ربط
 - ج - وزیر اطلاعات یا معاون ذی‌ربط
 - د - وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا معاون ذی‌ربط
 - ه - رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون ذی‌ربط
 - و - رئیس دیوان عدالت اداری
 - ز - رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی
 - ح - دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات کشور
- تبصره ۱- دبیرخانه کمیسیون یاد شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌گردد. نحوه تشکیل جلسات و اداره آن و وظایف دبیرخانه به پیشنهاد کمیسیون مذکور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
- تبصره ۲- مصوبات کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات پس از تأیید رییس‌جمهور لازم‌الاجراء خواهد بود.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح انجام گرفته در صدر ماده و الحاق تبصره (۲) به این ماده، ایرادات قبلی شورا برطرف شده است.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

ایراد ماده (۶) با توجه به اصرار مجلس محترم، رفع نگردیده و کماکان به قوت خود باقی است. اطلاق ماده (۱۱) در مواردی که شامل دستگاههایی می‌شود که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشند، خلاف موازین شرع شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی نسبت به مصوبه خویش در جلسه ۱۳۸۷/۱۱/۶ نسبت به ۲ ماده فوق، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۳۶ مورخ ۸۷/۱۰/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱)

۱. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و به شرح زیر مورد اصلاح و تصویب قرار گرفت:

الف - در خصوص ماده ۶، نظر شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفت و ماده مذکور حذف شد.

ب - ماده ۱۱، با الحاق یک تبصره به شرح ذیل به تصویب رسید:

«هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی، دست‌کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می‌تواند شامل موارد زیر باشد، منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف - اهداف، وظایف، سیاستها و خط‌مشی‌ها و ساختار

ب - روشها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیماً به اعضاء جامعه ارائه می‌دهد.

ج - ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه

د - انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می‌شود و آیین دسترسی به آنها

ه - اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود

و - تمام ساز و کارها یا آیین‌هایی که به‌وسیله آنها اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمانهای غیردولتی می‌توانند در اجراء اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.

تبصره - حکم ماده (۱۱) در مورد دستگاههایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، مشروط به عدم مخالفت معظم‌له می‌باشد.

لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا و پروتکل اصلاحی آن

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۸

ماده ۸- هرگاه یک طرف متعاهد یا مؤسسه تعیین شده توسط وی به لحاظ پرداختی که به موجب یک قرارداد بیمه یا تضمین خطرات غیرتجاری به عمل آورده، جانشین سرمایه‌گذار شود:

الف - جانشینی مزبور به وسیله طرف متعاهد دیگر معتبر شناخته خواهد شد،

ب - جانشین مستحق حقوقی بیش از آنچه سرمایه‌گذار استحقاق آن را داشته، نخواهد بود،

پ - اختلافات میان جانشین و طرف متعاهد سرمایه‌پذیر برابر ماده (۱۱) این موافقتنامه حل و فصل خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اطلاق بند (الف) این ماده، از آنجا که دولت ایران بدون هیچ قید و شرطی، ملزم به پذیرش جانشین سرمایه‌گذار می‌باشد و این اطلاق، شامل پذیرش مؤسسات فاسد فرهنگی یا وابسته به رژیم اشغالگر قدس می‌شود، محل ایراد است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۱- حل و فصل اختلافات میان یک طرف متعاهد و سرمایه‌گذار طرف متعاهد دیگر

۱- چنانچه اختلافی میان یک طرف متعاهد سرمایه‌پذیر و یک یا چند سرمایه‌گذار طرف متعاهد دیگر درباره یک سرمایه‌گذاری بروز کند، طرف متعاهد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور در ابتدا تلاش خواهند کرد که

- اختلاف را از طریق مذاکره و مشاوره و به صورت دوستانه حل و فصل کنند.
- ۲- چنانچه طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور نتوانند ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ ادعا به دیگری به توافق برسند، هر یک از آنها می‌تواند اختلاف را در دادگاههای صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر مطرح و یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط به خود به یک هیأت داورى سه نفره به شرح مندرج در بند (۵) زیر ارجاع کند.
- ۳- هر اختلافی که ابتدا در دادگاههای صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر اقامه شود، تا زمانی که در دست رسیدگی است جز با توافق طرفها و بر اساس مجوز دادگاه نمی‌تواند به داورى ارجاع شود، و در صورتی که متهمی به صدور حکم قطعی شود، قابل ارجاع به داورى نخواهد بود.
- ۴- پس از ارجاع هرگونه اختلافی به داورى، طرفهای اختلاف نمی‌توانند اختلاف مورد نظر را به دادگاههای ملی ارائه نمایند. مع هذا مفاد این بند مانع از آن نخواهد بود که محکوم‌له حکم داورى برای اجرای آن به دادگاههای داخلی مراجعه کند.
- ۵- طرف متعاقد سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) طرف متعاقد دیگر هر کدام که بخواهند اختلافی را به داورى ارجاع کنند باید ضمن ارسال اطلاعیه کتبی برای دیگری داور منتخب خود را معرفی نماید. طرف دیگر باید ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه یاد شده، نسبت به معرفی یک داور اقدام کند و داوران منتخب باید ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین کنند. چنانچه هر یک طرف ظرف مدت مقرر، داور خود را تعیین نکند و یا داوران منتخب ظرف مدت یاد شده در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند، هر یک از طرفها می‌تواند از رئیس دیوان داورى بین‌المللی اطاق تجارت بین‌الملل بخواهد که حسب مورد داور طرف ممتنع یا سرداور را تعیین نماید. در هر صورت، سرداور باید از اتباع کشوری انتخاب شود که در زمان انتخاب با طرفهای متعاقد روابط سیاسی دارد.

الف - نظر مخالف

- حکم مندرج در این ماده مبنی بر اجبار و الزام بدون قید و شرط دولت ایران به رجوع به داورى، در مواردی که طرف متعاقد (سريلانکا)، موضوع دعوى را در مراجع داورى طرح کند، از آنجا که مقید به رعایت شرایط مندرج در اصل ۱۳۹ نشده است،

مغایر اصل مزبور قانون اساسی به نظر می‌رسد. توضیح آنکه، وفق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد، ارجاع به داوری می‌بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. با این وجود، این ماده هیچ گونه قید و شرطی را در این خصوص، مقرر نکرده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۱۹۷ مورخ ۸۷/۳/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه تصویب موافقتنامه بین دولتی شبکه راه آهن سراسری آسیایی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۸

ماده واحده - موافقتنامه بین دولتی شبکه راه آهن سراسری آسیایی مورخ دهم نوامبر ۲۰۰۶ میلادی (برابر با ۱۳۸۵/۸/۱۹ هجری شمسی) به شرح پیوست و با رعایت تبصره های زیر تصویب و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه تودیع اسناد آن داده می شود.

تبصره ۱- برداشت جمهوری اسلامی ایران از مفاد ماده (۱۳) در خصوص چگونگی حل و فصل اختلافات و اعمال آن با رعایت قوانین و مقررات هریک از طرفها و همچنین رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

تبصره ۲- وزارت راه و ترابری موظف است اصلاحات متن اصلی موافقتنامه «موضوع ماده (۷)» و پیوستهای (۱) و (۲) آن «موضوع ماده (۸) و (۹)» را در مهلت مقرر به معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور منعکس نماید تا پس از بررسی آن معاونت، در خصوص اعلام پذیرش یا عدم پذیرش آن تصمیم گیری شود و مراتب پس از هماهنگی با هیأت وزیران و تصویب شورای اسلامی به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام گردد.

....

ماده ۷- تشریفات اصلاح متن اصلی

....

۴- اصلاحیه با رأی اکثریت دو سوم طرفهای حاضر و رأی دهنده کارگروه تصویب خواهد شد. اصلاحیه مصوب توسط دبیرخانه به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد که وی آن را بین تمامی طرفها برای پذیرش، توزیع خواهد کرد.

۵- اصلاحیه ای که طبق بند (۴) این ماده تصویب شده است، دوازده ماه پس از پذیرش دو سوم طرفها، لازم الاجراء خواهد شد. اصلاحیه برای تمامی طرفها، به استثناء آنهایی که قبل از لازم الاجراء شدن آن اعلام نمایند که اصلاحیه را

نمی‌پذیرند، لازم‌الاجراء خواهد شد. هر طرفی که اعلام کرده است اصلاحیه مصوب طبق این بند را نمی‌پذیرد، می‌تواند در هر زمان پس از آن، سندی مبنی بر پذیرش اصلاحیه مزبور را نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تودیع نماید. اصلاحیه مزبور دوازده ماه پس از تاریخ تودیع سند یاد شده برای آن کشور لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده ۸- تشریفات اصلاح پیوست (۱)

...

۷- چنانچه طی یک دوره شش ماهه از تاریخ اعلام، کمتر از یک سوم طرفها مخالفت خود را نسبت به اصلاحیه به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرده باشند، اصلاحیه مصوب بند (۶) این ماده، پذیرفته شده تلقی خواهد شد. ۸- اصلاحیه‌ای که طبق بند (۷) این ماده پذیرفته شده، سه ماه پس از انقضاء دوره شش ماهه موضوع بند (۷) این ماده، برای تمامی طرفها لازم‌الاجراء خواهد شد. ماده ۹- تشریفات اصلاح پیوست (۲)

...

۵- چنانچه طی دوره شش ماهه از تاریخ اعلام، کمتر از یک سوم از طرفها مخالفت خود را نسبت به اصلاحیه به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرده باشند، اصلاحیه مصوب طبق بند (۴) این ماده، پذیرفته شده تلقی خواهد شد. ۶- اصلاحیه‌ای که طبق بند (۵) این ماده پذیرفته شده است، سه ماه پس از انقضاء دوره شش ماهه موضوع بند (۵) این ماده، برای تمامی طرفها لازم‌الاجراء خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه در بند (۵) ماده (۷) و بند (۸) ماده (۸) و بند (۶) ماده (۹)، حکم به لازم‌الاجراء شدن خود به خودی اصلاحیه‌های مورد اشاره در این مواد، بدون طی تشریفات مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب کلیه موافقتنامه‌های بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی کرده است، مغایر اصل مزبور می‌باشد.

ب - نظر موافق

- با توجه به ماهیت تخصصی مفاد پیوست‌های ضمیمه شده، اصلاحیه‌های مورد اشاره در این مواد نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد و در نتیجه مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی نیست.

ج - تصمیم شورا

بند (۵) ماده (۷) و بند (۸) ماده (۸) و بند (۶) ماده (۹)، با هشت رأی موافق، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

پیوست (۱) شبکه راه آهن سراسری آسیایی
 پیوست (۲) اصول راهنمای مربوط به مشخصات فنی شبکه راه آهن سراسری
 آسیایی
 ...

الف - نظر مخالف

- استفاده از دو واژه «بوژی» و «کوپلینگ» در متون دو پیوست مزبور، به جهت غیر فارسی بودن واژگان، مغایر تکلیف مندرج در اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم فارسی بودن اسناد و متون رسمی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

لازم الاجراء شدن اصلاحیه های مذکور در بند (۵) ماده (۷) و بند (۸) ماده (۸) و بند (۶) ماده ۹ بدون تصویب مجلس شورای اسلامی، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی است.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۴/۱۲

ماده واحده - موافقتنامه بین دولتی شبکه راه آهن سراسری آسیایی مورخ دهم نوامبر ۲۰۰۶ میلادی (برابر با ۱۳۸۵/۸/۱۹ هجری شمسی) به شرح پیوست و با رعایت تبصره های زیر تصویب و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۰۶ مورخ ۸۷/۳/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

تودیع اسناد آن داده می شود.

تبصره ۱- برداشت جمهوری اسلامی ایران از مفاد ماده (۱۳) در خصوص چگونگی حل و فصل اختلافات و اعمال آن با رعایت قوانین و مقررات هریک از طرفها و همچنین رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

تبصره ۲- دولت موظف است کلیه اصلاحیه های موافقتنامه و پیوستهای آن، موضوع ماده (۷) و پیوستهای (۱) و (۲) آن موضوع مواد (۸) و (۹) را در مهلت مناسب، قبل از انقضای مهلت های موردنظر در بندها و مواد مذکور مطابق با اصل هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی حسب مورد اعلام نماید.

در صورتی که مجلس شورای اسلامی اصلاحیه ها را تصویب ننماید دولت موظف است مراتب را مبنی بر عدم پذیرش اصلاحیه ها، ظرف مهلت مقرر در موافقتنامه به مراجع ذی ربط اعلام و این اصلاحیه ها در مواد مذکور برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الاجراء نخواهد بود.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۴۸۰ مورخ ۸۷/۴/۱۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه شوراهای حل اختلاف

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۸، ۱۳۸۷/۳/۱۹، ۱۳۸۷/۳/۲۰ و ۱۳۸۷/۳/۲۸^(۱)

ماده ۲- رئیس کل دادگستری استان می تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که وفق اصل ۱۷۲ قانون اساسی، تنها دادگاهی که می تواند به صورت اختصاصی ایجاد شود، دادگاه نظامی است^(۲) و^(۳) بنابراین، نه با قانون و نه با حکم مقامات قضایی، نمی توان صلاحیت اختصاصی به محاکم اعطا کرد و حیطه اختیارات و رسیدگی آنها را محدود کرد. بر این اساس، حکم مندرج در این ماده که به رئیس کل دادگستری استان، صلاحیت تشکیل شوراهای تخصصی برای رسیدگی به امور خاص را واگذار کرده، خلاف اصل ۱۷۲ قانون اساسی به نظر می رسد. (این دیدگاه معتقد است اختیار رئیس قوه قضائیه یا سایر مقامات قضایی در تخصیص شعب دادگاهها جهت رسیدگی تخصصی به پرونده ها، تنها به جهت تسهیل، تنظیم و تنسيق امور در دادگستری است که این موضوع، نافی صلاحیت عام محاکم برای رسیدگی به سایر پرونده ها نمی باشد.) - تشکیل شوراهای تخصصی به موجب این لایحه، نافی اختیارات عام رئیس قوه قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری (بند (۱) اصل ۱۵۸) است و پس از قانونی شدن این لایحه، رئیس قوه نمی تواند صلاحیت های خود را اعمال نماید.

۱. جلسات مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۰ و ۱۳۸۷/۳/۲۸ پس از بررسی اولیه این لایحه در شورای نگهبان و به جهت استماع سخنان رئیس قوه قضائیه و سایر مسئولین قضایی در خصوص زوایای مختلف این لایحه تشکیل شده است.
۲. نحوه استدلال بر اصل ۱۷۲: با توجه به اینکه در قانون اساسی، قانونگذار اساسی در مقام بیان دادگاههای اختصاصی، تنها صلاحیت دادگاههای نظامی را به رسمیت شناخته است، بنابراین، همین «مخصوص به ذکر کردن» دادگاههای نظامی، مبین و کاشف عدم اعتقاد قانونگذار اساسی به واگذاری صلاحیت اختصاصی به دادگاهی دیگر می باشد.
۳. استثنای دیگر در خصوص محاکم اختصاصی، صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت است، که از باب اختیارات ولی فقیه و حکم حکومتی ولی امر، مورد پذیرش قرار گرفته است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به اصل ۱۵۹ که تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها را منوط به حکم قانون دانسته، می توان با قانونگذاری، صلاحیت دادگاهها را تعیین نمود. به عبارت دیگر، صلاحیت تمامی دادگاهها به موجب قانون، تعریف شده و مشخص است و هیچ دادگاهی نمی تواند در خارج از صلاحیت اعطایی، به موضوعی رسیدگی کند. بر این اساس، دادگاههای نظامی نیز که بعد از انقلاب، زیر مجموعه قوه قضائیه تعریف شده اند و طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی، صلاحیت آنها مشخص شده است، دادگاه اختصاصی (به معنای محاکم خارج از قوه قضائیه) قلمداد نخواهند شد.

- ویژگی دادگاههای نظامی، نه به خاطر «نظامی بودن» افراد، بلکه به خاطر «نوع جرم ارتكابی» است؛ مانند ترک پست یا از دست دادن اسلحه و... بر همین اساس، اختلافات خانوادگی نظامیان یا سایر جرایم ارتكابی آنها نیز همچون غیرنظامیان در دادگاه خانواده یا دادگاه عمومی رسیدگی می شود. لذا دادگاه نظامی، دادگاه صنفی نیست. (در مقابل این دیدگاه، دیدگاه دیگر معتقد است که تنها «نوع جرم ارتكابی» تعیین کننده صلاحیت ویژه دادگاه نظامی نیست، بلکه علاوه بر «نوع جرم ارتكابی»، «نظامی بودن» مرتکب نیز شرط است).

- شوراهای حل اختلاف، به دلیل فلسفه وجودی و ساختار تشکیلاتی، اساساً دادگاه به معنای خاص نیست، بلکه نهادی است مردمی برای حل اختلاف و داوری میان مردم به صورت کدخدامنشانه. بر این اساس، مباحثی همچون تخصصی یا اختصاصی بودن صلاحیت شوراها و یا صلاحیت رئیس کل دادگستری استانها برای تشکیل شعب تخصصی و... (مذکور در ماده ۲ لایحه)، منصرف از مباحث مربوط به دادگاهها و اصول ناظر بر آنها در قانون اساسی است. (فلسفه وجودی شوراهای حل اختلاف، کاستن از تراکم پرونده ها در محاکم قضایی، صلح و سازش میان طرفین دعوا و حل و فصل امور به شیوه کدخدامنشی است. آیین دادرسی شوراهای حل اختلاف نیز تابع آیین دادرسی محاکم نیست).

ماده ۵- قاضی شورا با ابلاغ رئیس قوه قضائیه از میان قضات شاغل منصوب خواهد شد و احکام انتصاب سایر اعضای شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس کل دادگستری استان صادر می شود.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به مفاد ماده (۹) که ناظر بر واگذاری صلاحیت قضایی به اعضای شوراها می باشد،

حکم مندرج در ماده (۵) که احکام انتصاب اعضای شورا (به جز قاضی شورا) را پس از احراز شرایط، به عهده رئیس کل دادگستری استان نهاده است، مغایر بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی می‌باشد؛ زیرا وفق اصل یاد شده، استخدام قضات محاکم، تنها در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است.

– به استناد ماده (۹)، شوراهای حل اختلاف، در امور قضائی و کیفری نیز ورود یافته و حکم قضایی صادر می‌کنند؛ به همین دلیل واگذاری صدور حکم انتصاب سایر اعضا شورا به رئیس کل دادگستری استان مغایر با صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه مندرج در بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.

– مفاد ماده (۹) به تقریر فوق، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی است؛ زیرا در این اصل، بیان شده که رئیس قوه قضائیه، به منظور انجام مسئولیتهای قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، نصب می‌شود، لذا به تصریح این اصل، کلیه کارهای اجرایی؛ از جمله کارهای اجرایی مربوط به شوراهای حل اختلاف و تعیین اعضای آن، بر عهده رئیس قوه قضائیه است که البته قابل تفویض و واگذاری توسط شخص رئیس قوه قضائیه می‌باشد، ولی قانون عادی نمی‌تواند این مسئولیت را به شخص دیگری واگذار کند.

ب – نظرات موافق

– در خصوص این ماده و واگذاری اختیار تعیین اعضای شوراهای حل اختلاف به رئیس کل دادگستری، می‌بایست قائل به تفکیک شد؛ چنانچه شوراهای حل اختلاف، کار قضایی انجام دهند، می‌بایست کلیه شرایط راجع به محاکم قضایی؛ از جمله لزوم رعایت آیین دادرسی، رعایت شرایط و صفات قاضی در اعضای شورا و همچنین صدور حکم انتصاب آنها توسط رئیس قوه قضائیه و... می‌بایست رعایت گردد. اما چنانچه شوراهای حل اختلاف، مرجع صلح و سازش و حل اختلاف به صورت کدخدامنشانه و شورایی باشد، لزومی به رعایت هیچ کدام از شرایط فوق نیست و بر این اساس، صدور حکم انتصاب اعضای آن نیز، لزوماً به عهده رئیس قوه قضائیه نیست، بلکه معتمدین محلی نیز می‌توانند احکام انتصاب اعضای شورا را صادر نمایند.

– با توجه به فلسفه وجودی شوراهای حل اختلاف و جدا بودن ماهیت شوراها از محاکم دادگستری، هیچ منعی برای نصب اعضای شورا توسط رئیس کل دادگستری استان و نصب قاضی شورا توسط رئیس قوه قضائیه نمی‌باشد؛ مانند بسیاری دیگر از

کمیسیونهای حل اختلاف؛ همچون کمیسیونهای مالیاتی، کمیسیونهای ماده (۱۰۰) شهرداری، کمیسیونهای ثبت احوال و اسناد و

ج - تصمیم شورا

با توجه به وظایف قضایی محوله به شوراهای حل اختلاف در ماده (۹) لایحه، اطلاق ماده (۵) در خصوص واگذاری اختیار انتصاب اعضای شورا به رئیس کل دادگستری استان، با رأی موافق، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۶- اعضاء شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

ب - اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه.

ج - حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل.

د - عدم اعتیاد به مواد مخدر یا روان گردان یا سکرآور.

ه - دارا بودن حداقل ۳۵ سال تمام.

و - دارا بودن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت از خدمت.

ز - دارا بودن مدرک کارشناسی جهت اعضاء شوراهای حل اختلاف شهر.

ح - متأهل بودن.

ط - سابقه سکونت در محل شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سکونت پس از عضویت.

ی - نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.

تبصره ۱- برای عضویت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته های حقوق قضایی یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند.

تبصره ۲- برای عضویت در شوراهای مستقر در روستا، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن الزامی است.

الف - نظرات مخالف

- عدم ذکر شرط «التزام عملی به اسلام» برای عضویت در شوراهای، مغایر بند (۱) از اصل ۳ قانون اساسی است؛ زیرا کسی که التزام عملی به اسلام نداشته باشد، نمی تواند

مروج دین و اخلاق و مبارزه‌کننده با کلیه مظاهر فساد و تباهی باشد. بر همین اساس، این ماده، مغایر موازین شرع نیز می‌باشد.

- با توجه به ماده (۹) این لایحه که از یک سو، برای شوراهای حل اختلاف، شأن قضایی در نظر گرفته شده و صلاحیت صدور رأی قضایی در برخی جرایم و همچنین صلاحیت انجام برخی امور حسبه اعطا شده است و از سوی دیگر، در ماده (۲) شرایط قاضی را برای اعضای شوراهای لازم ندانسته، بنابراین، این ماده مغایر اصل ۱۶۳ و بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- در مورد لزوم یا عدم لزوم شرایط قاضی برای اعضای شورا، بر اساس میزان صلاحیت اعطایی به اعضای شورا می‌بایست قائل به تفکیک شد؛ چنانچه اعضای شوراهای حل اختلاف، صلاحیت صدور حکم قضایی، حتی به نحو شورایی را داشته باشند، لازم است کلیه شرایط قاضی و قضاء؛ از جمله عدالت، تدبیر به اسلام و... را داشته باشند، اما چنانچه صلاحیت این افراد، همچون قاضی تحکیم باشد که دو طرف دعوا، آنها را به عنوان داور مرضی الطرفین قبول کرده و حکم آنها را برای خود لازم‌الاتباع دانسته باشند، شرایط لازم برای قاضی، در اینان لازم نیست. بر این اساس، با توجه به فلسفه تشکیل شوراهای حل اختلاف و صلح و سازش میان طرفین دعوا، بدون صدور حکم قضایی است - نیازی به شرایط لازم برای قضاوت و قاضی برای اعضای این شوراهای نیست.

- صفات و شرایط لازم برای قاضی، از موازین و احکام اولیه شرع است، لیکن الان که از باب ضرورت یا از باب ادله نصب و معلل آن^(۱)، قضات محاکم نیز حائز کلیه شرایط مقرر در شرع نیستند، اعضای شوراهای حل اختلاف هم لازم نیست که کلیه شرایط لازم برای قضاء را دارا باشند.

۱. منظور از «ادله نصب»، مستندات و دلایل ناظر بر نصب عام فقها از سوی شارع برای قضاوت و حکومت در عصر غیبت است. در این عبارت، استدلال بر صلاحیت قضات مأذون از طرف فقیه بدین نحو است که از آنجایی که بنا بر نصب عام، فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت برای قضاوت و حکومت از جانب امام معصوم علیه‌السلام مأذون هستند، بنابراین، مأذونین از جانب فقها برای قضاوت و... نیز مستند به همان ادله نصب عام، واجد صلاحیت در حوزه اذن خواهند بود.

ج - تصمیم شورا

ماده ۲، از لحاظ عدم ذکر شرط «تدین به دین اسلام و التزام عملی به آن»، با ۴ رأی موافق، مغایر شرع شناخته شد و به همین جهت، با ۸ رأی موافق، مغایر با بند (۱) اصل ۳ قانون اساسی نیز شناخته شد؛ همچنین از لحاظ عدم ذکر شرایط لازم برای قضاوت برای اعضای شوراها، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۶۳ و بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۹- شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف - در جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً (۳۰) میلیون ریال و یا سه ماه حبس باشد.

ب - صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.

ج - تأمین دلیل.

د - ادعای اعسار از پرداخت محکوم به، در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد.

الف - نظرات مخالف

- تسری صلاحیت شوراهای حل اختلاف به رسیدگی به امور کیفری و جرایم، مجازاتها و اقدامات تأمینی مندرج در بند الف و صدور رأی نسبت به این موضوعات، مغایر موازین شرع و اصل ۱۵۹ قانون اساسی است؛ زیرا رسیدگی به موضوعات فوق، جنبه قضایی داشته که طبق اصل ۱۵۹ منحصراً در صلاحیت محاکم دادگستری است، لیکن در این ماده، این وظیفه به عهده اعضای شورا که افرادی غیرقاضی هستند، محول گردیده است.

- مواد (۲۵)^(۱) و (۲۶)^(۲) این لایحه، ناظر بر ماده (۹) نیست، بلکه ماده (۹)، در صدد

۱. ماده ۲۵- در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود، در غیر این صورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورتمجلس منعکس و مراتب به مرجع قضائی صالح اعلام می‌شود.

۲. ماده ۲۶- در صورت عدم حصول سازش، چنانچه موضوع مطابق ماده (۱۲) در صلاحیت شورا باشد قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء شورا و أخذ نظریه کتبی آنها رأی مقتضی صادر می‌کند و در این صورت تنها نظر قاضی ملاک أخذ تصمیم و صدور رأی است. نظر اعضاء شورا و مستندات باید ثبت و در پرونده منعکس شود.

واگذاری مسئولیت اصدار رأی به شوراها است؛ زیرا ماده (۲۵) در صدد بیان «صلح و سازش» میان افراد است، در صورتی که برخی از بندهای ماده (۹)، اصلاً طرفین ندارد که بتوان در خصوص آنها، صلح و سازش برقرار کرد. مانند بند (الف) که در خصوص رسیدگی به جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی است. لذا ماده (۹) در ذیل مواد (۲۵) و (۲۶) لایحه نیست، بلکه در عرض آنها است.

– آنچه در این لایحه شوراهای حل اختلاف آمده، ارتباطی با آنچه در خصوص این نهاد مد نظر بود و فلسفه وجودی آن ندارد، بلکه نهادی کاملاً قضایی است؛ زیرا اولاً در این شوراها، اثری از دخالت مردم وجود ندارد، بلکه رئیس کل دادگستری، اقدام به انتخاب اعضای شوراها می‌کند و بنابراین، اختیار شوراها در دست قوه قضائیه قرار گرفته است؛ ثانیاً کلیه شئون ذکر شده در ماده (۹)، امور قضایی مندرج در اصل ۱۵۶ است، جز چند مورد استثناء بر این شئون که در ماده (۱۰) ذکر شده است، بنابراین این شوراها یا به طور مطلق و یا با تراضی طرفین، اقدام به رسیدگی و صدور حکم قضایی می‌نمایند؛ ثالثاً طبق ماده (۹) این لایحه، اساساً برخی از دعاوی حقوقی، امور حسبی و برخی از جرایم، از صلاحیت دادگاهها خارج و تنها در صلاحیت ذاتی شوراهای حل اختلاف قرار گرفته است و موجب خواهد شد که در آینده، دادگاهها به نفع شوراها قرار عدم صلاحیت صادر کنند. رابعاً مؤید دیگر بر قضایی بودن شئون در نظر گرفته شده برای شوراها آن است که در موارد فوق، رجوع به شوراها و تمکین به حکم آنها برای افراد، الزامی دانسته شده است، نه اختیاری و روشن است که الزام، مرادف و هماهنگ با کار قضایی است نه حل اختلاف و سازش اختیاری. خامساً بر اساس ماده (۹) و سایر مواد این لایحه، امکان طرح مجدد موضوعات مندرج در اصل (۹) که در شوراها مورد رسیدگی قرار گرفته است، در دادگاههای دادگستری وجود ندارد. بنابراین، اطلاق ماده (۹) از جهت شمول بر امور قضایی و همچنین سلب امکان رجوع مردم به دادگستری در موارد فوق‌الذکر، مغایر با شرع و اصول قانون اساسی است.

ب – نظرات موافق

– ماده (۹) می‌بایست در کنار سایر مواد این لایحه؛ از جمله مواد (۲۵) و (۲۶) مندرج در مبحث ششم راجع به نحوه اتخاذ تصمیم و صدور رأی در شورا مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، ماده (۹) در مقام ذکر موضوعات در صلاحیت شورا است، ولی شیوه

و شکل رسیدگی به این موضوعات، وفق مواد (۲۵) و (۲۶) خواهد بود که مفاد مواد مزبور نیز اشکالی را دربر ندارد.

- به طور کلی شوراهای حل اختلاف، بر اساس مبنا، صلاحیت رسیدگی قضایی ندارد و آنچه در این لایحه در حدود صلاحیت این شوراهای آمده، منصرف از رسیدگی‌های قضایی است. شوراهای بر اساس موازین غیرقضایی و برای حل اختلاف و صلح و سازش، به هیچ وجه دارای صلاحیت قضایی نیستند و صلاحیت آنها نافی صلاحیت عام دادگاههای دادگستری نیز نیست؛ زیرا اصولاً رسیدگی قضایی دارای تشریفات و آیین دادرسی خاص می‌باشد که این موضوع، در شوراهای حل اختلاف منتفی است. لذا آنچه در این لایحه و مواد ۸، ۹، ۱۰ و... مد نظر است، می‌بایست و رای صلاحیت دادگاههای دادگستری و خارج از حیطه مسئولیت دادگاهها ملاحظه شود.

ج - تصمیم شورا

اطلاق ماده (۹) از جهت شمول آن بر امور قضایی که رسیدگی به آنها به غیرقاضی واگذار شده، با ۵ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد؛ همچنین این ماده از جهت واگذاری امور قضایی به مرجع غیردادگستری، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۵۹ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۴- شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال صغیر، مجنون، شخص غیررشید که فاقد ولی یا قیم باشد و همچنین غایب مفقودالثر، ماترک متوفای بلاوارث و اموال مجهول‌المالک به عمل آورد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند.

الف - نظرات مخالف

- وظایف مذکور در این ماده از امور حسبیه است که انجام آنها بر عهده حاکم شرع است که در نظام حکومتی ما، این وظیفه بر عهده دادستان نهاده شده است. بر این اساس، واگذاری این مسئولیت به شوراهای حل اختلاف که اصولاً می‌بایست شأنی غیرقضایی داشته باشند، صحیح نیست.

- اطلاق ماده مزبور که واگذاری امور حسبیه را به عهده شوراهای حل اختلاف نهاده، بدون اینکه این وظیفه را مقید به عضو قاضی شورا کند و یا حداقل مقرر کند که این وظیفه،

بعد از مشورت با دیگر اعضا، بر عهده قاضی شورا است، خلاف شرع می‌باشد.

- وظیفه مقرر در این ماده برای شوراهای حل اختلاف، فراتر از حکم عمومی «عَوْنُ الضعیفِ صدقه»^(۱) می‌باشد؛ زیرا حکم عمومی مزبور، مربوط به همه افراد است و بنابراین، ذکر آن در این ماده برای شوراهای موضوعیت نداشته است. لذا صلاحیت ذکر شده در این ماده برای شوراهای صلاحیتی است که افراد معمول، حق انجام آن را ندارند. ضمن آنکه، اطلاق واگذاری این وظیفه به شوراهای شامل مواردی هم می‌شود که طرف مدعی برای موارد مذکور وجود دارد (به عنوان مثال، اموال صغیری که شخصی مدعی مالکیت بر آن اموال است). بر این اساس، اقدام بدون اذن شوراهای دادستان که متکفل اصلی این امور است، اشکال دارد.

ب - نظر موافق

- هر چند وظایف مذکور در این ماده، بر عهده حاکم شرع و دادستان است، اما این ماده در صدد سلب صلاحیت از آنها و دخالت در کار آنها نیست، بلکه این ماده می‌خواهد برای حفظ اموال و حقوق افراد محجور، اقدامات اولیه لازم را شوراهای انجام دهند و سپس بلافاصله، مراتب را به مراجع صالح قانونی (دادستان یا حاکم شرع) اعلام کنند. وظیفه واگذار شده به شوراهای، یک وظیفه عمومی؛ خصوصاً نسبت به افراد محجور و ضعیف است که مشمول اطلاق «عَوْنُ الضعیفِ صدقه» می‌باشد.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اطلاق ماده (۱۴) که اجازه تصرف در اموال محجور و... (= امور حسبیه) را به شوراهای می‌دهد، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع، و با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۳- شورا علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می‌تواند تحقیق محلی، معاینه محل، تأمین دلیل را نیز با ارجاع رئیس شورا توسط یکی از اعضا به عمل آورد.

۱. یاری کردن ناتوان، صدقه است.

الف - نظر مخالف

- اطلاق این ماده، از آن جهت که شامل امور قضایی و مسائلی می‌شود که تنها قاضی می‌بایست انجام دهد؛ همچون شنیدن اظهاراتی که غیرقاضی نمی‌تواند بگیرد یا تحقیق محلی و...، به نظر صحیح نمی‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۴- رسیدگی شورا در امور مدنی مستلزم پرداخت سی هزار (۳۰،۰۰۰) ریال و در امور کیفری پنج هزار (۵،۰۰۰) ریال به عنوان هزینه دادرسی است. درآمد حاصل از هزینه دادرسی و موارد دیگر به خزانه واریز و صد در صد (۱۰۰٪) آن طبق بودجه سالانه به شوراهای حل اختلاف اختصاص می‌یابد تا در جهت تأمین هزینه‌های شورا صرف شود.

الف - نظر مخالف

- الزام مندرج در این ماده نسبت به پرداخت هزینه دادرسی برای طرح دعاوی و شکایات، از آنجا که نسبت به ناتوانان از پرداخت این هزینه، حکمی مقرر نکرده است و لذا موجب عدم پذیرش دعاوی و شکایات این افراد در شوراهای حل اختلاف و در نتیجه تضییع حقوق آنان می‌شود، خلاف موازین شرع است. لازم به ذکر است که با توجه به صلاحیت انحصاری مقرر شده برای شوراهای حل اختلاف در ماده (۹) این لایحه، قوانین مربوط به رسیدگی در محاکم دادگستری که مقررات ویژه‌ای برای کمک به افراد ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی پیش‌بینی کرده است نیز قابل تسری به مقررات مربوط به شوراها نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۸- رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است، مگر این که محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ نشده باشد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه در انتهای این ماده، به طور مطلق بیان نموده که «اخطاریه ابلاغ نشده باشد» و این عبارت هم ناظر بر ابلاغ قانونی و هم ابلاغ واقعی می‌شود، بنابراین حکم مندرج در صدر ماده مبنی بر حضوری دانستن رأی صادره از سوی قاضی شورا در هر دوی این موارد، صحیح نمی‌باشد^(۱)؛ زیرا در فرض ابلاغ قانونی، امکان نرسیدن اخطاریه به شخص مورد نظر می‌باشد و لذا مشمول قاعده «الغائبُ علی حُجَّتِهِ»^(۲) خواهد بود. بنابراین، در چنین مواردی، می‌بایست رأی غیابی تلقی شود تا حق واخواهی برای محکوم علیه وجود داشته باشد. با این اوصاف، ماده (۲۸) خلاف موازین شرع می‌باشد.

- اطلاق این ماده در حضوری دانستن رأی قاضی شورا، نسبت به مواردی که به رغم ابلاغ واقعی اخطاریه، محکوم علیه به دلیل عذر موجه نتوانسته در جلسه دادگاه شرکت کند، خلاف موازین شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در ماده (۲۸)، حضوری دانستن حکم قاضی شورا در صورتی که اخطاریه به محکوم علیه یا وکیل او ابلاغ واقعی نشده باشد، با ۵ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۳۱- در دعاوی مالی، چنانچه خواسته یا بهاء آن تا مبلغ سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، رأی قاضی شورا قطعی است و در سایر موارد و نیز دعاوی مالی موضوع ماده (۱۲) این قانون، ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ یا انقضای مهلت واخواهی، قابل اعتراض در دادگاه عمومی حقوقی محل است. دادگاه عمومی حقوقی محل پس از رسیدگی چنانچه رأی شورا را منطبق با قوانین موجد حق و اصول دادرسی بداند، آن را تأیید و در غیر این صورت،

۱. ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «حکم دادگاه حضوری است، مگر این که خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد».

۲. غائب در زمان حضور، حق دارد حجت و دلیل خود را اقامه نماید.

نقض و رأساً مبادرت به صدور رأی می‌کند. رأی دادگاه جز در مواردی که غیابی محسوب می‌شود قطعی است و آراء غیابی قابل واخواهی در همان دادگاه است. در این صورت، رأی دادگاه قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌باشد.

الف - نظرات مخالف

- ذکر کردن مبلغ مذکور در این ماده برای تمیز آرای قابل تجدیدنظر از آرای غیر قابل تجدیدنظر، از لحاظ شرعی ملاک و مبنای روشن و قابل توجیهی ندارد.

- از آنجا که در این ماده، رأی قطعی تلقی شده بدون در نظر گرفتن موارد استثنایی است که در شرع، قابل تجدیدنظر دانسته شده است - همچون جایی که قاضی صادرکننده رأی، پی به اشتباه خود برده است - بنابراین، اطلاق این ماده، خلاف موازین شرع می‌باشد.

- اطلاق قابل تجدیدنظر دانستن کلیه آرای قضایی که در این ماده، غیر قطعی قلمداد شده‌اند، قابل خدشه و خلاف موازین شرع است؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که بسیاری از آرای قضایی؛ از جمله رأی یک قاضی مجتهد منصوب که رأیش بر اساس موازین صادر شده است، از باب ارفاق به تجدیدنظرخواه، غیر قطعی تلقی شود. در این موارد، اساساً رأی صادره، ارفاق‌پذیر نیست. ضمن آنکه، قابل تجدیدنظر دانستن آرای قضایی در موارد اخیر و مانع از اجرا شدن آنها، موجب تضییع و تأخیر در ادای حق محکوم له می‌شود که از این لحاظ نیز خلاف شرع است.

- از آنجا که از یک سو، امکان تجدیدنظر از آرای قضایی نیازمند مجوز قانونی است و از سوی دیگر، ماده (۳۱) در مقام بیان آرای قابل تجدیدنظر در شوراها، تنها به آرای صادر شده از سوی قاضی شورا اشاره کرده است، بنابراین مشخص نیست سایر آرای که وفق ماده (۹) توسط شورا (و نه از سوی قاضی شورا) صادر می‌شود، قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد یا خیر؟ از این لحاظ، این مواد ابهام دارد. چنانچه مفاد این مواد، ناظر بر غیر قابل تجدیدنظر دانستن آرای صادر شده وفق ماده (۹) باشد، به جهت دادگاه نبودن شوراهای حل اختلاف و قاضی نبودن اعضای آن، قابل خدشه است و می‌بایست وفق اصل ۱۵۹، امکان مراجعه به محاکم دادگستری برای تجدیدنظر از آرای صادر شده توسط شوراها وجود داشته باشد.

ب - نظرات موافق

- وجه شرعی تمیز آرای قابل تجدیدنظر از غیر قابل تجدیدنظر در این ماده و همانند آن

در قوانین، برداشتی است که از مفهوم «قاضی منصوب» قابل استخراج است. قاضی منصوب، کسی است که تنها در حدود حکمی که به وی داده‌اند مجاز به قضاوت می‌باشد. موضوع قضاوت، صلاحیت رسیدگی، محل رسیدگی، زمان رسیدگی و... همگی محدود به دایره اذن و حکم قضایی است که به هر قاضی اعطا شده است.^(۱) بر این اساس، یکی از محدودیتهای مورد نظر در دایره حکم قاضی منصوب، قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن آرای قضایی قاضی منصوب است که بر اساس میزان اهمیت موضوع، این تقسیم‌بندی و تفکیک صورت می‌پذیرد. (لازم به ذکر است که در نظام حاکم اسلامی و در جمهوری اسلامی ایران، اساساً قاضی غیر منصوب، حتی اگر مجتهد مطلق هم باشد، وجود ندارد و بنابراین، هیچ کس جز قاضی منصوب، حق قضاوت و صدور رأی قضایی الزام‌آور را ندارد).

– از نظر ضوابط اسلامی، در دستگاه قضایی اسلام، اساساً تجدیدنظر از حکم قضایی پیش‌بینی نشده است، بلکه حکم قاضی قطعی و لازم‌الاجرا است. استثنای در نظر گرفته شده برای نقض آرای قضایی نیز که تنها در سه مورد در نظر گرفته شده و در روایات نیز صریحاً ذکر شده است، کاملاً موجه و منطقی است؛ چرا که مثلاً در جایی است که قاضی به اشتباه رأی صادر کرده و خود پی به اشتباهش برده است. بنابراین، به جز سه مورد مزبور، اساساً در اسلام، تجدیدنظر از آرای قضایی پذیرفته نشده است و آنچه بیش از این در قوانین پیش‌بینی می‌شود، از باب مصلحت و ارفاق است. لذا در این موارد، محدود کردن قابلیت تجدیدنظر در آرای قضایی اشکالی ندارد، ضمن آنکه مقتضای اصل صحت هم آن است که رأی قضایی صادر شده، صحیح می‌باشد.

– هر چند که طبق اصل ۱۵۹، مرجع تظلم‌خواهی مردم، محاکم دادگستری مقرر شده است، لیکن در شوراها حل اختلاف از آنجا که طرفین با رضایت خویش، اقدام به طرح اختلاف در این شوراها می‌کنند و می‌دانند که طبق قانون، با مراجعه به شوراها حق مراجعه به دادگستری را از خود ساقط کرده‌اند، لذا سلب کردن حق تجدیدنظرخواهی از آرای شوراها در قانون، بلا اشکال است و با مفاد اصل ۱۵۹ نیز منافاتی ندارد.

ج – تصمیم شورا

۱- اطلاق ماده (۳۱) به جهت قطعی دانستن آرای که در شرع، قابل تجدیدنظر دانسته شده

۱. در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، رئیس قوه قضائیه مسئولیت تعیین قضات منصوب و مشخص نمودن حیطه فعالیت قضایی آنها را بر عهده دارد.

است، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۲- از آنجا که در ماده (۳۱) مشخص نیست آرایه که وفق ماده (۹) از سوی شورا صادر می‌شود، قابل اعتراض است یا خیر، مواد مزبور با ۷ رأی موافق، دارای ابهام شناخته شد.

ماده ۴۱- چنانچه هیأت رسیدگی کننده، پس از دعوت از عضو شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی، فقدان یکی از شرایط عضویت یا غیبت غیرمجاز او را احراز نماید، حکم به عزل وی صادر می‌کند. این حکم، قطعی است.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه این ماده، عزل فرد فاقد صلاحیت عضویت در شورا را مقید به دعوت از وی و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی کرده، بدون آنکه متعرض مواردی شود که وی از حضور امتناع می‌کند یا امکان دعوت آن عضو میسر نیست یا اساساً با بینه و شاهد مورد اعتماد، عدم صلاحیت وی محرز است، خلاف موازین شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۴۷- در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می‌کند، رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه عمومی و انقلاب الزامی است.

الف - نظر مخالف

- با توجه به آنکه داوری مورد اشاره در این ماده، مستلزم ترتیب اثر دادن به رأی داور برای طرفین به طور الزامی است و به عبارت دیگر، داوری مذکور در این ماده، مرادف با موضوع «قاضی تحکیم» در فقه اسلامی است، لذا کلیه شرایط لازم برای قاضی و قضا، برای داور و قاضی تحکیم نیز لازم‌الرعایه است. در غیر این صورت، موضوع مشمول «تحاکم الی الطاغوت»^(۱) و نهی صورت گرفته از آن در شرع است.

۱. نساء/۶۰: «... یَرِیدُونَ أَنْ یَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَكْفُرُوا بِهِ ...»: می‌خواهند طاغوت را در اختلافات خود حاکم قرار دهند، در حالی که مأمور شده‌اند به طاغوت کفر ورزند.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه داوری مورد اشاره در این ماده، به شرایط داوری مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی احاله شده است و قانون مزبور نیز به تأیید شورای نگهبان رسیده است، لذا این ماده لایحه، ایرادی نخواهد داشت.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

عدم لحاظ تدتین به دین مبین اسلام در شرایط مندرج در ماده (۶) برای اعضاء شورا، خلاف موازین شرع می باشد. همچنین با توجه به فقدان شرایط مندرج در اصول ۱۵۸ و ۱۶۳ قانون اساسی، این ماده مغایر با این دو اصل شناخته شد. علاوه بر آنکه اطلاق آن به دلیل فقدان شرایط لازم برای قاضی خلاف موازین شرع است.

اطلاق ماده (۵)، با توجه به ماده (۹) مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

اطلاق ماده (۹)، از این جهت که شامل امور قضایی هم می شود و رسیدگی به آن به غیر قاضی محول گردیده، خلاف موازین شرع می باشد. همچنین مغایر اصل ۱۵۹ قانون اساسی نیز تشخیص داده شد.

نظر به اینکه اطلاق ماده (۱۴)، اجازه تصرف در اموال مذکور را به شورا می دهد، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین واگذاری امور مذکور در ماده (۱۴) به شورا، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز می باشد.

در ماده (۲۸)، حضوری دانستن حکم در صورتی که اختطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد و همچنین در مواردی که طرف با عذر موجه نتواند در جلسه رسیدگی شرکت کند، خلاف موازین شرع شناخته شد.

اطلاق ماده (۳۱) در خصوص قطعی دانستن آراء، چون شامل مواردی می شود که رأی صادره خلاف بین شرع یا قانون باشد و یا قاضی صادرکننده رأی پی به اشتباه خود برده و آن را اظهار کند، خلاف موازین شرع شناخته شد. علاوه بر این، در دو مورد دیگر مذکور در ذیل این ماده که رأی صادره را قطعی می داند، به جهات فوق الذکر، خلاف موازین شرع است. همچنین در موارد مذکور در ماده (۹) که رأی توسط شورا صادر می شود، چون معلوم نیست که قابل اعتراض است یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تذکر: بند (۱) ماده (۱۹) نسبت به مواردی که طرف دعوی وجود ندارد، باید عبارت اصلاح شود.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۷۲ مورخ ۸۷/۳/۲۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

ماده ۵- قاضی شورا با ابلاغ رئیس قوه قضائیه از میان قضات شاغل منصوب خواهد شد و احکام انتصاب سایر اعضای شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس قوه قضائیه و یا شخصی که توسط ایشان تعیین می‌گردد، صادر می‌شود.

ماده ۶- اعضای شورا باید متدین به دین مبین اسلام بوده و دارای شرایط زیر باشند:

الف - ...

تبصره ۳- رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای صلح و سازش در دعاوی احوال شخصیه اقلیتهای دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی، شوراهای حل اختلاف خاص تشکیل دهد. اعضای این شورا باید متدین به دین خود باشند.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به دو قسمتی بودن ایراد شورا در خصوص این ماده، با اصلاح انجام گرفته در صدر ماده ۶، ایراد اول مبنی بر خلاف شرع بودن این ماده، به لحاظ عدم ذکر شرط تدین به دین مبین اسلام مرتفع گردیده است، لیکن ایراد دوم؛ یعنی مغایر شرع و قانون اساسی بودن این ماده، به دلیل نادیده انگاشتن شرایط لازم برای قاضی در شرایط اعضای شورا کماکان باقی است؛ زیرا برخی از صلاحیتهای واگذار شده به شوراهای ماده (۹)؛ از جمله بند (الف) که رسیدگی به جرایم مستوجب مجازات بازدارنده و یا اقدامات تأمینی است، امری قضایی است که نیازمند قاضی جامع‌الشرایط برای صدور حکم است. لازم به ذکر است که در این جرایم، کم یا زیاد بودن میزان مجازاتها یا نوع مجازات (حبس یا غیر حبس بودن)، ماهیت قضایی این رسیدگی‌ها را تغییر نمی‌دهد و آن را غیرقضایی نمی‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه در اصلاحات به عمل آمده در مجلس نسبت به ماده (۹)، همچنان رسیدگی به این جرایم، در صلاحیت شورا باقی مانده است، ایراد قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

- اصلاح به عمل آمده در مجلس ناظر بر پیش‌بینی امکان تجدیدنظرخواهی از آرای شوراهای در نزد قاضی یا محاکم دادگستری وفق ماده (۳۱)، نمی‌تواند رافع اشکال و گذاری امر قضایی به غیرقضایی باشد؛ زیرا نفس رجوع به غیرقضایی در امر قضاء اشتباه است و

غیرقاضی اساساً حق قضاوت کردن ندارد.

– استدلال به احکام سلطانیه بودن جرایم مستوجب مجازاتهای بازدارنده برای نفی صلاحیت قضایی در رسیدگی به این جرایم نیز صحیح نیست؛ زیرا واگذاری تشخیص تخلفات به افراد غیرقاضی؛ مانند واگذاری تشخیص تخلفات راهنمایی و رانندگی به پلیس، موضوعی غیر از واگذاری صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطرح شده نسبت به تشخیص این تخلفات در شوراهای حل اختلاف است. توضیح آنکه، شکایات و دعاوی که از سوی مردم، راجع به تشخیص پلیس در چنین تخلفاتی صورت می‌گیرد، امری کاملاً قضایی است و ارتباطی با احکام سلطانیه بودن این موضوعات ندارد، لذا این مسائل می‌بایست در محاکم دادگستری و توسط قاضی واجد شرایط رسیدگی شود.

– الزام مندرج در تبصره ۳ الحاقی به ماده (۱)، مبنی بر اینکه اعضای شورای حل اختلاف اقلیتهای دینی، لزوماً می‌بایست متدین به دین خود باشند، علاوه بر آنکه موجب محدودیت برای رئیس قوه قضاییه در انتخاب اعضای این شوراهای می‌شود، الزامی بی‌مورد و بلاوجه است؛ زیرا اولاً دلیلی برای عدم امکان انتخاب مسلمانان برای حل اختلاف میان اقلیتهای دینی وجود ندارد و چه بسا خود طرفین دعوا، تمایل به مراجعه به یک مسلمان مورد قبول خود را داشته باشند، ثانیاً این الزام و محدودیت انتخاب، ترویجی برای متدینین به اقلیتهای مذهبی و تضعیفی برای شوراهای حل اختلافی است که مسلمان هستند.

ب – نظرات موافق

– به نظر می‌رسد ایراد دوم شورا (عدم ذکر شرایط قاضی برای اعضای شوراهای حل اختلاف) با اصلاحات مجلس نسبت به لایحه مرتفع شده باشد؛ زیرا از یک سو، در ماده (۹)، صلاحیت رسیدگی به بندهای (ب) و (د) («رسیدگی به ادعای اعسار» و «صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن») از شورا برداشته شده و رسیدگی به این موارد، وفق ماده (۱۱) به قاضی شورا واگذار شده است. از سوی دیگر، سایر موضوعاتی که وفق ماده (۹) همچنان در صلاحیت رسیدگی شورا باقی مانده است، امکان تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای شورا، نزد قاضی شورا پیش‌بینی شده است و لذا با منتفی شدن الزام طرفین به قبول رأی شورا، موضوع حرمت تحاکم به غیراهل منتفی می‌شود. از طرف دیگر، موضوع «تأمین دلیل» مندرج در بند (ج) ماده (۹) نیز امری قضایی نیست که لزوماً نیازمند رسیدگی توسط قاضی واجد شرایط باشد، بلکه یک موضوع کارشناسی است

و هم اینک نیز در محاکم، قاضی تنها اقدام به صدور قرار تأمین دلیل می‌کند و انجام آن توسط یک کارشناس صورت می‌گیرد. نکته دیگر آنکه شرایط پیش‌بینی شده برای اعضای شورا در ماده (۶)؛ همچون «حُسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل»، وثوق به اعمال انجام گرفته توسط اعضای شورا را حاصل می‌کند.

- با توجه به اینکه جرایم مستوجب مجازاتهای بازدارنده و یا اقدامات تأمینی و تربیتی، تعزیرات شرعی نیست که ابتدائاً توسط شارع وضع شده باشد، بلکه احکام سلطانی و حکومتی است که جعل و رفع این جرایم و قبض و بسط آنها در اختیار حکومت است. لذا قرار دادن آن در صلاحیت شوراهای حل اختلاف اشکالی ندارد، همچنان که اقدام به جرمه برای بسیاری از جرایم راهنمایی و رانندگی به پلیس واگذار شده است. ضمن آنکه، در اصلاحات به عمل آمده در مجلس، تجدیدنظرخواهی از آرای شوراها در نزد قاضی واجد شرایط قضاوت نیز امکان‌پذیر شده است.

- پیش‌بینی شورای حل اختلاف برای رسیدگی به موارد مندرج در بند (الف) ماده (۹)، منافاتی با رجوع به محاکم قضایی ندارد. بر اساس این لایحه، واگذاری صلاحیت رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به تشخیص مأمورین راهنمایی و رانندگی و... به شوراهای حل اختلاف، می‌تواند تحت عنوان «نظارت» بر کار مأموران یا صلح و سازش بین آنها قابل توجیه باشد تا بر این اساس، ضمن یافتن طریقی قانونی و عقلایی برای پذیرش شوراها، رأی صادر شده توسط آنها را نیز قضایی قلمداد نکرد.

ماده ۹- شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف - در جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً تا سی میلیون (۳۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال و یا سه ماه حبس باشد.

ب - تأمین دلیل

تبصره - شورا مجاز به صدور حکم حبس نمی‌باشد.

ماده ۱۱- قاضی شورا در موارد زیر با مشورت اعضاء شورای حل اختلاف

رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

۱- دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (۲۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال و در شهر تا

پنجاه میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال.

- ۲- کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه.
- ۳- صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.
- ۴- ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ماده ۱۴- شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال صغیر، مجنون، شخص غیررشید که فاقد ولی یا قیم باشد و همچنین غایب مفقودالاثر، ماترک متوفای بلاوارث و اموال مجهول‌المالک به عمل آورد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند. شورا حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارد.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق ممنوعیت دخل و تصرف شورا در اموال مذکور در این ماده، صحیح نیست و خلاف شرع است؛ زیرا در مواقعی که شوراها دسترسی به مرجعی صالح برای دخل و تصرف در این اموال نداشته نباشد و از سوی دیگر، اموال هم در معرض تضییع یا فساد باشد، نمی‌توان این حکم را پذیرفت. در چنین مواقعی، حتی مؤمنین مورد اعتماد هم می‌توانند و مکلفند که از تضییع اموال مذکور جلوگیری کنند، حال آنکه این ماده، نه تنها مغایر این وظیفه حکم کرده است، بلکه اجازه انجام این تکلیف را به مؤمنین هم نمی‌دهد.

- اساس ایراد شرعی وارد بر این ماده آن بود که وظایف مقرر در آن، از شئون و وظایف خاص قضایی است که غیرقضایی صلاحیت و حق انجام آن را به دلیل عدم اطلاع از قوانین و احکام ندارد. بر اساس این تعلیل، اصلاح صورت گرفته در ماده، به هیچ وجه رافع ایراد نیست و همچنان شوراها را در تصرف نسبت به اموال مذکور صالح قلمداد می‌کند. ضمن آنکه مطلق «حفظ اموال»، مقتضی تصرف مصطلح - که از شئون ویژه قاضی شمرده شده - نمی‌باشد.

ب - نظر موافق

- منظور از ممنوعیت دخل و تصرف شوراها در اموال مذکور در ماده، دخل و تصرفهای زائد بر حفظ اموال مذکور است، نه کلیه دخل و تصرفات. توضیح آنکه، جمع میان حکم مندرج در صدر ماده با ذیل آن، بیانگر آن است که شوراها می‌بایست کلیه

اقداماتی را که برای حفظ اموال لازم است، انجام دهند، ولی این دخل و تصرفها نباید زائد بر آن اقدامات لازم باشد.

ماده ۲۸- رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است، مگر این که محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی با عذر موجه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه، ابلاغ واقعی نشده باشد.

ماده ۳۱- کلیه آراء صادره موضوع مواد (۹) و (۱۱) این قانون، ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی می باشد. مرجع تجدیدنظر از آراء شورا، قاضی شورا و مرجع تجدیدنظر از آراء قاضی شورا، دادگاه عمومی همان حوزه قضایی می باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر، آراء صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می نماید.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۲۶۴ مورخ ۸۷/۵/۱۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه معاضدت قضایی در زمینه امور حقوقی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تونس

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۱۹ و ۱۳۸۷/۳/۲۰

ماده واحده - موافقتنامه معاضدت قضائی در امور حقوقی و تجاری بین
جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تونس مشتمل بر مقدمه و سی و دو ماه به
شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

...

ماده ۳- قلمرو معاضدت قضایی

در این موافقتنامه، معاضدت قضایی شامل موارد زیر است:

۱- ابلاغ اوراق قضایی

۲- اجراء نیابت‌های قضایی

۳- شناسایی احکام قضایی و احکام داوری در زمینه‌های حقوقی و تجاری و
اجازه اجراء آنها

۴- مبادله اطلاعات حقوقی

...

ماده ۱۴- قلمرو اجراء

هر یک از طرف‌های متعاقد، نیابت‌های قضایی را بر اساس درخواست طرف دیگر،
اجراء می‌کنند. اجراء شامل نوشتن اظهارات افراد ذی‌نفع و استماع شهود و انجام
آزمایش‌ها و دیگر اقدامات دادرسی که اجراء نیابت‌ها، اقتضاء انجام آن را دارد، می‌باشد.

ماده ۱۵- نحوه اجراء

۱- طرف درخواست شونده نیابت قضایی را طبق قانون ملی کشور خود
اجراء می‌کند.

۲- طرف درخواست شونده باید بر اساس درخواست صریح طرف
درخواست کننده اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف - اجراء نیابت قضائی به روش خاصی که درخواست شده است تا
حدی که این روش مغایر با قانون ملی آن کشور نباشد.

ب - اعلام تاریخ و مکان اجراء نیابت قضایی به طرف درخواست کننده تا این که ذی نفع یا نماینده او بتواند هنگام اجراء نیابت قضایی مطابق شرایط مقرر در قانون ملی کشور درخواست شونده، در آنجا حضور یابد.

...

ماده ۱۹- قلمرو اجراء احکام قضایی

۱- مطابق مقررات مذکور در این موافقتنامه، احکام زیر که توسط دادگاههای یکی از طرفهای متعاقد صادر گردد، توسط طرف دیگر به رسمیت شناخته شده و در قلمرو آن کشور به اجراء گذاشته می شود:

- الف - احکام صادره توسط دادگاهها در زمینه های حقوقی و تجاری
- ب - فرازهای حقوقی احکام صادره دادگاهها در پرونده های جزایی جهت جبران خسارتهای متضرر و تحویل اموال و اشیاء متعلق به وی.
- ۲- احکام مذکور در بند (۱) این ماده شامل احکام حقوقی و تجاری دادگاهها که از طریق سازش، فصل خصومت می کند نیز خواهد بود.
- ۳- مقررات این بخش در مورد احکام صادره در موارد زیر اجراء نمی گردد:
- الف - در زمینه ورشکستگی و تصفیه و اقدامات مشابه آنها
- ب - در زمینه تأمین اجتماعی
- پ - در موارد اقدامات احتیاطی و اقدامات موقتی به استثناء مواردی که به موضوع نفقه مربوط می شود.

...

ماده ۲۶- شناسایی احکام داوری و اجازه اجراء آنها

طرفهای متعاقد احکام داوری که در قلمرو طرف دیگر صادر شده است، مورد شناسایی قرار داده و اجازه اجراء آن را مطابق «کنوانسیون شناسایی و اجراء احکام داوری خارجی» تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۳۳۷/۴/۳ هجری شمسی برابر با دهم ژوئن ۱۹۵۸ میلادی، با التزام به ملاحظات و حق شرطهایی که هر یک از دو طرف مستقلاً داشته اند، صادر می کنند.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به مشابهت این موافقتنامه با سایر موافقتنامه های معاضدت که در گذشته مورد بررسی و اظهار نظر شورای نگهبان قرار گرفته است، همان ایرادات گذشته بر این موافقتنامه نیز موجود می باشد؛ از جمله آنکه اطلاق مواد این لایحه، قضاوت و حکم قضایی

محاکم تونس نسبت به همه افراد؛ از جمله شیعیان را برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا می‌داند، خلاف موازین شرع می‌باشد.

– استناد به قیود مندرج در بند (۱) ماده (۶) لایحه – از جمله قید «مخالف اصول کلی حقوقی» نبودن – برای رفع مغایرت لایحه با موازین شرع کافی نیست؛ زیرا مراد از اصول کلی حقوقی، اصولی است که در علم حقوق، به عنوان اصول کلی مورد پذیرش قرار گرفته است.

ب – نظر موافق

– از آنجا که بند (۱) ماده (۶) این لایحه، در مقام بیان موارد رد معاضدت قضایی مقرر کرده که «چنانچه طرف درخواست شونده تشخیص دهد که انجام معاضدت به حاکمیت و یا امنیت یا نظم عمومی آن کشور لطمه می‌زند و یا مخالف اصول کلی حقوقی در آن کشور است یا این که تشخیص دهد که موضوع درخواست، خارج از صلاحیت مراجع قضایی است، می‌تواند درخواست معاضدت را با ذکر دلیل رد نماید»، ممکن است رافع مغایرت این لایحه با شرع باشد؛ چه آنکه وفق این بند، دولت ایران می‌تواند احکام قضایی صادر شده در تونس که خلاف موازین شرعی است را با یکی از قیود مندرج در این بند، نپذیرد و معاضدت قضایی را در این موارد رد کند. به عنوان مثال، می‌توان با استناد به قید «مخالف اصول کلی حقوقی» بودن، احکام صادره از محاکم تونس که خلاف شرع هستند را نپذیرفت؛ زیرا یکی از اصول کلی حقوقی و قانون اساسی ما آن است که احکام و قراردادهای خلاف اسلام نباشد.

ج – تصمیم شورا

کلیات لایحه مزبور، با ۴ رأی موافق، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

همان گونه که در موافقتنامه‌های مشابه دیگر اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق بعضی از مواد آن، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجراء دانسته و نیز مواد متعددی از جمله: بندهای (۱) تا (۳) ماده (۳)، ماده (۱۴)، بند (۱) ماده (۱۵)، بندهای (۱) تا (۳) ماده (۱۹) و ماده (۲۶) مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه تونس و نیز ارجاع کارهای قضائی به دادگاههای کشور طرف متعاقد

۱. مندرج در نامه شماره ۲۷۲۶۶/۳۰/۸۷ مورخ ۸۷/۳/۲۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاهها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس نسبت به مصوبات خویش در جلسه ۱۳۸۷/۴/۵ نسبت به مواد مورد ایراد شورای نگهبان، لایحه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد.^(۱)

۱. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی، عیناً مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲۰ و ۱۳۸۷/۳/۲۲

فصل اول - تعاریف و اشخاص مشمول

ماده ۲- اشخاص مشمول این قانون عبارتند از:

الف) افراد مذکور در مواد (۱) تا (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری.

ب) واحدهای زیر نظر مقام معظم رهبری (نظامی و غیرنظامی و تولیت آستانهای مقدس) با موافقت ایشان.

ج) شوراهای اسلامی شهر و روستا و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای که عهده‌دار مأموریت عمومی باشند.

د) کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی موضوع این قانون.

الف - نظر مخالف

- در بند (د) «کلیه اشخاص حقیقی غیردولتی موضوع این قانون» ابهام دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

فصل دوم - تکالیف دستگاهها در پیشگیری از مفاسد اداری

ماده ۳- دستگاههای مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) و مدیران

و مسئولان آنها مکلفند:

الف) کلیه قوانین، مقررات، اعم از تصویب‌نامه‌ها، دستورالعملها، بخشنامه‌ها، رویه‌ها، تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرآیندهای کار و زمان‌بندی انجام کارها، استانداردها، معیار و شاخصهای مورد عمل، مأموریتها، شرح وظایف دستگاهها و واحدهای مربوط، همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها، موافقتهای اصولی، مفاصاحسابها، تسهیلات اعطائی، نقشه‌های تفصیلی شهرها و جداول میزان تراکم و سطح اشغال در پروانه‌های ساختمانی و محاسبات مربوط به

مالیاتها، عوارض و حقوق دولت، مراحل مربوط به واردات و صادرات کالا را می‌باید در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسانند. ایجاد دیدارگاههای الکترونیک مانع از بهره‌برداری روشهای مناسب دیگر جهت اطلاع‌رسانی به هنگام و ضروری مراجعین نخواهد بود.

ب) متن قراردادهای مربوط به معاملات متوسط و بالاتر موضوع قانون برگزاری مناقصات که به روش مناقصه، مزایده، ترک تشریفات و غیره توسط دستگاههای مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) منعقد می‌گردد و همچنین اسناد و ضmann آنها و هرگونه الحاق، اصلاح، فسخ، ابطال و خاتمه قرارداد پیش از موعد و تغییر آن و نیز کلیه پرداختها، باید به پایگاه اطلاعات قراردادها وارد گردد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است حداکثر ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون آئین‌نامه اجرایی مربوط شامل ضوابط و موارد استثناء، نحوه و میزان دسترسی عموم مردم به اطلاعات قراردادها را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند و ظرف یک سال پایگاه اطلاعات قراردادها را ایجاد نماید.

تبصره ۱- قراردادهایی که ماهیت نظامی یا امنیتی دارد و نیز مواردی که به موجب قوانین افشاء اطلاعات آنها ممنوع می‌باشد و یا قراردادهای محرمانه از شمول این حکم مستثنی است. تشخیص محرمانه بودن قراردادهای مذکور به عهده کارگروهی مرکب از معاونین وزراء اطلاعات و امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و معاون دستگاه مربوط حسب مورد خواهد بود.

تبصره ۲- تأخیر در ورود اطلاعات مذکور در بندهای فوق یا ورود ناقص اطلاعات یا ورود اطلاعات بر خلاف واقع در پایگاههای مذکور تخلف محسوب شده و متخلف به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمت در دستگاههای موضوع بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق الزام همه دستگاهها به انتشار عمومی اسناد خود، از آنجا که شامل پرونده رد صلاحیت شدگان از سوی شورای نگهبان و دلایل مربوط به رد صلاحیت نیز می‌شود، مغایر با عقل، شرع و عرف است.

- در ذیل ماده، از آنجا که اطلاق عبارت «ضوابط و موارد استثناء...» مشتمل بر ایجاد صلاحیت تقنینی برای دولت می‌گردد، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است؛ چه آنکه

ضابطه‌گذاری، امری تقنینی است که وفق اصل ۸۵، صلاحیت مربوط به آن، در اختیار مجلس شورای اسلامی بوده و قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد.

– الزام به انتشار الکترونیکی اطلاعات – که در لایحه دولت نبوده است و بر اساس پیشنهاد نمایندگان، در این مصوبه گنجانده شده است – مستلزم هزینه‌هایی؛ از قبیل راه‌اندازی سایت، تهیه و فراهم آوردن نرم افزارهای اختصاصی برای این کار و... برای دولت است. از این رو، به جهت عدم تعیین محل اعتبار مالی آن، مغایر با اصل ۷۵ است.

ب – نظرات موافق

– آئین نامه مذکور در ذیل ماده تنها شامل قراردادها (بند ب)) می‌گردد و ارتباطی به بند (الف) ندارد.

– با توجه به آنکه تعیین «ضوابط و موارد استثناء» در ذیل ماده، به «آئین‌نامه اجرایی» سپرده شده است، مشخص است که منظور از آن «ضوابط و موارد اجرایی» است و مفید صلاحیت تقنینی نیست.

– به نظر می‌رسد انتشار الکترونیکی اطلاعات هزینه مجزایی غیر از ردیف اختصاص یافته به روابط عمومی‌ها ندارد و به همین جهت، این مصوبه، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی نمی‌باشد.

ماده ۴– به منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد، تکالیف ذیل بر عهده وزارت

اطلاعات گذارده می‌شود:

الف) نقاط مهم و آسیب‌پذیر در فعالیتهای کلان اقتصادی کشور مانند معاملات و قراردادهای خارجی، سرمایه‌گذاریهای بزرگ، طرحهای ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور در دستگاههای اجرایی در صورت وجود قرینه گزارش موثق مبنی بر تخلف یا سوء عملکرد را پوشش اطلاعاتی کافی و مناسب بدهد. در پرونده‌های فساد مالی کلان، وزارت اطلاعات نیز به عنوان ضابط، دستورات مراجع قضائی را اجراء می‌نماید.

ب) نسبت به تهیه پایگاه اطلاعاتی فهرست سیاه از اشخاص حقیقی یا حقوقی متخلف موضوع ماده (۵) این قانون جهت محرومیت آنها از حقوق و امتیازات ذیل اقدام نماید:

۱– انتصاب به پستها و مشاغل مدیریتی و حساس در دستگاههای موضوع

بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲).

۲- انعقاد قرارداد، انجام معامله، قبول شرکت در مناقصات و مزایده‌ها با دستگاه‌های موضوع بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) و همچنین دریافت تسهیلات مالی و اعتباری از دستگاه‌های مذکور و یا تضمین اشخاص ثالث در معاملات بزرگ مندرج در قانون برگزاری مناقصات.

۳- تأسیس شرکت تجاری یا مؤسسه غیرتجاری، عضویت در هیأت مدیره و مدیریت آنها، بازرس شرکتها و مؤسسات مذکور و همچنین واحدهای خصوصی مأمور به خدمات عمومی.

۴- دریافت یا استفاده از کارت بازرگانی، مجوز واردات و صادرات یا اخذ موافقتنامه‌های اصولی.

۵- عضویت در ارکان مدیریتی و نظارتی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی و تشکلهای حرفه‌ای و صنفی و شوراها.

ج) نسبت به پشتیبانی اطلاعاتی دستگاه‌های دولتی و نظارتی و عموم مردم در موضوعات مذکور در پایگاه‌های اطلاعاتی اقدام نماید.

الف - نظرات مخالف

- این ماده ضابط جدیدی (وزارت اطلاعات) برای قوه قضائیه تعیین کرده و دست قوه قضائیه را در ابتکار عمل بسته است؛ چه آنکه در بند (الف) قوه قضائیه را مکلف به استفاده از وزارت اطلاعات به عنوان ضابط قضائی نموده و این موجب ایجاد محدودیت در صلاحیتهای قوه قضائیه مندرج در اصل ۱۵۶ خواهد شد.

- اطلاق موجود در بند (الف) در خصوص صلاحیت وزارت اطلاعات، مجوز ورود این وزارت به حریم بخش خصوصی (شرکتهای خصوصی یا اشخاص حقیقی خصوصی) است و چنانچه بدون اذن قاضی صورت گیرد، مغایر شرع است. پوشش اطلاعاتی دارای لوازمی است و بدون ورود در حریم خصوصی افراد نمی‌توان فعالیت اطلاعاتی انجام داد. لذا اصل موضوع با قیود مندرج در بند (الف) اشکالی ندارد، لیکن لازم است حتماً مقید به اذن مقام قضایی شود.

- با توجه به اینکه در صدر ماده، وزارت اطلاعات را مسئول پیشگیری از جرم و فساد معرفی کرده که تخصیصی بر وظایف قوه قضائیه مصرح در اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. از این رو، این ماده، مغایر با بند (۴) اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

- با توجه به بند (د) ماده (۲) که «کلیه اشخاص حقیقی غیردولتی» را مشمول این قانون قرار داده است، حکم عام مندرج در بند (الف) ماده (۴) مبنی بر پوشش اطلاعاتی کلیه سرمایه‌گذارها، بدون تقیید آن به نظارت قضایی قوه قضائیه، صحیح نیست، به ویژه آنکه این نیروها به دلیل عدم تخصص، تسلط کافی به حدود و وظایف شرعی و قانونی میزان دخالت در جنبه‌های خصوصی افراد و حریم خصوصی ندارند و امکان تخطی از این احکام وجود دارد.

ب - نظرات موافق

- از آنجا که ضابط قوه قضائیه را قانون تعیین می‌کند، در بند (الف) این مصوبه، قانونگذار وزارت اطلاعات را نیز به عنوان یکی از ضابطهای قضایی در کنار سایر ضابطین تعیین کرده است، ضمن آنکه انحصار و الزامی نیز در برای قوه قضائیه در استفاده از آنها ایجاد نکرده است. با این وصف، قوه قضائیه همچنان مبسوط الید است. برخی امور هم تنها در تخصص وزارت اطلاعات است و قوه قضائیه نیاز به همکاری وزارت اطلاعات دارد.

- در بند (الف)، وزارت اطلاعات موظف به پوشش اطلاعاتی نقاط مهم و آسیب‌پذیر در فعالیتهای کلان اقتصادی کشور شده که گزارشی موثق مبنی بر تخلف یا سوء عملکرد وجود داشته باشد. این حکم (=پوشش اطلاعاتی در این پرونده‌ها)، به معنی تجویز ورود به حریم خصوصی افراد نیست؛ چه آنکه در مواردی که نیاز به ورود به حریم خصوصی و شنود اطلاعاتی است، وزارت اطلاعات، وفق عموماً قوانین، موظف به کسب حکم و اذن قاضی است. از این رو، بند (الف) به هیچ عنوان ناسخ لزوم اذن قاضی در ورود به حریم خصوصی نیست و قوانین عمومی در این حوزه همچنان ساری و جاری است.

ماده ۶- تشخیص این که شخص مشمول بندهای مندرج در ماده (۵) است به عهده هیأتی مرکب از یک نفر قاضی به انتخاب قوه قضائیه، نمایندگان وزراء امور اقتصادی و دارایی، اطلاعات و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون است. در مواردی که تصمیماتی از طرف مقامات قضائی اتخاذ گردیده و یا آرائی از محاکم قضائی یا مراجع اداری صادر شده باشد هیأت بر اساس آن آراء و

تصمیمات متخذه عمل می‌کند. در سایر موارد هیأت موظف است ظرف دو ماه نسبت به تعیین زمانی که اسامی افراد می‌باید در لیست سیاه قرار گیرد اتخاذ تصمیم نماید و در صورت عدم اظهارنظر در مهلت مقرر، بر اساس مستندات مراجع ذیصلاح مدت محرومیت دو سال خواهد بود. همچنین مدت قرار داشتن در لیست سیاه بین دو تا پنج سال است که در صورت استمرار یا تکرار تخلف، مدت محرومیت قابل تمدید می‌باشد. تصمیمات هیأت قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

تبصره ۱- چنانچه متخلف اقدامات مؤثری در جهت تأمین حقوق دولتی یا عمومی و یا حسن جریان امور به عمل آورده باشد، هیأت اعم از این که اتخاذ تصمیم نموده و یا پرونده مفتوح باشد می‌تواند مدت محرومیت را به حداقل یک سال کاهش دهد. در صورتی که متهم از مراجع قضائی حکم براءت یا منع تعقیب دریافت نماید هیأت مذکور نسبت به رفع محرومیت اقدام نماید.

تبصره ۲- اعمال محرومیتهای مذکور در ماده (۴) این قانون مانع از رسیدگی به تخلفات اداری و جرائم ارتكابی مرتکبین در مراجع ذیصلاح نخواهد بود.

تبصره ۳- مرجع اعلام موارد مذکور به هیأت در مورد مصادیق بندهای (الف) و (ب) ماده (۵) وزارت دادگستری و موارد بند (ج) ماده مزبور وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۴- هیأت می‌تواند شعب متعدد داشته باشد، تعداد، محل تشکیل هیأت، طرز تشکیل و نحوه دسترسی دستگاههای اداری و مردم به فهرست سیاه و سایر امور اجرایی هیأت به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری وزارتخانه‌های اطلاعات، دادگستری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه هیأت مذکور در صدر اصل، هیأتی غیرقضایی است که به آن، وظایف ماهیتاً قضایی واگذار شده است و این صلاحیت را دارد که افراد را به مجازاتهای اجتماعی محکوم نموده و از برخی حقوق اجتماعی محروم نماید، مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. وجود یک قاضی در این هیأت نیز رافع اشکال نیست؛ زیرا در مواردی که قاضی، مخالف با نظر اکثریت باشد، حکم اکثریت اعمال می‌شود.

- نفس انتشار اسامی افراد، برای محروم کردن آنها از یک سری حقوق اجتماعی، دارای ماهیت قضایی است و تنها در صلاحیت محاکم قضایی است، ضمن آنکه انتشار اسامی هر متخلف و مجرم به صرف اینکه تخلفی انجام داده است نیز از نظر شرعی صحیح نیست و نیاز به مجوز شرعی دارد؛ چه آنکه چنین اقدامی، به خانواده و اطرافیان فرد خاطی نیز آسیب وارد می‌کند.

- از آنجا که در تبصره (۴)، اختیار وضع آئین نامه در خصوص کیفیت دسترسی افراد به لیست سیاه محکومان را به چند وزارتخانه سپرده است، مغایر شرع است؛ چه اینکه تنها قاضی می‌تواند افراد مجاز به دسترسی این اطلاعات را مشخص نماید. از این لحاظ، اطلاق سپردن تعیین کیفیت دسترسی به آئین نامه نیز محل ایراد و ابهام است.

- انتشار اسامی محکومان به صورت عمومی در کلیه موارد، بدون مقید بودن به مواردی که مصالح عمومی اقتضاء می‌کند، متضمن افشاء سر، ایذاء مؤمن و تعدی به عرض و حیثیت اوست و حرام مسلم شرعی است.

ب - نظرات موافق

- با دقت در این ماده، مشخص می‌گردد که این ماده، ناظر بر بند (ب) ماده (۴) است، لذا اطلاعات مربوط به لیست سیاه، در اختیار عامه مردم قرار نمی‌گیرد و تنها مراجع ذی صلاح از لیست سیاه مطلع می‌گردند. از این لحاظ ایرادی بر تبصره (۴) وارد نیست، ضمن آنکه انتشار لیست این افراد که دارای سوابق سوء اقتصادی هستند، برای مقامات و مراجع ذی صلاح، جهت جلوگیری از امتیازات و حقوق مندرج در بند (ب) ماده (۴) است که مانع از فسادهای اقتصادی بعدی آنها می‌شود.

- با توجه به اینکه اختیار وضع آئین نامه به افراد صالح سپرده شده است، تعیین دسترسی افراد به لیست سیاه مغایر شرع نخواهد بود.

- انتشار حکم افرادی که به مجازاتهای شرعی (حدود و تعزیرات شرعی) محکوم شده‌اند، تغایری با شرع ندارد و این انتشار دقیقاً در راستای اهداف شارع است. اصولاً حدود و تعزیرات شرعی ماهیتاً باید علنی اجرا شوند.

- قرار دادن اسامی افراد متخلف در لیست سیاه، اساساً محکومیت نیست که متضمن امر قضا باشد، بلکه «شناسایی» است؛ صرفاً اطلاع‌رسانی به مراجع ذی صلاح برای اداره بهتر امور کشور و جلوگیری از ارائه امتیازات و حقوق مقرر در ماده (۴) است و نمی‌توان آن را خلاف شرع دانست.

ج - تصمیم شورا

۱- اطلاق وظایف هیأت مذکور در این ماده، چون شامل مواردی می‌شود که از امور قضایی است و احتمال تضییع حقوق افراد را در بر دارد، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

۲- دسترسی مردم به اطلاعات مندرج در تبصره (۴) ماده (۶)، از این جهت که معلوم نیست در اختیار چه کسانی قرار می‌گیرد، با ۷ رأی موافق، واجد ابهام شناخته شد.

ماده ۷- دولت موظف است با همکاری سایر قوا به منظور فرهنگ‌سازی و ارتقاء سلامت نظام اداری بر اساس منابع اسلامی و متناسب با توسعه علوم و تجربیات روز دنیا ظرف شش ماه پس از تصویب نسبت به تدوین «منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام» اقدام نماید.

تبصره - کلیه دستگاه‌های موضوع بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) مکلفند بر اساس وظایف و مأموریت‌های خود در چهارچوب «منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام» نسبت به تدوین «رفتار حرفه‌ای و اخلاقی مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مدیران و کارکنان» خود اقدام نمایند.

الف - نظر مخالف

- تدوین و تصویب منشور اخلاقی، از آنجا که متضمن حق و تکلیف است، ماهیتاً تقنینی است که تعیین آن وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و قابل واگذاری به غیر نیز نیست. از این رو، نمی‌توان تدوین و تصویب آن را به آئین‌نامه دولت سپرد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۸- به منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد، تکالیف ذیل به عهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است:

الف) نسبت به تدوین سیاست‌ها و راهکارهای شفاف‌سازی اطلاعات و

استقرار و تقویت نظامهای اطلاعاتی و استانداردسازی امور و مستند نمودن فعالیتهای دستگاههای اجرایی جهت ثبت و ضبط شفاف و جامع کلیه عملیات، اطلاع‌رسانی لازم به عموم مردم و همچنین تأمین نیازهای اطلاعاتی دستگاههای نظارتی و اطلاعاتی کشور اقدام نماید.

ب) شاخصهای اندازه‌گیری میزان سلامت اداری را با همکاری سازمان بازرسی کل کشور ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون تهیه و به تصویب ستاد موضوع ماده (۲۷) برساند. سازمان بازرسی کل کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظفند با توجه به شاخصهای مذکور هر سال نسبت به اندازه‌گیری میزان سلامت اداری اقدام و نتیجه بررسی خود را به ستاد مزبور گزارش نمایند.

ج) درباره آن دسته از فرآیندهای اداری از جمله نقل و انتقال اموال غیرمنقول، ثبت شرکتها و واحدهای تولیدی، اخذ مجوز مراحل مختلف صادرات و واردات و امور مربوط به اتباع بیگانه که انجام آن به چند سازمان مربوط می‌گردد، نسبت به ایجاد و راه‌اندازی فرآیندهای مرتبط و مکانیزه اقدام نموده به گونه‌ای که نیاز به مراجعه اشخاص به ادارات مزبور به حداقل کاهش یابد.

د) ترتیباتی را اتخاذ نماید که ظرف یک سال پس از تصویب این قانون کلیه معاملات بزرگ مندرج در قانون مناقصات اشخاص مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) تنها از طریق گشایش اعتبار ریالی از طریق نظام بانکی صورت گیرد.

الف - نظرات مخالف

- به دلیل انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و عدم وجود مصداق خارجی، سپردن تعیین سیاستها که طبعاً مستلزم تهیه آئین‌نامه است به این سازمان، از دو جهت دارای ایراد است: اولاً تعیین تکلیف برای مجهول است؛ ثانیاً آئین‌نامه‌نویسی در شأن و صلاحیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیست؛ چه آنکه وفق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، اشخاصی که حق آئین‌نامه نویسی دارند، مشخص شده‌اند. از این رو، بند (الف) این ماده، مغایر با اصل مزبور نیز می‌باشد.

- اطلاق تدوین سیاستها در بند (الف) این ماده و واگذاری آن به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حداقلش آن است که در مواردی مستلزم آئین‌نامه‌نویسی است که از امور اجرایی شمرده می‌شود و برای دیگران ایجاد تکلیف می‌کند. از این جهت، مغایرت با اصل ۱۳۸ قانون اساسی را موجب می‌شود.

- سیاستهای مذکور در بند(الف)، دارای ماهیت تقنینی و موجد حق و تکلیف است که تعیین آن وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و قابل واگذاری به غیر نیز نیست. از این رو، به دلیل مغایرت با اصل مزبور، نمی‌توان تدوین آن را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سپرد.

- از آنجا که در بند(ج)، ایجاد و راه اندازی فرآیندهای مرتبط و مکانیزه در لایحه تقدیمی دولت نبوده و متضمن بار مالی سنگینی است که در مصوبه نمایندگان، طریق تأمین هزینه‌های آن تعیین نشده، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- بند(ج) ماده ۸، با ۷ رأی موافق، خلاف اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- تذکر: ضروری است عنوان «سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور» اصلاح شود.

ماده ۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است:

(الف) در اجراء وظایف قانونی خود نسبت به اعمال نظارت بر فعالیتهای اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام و هرگونه سوء جریان را به همراه پیشنهادهای اصلاحی به مراجع ذی‌ربط منعکس نماید.

(ب) ظرف حداکثر دو سال پس از تصویب این قانون نسبت به راه‌اندازی نظام جامع اطلاعات مالیاتی و پایگاه اطلاعات چکهای بلامحل و سفته‌های واخواستی و بدهیهای معوق به اشخاص مذکور در بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون اقدام نماید.

(ج) نسبت به راه‌اندازی پایگاه اطلاعاتی رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقوقی و نیز تجار مذکور در قانون تجارت اقدام و در دسترس مؤسسات اعتباری و اشخاص قرار دهد.

تبصره - آئین‌نامه مربوط به نحوه رتبه‌بندی، حدود دسترسی اشخاص و مؤسسات اعتباری و نحوه همکاری دستگاهها برای تحلیل اطلاعات پایگاه مذکور در بندهای (ب) و (ج) توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و اتاق بازرگانی و تعاون تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

د) ظرف یک سال پس از تصویب این قانون برنامه راهبردی مشخص نسبت به بازارچه‌های مرزی، مناطق آزاد و ویژه تجاری و اقتصادی و اسکله‌های خاص تدوین و به تصویب هیأت وزیران برساند.

ه) ظرف سه سال از تصویب این قانون قراردادهای تبادل اطلاعات مالیاتی، گمرکی و بورس از طریق سازمان مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار با سازمانهای متناظر در کشورهای دیگر منعقد نماید.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه در تبصره ذیل بند(ج)، اتاق بازرگانی و تعاون - که هر دو متعلق به بخش خصوصی هستند - را مسئول تهیه آئین‌نامه کرده است، این ماده دارای ایراد می‌باشد؛ چرا که بخش خصوصی را نمی‌توان تکلیف به انجام امور اداری کرد.

- «تدوین برنامه‌های راهبردی» مذکور در بند(د)، واجد ماهیت تقنینی است که تعیین آن وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و قابل واگذاری به غیر نیز نیست. از این‌رو، واگذاری تدوین این برنامه‌ها به وزارت امور اقتصادی و دارایی، مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

- از آنجا که نسبت به انعقاد قراردادهای بین‌المللی مذکور در بند(ه)، به لزوم تصویب این قراردادها در مجلس شورای اسلامی تصریح نشده است، اطلاق آن مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بند(ه) ماده ۹، با رأی موافق، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۰- وزارت کشور موظف است تمهیدات لازم را در خصوص توسعه و تقویت سازمانهای مردم نهاد (سمن) در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد و سنجش شاخصهای فساد با رعایت مصالح نظام و در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط به عمل آورده و گزارش سالانه آن را به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

الف - نظرات مخالف

- ایجاد تمهیدات لازم برای تقویت و توسعه سازمانهای مردم نهاد متضمن بار مالی برای دولت است، که نمایندگان مجلس در مصوبه خویش، طریق تأمین هزینه‌های آن را مشخص نکرده‌اند. لذا مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- باتوجه به اینکه عبارت «مصلح نظام»، عنوانی کلی است که در این ماده، منظور از آن، مشخص نشده است، این ماده دارای ابهام می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۱- قوه قضائیه موظف است:

الف) ظرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرائم موضوع این قانون و بررسی خلأهای موجود، لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازاتها با جرائم، تدوین و در اختیار دولت قرار داده تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد.

ب) ظرف یک سال لایحه جامعی به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاههای دولتی و عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می‌شوند شامل تشکیلات، صلاحیتها، آئین دادرسی و سایر موضوعات مربوط تهیه و به دولت ارائه دهد تا اقدامات قانونی را معمول دارد.

تبصره ۱- تا زمان ایجاد تشکیلات مذکور در هر حوزه قضائی با توجه به حجم جرائم اقتصادی و مالی موضوع این قانون، شعبه یا شعبی در دادسراها و دادگاهها با رعایت صلاحیتهای قانونی برای رسیدگی به جرائم مذکور اختصاص دهد. قضات این شعب باید دوره‌های مصوب آموزشهای تخصصی را گذرانده باشند.

تبصره ۲- شرایط قضات دادسرا و دادگاه و همچنین دوره‌های آموزشی تخصصی به موجب آئین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ج) پایگاه اطلاعات مدیریت پرونده‌های مطروحه در دستگاه قضائی را ظرف دو سال آینده راه‌اندازی نماید به گونه‌ای که:

۱- نسخه الکترونیکی از اطلاعات، اسناد و پرونده‌های مطروحه حداکثر

- بیست و چهار ساعت پس از تولید یا دریافت در سیستم ثبت گردد.
- ۲- نوبت‌دهی رسیدگی به پرونده‌ها توسط سامانه تولید شود و فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها قابل ردیابی و پیگیری باشد.
- ۳- ثبت کلیه نامه‌های وارده و لوایح ارسالی به مراجع قضائی با احراز هویت اشخاص به صورت متمرکز در هر واحد قضائی امکان‌پذیر گردد.
- ۴- امکان ارسال یا تحویل نسخه الکترونیک کلیه اوراق پرونده که مطالعه آن برای اصحاب دعوا مطابق قوانین مجاز شناخته شده میسر گردد.
- ۵- نسبت به راه‌اندازی پایگاه اطلاعات آراء صادره قضائی اقدام نماید.
- ۶- خلاصه اطلاعات کلیه پرونده‌های مطروحه در محلی مشخص در قوه قضائیه متمرکز و سرویس‌دهی اطلاعات لازم به کلیه دستگاههای نظارتی امکان‌پذیر گردد.
- تبصره - آئین‌نامه این سامانه و زمان‌بندی اجرای آن و نیز موارد استثناء (شامل موارد امنیتی، مصادیق خلاف اخلاق، عفت و نظم عمومی و اختلافات خانوادگی) و نحوه دسترسی اشخاص و دستگاههای نظارتی و سایر موضوعات مرتبط حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.
- د) ظرف سه سال لوایح معاضدت قضائی با اولویت کشورهای مهم طرف قرارداد تجاری با جمهوری اسلامی ایران را تهیه و جهت اقدام لازم قانونی به دولت ارسال نماید. قراردادهای دوجانبه باید حسب مورد حداقل یکی از موارد زیر را در برگیرد:
- ۱- استرداد متهمان و مجرمان مفاسد مالی.
 - ۲- استرداد اموال و دارایی‌های نامشروع و حاصل از اقدامات مجرمانه.
 - ۳- تبادل اطلاعات در خصوص موارد اثبات شده یا در حال پیگیری در مورد مفاسد مالی.

الف - نظرات مخالف

- در بند (الف) الزام رئیس قوه قضائیه از سوی مجلس به تهیه لایحه قضایی، مغایر اختیار رئیس قوه قضائیه در بند (۲) اصل ۱۵۸ است.
- بند (ب) چنانچه ظهور در تأسیس مرجع اختصاصی تحت عنوان «دیوان کیفر کارکنان دولت» بنماید، تجویز دادگاه اختصاصی است و خلاف قانون اساسی است. به نظر می‌رسد به کارگیری عباراتی همچون «به سبب شغل یا وظیفه مرتکب شود» و

«صلاحیت، آیین دادرسی و سایر موضوعات»، به روشنی دلالت بر دادگاه کیفری اختصاصی برای کارکنان دولت دارد.

- الزام قوه قضائیه به تعیین شعب موقت (تبصره (۱) بند (ب)) به معنی مداخله در امور تشکیلاتی قوه قضائیه و مغایر با صلاحیتهای رئیس قوه است؛ زیرا وفق بند (۱) از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، تمامی اختیارات راجع به ایجاد تشکیلات قضائی با رئیس قوه قضائیه است و مجلس نمیتواند قوه قضائیه را ملزم به ایجاد تشکیلات کند. از این نظر، این تبصره مغایر بند (۱) اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.

- در تبصره (۲) ذیل بند (ب)، از آنجا که «تعیین شرایط قضات دادرسی و دادگاه» از جمله امور تقنینی است که وفق اصل ۸۵ در صلاحیت مجلس شورای اسلامی بوده و غیرقابل واگذاری به غیر است، واگذاری آن به آئین نامه مصوب رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- از آنجا که حکم مندرج در بند (ج)، مبنی بر الزام دولت به راه اندازی پایگاه اطلاعات و اسناد، متضمن بار مالی برای دولت است و با عنایت به اینکه این موضوع در لایحه دولت نبوده و با پیشنهاد نمایندگان، به تصویب مجلس رسیده است، لیکن طریق تأمین هزینه های ناشی از این حکم در مصوبه مجلس مشخص نشده است، بند مزبور مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- در بند (ب) هیچ تصریحی به اختصاصی یا عمومی بودن دادگاه مزبور نکرده است، لذا ایرادی بر این ماده وارد نیست. در این خصوص، می بایست در موقع تصویب لایحه مزبور، اظهار نظر گردد.

- بر اساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی، تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها را منوط به حکم قانون کرده است. بنابراین، قانون اساسی اختیار مطلق تشکیلات دادگاهها و غیر آن را به عهده رئیس قوه قضائیه نگذاشته است. بر این اساس، تبصره (۲)، مغایرتی با اختیارات رئیس قوه قضائیه در بند (۱) اصل ۱۵۸ ندارد.

ج - تصمیم شورا

بند (ج) ماده ۱۱، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است:

الف) ظرف دو سال نسبت به تکمیل و اجراء طرح کاداستر و سایر ترتیبات قانونی لازم اقدام نموده و اطلاعات لازم را در پایگاه اطلاعاتی مربوط وارد نماید. حدود دسترسی اشخاص به این پایگاه را آئین نامه اجرائی مشخص می کند. آئین نامه اجرائی توسط وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارتخانه های اطلاعات و دفاع تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد. ب) ظرف یک سال نسبت به ایجاد پایگاه اطلاعات اشخاص حقوقی اقدام نماید. تبصره ۱- ورود اطلاعات پایگاه اطلاعاتی مذکور در بند (ب) راجع به آن دسته از اشخاص حقوقی که در سایر مراجع به ثبت رسیده یا می رسند حسب مورد به عهده دستگاه ثبت کننده خواهد بود.

تبصره ۲- آئین نامه اجرائی بند (ب) و تبصره (۱) آن توسط وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ج) ظرف یک سال نسبت به راه اندازی شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک اقدام نموده، به نحوی که ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک از طریق نظام مذکور تسهیل متمرکز گردد.

الف - نظرات مخالف

- بار مالی اجرای طرح کاداستر در کل کشور (مذکور در بند الف) این ماده، بسیار بالا است و با توجه به اینکه این بند در لایحه دولت نبوده است و نمایندگان مجلس نیز ردیف اعتباری این طرح برای تأمین هزینه های اجرایی آن را در این قانون مشخص نکرده اند، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- از آنجا که بر اساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی کلیه امور اداری و اجرایی قوه قضائیه؛ از جمله امور مربوط به ثبت، بر عهده رئیس قوه قضائیه است، سپردن وضع آئین نامه اجرایی مربوط به تهیه کاداستر (ذیل بند الف) به هیأت وزیران، ناقض استقلال قوا و همچنین صلاحیتهای در نظر گرفته شده در قانون اساسی برای رئیس قوه قضائیه است. از این رو، بند الف) این ماده، در تغایر با اصول ۵۷ و ۱۵۷ قانون اساسی است.

- عدم تعیین اعتبار لازم برای الزام دولت به ایجاد پایگاه اطلاعاتی (مذکور در بند ب)

این ماده)، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است؛ چه اینکه در لایحه دولت چنین الزامی مقرر نشده بود و نمایندگان مجلس نیز طریق تأمین هزینه‌های ناشی از آن را پیش‌بینی نکرده‌اند.

– عدم تعیین اعتبار لازم برای راه‌اندازی شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک میان دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک (مذکور در بند (ج) این ماده)، به دلیل پیش‌گفته، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب – نظر موافق

– به جهت آنکه هم اکنون در بودجه‌های سالیانه، ردیفی برای اجرای مرحله‌ای طرح کاداستر اختصاص داده می‌شود، نمی‌توان ایراد مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی را گرفت. دولت بر اساس لوایح بودجه سالیانه ملزم به اجرای این طرح بوده است و الزام جدیدی صورت نگرفته است.

ج – تصمیم شورا

- ۱- واگذاری تصویب آئین‌نامه مذکور در ذیل بند (الف) ماده (۱۲) به هیأت وزیران، با رأی موافق، مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- بند (ب) ماده ۱۲، با رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۳- کلیه مسئولین دستگاههای مشمول این قانون موظفند بدون فوت وقت از شروع یا وقوع جرایم مربوط به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات داخلی یا خارجی، اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، دخالت در معاملات دولتی (در مواردی که ممنوعیت قانونی دارد)، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیرمجاز یا تصرف غیرقانونی در وجوه یا اموال دولتی یا عمومی و یا تضییع آنها، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ وجه یا مال غیرقانونی یا امر به اخذ آن، منظور نمودن نفعی برای خود یا دیگری تحت هر عنوان اعم از کمیسیون، پاداش، حق‌الزحمه یا حق‌العمل در معامله یا مزایده یا مناقصه و سایر جرائم مرتبط با مفاسد اقتصادی در حوزه مأموریت خود بلافاصله باید مراتب را به مقامات قضائی و اداری رسیدگی‌کننده به جرائم و تخلفات گزارش نمایند، در غیر این صورت مشمول مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی خواهند بود.

تبصره - هر یک از کارکنان دستگاههای موضوع این قانون که در حیطه وظایف خود از وقوع جرائم مذکور در دستگاه متبوع خود مطلع شود مکلف است بدون اطلاع سایرین مراتب را به صورت مکتوب فوراً به مسؤول بالاتر خود و یا واحد نظارتی گزارش نماید در غیر این صورت مشمول مجازات فوق خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- این ماده اقدام به جرم انگاری «ترک فعل» کرده است و عملاً متضمن مجازات جرایم غیرعمدی است. در این ماده افراد مسؤولی که از این مقرر اطلاع نداشته باشند و به جهت عدم اطلاع از قانون، اقدام لازم را انجام ندهند، مستوجب مجازات دانسته است. به نظر می‌رسد اطلاع این ماده و شمول آن به افراد غیرآگاه که جاهل به حکم هستند، خلاف شرع باشد.

ب - نظر موافق

- اثبات جرایم ترک فعل، معمولاً بسیار مشکلتر از اثبات جرم فعل است؛ زیرا لازم است که مدعی ثابت کند که مرتکب متوجه جرایم مذکور در این ماده شده و با این وجود، وقوع جرم را گزارش نکرده است. اما بر اساس قاعده کلی و رویه قضایی در محاکم، فرض بر این است که پس از انتشار قانون، همگان از آن اطلاع دارند و کسی نمی‌تواند به استناد عدم اطلاع از این قانون، خود را مبری از مسؤولیت بداند. مگر آنکه گفته شود عنصر آگاهی، تعمد مرتکب در فعل را منتفی می‌کند و به عبارت دیگر، فقدان آگاهی مرتکب از حکم قانونی، منجر به جهل به موضوع می‌شود.

ماده ۱۵- مقامات، مدیران و سرپرستان مستقیم سازمانهای دولتی بند(الف)
ماده (۲) هر واحد به تناسب مسؤولیت و سرپرستی خود موظف به نظارت بر واحدهای تحت سرپرستی خود، پیشگیری و مقابله با فساد اداری، شناسایی موارد آن و اعلام مراتب حسب مورد مراجع ذیصلاح خواهند بود.
واحدهای حقوقی، بازرسی و حراست و حفاظت اشخاص مشمول موظف به پیگیری موضوع تا حصول نتیجه می‌باشند.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که در این ماده، امور بازرسی و کشف جرم را به عهده نهادهای مختلف

گذاشته شده است، عملاً موجب سلب صلاحیت ذاتی قوه قضائیه و منافعی با اصل استقلال قواست؛ فلذا مغایر با اصل ۱۵۶ و ۵۷ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۷- دولت مکلف است طبق مقررات این قانون نسبت به حمایت قانونی و تأمین امنیت و جبران خسارت اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش دهنده، اطلاعات خود را برای پیشگیری، کشف یا اثبات جرم و همچنین شناسایی مرتکب، در اختیار مراجع ذیصلاح قرار می‌دهند و به این جهت در معرض تهدید و اقدامات انتقام‌جویانه قرار می‌گیرند، اقدام نماید.

اقدامات حمایتی عبارتند از:

الف) ...

د) هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن قبل از موعد، تغییر وضعیت، جابه‌جایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایان نسبت به مخبر، گزارش دهنده و منبع که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذیصلاح قانونی منعکس نموده باشند ممنوع است.

تبصره - اشخاص فوق وقتی مشمول مقررات این قانون قرار می‌گیرند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذیصلاح باشد.

نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و همچنین میزان جبران خسارت به آنان، طبق ضوابطی است که در آئین‌نامه اجرائی این ماده که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، تعیین می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- به جهت آنکه ضوابط مربوط به تعیین نحوه و نوع اقدامات حمایتی از گزارش دهندگان و میزان جبران خسارت آنان (تبصره ذیل بند (د) ماده ۱۷)، از جمله امور تقنینی و متضمن ایجاد حق و تکلیف است، که وفق اصل ۸۵ در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیرقابل واگذاری به غیر می‌باشد، سپردن آن به آئین‌نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

تبصره ذیل ماده ۱۷، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۸- هر نوع فعالیت اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای کلیه دستگاههای مندرج در بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) که در وظایف و اختیارات قانونی آنها فعالیتهای اقتصادی پیشبینی نشده است ممنوع است. موارد استثناء به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- تعیین موارد مستثنی از حکم ممنوعیت، دارای ماهیت تقنینی است که در صلاحیت مجلس شورای اسلامی بوده و غیرقابل واگذاری به غیر است. بنابراین، واگذاری این موضوع به هیأت وزیران، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ذیل ماده ۱۸، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۹- نسخه پژوهشها و تحقیقات غیرمحرمانه که کلاً از محل بودجه عمومی تأمین اعتبار شده است باید به نحو مناسب در دسترس اشخاص قرار گیرد.

تبصره - آئین نامه اجرایی این ماده شامل نحوه دسترسی، هزینه ها و نیز موارد محرمانه، ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه این ماده و آئین‌نامه مندرج در تبصره آن، مربوط به دسترسی به اطلاعات در بخش پژوهشها و تحقیقات است، اطلاق این ماده در مورد شمول پژوهشهای حوزوی ابهام دارد، چه اینکه بخشی از هزینه فعالیتهای حوزه‌های علمیه نیز از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود. در صورت اشمال به پژوهشهای حوزوی، صلاحیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت وضع آئین‌نامه برای حوزه محل تردید است.

- اطلاق ماده در خصوص صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت وضع آئین‌نامه و تعیین محرمانه بودن یا نبودن تحقیقات انجام شده در آئین‌نامه مزبور، برای نهادهای پژوهشی زیر مجموعه مقام معظم رهبری و سایر نهادهایی که وفق قانون اساسی، مقررات مربوط به خود را خود تعیین می‌کنند؛ مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و خبرگان رهبری مغایر با اصول ۵۷، ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی است. ضمن آنکه حتی در فرض محرمانه نبودن تحقیقات و پژوهشهای صورت گرفته در این نهادها، الزام مقرر در این ماده مبنی بر انتشار و در اختیار عموم قرار دادن این پژوهشها نیز، بلا وجه است.

- به جهت آنکه اطلاق این ماده شامل صلاحیت وضع آئین‌نامه برای مراکز پژوهشی زیرمجموعه قوه قضائیه و قوه مقننه نیز می‌شود، ناقض اصل استقلال قوا و مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است.

- از آنجا که بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی، صلاحیت وضع مقررات برای مجلس خبرگان رهبری به عهده این مجلس نهاده شده است، وضع آئین‌نامه از سوی دولت برای نهادهای زیرمجموعه این مجلس، مغایر با اصل ۱۰۸ است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به اینکه در ماده ۲ این لایحه، اشخاص مشمول آن را مشخص کرده و در بند (ب) تصریح کرده که در خصوص واحدهای زیر نظر مقام معظم رهبری، کسب موافقت قبلی ایشان ضروری است، این ماده، مغایرتی با اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی ندارد.

- به جهت آنکه امور پژوهشی از صلاحیت ذاتی مجلس خبرگان خارج است، وضع آئین‌نامه در امور پژوهشی آن توسط دولت، مغایر با قانون اساسی نیست؛ چه آنکه مجلس

خبرگان وفق اصل ۱۰۸ قانون اساسی، صرفاً صلاحیت وضع قانون در راستای تکالیف ذاتی خویش (قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب، آئین‌نامه داخلی جلسات و سایر وظایف مربوط به وظایف خبرگان) را داراست.

- با توجه به موضوع این مصوبه و با لحاظ ماده ۱۸ آن، پژوهشهای مورد نظر ماده ۱۹ صرفاً پژوهشهای مربوط به حوزه اقتصاد و فساد مالی و اداری است و از این منظر، پژوهشهای مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان و...، تخصصاً از شمول این ماده خارج است.

ج - تصمیم شورا

تبصره ماده ۱۹، با رأی موافق، مغایر اصول متعدد قانون اساسی؛ از جمله اصول ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۲ شناخته شد.

ماده ۲۰- کلیه اشخاص مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) مکلفند ظرف مدت دو سال پس از تصویب این قانون فرآیند امور مالی و مکاتبات اداری خود را مکانیزه نمایند.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه موضوع «مکانیزه کردن امور مالی و مکاتبات اداری» در لایحه تقدیمی دولت وجود نداشته و با پیشنهاد نمایندگان مجلس به تصویب رسیده است و با عنایت به اینکه، اقدام به این موضوع، نیازمند هزینه مالی است، لیکن در مصوبه نمایندگان، طریق تأمین اعتبار مالی آن پیش‌بینی نشده است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۱- کلیه اشخاص مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) موظفند تنها از نرم‌افزارهای مالی و اداری استفاده نمایند که در شورای عالی انفورماتیک به ثبت رسیده باشد.

تبصره ۱- خرید نرم‌افزارهای خارجی اعلامی از سوی شورای مزبور از شمول این ماده مستثنی می‌باشد.

تبصره ۲- شورای عالی انفورماتیک باید قبل از ثبت هر نرم افزار از رعایت معیارها و استانداردهای مصوب اطمینان حاصل نماید.

تبصره ۳- کلیه اشخاص مشمول موظفند ظرف یک سال از تصویب این قانون نرم افزارهای مورد استفاده فعلی خود را با شرایط مزبور سازگار نمایند.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه این مصوبه در لایحه تقدیمی دولت وجود نداشته و با پیشنهاد نمایندگان مجلس به تصویب رسیده است و با عنایت به اینکه، اجرایی کردن این مصوبه، نیازمند هزینه مالی است، لیکن در مصوبه نمایندگان، طریق تأمین اعتبار مالی آن پیش‌بینی نشده است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۵- دستگاههای مذکور در بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) موظفند نسبت به بازنگری و مهندسی مجدد سامانه پاسخگویی به شکایات و مکانیزه نمودن آن به نحوی اقدام نمایند که دریافت شکایات به طور غیرحضورى توسط واحدهایی که مسئولیت پاسخگویی و رسیدگی به شکایات مردم را دارند به واحد مربوطه در دستگاه منعکس گردد. واحد مزبور موظف است بر اساس زمان‌بندی تعیین شده نسبت به ارائه پاسخ به متقاضی یا شاکی اقدام نماید و در صورت عدم پاسخگویی در مهلت معین، موضوع در سلسله مراتب اداری تا بالاترین مقام دستگاه منعکس شود. واحدهای مزبور موظفند در صورت وارد نبودن شکایت، موضوع را به صورت مکتوب و با ذکر علت به شاکی اعلام نمایند. کلیه مراحل فوق باید حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول شکایت خاتمه یابد. عدم رسیدگی به شکایت یا عدم انعکاس موضوع به مراجع ذیصلاح یا عدم پاسخ مکتوب به شاکی در مهلت زمانی مذکور، تخلف محسوب و با مرتکبین طبق قوانین مربوطه برخورد خواهد شد.

تبصره - سازمان بازرسی کل کشور مسؤول نظارت بر حسن اجراء این ماده می‌باشد.

الف - نظرات مخالف

- شمول این ماده نسبت به دستگاههای زیرمجموعه مقام معظم رهبری، و نیز شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری، که وفق قانون اساسی قوانین مربوط به خود را دارند، مغایر با اصول ۵۷، ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی است.

- اطلاق ماده در خصوص شمول دستگاههای زیرمجموعه مقام معظم رهبری و نیز نهادهایی همچون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری که وفق قانون اساسی، قوانین مربوط به خود را دارند، دارای ابهام است. بر این اساس، با وجود ابهام مزبور، اظهارنظر در خصوص این مصوبه امکانپذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق ماده ۲۵ از جهت حیطه شمول دستگاهها و مؤسسات مدنظر، با رأی موافق، دارای ابهام شناخته شد.

ماده ۲۷- ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که در اجراء فرمان مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ مقام معظم رهبری ایجاد گردید، علاوه بر وظایف مذکور در فرمان معظم له، عهده دار وظایف زیر و نظارت بر حسن اجراء این قانون خواهد بود:

- اتخاذ سیاستها و راهبردهای مناسب برای پیشگیری و مبارزه مؤثر و کاراتر با فساد و اجراء بهتر و سریعتر این قانون.

- تصویب شاخصها و استانداردهای سلامت اداری.

- اتخاذ تصمیمات لازم به منظور ارتقاء سطح کیفی راهکارهای مبارزه با فساد.

- تقویت ظرفیتهای و فعالیتهای دستگاههای مسؤول پیشگیری و مبارزه با فساد.

- اتخاذ تدابیر مناسب برای تقویت همکاری دستگاههای نظارتی و مراجع قضائی.

- نظارت بر عملکرد و اجراء برنامه های پیشگیرانه و مقابله با فساد دستگاههای مشمول قانون.

- ارائه گزارش عملکرد سالانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و دستگاههای مسؤول به افکار عمومی با رعایت سیاستهای مذکور در فرمان مقام معظم رهبری.

- ایجاد هماهنگی برای توسعه همکاریها و تبادل تجارب و اطلاعات با سازمانها و مجامع بین‌المللی مبارزه با فساد.

تبصره ۱- تشکیل ستاد، نافی وظایف و مسئولیتهای دستگاهها و سازمانهای ذی‌ربط نخواهد بود.

تبصره ۲- وزارت اطلاعات مسئولیت دبیرخانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی را بر عهده داشته و موظف است با گزارش‌گیری سالانه از دستگاههای مشمول بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون و دستگاههای نظارتی و جمع‌بندی آنها به همراه اقدامات خود، گزارش نهایی سالانه را تنظیم به ستاد ارائه نماید.

الف - نظرات مخالف

- صلاحیتهای در نظر گرفته شده برای مبارزه با مفاسد اقتصادی در این ماده، چنانچه ماهیت تقنینی دارد، وفق قانون اساسی اصالتاً بر عهده مجلس شورای اسلامی است و چنانچه صلاحیتهای در نظر گرفته شده برای آن ماهیت اجرایی دارد، اعمال آن در صلاحیت قوه مجریه است و چنانچه صلاحیت آن واجد ماهیت قضائی است، وفق قانون اساسی در صلاحیت ذاتی قوه قضائیه است. بنابراین، واگذاری صلاحیت به ستاد مزبور در هریک از این فروض، مغایر با اصول ۵۸، ۶۰ و ۶۱ قانون اساسی است.

- افزودن وظایف مضاعف برای ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به غیر از آنچه مقام معظم رهبری در تشکیل ستاد مزبور تعیین کرده‌اند، ناقض اصول مربوط به صلاحیتهای قوای سه‌گانه و اصل استقلال قوا است و از این لحاظ، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۲۷، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصول ۵۷، ۵۸، ۶۰ و ۶۱ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۸- دولت موظف است در بودجه سالانه کل کشور، اعتبارات مورد نیاز برای اجراء مقررات این قانون و اعتبارات لازم برای هزینه‌های قانونی طرح دعاوی جرائم موضوع این قانون و پیگیری آنها از قبیل هزینه دادرسی،

کارشناسی و اجراء احکام را در دستگاههای اجرائی پیش‌بینی نماید. سایر دستگاههایی که از بودجه سالانه کل کشور استفاده نمی‌نمایند موظفند هزینه مزبور را از محل بودجه خود تأمین نمایند.

الف - نظر مخالف

- عدم پیش‌بینی طریق تأمین اعتبار لازم برای اجرائی شدن این ماده، مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی را به وجود می‌آورد؛ زیرا اجرائی کردن این مصوبه در دستگاههای اجرائی (موضوع قسمت اول ماده مزبور)، به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد که در مصوبه نمایندگان، به رغم تأکید اصل ۷۵ قانون اساسی، طریق تأمین این هزینه جدید پیش‌بینی نگردیده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد

ج - تصمیم شورا

ماده ۲۸، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۲- از تاریخ تصویب این قانون ارائه فهرست کلیه دارایی‌های منقول و غیرمنقول به رئیس قوه قضائیه و وزیر مربوط از شروط احراز سمتهای مدیریتی (مدیران کل و بالاتر و همتران آنها) و دارندگان پایه‌های قضائی در دستگاههای موضوع بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون و مدیران عامل و اعضاء موظف هیأت مدیره و مدیران شرکتهای دولتی و وابسته به دولت می‌باشد.

الف - نظرات مخالف

- حکم مندرج در این ماده، دامنه مقامات مندرج در اصل ۱۴۲ را توسعه داده و بسیاری دیگر از مقامات و سمتهای مدیریتی که داخل در اصل ۱۴۲ نیست را نیز موظف به ارائه فهرست کامل دارائیهای خود کرده است. از این رو، این ماده مغایر با اصل ۱۴۲ قانون اساسی است.

- از آنجا که این ماده در خصوص اموال فرزندان و همسر مسؤولانی که وفق حکم مندرج در اصل ۱۴۲، می‌بایست قبل و بعد از خدمت، مورد بررسی قرار گیرد، سکوت

در مقام بیان کرده است، تقییدی بر اصل ۱۴۲ تلقی می‌شود و از این نظر نیز مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- در این ماده، صرفاً اعلام دارایی‌ها را شرط احراز سمتهای مدیریتی دانسته تا بدین واسطه، از وقوع فسادهای مالی احتمالی توسط افراد مزبور پیشگیری کند. از این رو، حکم این ماده در خصوص رسیدگی یا عدم رسیدگی به اموال مدیران مزبور، بر اساس حکم مندرج در اصل ۱۴۲ ساکت است و به همین دلیل هیچ تعارض یا توسعه‌ای نسبت به اصل ۱۴۲ ندارد.

- به طور کلی تعیین شرایط برای احراز مناصب و سمتهای مدیریتی توسط قانونگذار جایز است و بر این اساس، قانونگذار در این ماده، علاوه بر سایر شرایط مقرر قانونی، شرط دیگری را نیز بدان افزوده است. لذا افزودن شرط مزبور برای احراز سمتهای مدیریتی، ارتباطی با اصول قانون اساسی و مغایرت با اصول این قانون ندارد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۳۲، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۴۲ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۴- هرگونه افشاء اطلاعات پایگاههای اطلاعاتی دستگاههای مذکور بر خلاف قوانین و مقررات ممنوع و متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ محکوم می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- این ماده، اصل را بر محرمانه بودن همه اسناد و مدارک گذاشته و به همین جهت هر جا شک شود که سندی محرمانه است یا خیر، اصل بر محرمانه و قابل مجازات بودن افشای آن است.

ب - نظر موافق

- معیار اسناد محرمانه و طبقه‌بندی آنها در قوانین خاص پیش‌بینی شده و مرجع تعیین آن نیز، خود دستگاه شناخته شده است. لذا این ماده در مقام بیان این مسأله نمی‌باشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

ماده (۶)، اطلاق وظایف این هیأت چون شامل مواردی می‌شود که از امور قضائی است، احتمال تضییع حقوق افراد را در بر دارد، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

دسترسی مردم به اطلاعات مندرج در تبصره (۴) ماده (۶)، از این جهت که معلوم نیست در اختیار چه کسانی قرار می‌گیرد ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

در بند (ج) ماده (۸)، ایجاد و راه‌اندازی فرآیندهای مرتبط و مکانیزه به دلیل داشتن بار مالی و عدم تأمین منبع آن، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

بند (ه) ماده (۹)^(۲)، چون موهم این است که قراردادهای این بند به تصویب مجلس شورای اسلامی نمی‌رسد، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

بند (ج) ماده (۱۱) و جزء (۱) این بند و بند (الف) و تبصره (۱) بند (ب) ماده (۱۲) و ماده (۲۸)، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ضوابط مندرج در جزء (د) تبصره ماده (۱۷)، چون از امور تقنینی است، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

تفویض تصویب موارد استثناء در ماده (۱۸) به هیأت وزیران، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

تفویض تدوین آئین‌نامه مندرج در تبصره ماده (۱۹) در خصوص دستگاههای زیر نظر مقام معظم رهبری و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری و همچنین قوای مقننه و قضائیه، مغایر اصول مربوط به این دستگاهها و نیز اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده (۲۵)، از جهت اینکه حکم این ماده شامل دستگاههای زیر نظر مقام معظم رهبری و دستگاههای دیگر که حکم خاص در قانون اساسی دارند، مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری می‌شود یا خیر ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

در ماده (۲۷)، وظایف محول شده به ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی علاوه بر وظایف تفویض شده توسط مقام معظم رهبری به این ستاد، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز مغایر اصول مربوط به قوای مقننه، قضائیه و مجریه می‌باشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۸ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. لازم به ذکر است که در متن نظریه شورای نگهبان، به اشتباه، ماده (۱۰) درج شده است.

ماده (۳۲)، به دلیل توسعه دامنه شمول اصل ۱۴۲ قانون اساسی، مغایر این اصل شناخته شد.
تذکر: عنوان «سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور» در مواد متعدد این قانون اصلاح گردد.

نظریه تکمیلی (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

تصویب آئین نامه مذکور ذیل بند (الف) ماده (۱۲) توسط هیأت وزیران مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۷ قانون اساسی است.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۷/۱۴^(۲)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵ و ۱۳۸۷/۸/۲۲

ماده ۶- هیأتی مرکب از یک نفر قاضی به انتخاب قوه قضائیه، نمایندگان وزراء امور اقتصادی و دارایی، اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون مشمولین بند (ج) مندرج در ماده (۵) این قانون را برای قرارگرفتن در لیست سیاه به دستگاه قضائی پیشنهاد می نماید. دستگاه قضائی موظف است خارج از نوبت رسیدگی و نظر خود را اعلام نماید.

در مواردی که تصمیماتی از طرف مقامات قضائی اتخاذ گردیده و یا آرائی از محاکم قضائی یا مراجع اداری صادر شده باشد هیأت بر اساس آن آراء و تصمیمات متخذ عمل می کند. در سایر موارد هیأت موظف است ظرف دو ماه نسبت به تعیین زمانی که اسامی افراد می باید در لیست سیاه قرار گیرد اتخاذ تصمیم نماید و در صورت عدم اظهار نظر در مهلت مقرر، بر اساس مستندات مراجع ذیصلاح مدت محرومیت دو سال خواهد بود. همچنین مدت قرار داشتن در لیست سیاه بین دو تا پنج سال است که در صورت استمرار یا تکرار تخلف، مدت محرومیت قابل تمدید می باشد. تصمیمات هیأت قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

تبصره ۱- چنانچه متخلف اقدامات مؤثری در جهت تأمین حقوق دولتی یا عمومی و یا حسن جریان امور به عمل آورده باشد، هیأت اعم از این که اتخاذ

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۹۶ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مصوب کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

تصمیم نموده و یا پرونده مفتوح باشد می‌تواند مدت محرومیت را به حداقل یک سال کاهش دهد. در صورتی که متهم از مراجع قضائی حکم برائت یا منع تعقیب دریافت نماید هیأت مذکور نسبت به رفع محرومیت اقدام نماید.
تبصره ۲- ...

الف - نظرات مخالف

- با اصلاح مجلس، ایراد پاراگراف اول برطرف شده، اما پاراگراف دوم و تبصره همچنان ایراد سابق را دارد. ایراد پیشین شورای نگهبان، شامل تمام ماده و ناظر بر مطلق وظایف در نظر گرفته شده برای هیأت مذکور در این ماده بود که بیان گردید اطلاق وظایف تفویض شده به این هیأت، چون شامل مواردی می‌شود که از امور قضایی است، با وظایف قوه قضائیه مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی در تضاد است. از این رو، اصلاح صدر ماده، تأثیری در رفع اطلاق وظایف هیأت مذکور در ماده ندارد؛ چه آنکه این ایراد، همچنان در ادامه ماده (پاراگراف دوم) و در تبصره باقی است.

- در تبصره (۱) امکان تخفیف محرومیت متخلف از سوی هیأت مذکور در ماده پیش-بینی شده است که این مغایر با صلاحیت قوه قضائیه و رأی قضایی صادر شده در مورد متخلف می‌باشد. یک هیأت غیرقضایی نمی‌تواند رأی صادر شده از سوی محاکم قضایی را تغییر داده و یا در آن تجدیدنظر نماید.

- به نظر می‌رسد هیأت مذکور فاقد صلاحیت برای ارائه پیشنهاد به قاضی، جهت انتشار اسامی افراد در لیست سیاه است و ایراد ماده همچنان به قوت خود باقی است.
- در اصلاح صورت گرفته، انتخاب قاضی هیأت مذکور را «به انتخاب قوه قضائیه» محول کرده است، در صورتی که احکام قضائی قضات، وفق بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی می‌بایست تنها «به انتخاب رئیس قوه قضائیه» صورت پذیرد.

- الزام دستگاه قضایی (دادستان) به رسیدگی به موارد پیشنهادی از سوی هیأت مزبور، مغایر با استقلال قوا و استقلال مقامات قضایی است. ضمن آنکه در خصوص طرح دعوا و الزام به رسیدگی در موارد مربوط به حق خصوصی اشخاص، مطالبه صاحب حق، یکی از شرایط اساسی رسیدگی است که در این ماده، دستگاه قضایی را موظف کرده تا نسبت به کلیه موارد ارجاعی از سوی هیأت مزبور (خواه مربوط به حق خصوصی اشخاص باشد یا حق عمومی و خواه اشخاص حقوق خصوصی، رسیدگی به موضوع را مطالبه کرده باشند یا خیر)، خارج از نوبت رسیدگی کرده و نظر خویش را اعلام نمایند.

- واگذاری تعیین مدت زمان قرار گرفتن نام افراد در لیست سیاه، به عنوان یکی از صلاحیتهای هیأت مذکور در این ماده، همانند نفس قرار گرفتن افراد در لیست سیاه، از امور قضایی است که متضمن آثار و احکام حقوقی خاص برای افراد مزبور در لیست سیاه می‌شود و از این رو، واگذاری چنین صلاحیتی به هیأت مذکور در ماده، مغایر با صلاحیت در نظر گرفته شده در قانون اساسی برای محاکم قضایی است.

- اشخاص موضوع این ماده، اعم از بخش دولتی و بخش غیردولتی است و هیأت مزبور حتی در خصوص انتشار لیست سیاه اشخاص حقوق خصوصی وارد عمل می‌شود و این صلاحیت گسترده، مغایر با حقوق عامه است.

- از پاراگراف دوم این ماده چنین استنباط می‌شود که در مواردی که حکم قضایی وجود ندارد، هیأت مزبور مرسوم الید است و حتی «باید» برای انتشار اسامی افراد در لیست سیاه تعیین مدت کند و این مغایر با وظایف ذاتی قوه قضائیه و ناقض اصل استقلال قوا است، خصوصاً اینکه نظر هیأت مزبور لازم الاجراء تلقی می‌شود.

- با توجه به اینکه در دعاوی حقوقی، جز با درخواست و تقاضای ذیحق، دادرسی آغاز نمی‌شود و قاضی نمی‌تواند وارد بررسی قضایی شود، اطلاق این ماده در خصوص الزام به رسیدگی قضایی در کلیه موارد - که شامل مواردی نیز می‌شود که مدعی خصوصی، تقاضای رسیدگی نکرده است - مغایر با موازین شرع می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- در ماده اصلاحی، تأکید شده که لیست سیاه توسط هیأت مذکور در این ماده، به دستگاه قضایی ارسال می‌شود. بنابراین، صلاحیت در نظر گرفته شده برای این هیأت، صرفاً صلاحیت اعلامی است، نه رسیدگی قضایی. لذا این اسامی حسب مورد، به دادستان یا دادگاه تسلیم خواهد شد و تعارضی با صلاحیت قوه قضائیه ندارد.

- آنچه در پاراگراف دوم این ماده در بیان قسمت دیگری از وظایف و صلاحیتهای هیأت مذکور در این ماده بیان شده، واگذاری تعیین مدت زمان قرار گرفتن نام افراد در لیست سیاه است، نه نفس قرار گرفتن در لیست سیاه که محل اشکال سابق شورا بوده است. تعیین مدت زمان قرار گرفتن نام افراد در لیست سیاه نیز یک تصمیم اداری است که بیانگر اراده دولت نسبت به عدم معامله با یک سری افراد یا شرکتها است که مرتکب فساد شده‌اند. ضمن آنکه دولت نیز مانند هر شخص دیگر، حق دارد طرف معامله خویش را انتخاب کند.

- سیاق عبارت در تبصره (۱)، منصرف از مواردی است که دادگاه به عنوان رأی قضایی، محرومیت اجتماعی ایجاد کرده است. در تبصره (۱) مواردی مورد توجه قرار گرفته که هیچ رأیی از سوی مقام قضایی صادر نشده و پرونده همچنان در هیأت مذکور در این ماده، مفتوح است. علیهذا، این تبصره مجوزی برای نقض آراء قضایی از سوی محاکم اداری نیست و عبارت مندرج در ذیل تبصره (۱) نیز مؤید حاکم بودن احکام قضایی در هر صورت است.

- به جهت امکان شکایت از آراء صادره از سوی هیأت مذکور در این ماده، در دیوان عدالت اداری، ایرادی بر ماده مزبور از حیث مداخله در امور قضایی وارد نیست.

ج - تصمیم شورا

به رغم اصلاح به عمل آمده در ماده (۶)، ایراد سابق شورا، با ۷ رأی موافق، همچنان باقی تشخیص داده شد.

ماده ۶- ...

تبصره ۴- هیأت می تواند شعب متعدد داشته باشد، تعداد، محل تشکیل هیأت، طرز تشکیل و نحوه دسترسی دستگاههای اداری به فهرست سیاه و سایر امور اجرایی هیأت به موجب آئین نامه ای خواهد بود که ظرف سه ماه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری وزارتخانه های اطلاعات، دادگستری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

الف - نظر مخالف

- به رغم حذف عبارت «و مردم» در اصلاح به عمل آمده در مجلس، اطلاق دسترسی دستگاههای اداری به فهرست سیاه در این ماده، دارای اشکال است؛ زیرا همچنان در این ماده مشخص نیست چه دستگاههایی و در چه سطحی می توانند به اطلاعات مزبور دسترسی داشته باشند و روشن است که همه افراد شاغل در دستگاههای اداری، صلاحیت دسترسی به این فهرست را ندارند.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، با اکثریت آراء، ایراد شورا مرتفع تشخیص داده شد.

ماده ۸- ...

(بند(ب) از ماده(۸) حذف و به ماده(۲۸) جدید منتقل شد و بندهای بعدی به ترتیب اصلاح شدند).

الف - نظرات مخالف

- علی‌رغم جابجایی بند(ب)، ایراد اصل ۷۵ همچنان باقی است.
- صرف نامه معاون اول رئیس‌جمهور خطاب به شورای نگهبان^(۱) مبنی بر پذیرش هزینه‌های ناشی از اصلاحات مجلس، رافع ایراد اصل ۷۵ نیست؛ چرا که تغییرات جدید به جهت آنکه در حکم لایحه تلقی شود، باید به تصویب هیأت وزیران رسیده و به مجلس شورای اسلامی ارسال شود. به عبارت دیگر، مجلس شورای اسلامی می‌بایست در نامه‌ای به شورای نگهبان، رفع ایراد مزبور را اعلام کند؛ نه آنکه دولت مستقیماً به شورای نگهبان اطلاع دهد. این نامه در واقع، متمم لایحه دولت است و باید سیر قانونی لوایح را طی کند.

ب - نظر موافق

- با وجود نامه معاون اول رئیس‌جمهور مبنی بر پذیرش بار مالی لایحه توسط دولت و با عنایت به اینکه نامه مزبور، مقدم بر مصوبه اخیر مجلس در خصوص این لایحه است و در حقیقت، به عنوان لایحه تکمیلی قلمداد می‌شود، بنابراین، ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی این لایحه برطرف شده است.

ج - تصمیم شورا

به رغم اصلاح به عمل آمده، با ۱۱ رأی موافق، مصوبه مزبور مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد. (نامه معاون اول رئیس‌جمهور جهت رفع ایراد مزبور نیز، با ۸ رأی موافق، رافع ایراد اصل ۷۵ شناخته نشد).

۱. نامه شماره ۲۸۶۱۷/۶۲۰۸۲ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ معاون اول رئیس‌جمهور، خطاب به شورای نگهبان.

ماده ۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است:

...

ه) ظرف سه سال از تصویب این قانون قراردادهای تبادل اطلاعات مالیاتی، گمرکی و بورس از طریق سازمان مالیاتی، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار با سازمانهای متناظر در کشورهای دیگر منعقد نماید و اقدامات قانونی لازم را جهت تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل آورد.

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۱۱- قوه قضائیه موظف است:

الف) ظرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزایی مرتبط با جرایم موضوع این قانون بررسی خلاءهای موجود، لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازاتها با جرایم، تدوین و در اختیار دولت قرار داده تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد.

ب) ...

الف – نظر مخالف

– با توجه به اینکه هیچ گونه تغییری برای اصلاح ماده (۱۱) صورت نگرفته است، ایراد سابق شورا همچنان باقی است.

ب – نظر موافق

– نظری ابراز نشد.

ج – تصمیم شورا

با توجه به عدم اصلاح ماده ۱۱، این مصوبه با ۱۱ رأی موافق، مغایر اصل ۷۵ شناخته شد. (نامه معاون اول رئیس‌جمهور جهت رفع ایراد مزبور نیز، با ۸ رأی موافق، رافع ایراد اصل ۷۵ شناخته نشد.)

ماده ۱۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است:

الف) ظرف دو سال نسبت به تکمیل و اجراء طرح کاداستر و سایر ترتیبات

قانونی لازم اقدام نموده و اطلاعات لازم را در پایگاه اطلاعاتی مربوط وارد نماید. حدود دسترسی اشخاص به این پایگاه را آئین نامه اجرایی مشخص می کند. آئین نامه اجرایی توسط وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارتخانه های اطلاعات و دفاع تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ب) ظرف یک سال نسبت به ایجاد پایگاه اطلاعات اشخاص حقوقی اقدام نماید.

....

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه هیچ تغییری برای اصلاح ایراد اصل ۷۵ در این ماده صورت نگرفته است، ایراد مزبور همچنان باقی است.

ب - نظر موافق

- با توجه به اصلاح صورت گرفته در بند (الف) و جایگزینی «رئیس قوه قضائیه» به جای «هیأت وزیران» ایراد اصول ۵۷ و ۱۵۷ مرتفع گردیده است.

ج - تصمیم شورا

۱- با توجه به اصلاح به عمل آمده در بند (الف) ماده مزبور، ایراد سابق شورا برطرف شده است.
۲- ماده ۱۲، با ۱۱ رأی موافق، مغایر اصل ۷۵ شناخته شد. (نامه معاون اول رئیس جمهور جهت رفع ایراد مزبور نیز، با ۸ رأی موافق، رافع ایراد اصل ۷۵ شناخته نشد)

ماده ۱۷- ...

بند (د) - ...

تبصره - اشخاص فوق وقتی مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذیصلاح باشد.
نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و همچنین میزان جبران خسارت به آنان، طبق مقرراتی خواهد بود که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و اقدامات قانونی لازم را جهت تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل خواهد آورد.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۱۸- هر نوع فعالیت اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای کلیه دستگاههای مندرج در بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲) که در وظایف و اختیارات قانونی آنها فعالیتهای اقتصادی پیش‌بینی نشده است ممنوع است.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف جمله آخر)، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۱۹- نسخه پژوهشها و تحقیقات غیرمحرمانه که کلاً از محل بودجه عمومی تأمین اعتبار شده است باید به نحو مناسب در دسترس اشخاص قرار گیرد. (تبصره ماده حذف شد.)

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف تبصره)، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۵- ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲ [الحاقی] - دستگاههای تحت نظر مقام معظم رهبری و نیز دستگاههایی که در قانون اساسی برای آنان حکم خاص وجود دارد از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (الحاق تبصره)، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۷- وظایف و تکالیف مقرر در این قانون نافذ فعالیتهای ستاد مبارزه با مفاسد مالی که در اجراء فرمان مقام معظم رهبری تشکیل شده است نمی‌باشد.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۸ [الحاقی] - هیأتی متشکل از نمایندگان وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، سازمان حسابرسی، معاون ذی ربط در ریاست جمهوری موظف به اقدامات زیر می باشند:

الف - شاخص های اندازه گیری میزان سلامت اداری در دستگاه های موضوع بندهای (الف)، (ج) و (د) ماده (۲) را ظرف شش ماه پس از تصویب قانون تهیه و به تصویب رئیس جمهور رسانده و اعلام عمومی نمایند. این هیأت موظف است با توجه به شاخص های مذکور هر سال نسبت به اندازه گیری میزان سلامت اداری اقدام و نتیجه بررسی خود را حداکثر تا پایان اردیبهشت سال بعد به خدمت مقام معظم رهبری و سران قوا تقدیم نماید.

ب - نسبت به نظارت بر عملکرد و اجراء برنامه های پیشگیرانه و مقابله با فساد در اشخاص مشمول اقدام نمایند.

ج - هر شش ماه یک بار نسبت به تهیه گزارش عملکرد اجراء این قانون توسط اشخاص مشمول اقدام و نسبت به انتشار عمومی آن با رعایت سیاست های مذکور در فرمان مقام معظم رهبری اقدام نمایند.

تبصره ۱- کلیه اشخاص مشمول این ماده موظف به ارائه گزارش های مربوط به اجراء این قانون به هیأت مزبور می باشند.

تبصره ۲- اولین جلسه هیأت به دعوت معاون ذی ربط ریاست جمهوری تشکیل و نحوه اداره هیأت از جمله تعیین رئیس، تشکیل دبیرخانه و محل استقرار آن، تقسیم کار هر یک از اعضاء هیأت و همچنین ارکان هیأت در همان جلسه تدوین خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- طبق قانون اساسی، نهادهای مختلفی همچون مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و... مسئول نظارت بر عملکرد نهادها هستند. از این جهت، تأسیس صلاحیت و وظایف نظارتی جدید برای هیأت مذکور در این ماده، مغایر با اصول قانون اساسی است و هیچ دلیلی برای ایجاد این صلاحیت جدید وجود ندارد.

- واگذاری تعیین شاخص به هیأت مزبور، به جهت آنکه متضمن امر تقنین است و دستگاهها و نهادها موظف به تبعیت از آن هستند، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. توضیح آنکه، تعیین شاخص، هر چند ممکن است فی نفسه متضمن ایجاد حق یا تکلیف نباشد، لکن به تبع آثاری که بر آن مترتب است، و نهادهای مختلف بر اساس آن مورد بازرسی و نظارت قرار می گیرند، در حیطه تقنین قرار گرفته و از این جهت، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- شاخصهای مطرح در بند(الف) این ماده، متضمن حق و تکلیف می باشد و از این رو، نیازمند تقنین است. بنابراین واگذاری تصویب این شاخصها به رئیس جمهور، علاوه بر مغایرت با اصل ۸۵ قانون اساسی، به جهت نامتناسب بودن با وظایف رئیس جمهور، با اصول ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون اساسی نیز مغایرت دارد.

- حداقل ایراد وارد بر «شاخص» مذکور در ماده، ابهام در ماهیت تقنینی آن است که ضروری است جهت اظهارنظر قطعی شورای نگهبان، ابهام مذکور مرتفع گردد. - صلاحیت وضع مقررات راجع به شاخص، در تعارض با صلاحیت ذاتی هیأت وزیران برای وضع آئین نامه است؛ فلذا واگذاری تصویب آن به رئیس جمهور مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

- تشکیل هیأتی متشکل از نمایندگان سه قوه و تعیین وظایفی خارج از چارچوبهای مبتنی بر رعایت اصل استقلال قوا، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی است. ضمن آنکه تشکیل سازمان حسابرسی در این هیأت با یک سری وظایف خاص و مستقل برای کنترل دستگاهها و نهادهای مختلف نیز خلاف اصول مبتنی بر تفکیک اختیارات است.

- واگذاری وظایف مندرج در این ماده به نهادهای نظارتی همچون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و...، توسعه در صلاحیتهای تعیین شده برای این نهادها در قانون اساسی است. از این رو، با اصول متعدد مربوط به صلاحیت نهادهای مزبور در قانون اساسی همچون اصل ۵۴ و ۵۵ در تضاد است.

- با توجه به اینکه طبق مواد قانون خدمات کشوری همه سازمانهای دولتی، دستگاه محسوب می شوند، و با توجه به اینکه اطلاق بند(الف) ماده ۲۸ الحاقی شامل دستگاههای زیر نظر رهبری نیز می شود، این ماده مغایر با اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی است.

- اطلاق تبصره (۱) که کلیه اشخاص را ملزم به ارائه گزارش به هیأت مذکور در این

ماده کرده است، از آن جهت که شامل کلیه دستگاههای مربوط به قوای سه گانه و دستگاههای زیر نظر رهبری می‌شود، مغایر با اصل استقلال قوا مندرج در اصل ۵۷ قانون اساسی است. بر همین اساس، گزارش سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و... در راستای اجرای این قانون به هیأت مزبور واجد اشکال است.

ب - نظرات موافق

- شاخص‌های مذکور در این اصل، ماهیتی کاملاً اجرایی و تخصصی و فنی دارد؛ چه‌آنکه در سطح بین‌المللی نیز سازمانهایی تحت عنوان مبارزه با فساد، فعال هستند و هر ساله با توجه به ملاک قرار دادن برخی شاخصها، به ارائه گزارشاتی از وضعیت فساد در کشورهای مختلف مبادرت می‌کنند. از این رو، اصولاً تعیین شاخص، نه موجد حق است و نه موجد تکلیف و بنابراین، تخصصاً از مبحث قانونگذاری خارج است.

- صرف تعیین شاخص در بند(الف) توسط مرجع مذکور در این ماده، حتی برای دستگاههای زیر نظر رهبری، به لحاظ عدم ملازمه با تصرف در نهادهای مزبور، فاقد اشکال است و مغایر با صلاحیتهای رهبری نیست.

ج - تصمیم شورا

- ۱- بندهای(الف) و (ب) ماده(۲۸) الحاقی، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- تبصره(۱) ماده(۲۸) الحاقی، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- واگذاری وظایف نظارتی دستگاههای مختلف به هیأت مذکور، با ۷ رأی موافق، مغایر صلاحیتهای نظارتی مصرح در قانون اساسی [اصول ۱۷۴ و ۵۴ و ۵۵] شناخته شد.

ماده ۳۲- حذف گردید.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف ماده)، ایراد شورا برطرف شده است.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

ایراد بند اول نسبت به اختیاری که در پاراگراف دوم بر هیأت داده و دستگاه قضائی را موظف کرده است، کماکان به قوت خود باقی است.

ایراد بندهای (۳) و (۵) شورای نگهبان به قوت خود باقی است.

در واگذاری نظارتها به هیأت در ماده (۲۸) الحاقی، مغایر اصول قانون اساسی است.

بندهای (الف) و (ب) و تبصره (۱) ماده (۲۸) الحاقی، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

نامه شماره ۲۸۶۱۷/۶۲۰۸۲ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ معاون اول محترم رئیس جمهور به این شورا رافع اشکال شناخته نشد، بنابراین مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی کماکان بقوت خود باقی است.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۱۲/۴^(۲) نسبت به مصوبه خویش در خصوص ماده (۲۶)، بند (ج) ماده (۸)، بند (ج) ماده (۱۱) و جزء (۱) آن، بند (الف) و تبصره (۱) بند (ب) ماده (۱۲) و ماده (۲۸)، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۳)

لایحه مذکور در حال بررسی در مجمع می باشد و تاکنون در این خصوص نظری صادر نشده است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۲۴۴ مورخ ۸۷/۸/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مصوب کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

۳. طی نامه شماره ۱۱/۷۲۹۷۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۹ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

لایحه اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۳۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲۲

ماده ۱- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مطابق این قانون مسؤل جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا یدک و تریلر متصل به آنها و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود و مکلفند مسؤلیت خود را از این جهت حداقل به مقدار مندرج در ماده (۴) این قانون نزد یکی از شرکتهای بیمه که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی ایران داشته باشد، بیمه نمایند.

تبصره ۱- دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هر کدام که بیمه نامه موضوع این ماده را تحصیل نماید تکلیف از دیگری ساقط می شود.

تبصره ۲- مسؤلیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسؤلیت شخصی که حادثه در نتیجه تقصیر او ایجاد شده است نمی باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد.

تبصره ۳- منظور از خسارت بدنی، هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه، شکستگی، نقص عضو، از کارافتادگی (جزئی یا کلی - موقت یا دائم) یا دیه فوت شخص ثالث به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون است. هزینه معالجه نیز چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد، جزء تعهدات بیمه موضوع این قانون خواهد بود.

تبصره ۴- منظور از خسارت مالی، زیانهای می باشد که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

تبصره ۵- منظور از حوادث مذکور در این قانون، هر گونه تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی و یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خسارتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود. سایر حوادث موضوع این قانون به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید.

تبصره ۶- منظور از شخص ثالث، هر شخصی است که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی و یا مالی شود به استثناء راننده مقصر حادثه.

الف - نظرات مخالف

- در این ماده، دارنده وسایل نقلیه در برابر هر گونه خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث مربوط به وسیله نقلیه‌اش به اشخاص ثالث وارد شود، مسؤول دانسته شده است؛ اعم از آنکه رابطه استناد بین حادثه و دارنده وسیله نقلیه وجود داشته باشد و چه چنین رابطه‌ای موجود نباشد. بر این اساس، اطلاق ماده، از آن جهت که شامل مواردی که اسناد حادثه به راننده محل تردید است نیز می‌شود، ایراد دارد؛ زیرا اگر اسناد خسارت به فرد احراز نشود، واگذاشتن مسؤولیت جبران خسارت به عهده دارنده وسیله نقلیه و پرداخت آن از طریق بیمه، مغایر با مبانی مسؤولیت است.

- این ماده دو حکم را بیان می‌کند: یکی الزام به بیمه شخص ثالث، و دیگری ضامن دانستن شخص مالک. نباید میان این دو حکم خلطی صورت پذیرد؛ زیرا ارتباطی میان آنها نیست. الزام به بیمه شخص ثالث از سوی دولت هیچ ایرادی ندارد، لکن ضامن دانستن فرد غیرمسبب در وقوع حادثه و خسارت، دارای ایراد مسلم شرعی است و صرف در اختیار نهادن وسیله نقلیه به شخص دیگر، نباید موجب مسؤولیت نسبت به خسارات باشد.

- در این ماده، در صورت تعدد مالک و راننده، در هر حال، مالک را دارای مسؤولیت دانسته است، حتی اگر مالک، کلیه ضوابط قانونی را رعایت کرده باشد و راننده (متصرف)، به صورت عمد یا غیرعمد، حادثه‌ای را به وجود آورده باشد. این حکم، از نظر شرعی دارای ایراد است؛ چرا که مسؤولیت فرد مسؤول را به فرد غیر مسؤول سرایت داده و فرد غیرمسؤول را مسؤول جبران خسارت معرفی کرده است؛ «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ».

- در تبصره (۲) تأکید شده است که صرفاً حوادث ناشی از «تقصیر» مشمول این حکم است و به طور ضمنی حوادث ناشی از «اتلاف» که تقصیری در آن رخ نداده، از جبران خسارت خارج شده است. به نظر می‌رسد که قصور راننده و مالک هم باید قابل جبران باشد، و نه صرف تقصیر. قید «تقصیر» در این ماده قید «احترازی» است و موجب تخصیص حوادث تسببی صرف می‌شود. حتی در موارد شک در احترازی بودن قید، باز هم اصل بر این است که آوردن این قید، احترازی است. رویکرد «فرض تقصیر» که الان در حقوق ایران پذیرفته شده، ایرادات شرعی زیادی دارد و باید «قاعده اتلاف» که در فقه مطرح است،

جایگزین آن شود. با این مقدمات، این تبصره مغایر با موازین شرع به نظر می‌رسد.

– مفاد تبصره (۲) ناظر بر جمع میان مسئولیت دارنده وسیله نقلیه و به وجود آورنده حادثه است. بر این اساس، این تبصره بیان می‌کند که علاوه بر مسئولیت به وجود آورنده حادثه، دارنده وسیله نقلیه هم مسئول است و در هر حال، خسارت وارده از طریق بیمه‌نامه جبران می‌شود. حال چنانچه، به کار بردن واژه «تقصیر» برای به وجود آورنده حادثه، مفهوم داشته باشد، از آنجا که بر اساس اصول کلی، شخصی که حادثه‌ای را می‌آفریند، در هر صورتی مسئول شناخته می‌شود؛ اعم از آنکه وقوع حادثه، از باب «تقصیر» وی باشد یا از باب «اتلاف»، لذا محدود کردن مسئولیت به وجود آورنده حادثه به فرض «تقصیر» و خارج کردن موارد «قصور و اتلاف» از تحت حکم ماده اشکال خواهد داشت.

– در مبحث مسئولیت مدنی، دو نظریه وجود دارد؛ «نظریه خطر» و «نظریه تقصیر». قانون ما در برخی جاها، نظریه خطر را پذیرفته و در برخی موارد، نظریه تقصیر را ملاک عمل قرار داده است. به نظر می‌رسد در تبصره (۲)، قانونگذار با تصریح به مسئولیت در موارد «تقصیر» و عدم ذکر مسئولیت در موارد «قصور»، درصدد ملاک قرار دادن نظریه تقصیر و دور شدن از نظریه خطر است، لیکن ابهام و ایهام همچنان در این تبصره، وجود دارد.

– در تبصره (۵) به شورای عالی بیمه این اختیار داده شده تا دایره شمول بیمه اجباری را توسعه دهد یا تضییق کند و این دقیقاً مصداقی از قانونگذاری است؛ چرا که تکالیفی را برای مردم ایجاد می‌کند. بدین لحاظ این تبصره مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است که قانونگذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌داند. حتی اگر توسعه و تضییق این ماده، ماهیتاً قانونگذاری نباشد و ماهیت آیین‌نامه داشته باشد، واگذاری آن به شورای عالی بیمه، مغایر با صلاحیت اعضای هیأت وزیران در وضع آیین‌نامه مندرج در اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

ب – نظرات موافق

– احراز رابطه اسناد میان حادثه و خسارات وارده، بر عهده دادگاه است؛ چرا که اصولاً این مسأله یک امر قضایی است و این ماده وارد این مقوله نشده است. ضمن اینکه، این ماده در پی آن است که با اجباری کردن بیمه وسایل نقلیه، هیچ خسارتی را خارج از مسئولیت بیمه قرار ندهد و همه آنها را قابل جبران از این طریق اعلام کند تا تضمینی برای منع اضرار به افراد زیان‌دیده و آسیب‌دیده جامعه ناشی از حوادث رانندگی ایجاد کند.

- تبعات منفی ناشی از حوادث رانندگی، در همه زمینه‌ها مشهود است: زندانیان دیه، فرزندان و زنان بی‌سرپرست و... از سوی دیگر، افراد زیان‌دیده از حوادث هم‌گاه چندین سال منتظر دریافت هزینه‌های درمانی هستند و از این نظر نیز آسیب‌های جدی فرهنگی و اجتماعی به جامعه وارد می‌شود. بر این اساس، این لایحه درصدد آن است تا با الزام حداکثری شرکت‌های بیمه برای جبران کلیه خسارات ناشی از حوادث رانندگی، آسیبهای مزبور در جامعه را کاهش دهد.

- این ماده مالک وسیله نقلیه را ملزم می‌کند که اقدام به تحصیل بیمه ثالث کند تا هیچ حادثه‌ای، ولو اینکه مالک تقصیری نداشته باشد، بدون جبران باقی نماند. در واقع این ماده اعلام می‌کند مالکی که وسیله نقلیه خود را بدون بیمه در اختیار دیگری قرار می‌دهد، خلاف نظامات عمل کرده و بدین جهت دارای مسؤولیت خواهد شد. علی‌هذا، ایراد شرعی بر این ماده وارد نیست. در واقع، این ماده اعلام کرده که مالک وسیله نقلیه در هر حال باید تمهیدی ببیند که تمام خسارات ناشی از این وسیله نقلیه قابل جبران باشد و همه افراد مسؤول خسارات ناشی از وسیله نقلیه خود باشند. به عبارت دیگر، در این ماده بحث بر سر این نیست که دارنده وسیله نقلیه، همیشه واردکننده و مسبب خسارت و در نتیجه، مسؤول شمرده می‌شود، بلکه می‌گوید دارندگان وسیله نقلیه، مسؤول جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر وسیله نقلیه متعلق به آنها وارد آمده است، نه اینکه آنها وارد آورده‌اند.

- این لایحه بر اساس اصل ۲۹ قانون اساسی که برخورداری از بیمه‌های مختلف - از جمله بیمه حوادث و سوانح - را حق همگانی دانسته، تدوین شده است. بر اساس اصل مزبور، دولت مکلف است تا خدمات و حمایت‌های لازم را در این زمینه انجام دهد و این نوع بیمه‌ها را برای تمام افراد کشور تأمین کند.

- یکی از ایرادات جدی قانون فعلی مسؤولیت شخص ثالث (مصوب ۱۳۴۷) مسؤول دانستن مالک خودرو است، حال آنکه اشاره‌ای به مسؤولیت راننده نکرده است. این اصلاحیه، درصدد رفع این ایراد برآمده است.

- زندانی کردن افراد معسر مالی، صریحاً مغایر شرع است. طبق موازین شرعی هرکس که اعسارش ثابت شد باید رها شود و نمی‌توان به دلیل عدم توانایی پرداخت دیه کسی را زندانی نمود. بر این اساس، برای جبران اقدام غلط مزبور، نمی‌توان با قانون بیمه، کسی را که هیچ‌گونه تقصیری در وقوع حادثه نداشته و رابطه استناد میان او و حادثه رخ داده وجود ندارد، مسؤول دانست و جبران خسارات حادثه را متوجه وی کرد.

- تبصره (۲) می‌خواهد بگوید که در هر صورت، مسئولیت دارنده وسیله نقلیه، مفروض است؛ چه دارنده وسیله نقلیه، مقصر باشد و چه نباشد. بر این اساس، دارنده وسیله نقلیه می‌بایست خسارات مالی و جانی ناشی از وسیله نقلیه را جبران کند، اگر بیمه‌نامه دارد، از بیمه و اگر بیمه‌نامه ندارد، خود باید جبران کند. حال اگر چنانچه در اثر تقصیر دیگری حادثه مزبور به وجود آمده باشد، دارنده وسیله نقلیه می‌تواند برای جبران خسارتی که پرداخت کرده است یا ارزشی که از بیمه‌نامه‌اش کاسته شده است، علیه مقصر اقامه دعوا کرده و خسارات مزبور را از وی مطالبه کند.

- در تبصره (۲)، بحث بر سر «مانعیت» مسئولیت است، نه تشخیص مسئول. توضیح آنکه، این تبصره بیان می‌کند که مسئولیتی که در صدر ماده (۱) برای دارنده وسیله نقلیه ذکر شد، مانعی برای مسئولیت شخصی که حادثه، به واسطه تقصیر او به وجود آمده است، نمی‌باشد و به عبارت دیگر، در موارد اخیر، مقصر حادثه، مسئولیت خواهد داشت. ضمناً علت آنکه در این تبصره، صرفاً به موارد «تقصیر» به وجود آورنده حادثه اشاره شده، آن است که قانونگذار می‌خواسته به قدر متیقن موارد اکتفا کند و بنابراین، در خصوص موارد قصور سکوت کرده و نخواسته در مورد آن حکمی بیان کند؛ زیرا برای قانونگذار ضمان مواردی که به وجود آورنده حادثه، «مقصر» باشد، روشن و مسلم بوده، لیکن حکم مواردی که حادثه ناشی از «قصور» بوده، روشن نبوده و لذا این تبصره، راجع به آن حکمی بیان نکرده است. بر این اساس، نمی‌توان از سکوت مقنن در موارد اخیرالذکر، مفهوم‌گیری کرد و بیان داشت که تصریح به قید «تقصیر»، قیدی احترازی برای خارج کردن موارد «قصور» بوده است.

ج - تصمیم شورا

۱- صدر ماده (۱)، با ۴ رأی موافق، به دلیل ابهام در تکلیف دارندگان وسایل نقلیه (مشخص نیست آیا منظور از مسئول جبران خسارت بودن این است که اشخاص مزبور مکلفند خسارت مذکوره را جبران کنند و یا تکلیف برای صرف بیمه نمودن وسایل نقلیه است)، دارای ابهام شرعی شناخته شد.

۲- در تبصره (۲) ماده (۱)، با توجه به اینکه مسئولیت را منحصر به تقصیر شخصی که حادثه در نتیجه تقصیر او ایجاد شده دانسته و مسئولیت قاصر را نادیده گرفته است، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۳- تبصره (۵) ماده (۱)، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۴- حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام و در بخش خسارت مالی معادل حداقل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی خواهد بود. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارتهای بدنی و مالی بیش از حداقل مزبور، بیمه اختیاری تحصیل نماید.

تبصره ۱- در صورتی که در یک حادثه، مسؤول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان‌دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر موظف به پرداخت تمامی دیه‌های متعلقه خواهد بود.

تبصره ۲- بیمه‌گر موظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت نماید. مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضائی، به عنوان بیمه حوادث محسوب می‌گردد.

الف - نظرات مخالف

- الزام کلیه دارندگان وسیله نقلیه موتوری، به پرداخت مبالغ ثابت و واحد بیش از حد معمول، برای خساراتی که دارای مقادیر متفاوت است (همانند خسارات وارد بر زنان، غیرمسلمانان و یا خسارت در ماههای حرام) فاقد توجیه منطقی است و خلاف موازین شرعی نیز خواهد بود؛ چه آنکه الزام مردم به پرداخت چنین هزینه‌های سنگین بیمه اجباری، مغایر با قاعده «تسلیط»^(۱) است. به عنوان مثال، چنانچه در حادثه‌ای، زیان‌دیده زن باشد، پرداخت خسارت به مقدار خسارت بر مرد، باعث بالارفتن سطح بیمه و در نتیجه، دریافت حق بیمه بالاتر از حد معمول توسط شرکتهای بیمه از بیمه‌گذاران می‌شود. بر این اساس، اجبار و الزام دارندگان وسیله نقلیه به چنین بیمه بالاتر از حد معمول، اجباری غیرموجه و فاقد توجیه شرعی است.

- در این ماده، گویا برای اسکات مدعیان حقوق بشر و مخالفان تفاوت دیه زن و مرد، و مسلمان و غیر مسلمان، به طور غیرمستقیم، دیه در تمامی موارد فوق، برابر در نظر گرفته شده است و صرفاً با تغییر نام «دیه» به «جبران خسارت بیمه»، احکام شرعی نادیده انگاشته شده است. لذا مصلحت ملزمه مد نظر قانونگذار در این ماده قابل بحث و تأمل جدی است.

۱. «الناسُ مُسلَطون علی أُمُوالِهِم»

ب - نظرات موافق

- شرکت بیمه، برای محاسبه میزان حق بیمه دریافتی، تمامی احتمالات (حوادث احتمالی در ماههای حرام و مصدومیت زنان) را در نظر می‌گیرد و با احتساب همه اینها میزان حق بیمه را تعیین می‌کند. بنابراین مبلغ مازادی بر مبلغ احتمالی دریافت نمی‌شود.

- با توجه به اینکه از یک سو، محاسبه میزان حق بیمه دریافتی، بر اساس حساب احتمالات - که یک امر ذهنی است، نه یک امر واقعی خارجی - صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، شرکتهای بیمه کلّ مبالغ دریافتی را صرف بیمه نمی‌کنند، بلکه میزان پرداخت خسارت آنها بستگی به میزان رخداد حوادث دارد، لذا ارتباطی مستقیمی میان دریافت میزان حق بیمه و پرداخت خسارت وجود ندارد، بلکه بر اساس یک تناسب است. از این رو، اشکالی ندارد که بیمه‌گر بر اساس این تناسب، مبلغی پول از مردم به عنوان حق بیمه دریافت کند و سپس بر همان اساس، به صورت خاصی (مثلاً به صورت برابر) به مردم خسارت پرداخت کند.

ماده ۶- در صورت اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه توسط مراجع قضائی و یا رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه، یا در صورتی که راننده مقصر فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد شرکت بیمه موظف است بدون اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای استرداد تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید.

الف - نظر مخالف

- پرداخت دین مدیون از طرف شخص ثالث، تنها در صورتی قابل مطالبه از مدیون است که با اذن وی پرداخت شده باشد، و الا شخص ثالث بری‌الذمه شناخته می‌شود. از این رو، اطلاق قائم مقامی شرکت بیمه برای مدیون در جبران خسارت زیان‌دیده، چه با اذن وی و چه بدون اذن وی، مغایر با شرع است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۸- شرایط عمومی، تعرفه حق بیمه و نحوه تقسیط و تخفیف در حق بیمه بیمه موضوع این قانون با رعایت نوع و خصوصیات وسیله نقلیه و فهرست تخلفات حادثه‌ساز و ضریب خسارت این رشته توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که تعیین شرایط عمومی بیمه شخص ثالث، موضوعی دارای ماهیت قانونگذاری است که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل واگذاری به غیر است، تفویض اختیار تصویب آن به هیأت وزیران در این ماده، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۸، با رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۱- منابع مالی صندوق تأمین خسارتهای بدنی به شرح زیر است:

الف - پنج درصد (۵٪) از حق بیمه بیمه اجباری موضوع این قانون.

ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه بیمه اجباری که از دارندگان وسایل نقلیه‌ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری نمایند وصول خواهد شد. نحوه وصول و تقسیط مبلغ مذکور و سایر ضوابط لازم این بند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب مجمع عمومی صندوق خواهد رسید.

ج - مبالغی که صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیدگان بتواند از مسؤولان حادثه وصول نماید.

د - درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق.

ه - بیست درصد (۲۰٪) از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور.

و - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزاء نقدی وصولی توسط قوه قضائیه.

ز - جرائم موضوع ماده (۲۸) این قانون.

ح - کمکهای اعطائی از سوی اشخاص مختلف.

- تبصره ۱- در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید.
- تبصره ۲- درآمدهای صندوق از مالیات و هرگونه عوارض معاف می‌باشد.
- تبصره ۳- صندوق از پرداخت هزینه‌های دادرسی و اوراق و حق‌الاجراء معاف می‌باشد.
- تبصره ۴- اسناد مربوط به مطالبات و پرداختهای خسارت صندوق تأمین خسارتهای بدنی در حکم اسناد لازم‌الاجراء بوده و مطالبات صندوق از اشخاص حقیقی و حقوقی تا هر میزان طلب ممتاز محسوب می‌شود.
- تبصره ۵- عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق تأمین خسارتهای بدنی از سوی شرکتهای بیمه در حکم دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه عمومی می‌باشد.
- تبصره ۶- مصرف درآمدهای صندوق در مواردی به جز موارد مصرح در این قانون ممنوع بوده و در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی می‌باشد.
- تبصره ۷- به منظور ترویج فرهنگ بیمه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آن دسته از دارندگان وسایل نقلیه مشمول بیمه اجباری موضوع این قانون که ظرف مدت چهار ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون نسبت به خرید بیمه‌نامه اقدام نمایند از پرداخت جریمه موضوع بند «ب» این ماده معاف خواهند بود.

الف - نظرات مخالف

- در بندهای (ه) و (و)، با توجه به اینکه محل هزینه کردن درآمدهای حاصل از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی، هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه در قوانین مشخص شده است، تخصیص ۲۰٪ از هر کدام از آنها به صندوق مزبور، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است؛ چه آنکه مجلس شورای اسلامی، طریق تأمین جدیدی برای جبران هزینه‌های مزبور پیش‌بینی نکرده است.

- مجلس شورای اسلامی برای جبران هزینه‌های ناشی از اجرای این ماده، مبادرت به «تعیین منابع مالی» کرده است، حال آنکه وفق اصل ۷۵ قانون اساسی، چنانچه پیشنهادات اصلاحی نمایندگان در خصوص لوایح قانونی منجر به افزایش هزینه عمومی شود، می‌بایست طریق جبران هزینه‌های جدید، «تأمین» شود. از این لحاظ، جبران هزینه‌های جدید به نحو برداشت از خزانه عمومی، متضمن عنوان «تعیین منابع مالی» توسط مجلس است که برای خارج کردن مصوبه از مغایرت با اصل ۷۵ کافی نیست، بلکه می‌بایست منابع درآمدی جدید توسط مجلس شورای اسلامی، «تأمین» شود.

- در بند (ب)، از آنجا که تعیین نحوه وصول و تقسیط مبلغ جریمه افرادی که از پرداخت بیمه اجباری خودداری می‌کنند و سایر ضوابط لازم در بند (ب)، دارای ماهیت تقنینی است و بنابراین، وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، واگذاری آن به مجمع عمومی صندوق مزبور، مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

- در تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) علاوه بر افزوده شدن به هزینه‌های دولت، منابع مالی دولت نیز محدود شده است. بنابراین، از این حیث نیز این ماده، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- به جهت فقدان ادله یا نص شرعی بر ممتاز بودن مطالبات صندوق تأمین خسارتهای بدنی در شرع، ممتاز تلقی نمودن این گونه مطالبات در تبصره (۴) ماده مزبور، مغایر با موازین شرع می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- این ماده در پی آن است تا صندوق تأمین خسارتهای بدنی کنونی را سامان بخشد و ضمانت اجرای قوی‌تری برای تأمین منابع آن تدارک ببیند.

- منابع تعیین شده در بندهای (ه) و (و)، ارتباطی با آنچه که جزء منابع مالی و درآمدی دولت بوده و بر طبق آن، هزینه می‌کرده است، ندارد. این بندها می‌گویند بیست درصد از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور و بیست درصد از کل هزینه‌های دادرسی و جزاء نقدی وصولی توسط قوه قضائیه به صندوق مزبور واریز شود، نه اینکه همان بیست درصدی که تاکنون دولت می‌گرفته است، از این به بعد به صندوق واریز شود. از این رو، مغایرتی با اصل ۷۵ قانون اساسی به وجود نمی‌آید.

ج - تصمیم شورا

- ۱- بندهای (ه) و (و) ماده (۱۱)، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- تبصره (۱) ماده (۱۱)، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- تبصره (۲) ماده (۱۱)، با ۹ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۴- تبصره (۳) ماده (۱۱)، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۵- تبصره (۴) ماده (۱۱)، با ۴ رأی موافق، به جهت توسعه مصادیق طلب ممتاز، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۷- در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان‌دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می‌گیرد.

در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان‌دیده باشد تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه مذکور پرداخت نماید.

تبصره - در صورتی که اختلاف از طرق مذکور حل و فصل نشود موضوع بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی در کمیسیون حل اختلاف تخصصی مرکب از یک نفر قاضی با معرفی رئیس دادگستری محل، یک نفر کارشناس بیمه با معرفی اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران و تأیید بیمه مرکزی ایران و یک نفر کارشناس رسیدگی به تصادفات با معرفی پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. رأی این کمیسیون قطعی و لازم‌الاجراء است. ضوابط مربوط به نحوه تشکیل این کمیسیونها و سایر مقررات مربوط توسط وزارت دادگستری و با همکاری بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

الف - نظرات مخالف

- واگذاری امر قضاوت و فصل خصومت به کمیسیونی متشکل از افراد غیر قاضی در تبصره ماده (۱۷) مغایر با موازین شرع است؛ چرا که این کمیسیون متکفل فصل خصومت میان طرفین بر سر میزان خسارت وارده است و این مسأله ذاتاً قضایی است. ضمن آنکه صرف امکان تجدیدنظرخواهی از آراء این کمیسیون هم رافع این ایراد نیست؛ چه آنکه به احکام صادر شده توسط این کمیسیون، ترتیب اثر داده می‌شود و این به معنای آن است که بنا بر صحت آراء صادره گذاشته می‌شود، تا زمانی که احیاناً نسبت به آن آراء اعتراض شده و تجدیدنظرخواهی شود.

- با توجه به اینکه این کمیسیون با ترکیب ذکر شده برای آن، محکمه قضایی نیست، اما با این وجود، اقدام به فصل خصومت می‌کند و بحث مصالحه در میان نیست، لازم‌الاجرا دانستن و تبعیت از نظر این کمیسیون برای افراد وجهی ندارد. لذا لازم‌الاجرا دانستن و غیر قابل تجدیدنظر دانستن آراء آن، مغایر با حق تظلم‌خواهی افراد و مراجعه به مراجع قانونی؛ از جمله دیوان عدالت اداری است.

- قطعی و لازم‌الاجرا دانستن حکم کمیسیون مزبور، در تعارض با صلاحیتهای ذاتی قوه قضاییه و دادگاههای دادگستری، در خصوص رسیدگی به تظلمات و شکایات و حل و فصل دعاوی است. از این رو، تبصره ماده مزبور مغایر با اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی ارزیابی می‌شود.

- اطلاق واگذاری تصویب «سایر مقررات» به وزارت دادگستری، بیمه مرکزی ایران، نیروی انتظامی و در نهایت تصویب رئیس قوه قضائیه، به جهت آنکه متضمن امور تقنینی نیز می‌گردد که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیرقابل واگذاری به غیر دانسته شده است، مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- تبصره ماده (۱۷)، با ۹ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- عبارت «سایر مقررات» در ذیل تبصره ماده (۱۷)، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۸- شرکت‌های بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مقصر و زیان‌دیده در زمان حادثه دارای بیمه‌نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۴) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت نمایند. ضوابط و محدوده پرداخت این قبیل خسارتها به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه ضابطه‌گذاری، در زمره امور تقنینی محسوب می‌شود، واگذاری «تعیین ضوابط خسارتهای موضوع این ماده» به شورای عالی بیمه، مغایر با صلاحیت در نظر گرفته شده در اصل ۸۵ قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی است. همچنین واگذاری «تعیین محدوده پرداخت خسارتهای موضوع این ماده» به شورای عالی بیمه، داخل در

امور مربوط به اجرا و مقررات‌گذاری است که واگذاری چنین صلاحیتی به شورای مزبور، مغایر با صلاحیت ذاتی هیأت وزیران، مصرّح در اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ذیل ماده (۱۸)، با رأی موافق، مغایر با اصول ۶۰، ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

ماده (۱) از این جهت که معلوم نیست آیا منظور از مسؤول جبران خسارت بودن این است که اشخاص مزبور مکلفند خسارت مذکوره را جبران و یا تکلیف برای صرف بیمه نمودن وسایل نقلیه است، ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

تبصره (۲) ماده (۱) با توجه به اینکه مسئولیت را منحصر به تقصیر شخصی که حادثه در نتیجه تقصیر او ایجاد شده دانسته است، خلاف موازین شرع شناخته شد.

در تبصره (۵) ماده (۱) تفویض تعیین سایر حوادث به شورای عالی بیمه، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

در ماده (۸) تفویض اختیار تصویب شرایط عمومی به هیأت وزیران، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

بندهای (ه) و (و) و تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) ماده (۱۱)، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

اطلاق طلب ممتاز در تبصره (۴) ماده (۱۱)، خلاف موازین شرع شناخته شد.

در تبصره ماده (۱۷) قطعی قلمداد نمودن رأی کمیسیون موضوع این ماده، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی شناخته شد. همچنین تفویض اختیار تصویب سایر مقررات به رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

در ماده (۱۸) به دلیل تفویض اختیار امور تقنینی به غیر مجلس شورای اسلامی، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد و واگذاری تصویب سایر موارد مربوط در این ماده به شورای عالی بیمه، مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۹۵ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۴/۱۶^(۱)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

ماده ۱- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه مذکور را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا یدک و تریلر متصل به آنها و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۴) این قانون نزد یکی از شرکتهای بیمه که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی ایران داشته باشد، بیمه نمایند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منصوب به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد.

تبصره ۳- ...

تبصره ۵- منظور از حوادث مذکور در این قانون، هر گونه سانحه ای از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی و یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خسارتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود.

تبصره ۶- منظور از شخص ثالث، هر شخصی است که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی و یا مالی شود به استثناء راننده مسبب حادثه.

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- در مصوبه قبلی مجلس، در صدر ماده (۱) تأکید شده بود که این افراد مسئول هستند و باید مسئولیتشان را بیمه کنند، لکن پس از اصلاحات جدید، این مسئولیت حذف شده و افراد، مکلف به بیمه شده اند و به همین دلیل ایراد اول شورای نگهبان مرتفع می گردد.

۱. مصوب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی (مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی).

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات به عمل آمده در ماده (۱) و تبصره‌های (۲) و (۵) آن، ایرادات شورا برطرف گردیده است.

ماده ۸- تعرفه حق بیمه و نحوه تقسیط و تخفیف در حق بیمه بیمه موضوع این قانون با رعایت نوع و خصوصیات وسیله نقلیه و فهرست تخلفات حادثه‌ساز و ضریب خسارت این رشته توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۸) (حذف عبارت «شرایط عمومی» از صدر ماده)، ایراد شورا برطرف گردیده است.

ماده ۱۱- منابع مالی صندوق تأمین خسارتهای بدنی به شرح زیر است:
الف - ...

ه - بیست درصد (۲۰٪) از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور.

و - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه.

ز - ...

تبصره ۱- در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید.

تبصره ۲- درآمدهای صندوق از مالیات و هرگونه عوارض معاف می‌باشد.

تبصره ۳- صندوق از پرداخت هزینه‌های دادرسی و اوراق و حق‌الاجراء معاف می‌باشد.

تبصره ۴- اسناد مربوط به مطالبات و پرداختهای خسارت صندوق تأمین خسارتهای بدنی در حکم اسناد لازم‌الاجراء است.

تبصره ۵- ...

الف - نظرات مخالف

- نامه ارسالی از سوی دولت مبنی بر پذیرش بار مالی مربوط به اجرای ماده (۱۱) و سایر موارد ناظر بر ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی، از لحاظ شکلی مبتنی بر خواست قانونگذار اساسی نیست و ایراد مزبور را برطرف نمی‌کند؛ زیرا اولاً نامه دولت، قابلیت تبدیل «طرح» مجلس یا پیشنهاد نمایندگان به «لایحه» را ندارد و طرح، همچنان طرح باقی می‌ماند و با داشتن بار مالی، همچنان مغایرت با اصل ۷۵ برقرار است. ثانیاً دولت با ارسال نامه‌ای به «شورای نگهبان» اعلام کرده که نظر مجلس را در حکم لایحه تکمیلی می‌داند، اما این اعلام، رافع ایراد نیست؛ زیرا تهیه، تصویب و ارسال لوایح به مجلس، دارای روند قانونی خاصی است، که این روند برای این به اصطلاح «لایحه تکمیلی» طی نشده است. ارسال نامه دولت به مجلس یا شورای نگهبان، نمی‌تواند جایگزین تشریفات قانونی لازم برای لوایح گردد. برای اینکه لایحه‌ای بتواند مطرح شود، اولاً باید طبق اصل ۷۴ به تصویب هیأت وزیران برسد و به عنوان یک مصوبه رسمی هیأت وزیران تلقی شود، و ثانیاً خطاب نامه به جای شورای نگهبان، باید خطاب به مجلس ارسال شود تا وارد تشریفات مقرر برای بررسی لوایح در مجلس قرار گیرد و پس از آن با تصویب مجلس، به شورای نگهبان ارسال شود. بنابراین، نمی‌توان ارسال نامه مستقیم از سوی دولت خطاب به شورای نگهبان که مغایر با روند مورد نظر در قانون اساسی است را پذیرفت.

ب - نظرات موافق

- با توجه به نامه‌ای که هیأت وزیران^(۱) به شورای نگهبان ارسال کرده و طی آن بار مالی حاصل از اجرای بندهای (ه) و (و) و تبصره (۱)، (۲) و (۳) ماده (۱۱) را پذیرفته است، ایراد اصل ۷۵ این ماده رفع گردیده است.

- هر چند اجرایی شدن مفاد این ماده در خصوص صندوق تأمین خسارتهای بدنی، ظاهراً باعث کاهش درآمد عمومی دولت می‌گردد، اما در نهایت با اجرایی شدن مفاد این ماده، ضمن به وجود آوردن منشأ درآمدهای جدیدی برای صندوق، برای دولت نیز در مجموع هزینه کمتری را در مقایسه با حال حاضر خواهد داشت. به همین دلیل، در هیأت وزیران مفاد این مصوبه مورد پذیرش قرار گرفته و از این رو، مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی منتفی شده است.

۱. نامه شماره ۲۷۷۸۲/۵۲۸۴۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۱.

– هر چند رفع اشکال دولت از لوایح قانونی که به مجلس ارسال کرده است، جز با ارائه لایحه جدید و با لحاظ تشریفات مقرر در اصول قانون اساسی؛ از جمله اصل ۷۴ امکان‌پذیر نیست، اما در مواردی که مجلس در بررسی لوایح دولت، اقدام به انجام اصلاحاتی در متن لایحه می‌نماید که متضمن بار مالی برای دولت است و دولت نیز به نحو متأخر و با ارسال نامه‌ای به مجلس، با اصلاحات مجلس موافقت خویش را ابراز نموده و بار مالی آن را بر عهده می‌گیرد، اشکالی در صحت روند مزبور از لحاظ قانونی نبوده و رویه شورای نگهبان نیز مؤید بلا اشکال بودن طی چنین مسیری بوده است.

ج – تصمیم شورا

- ۱- با توجه به نامه دولت مبنی بر پذیرش بار مالی ناشی از اجرای ماده (۱۱) و تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) آن، ایراد شورا ناظر بر مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی برطرف گردیده است.
- ۲- با توجه به اصلاح به عمل آمده در تبصره (۴) ماده (۱۱) (حذف قسمت اخیر تبصره)، ایراد شورا برطرف گردیده است.

ماده ۱۷- ...

تبصره – در صورتی که اختلاف از طرق مذکور حل و فصل نشود موضوع بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی در کمیسیون حل اختلاف تخصصی مرکب از یک نفر قاضی با معرفی رئیس دادگستری محل یک نفر کارشناس بیمه با معرفی اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران و تأیید بیمه مرکزی ایران و یک نفر کارشناس رسیدگی به تصادفات با معرفی پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رأی این کمیسیون قطعی و ظرف بیست (۲۰) روز قابل اعتراض در دادگاههای عمومی است. ضوابط مربوط به نحوه تشکیل این کمیسیونها توسط وزارت دادگستری و با همکاری بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (فراهم شدن امکان تجدیدنظرخواهی از آراء کمیسیون مذکور در ماده و همچنین حذف عبارت «سایر مقررات» از ذیل تبصره)، ایرادات شورا برطرف گردیده است.

ماده ۱۸- شرکتهای بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مقصر و زیان‌دیده در زمان حادثه دارای بیمه‌نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۴) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت نمایند.

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف ذیل ماده مبنی بر اعطای صلاحیت ضابطه و مقررات‌گذاری به شورای عالی بیمه)، ایرادات شورا برطرف گردیده است.

ماده ۱۹- ...

(در کلیه مواد این قانون کلمه «مقصر» به کلمه «مسبب» تغییر یافت.)

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر: در تبصره (۲) ماده (۱) کلمه «منسوب» غلط است و صحیح آن «منسوب» است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۲۶۳ مورخ ۸۷/۵/۱۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه نحوه واگذاری مالکیت و اداره امور شهرکهای صنعتی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۲/۳۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲۲

ماده ۴- حقوق هر مالک در قسمت اختصاصی و سهم او در قسمت‌های مشترک غیرقابل تفکیک بوده و در صورت انتقال قسمت اختصاصی به هر نحو، به تبع آن انتقال حقوق و تکالیف مربوط به قسمت مشترک اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

الف - نظر مخالف

- تعبیر این ماده مبنی بر اینکه قسمت‌های مشترک، «ملک» کسانی است که واحدهای اختصاصی را دارند، اگر واقعاً منظور مالکیت آنها باشد؛ یعنی مالکیت به نحو مشاع، می‌بایست آثار ملک مشاع هم بر آن مترتب شود که یکی از آنها لزوم رضایت شرکای مال مشاع در تصرفات سایر شرکاء است که با اطلاق حکم مندرج در این ماده مغایرت دارد. بنابراین، به کارگیری عبارت «ملک» به صورت مطلق، برای قسمت‌های مشترک در این ماده با احکامی که در این ماده برایش مترتب کرده‌اند، سازگار نیست، مگر آنکه منظور از عبارت «ملک» در این ماده، ملکیت اصطلاحی نباشد. بر این اساس، اطلاق این ماده دارای ایراد شرعی است.

ب - نظر موافق

- به نظر می‌رسد در این ماده، مراد از قسمت‌های مشترک، ملکیت و مالکیت مشترک شرکاء به معنای اصطلاحی نیست؛ بلکه منظور از آن بخش‌های عمومی ساختمانها و شهرکهای صنعتی؛ همچون آسانسور، راه پله‌های عمومی، ممر و کوچه مشترک میان آنهاست که صدق مالکیت مشاع نمی‌کند، بلکه به معنای عرفی مالکیت؛ یعنی حق بهره‌برداری مشترک یا حق اشتراک است. از این رو، ایراد شرعی مغایرت با احکام فقهی ناظر بر مال مشاع وارد نیست.

ماده ۹- چنانچه مالک یا استفاده کننده (متصرف قانونی) از پرداخت سهم خود از هزینه‌های مشترک امتناع کند مدیر یا هیأت مدیره به وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز، آن را مطالبه می‌نماید.

هرگاه مالک یا استفاده کننده (متصرف قانونی) ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه سهم بدهی خود را نپردازد، مدیر یا هیأت مدیره می‌تواند به تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک خودداری کند و در صورتی که مالک و یا استفاده کننده (متصرف قانونی) همچنان اقدام به تسویه حساب ننماید، اداره ثبت محل وقوع شهرک صنعتی به تقاضای مدیرعامل برای وصول وجه مزبور بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده اجرائیه صادر خواهد کرد.

عملیات اجرائی وفق مقررات اجراء اسناد رسمی صورت خواهد گرفت و در هر حال مدیر یا هیأت مدیره موظف می‌باشند که به محض وصول وجوه مورد مطالبه یا ارائه دستور موقت دادگاه نسبت به برقراری مجدد خدمات مشترک فوراً اقدام نمایند.

تبصره ۱- در صورتی که قطع خدمت یا خدمات مشترک ممکن یا مؤثر نباشد، هیأت مدیره می‌تواند حسب مورد علیه مالک یا متصرف قانونی به مراجع قضائی شکایت کند. دادگاهها موظفند این‌گونه شکایات را خارج از نوبت رسیدگی و بدهکار را مکلف به پرداخت بدهی نمایند. همچنین دادگاهها می‌توانند این قبیل بدهکاران را تا پنج برابر مبلغ بدهی جریمه کنند.

استفاده مجدد از خدمات مشترک موکول به پرداخت هزینه‌های معوق مربوط به گواهی هیأت مدیره شرکت خدماتی و یا به حکم دادگاه و نیز هزینه مربوط به استفاده مجدد خواهد بود.

...

تبصره ۲- در صورتی که مالک یا استفاده کننده (متصرف قانونی) برای بار سوم یا بیشتر در دادگاه محکوم به پرداخت هزینه‌های مشترک گردد علاوه بر سایر پرداختیها و هزینه‌های دادرسی و سایر هزینه‌های مربوط، به حداکثر جریمه موضوع تبصره (۱) این ماده به نفع صندوق دولت محکوم می‌گردد.

...

الف - نظر مخالف

- جرم‌انگاری‌های گسترده و بدون ضابطه مشخص، موجب بحران تورم کیفری در نظام حقوقی و قضایی کشور شده است. در این ماده، فردی که تمکن مالی برای ادای

دین خود را ندارد، بدون آنکه تقصیرش در عدم ادای دین در مرجع صالح اثبات شود، محکوم به پرداخت جریمه شده که این موضوع، موجب ایجاد مشکل مضاعف برای معسرین خواهد شد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر: در ماده (۱۱) به جای کلمه «یا» در سطر چهارم، کلمه «با» صحیح می‌باشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۹۴ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجراء ماده (۵۶) قانون جنگلها و مراتع

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۳/۲۲

ماده واحده - عبارت «لازم الاجراء خواهد بود مگر در موارد سه گانه شرعی مذکور در مواد (۲۸۴) و (۲۸۴ مکرر)، (آئین دادرسی کیفری)» از متن قانون «تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجراء ماده (۵۶) قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲» حذف و عبارت «... رأی قاضی هیأت، قابل اعتراض در شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر می باشد. هیأت می تواند از خبرگان محلی و غیررسمی به عنوان کارشناس استفاده نماید» جایگزین آن می گردد.^(۱)

۱. قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجراء ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲:

ماده واحده - زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمانها و مؤسسات دولتی که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن اعتراض داشته باشند می توانند به هیأتی مرکب از: ۱- مسئول اداره کشاورزی ۲- مسئول اداره جنگلداری ۳- عضو جهاد سازندگی ۴- عضو هیأت واگذاری زمین ۵- یک نفر قاضی دادگستری ۶- بر حسب مورد دو نفر از اعضاء شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه مراجعه نمایند. این هیأت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناسی هیأت رأی قاضی لازم الاجرا خواهد بود مگر در موارد سه گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر (آیین دادرسی کیفری).

تبصره ۱- ادارات ثبت اسناد شهرستانها مکلفند که اسناد مربوطه را مطابق رأی نهایی صادره اصلاح نمایند. تبصره ۲- دیوان عدالت اداری مکلف است کلیه پرونده های موجود در مورد ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور و اصلاحیه های بعدی آن را که مختومه نشده است به کمیسیون موضوع این قانون ارجاع نماید. تبصره ۳- چنانچه سازمانها و مؤسسات دولتی به اجرای ماده ۵۶ معترض بوده و این اعتراض از سوی هیأت مذکور در ماده واحد بجا تشخیص داده شود با توجه به موقعیت و شرایط زمین نسبت به خلع ید از متصرفین اقدام به عمل می آید. تبصره ۴- دولت موظف است توسط دستگاههای ذیربط نسبت به خلع ید از اراضی متصرفی بعد از اعلام مورخ ۱۳۶۵، ۱۲، ۱۶ دولت جمهوری اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد.

تبصره ۵- از تاریخ تصویب این ماده واحده کلیه قوانین و مقررات و آیین نامه های مغایر با این قانون لغو و تنها مرجع رسیدگی به شکایات مربوط به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع و اصلاحیه های آن هیأت موضوع این قانون خواهد بود. تبصره ۶- وزارت کشاورزی مکلف است آیین نامه اجرایی این قانون را حداکثر ظرف دو ماه تهیه و تصویب و جهت اجراء ابلاغ نماید.

الف - نظر مخالف

- با مصوبه جدید، رأی کمیسیون مزبور، اگر چه از سوی قاضی عضو کمیسیون صادر می‌شود، دارای ماهیت قضایی نیست؛ چرا که قابل تجدیدنظر در دادگاههای بدوی شناخته شده است. از این رو، اصول مورد پذیرش در خصوص قطعیت رأی قاضی نقض شده است و رأی قاضی مزبور، با رأی سایر افراد عادی یکسان قلمداد شده است.

ب - نظر موافق

- بر اساس اصلاحیه، کلیه آراء کمیسیون مورد نظر، قابل اعتراض و تجدیدنظر خواهی در محاکم دادگستری است و این منطبق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۹۳ مورخ ۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

اساسنامه سازمان فضایی ایران

مصوبه هیأت وزیران: ۱۳۸۷/۳/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۴/۱۲

ماده ۳- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر است:

الف - ...

د - دریافت تعرفه‌های مصوب عرضه خدمات فضایی و اعطای مجوز فعالیت در فضا.

ذ - ...

تبصره ۴- در خصوص بند «د» سازمان مکلف است براساس نرخهایی که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید اقدام و وجوه حاصل را به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید. معادل صددرصد (۱۰۰٪) اعتبار یادشده از محل ردیف اعتباری در قوانین بودجه در اختیار سازمان قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور هزینه شود.

الف - نظرات مخالف

- تبصره (۴) فاقد ماهیت اساسنامه‌ای است، بلکه ماهیت بودجه‌ای دارد. بر این اساس، هیأت وزیران از حدود تصویب اساسنامه خارج شده و عملاً اصل ۸۵ قانون اساسی را نقض کرده است. ماده (۴) این اساسنامه هم ارتباطی با این تبصره ندارد و رافع ایراد آن نیست.

- تعیین تکلیف برای قوانین بودجه و الزام به تعیین ردیف در متن اساسنامه، خلاف ضوابط اساسنامه‌نویسی و خارج از اختیارات واگذار شده به هیأت وزیران است. ضمن اینکه تلویحاً مجلس را مکلف کرده تا معادل صد در صد وجوه حاصله را در قوانین بودجه سالیانه لحاظ نماید، که این مسأله مغایر با اصول قانون اساسی است.

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۵۳ قانون اساسی کلیه دریافت‌های دولت باید در حساب خزانه‌داری کل متمرکز گردد و برداشت از آن تنها به موجب قانون ممکن است؛ حال آنکه در این تبصره، هیأت وزیران، رأساً تعیین اعتبار کرده است. به همین جهت، این تبصره علاوه بر مغایرت با اصل ۵۲ و ۸۵، مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی است.

- بر اساس اصل ۵۳ قانون اساسی کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون صورت می‌گیرد یعنی مصوبه مجلس می‌خواهد، لذا اساسنامه نمی‌تواند بگوید حدود اعتبارات آن صددرصد است یا کمتر، بنابراین علاوه بر ایراد اصول ۵۲ و ۸۵، ایراد اصل ۵۳ قانون اساسی نیز وارد است.

- اختصاص صد در صد وجوه حاصل از درآمدهای این سازمان به خود این سازمان و درج آن در قوانین بودجه، موجب خواهد شد تا از این پس مسئولان سایر شرکت‌های دولتی با استناد به این تبصره، خواستار اختصاص کل درآمد حاصله به ردیف بودجه شرکت خود شوند؛ که این مسأله آثار منفی خویش را به دنبال خواهد داشت.

ب - نظرات موافق

- چنانچه قانون، ردیفی از بودجه را برای دستگاهی تعیین کرد، استفاده صددرصد از آن، نیازمند تایید مجدد مجلس و درج در قانون بودجه نیست؛ چرا که تعیین اعتبار، به منزله جواز مصرف صددرصد آن توسط دولت است. بر این اساس، نمی‌توان ایراد مغایرت با اصل ۸۵ و ۵۳ را وارد دانست.

- همانگونه که سابقاً در شورای نگهبان مطرح شد، بین دولت و شرکت دولتی تفاوت وجود دارد و الزامی به واریز درآمدهای شرکت دولتی به خزانه‌داری کل نیست. بنابراین هیچ الزامی وجود ندارد تا درآمد سازمان فضایی ایران به خزانه واریز شود و می‌تواند به گونه دیگری گردش کار داشته باشد. به همین جهت مغایرتی با اصل ۵۳ وجود ندارد.

- مراد از عبارت «محل ردیف اعتباری در قوانین بودجه»، ردیف‌هایی است که توسط مجلس به تصویب رسیده و هیأت وزیران این امر را مفروض گرفته است. فلذا هیچ الزامی برای مجلس جهت تصویب این ردیف‌ها وجود ندارد.

ماده ۶- تشکیلات سازمان پس از تدوین توسط سازمان و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور قابل اجرا خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- بر اساس اصل ۱۲۶ قانون اساسی، امور اداری کشور مستقیماً بر عهده رئیس‌جمهور است

و به استناد ذیل این اصل، تنها رییس جمهور می تواند اختیار این امور را به غیر واگذار کند. فلذا واگذاری تایید ساختار اداری و تشکیلاتی سازمان فضایی به معاونت سرمایه انسانی رییس جمهور از سوی اساسنامه، مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظر مخالف

- تصویب معاون رییس جمهور در امور مدیریت و نیروی انسانی، به استناد ذیل اصل ۱۲۶ قانون اساسی، به منزله تصویب رییس جمهور است و به همین دلیل، واگذاری تصویب ساختار تشکیلاتی این سازمان مغایر به معاون رییس جمهور از سوی این اساسنامه، مغایر قانون اساسی نیست.

ماده ۷- رئیس سازمان که معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات می باشد، توسط وزیر یادشده منصوب می شود و بالاترین مقام اجرایی دستگاه خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی، تعیین ساختار و تشکیلات اداری وزارتخانه ها، به عهده رییس جمهور و یا معاون وی در این زمینه (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور) است و اساسنامه مصوب هیأت وزیران، نمی تواند الزامی برای رییس جمهور در این زمینه ایجاد کند. بر این اساس، تعیین رئیس سازمان فضایی ایران به عنوان معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات - که اقدامی با ماهیت امور اداری و استخدامی است - مغایر با صلاحیت های رییس جمهور مندرج در اصل ۱۲۶ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۳/۲۷/۳۰/۸۷ مورخ ۸۷/۴/۱۲ شورای نگهبان، خطاب به معاون اول رییس جمهور.

لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۵/۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده و پروتکل ضمیمه آن به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - هزینه‌های موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

...

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت یا مقام محلی یا هر مؤسسه دولتی که به موجب قوانین عمومی آن دولت متعاقد ایجاد شده باشد، یا هر واحد تأسیس شده در آن دولت متعاقد که کل سرمایه آن متعلق به دولت متعاقد یا مقام محلی یا هر مؤسسه دولتی دارای تعریف فوق خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه و یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

...

پروتکل بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت

...

۱- درخصوص بند (۱) ماده (۴)

در مورد دولت کویت، اصطلاح «مقیم» شامل شخص حقیقی است که دارای اقامتگاه در دولت کویت بوده و تبعه کویتی باشد.

...

الف - نظر مخالف

- پروتکل الحاقی مغایر با منافع جمهوری اسلامی است؛ چه آنکه در پروتکل، اشخاص مقیم را در کویت به معنای اخص در نظر گرفته و تنها شامل تابعان کویت می‌داند، در حالی که در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، مقیم را به معنی اعم در نظر گرفته است که شامل تبعه و غیر تبعه می‌گردد که این امر بر خلاف مصالح جمهوری اسلامی است. بر این اساس، از نظر این مصوبه اگر کویت از هر مقیم کویت مالیات اخذ نماید، دیگر جمهوری اسلامی ایران از وی مالیات مجدد اخذ نمی‌نماید، اما اگر جمهوری اسلامی ایران از فردی مالیات اخذ نماید، کویت از او به شرطی مالیات اخذ نمی‌کند که تبعه کویت باشد. با توجه مطالب مذکور اطلاق پروتکل الحاقی به موافقتنامه، خلاف قسط و عدالت است.

ب - نظر موافق

- منظور موافقتنامه در ماده (۴)، تنها مشخص کردن افراد مشمول این موافقتنامه است، ضمن آنکه وظیفه شورای نگهبان، بررسی مغایرت یا عدم مغایرت موضوع مصوب مجلس است، نه نحوه نگارش بهتر مصوبه.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۲۶۵ مورخ ۸۷/۵/۱۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

استفساریه وزیر دادگستری و عضو حقوقدان شورای نگهبان در رابطه با اصل ۱۴۱ قانون اساسی

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۱۶

حضرت آیت الله جنتی دامت برکاته

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم؛

با احترام؛ با توجه به برداشت‌های متفاوت در مقام اجرا و نظارت از اصل ۱۴۱ قانون اساسی، استدعا دارد نظر آن شورای محترم را در مورد موضوع زیر، اعلام فرمایند:

آیا کارکنان دولت به عنوان مدیرعامل یا عضویت هیأت مدیره بنیادهای فرهنگی که کاملاً غیراقتصادی هستند و این فعالیت نیز غیرمستمر است، می‌توانند فعالیت داشته باشند؟

لازم به ذکر است که شورای محترم نگهبان قبلاً عضویت در هیأت امنای این نوع مؤسسات را مغایر با اصل ۱۴۱ نشناخته است.^(۱)

غلامحسین الهام

عضو حقوقدان شورای نگهبان و وزیر دادگستری

۱. تفسیر اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی:

شماره: ۱۲۷۹۶

تاریخ: ۱۳۸۷/۱/۲۸

شورای محترم نگهبان

با سلام و درود؛ با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی خواهشمند است اعلام نظر فرمایند آیا عضویت وزرا و کارکنان دولت در هیأت امنای مؤسسات خصوصی و یا دولتی از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاهها و مدارس غیرانتفاعی مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی دارد یا خیر؟ خصوصاً با توجه به مشابهت مسئولیتی که هیأت امنای مؤسسات با مجامع عمومی شرکتها دارند و وزرا با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در مجامع عمومی شرکتهای مختلف عضویت یافته‌اند از جمله قانون اخیرالتصویب نحوه اداره شرکتهای بیمه در این مورد قابل ذکر است.

میرحسین موسوی - نخست وزیر

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

شماره: ۱۱۸

تاریخ: ۱۳۸۷/۲/۱۹

نخست وزیر محترم

عطف به نامه شماره ۱۲۷۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۸؛ موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«عضویت وزرا و کارمندان دولت در هیأت امناء مؤسسات خصوصی و یا دولتی (از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاهها و مدارس غیر انتفاعی) به لحاظ اینکه سمتهای مذکور، شغل سازمانی تلقی نمی‌گردد مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی ندارد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان - خسرو بیژنی

الف - نظرات مخالف

- در نظریه پیشین شورای نگهبان صرفاً عضویت در هیأت امناء و همچنین عضویت در مؤسسات غیرانتفاعی با اصل ۱۴۱ مغایر دانسته نشده است. هیأت مدیره و مدیر عامل متفاوت از هیأت امناء است؛ چرا که این سمت‌ها، سمت‌هایی اجرایی هستند. بنابراین این سمت‌ها شغل محسوب می‌شوند و چنانچه بخشی از سرمایه بنیادها و مؤسسات فرهنگی مزبور، متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی باشد، مشمول صدر اصل ۱۴۱ می‌گردد که بیان می‌کند «... کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است... برای آنان ممنوع است». لازم است توجه داشت که اصل فوق متعرض دائمی بودن شغل نشده و صرف اینکه قسمتی از سرمایه مؤسسه از طرف دولت تأمین گردد، برای شمول ممنوعیت کافی است و این نص قانون اساسی است و جای تردید ندارد.

- عضویت در یک کتابخانه منعی ندارد ولی ریاست کتابخانه و یا عضویت در هیأت مدیره آن مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی است.

- در اصل ۱۴۱، صرفاً از «مؤسسات انتفاعی» که در قانون تجارت «شرکت» نامیده می‌شوند صحبت نشده، بلکه به طور عام، از عبارت «مؤسسات عمومی یا دولتی» سخن به میان آمده که اعم از مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی است. لذا فرهنگی بودن مؤسسه‌ای که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است، هر چند ممکن است متصف به وصف انتفاعی نباشد، لیکن وصف عمومی بودن را از مؤسسه سلب نمی‌نماید. بنابراین، اگر کارکنان دولت به عنوان سمت در این مؤسسات ابلاغ می‌گیرند، این امر مشمول ممنوعیت اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌شود.

- اطلاق سؤال شامل مؤسسات عمومی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است می‌گردد. بنابراین، مغایر با اصل ۱۴۱ می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- اعضاء هیأت مدیره و مدیران عامل در مؤسساتی که به صورت غیرانتفاعی و با اهداف فرهنگی و خیریه انجام وظیفه می‌نمایند، مانند مؤسسه فرهنگی راهیان نور، معمولاً از میان مسؤولین دولتی انتخاب می‌شوند تا بتوانند از جایگاه خود در سازمانهای دولتی در راستای هماهنگی‌های ضروری در جهت نیل به اهداف مد نظر مؤسسات مزبور و

همچنین جلب کمک و امکانات در رابطه با فعالیت این نهادها و سازمانها استفاده نمایند. از این لحاظ، به چنین مسئولینی در این نهادها و مؤسسات نیاز است.

- فعالیت در این مؤسسات به عنوان یک عمل عبادی است و مثل فعالیتهایی است که فرد در حسینیه و مسجد انجام می‌دهد. بر این اساس، این قبیل فعالیتهای شغل محسوب نمی‌شود.

- آیا می‌توان مسجد را مؤسسه خصوصی نامید یا ریاست کانون فرهنگی مسجد را شغل محسوب نمود؟ مؤسساتی از این قبیل، مؤسساتی فرهنگی، غیردولتی و غیرانتفاعی هستند که فعالیت اقتصادی نمی‌کنند و فعالیت در این مؤسسات وصف استمرار نیز ندارد. این گونه مؤسسات، خدمات عمومی ارائه می‌کنند و عمومی هستند که گاهی از طرف دولت نیز کمک مالی و امکانات دریافت می‌کنند. با این اوصاف، به نظر می‌رسد این گونه مؤسسات مشمول ممنوعیت اصل ۱۴۱ قانون اساسی نشوند.

- تصمیم شورا

«عضویت به عنوان هیأت مدیره و یا مدیر عامل مؤسسات فرهنگی غیردولتی و غیر عمومی و مؤسساتی که سرمایه آن تماماً یا جزئاً متعلق به دولت و مؤسسات عمومی نیست و نیز شرکت دولتی یا خصوصی محسوب نشوند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌باشد.»

نظریه فوق، با ۹ رأی موافق، به عنوان نظریه تفسیری مورد تأیید قرار گرفت.

نظریه تفسیری شورای نگهبان^(۱)

جناب آقای دکتر الهام

عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان

سلام علیکم؛ عطف به نامه شماره ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴ مورخ ۸۶/۱۰/۲۶ موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«عضویت به عنوان هیأت مدیره و یا مدیر عامل مؤسسات فرهنگی غیردولتی و غیر عمومی و مؤسساتی که سرمایه آن تماماً یا جزئاً متعلق به دولت و مؤسسات عمومی نیست و نیز شرکت دولتی یا خصوصی محسوب نشوند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌باشد.»

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۱۷۳ مورخ ۸۷/۸/۲۲ شورای نگهبان.

لایحه تعیین تکلیف هیأت منصفه مطبوعات

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۵/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۳۰

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، قانون هیأت منصفه مطبوعات مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ لغو و مواد مربوط به هیأت منصفه مطبوعات از قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ لازم‌الاجرا می‌شود.

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- از آنجا که قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است و مصوبه فعلی آن قانون را لازم‌الاجراء کرده است، این مصوبه بلاشکال است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۳۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

اساسنامه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

مرحله اول

مصوبه هیأت وزیران: ۱۳۸۷/۳/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۵/۳۰

ماده ۵- تشکیلات سازمان به پیشنهاد وزیر و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه نیروی انسانی رییس جمهور تدوین و اجرا می‌شود.

الف - نظر مخالف

- تشکیلات و شاکله هر نهادی احتیاج به قانون دارد و این گونه نیست که مثلاً بپذیریم دولت بدون تصویب مجلس بتواند تاسیس وزارت خانه کند. عدم ذکر «با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود» در متن اساسنامه، از آنجا که موجب توسعه اختیارات دولت مندرج در مصوبه مجلس می‌گردد، برخلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- در ماده (۷)^(۱) قانون مربوط به این اساسنامه (قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲) مقرر شده سازمان تنظیم مقررات و

۱. ماده ۷- در جهت اجرای مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و تحقق اهداف موردنظر در بخش ارتباطات رادیویی و ایفای وظایف، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از تجمیع معاونت امور مخابراتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و اداره کل ارتباطات رادیویی با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود تأسیس می‌شود و رئیس سازمان معاون وزیر خواهد بود.

تبصره ۱- دبیرخانه کمیسیون در سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی با استفاده از نیروی انسانی و امکانات سازمان مذکور تشکیل می‌گردد. دبیرخانه دارای ردیف خاص اعتباری در بودجه سالانه کشور خواهد بود و تشکیلات آن با پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و اعلام خواهد شد.

تبصره ۲- سازمان مذکور که وظایف و اختیارات حاکمیتی، نظارتی و اجرایی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را در بخش تنظیم مقررات ارتباطی و ارتباطات رادیویی ایفاء خواهد کرد دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و اعتبارات جاری و عمرانی مورد نیاز آن همه ساله از محل وجوه و اعتبارات عمومی زیر ردیف بودجه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد.

تبصره ۳- اساسنامه سازمان مذکور حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ارتباطات رادیویی، از تجميع معاونت امور مخابراتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و اداره کل ارتباطات رادیویی با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود تأسیس شود و رئیس سازمان معاون وزیر خواهد بود. در اساسنامه هم آمده که هزینه‌ها و درآمدهای سازمان باید در بودجه سالانه دولت مقرر شود؛ به عبارت دیگر، هم دولت و هم مجلس در خصوص آن اظهارنظر می‌کنند.

– عبارت «استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود» افاده حصر نمی‌کند به این معنا که دولت موظف است از نیروهای موجود ضرورتاً استفاده نماید، لکن منعی به استفاده از نیروهای خارج از این مجموعه ندارد. به همین دلیل، عدم ذکر عبارت مزبور، خللی به اساسنامه مزبور وارد نمی‌سازد.

– از آنجا که قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات طرح بوده، برای احتراز از مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی، تأکید کرده که سازمان مزبور، بدون استخدام نیروی جدید و استفاده از امکانات هزینه‌بر تشکیل شود. معهذا، چنانچه منابع موجود برای استخدام نیروهای جدید کفایت کرد، ایرادی بر استخدام نیروهای جدید وارد نیست.

– قانون مقرر داشته که سازمانی با امکانات نیروی انسانی موجود شکل گیرد. این جا مقنن مرادش تشکیل سازمان بوده است و ادامه حیات و کار این سازمان بر اساس قواعد و مقررات موجود است و بر اساس آن ضوابط بودجه‌اش تنظیم و نیروی انسانی‌اش کاهش و افزایش می‌یابد.

– از آنجا که طبق اصل ۱۲۶ قانون اساسی، امور نیروی انسانی در اختیار رئیس‌جمهور است، لذا تشکیلات این سازمان باید به تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه نیروی انسانی رئیس‌جمهور برسد.

ماده ۶- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- صدور پروانه فعالیت و بهره‌برداری برای ارایه هرگونه خدمات مخابراتی، پستی و فناوری اطلاعات شامل شرایط، ضوابط و چگونگی جبران خسارات ناشی از عدم اجرای آن‌ها در چارچوب مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات.

۲- ...

۸- تنظیم، مدیریت کنترل فضای فرکانسی کشور و تدوین مقررات و تصویب ضوابط و جداول و معیارهای استفاده بهینه از فرکانس و نظارت و حاکمیت بر طیف و جدول ملی فرکانس.
۹- ...

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که اطلاق تعیین ضوابط و چگونگی جبران خسارات ناشی از عدم اجرای فعالیتها، مشتمل بر امور دارای ماهیت تقنینی نیز می‌گردد، واگذاری آن به سازمان مزبور، در تغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.
- از آنجا که اطلاق بند (۸) ماده (۶) شامل مدیریت کنترل فضای فرکانسی نیروهای مسلح و سازمان صدا و سیما می‌گردد، و این نهادها بر اساس بند (۴) اصل ۱۱۰ و اصل ۱۷۵ قانون اساسی، زیر نظر رهبری فعالیت می‌کنند، این بند مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بند ۸ ماده ۶، با ۷ رأی موافق، مغایر با بند (۴) اصل ۱۱۰ و اصل ۱۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۶- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

۱- ...

۱۰- انجام کلیه وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مندرج در قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای - مصوب ۱۳۴۵- و اصلاحات بعدی آن و کلیه تعهدات بین‌المللی مرتبط که جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون ملزم به رعایت آنها می‌باشد.
۱۱- ...

الف - نظر مخالف

- از آنجا که قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای (آماتوری) مصوب پیش از انقلاب اسلامی بوده، و ارتش و رادیو تلویزیون زیر نظر رئیس کشور اداره نمی‌گردیده و تحت مدیریت دولت بوده است، فلذا الزام به اجرای این قانون

موجب خروج مدیریت امور مخابراتی نیروهای مسلح و صدا و سیما از زیر نظر رهبری می‌گردد. به همین جهت، این بند مغایر اصول ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- آنچه در این قانون آمده است بی‌سیم‌های شخصی و رادیوهای غیرحرفه‌ای است که به طور مثال در یک مجتمع ساختمانی محدود استفاده می‌شود که بر اساس قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای باید مجوز و پروانه لازم را کسب کنند، و بر اساس اساسنامه جدید مرجع اعطای مجوز سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی شده است و تأکید شده است دستگاه‌های دولتی معاف از کسب این پروانه هستند.

ماده ۶- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

۱- ...

۱۱- انجام امور تحقیقاتی و ارایه آموزشهای تخصصی مرتبط و اطلاع‌رسانی عمومی در زمینه ارتباطات مجاز رادیویی با استفاده از توانمندیهای بخش‌های دولتی و غیردولتی.

۱۲- ...

الف - نظر مخالف

- از آنجا که اطلاق این بند شامل مدیریت کنترل فضای فرکانسی نیروهای مسلح و سازمان صدا و سیما می‌گردد، و این نهادها بر اساس بند (۴) اصل ۱۱۰ و اصل ۱۷۵ قانون اساسی، زیر نظر رهبری فعالیت می‌کنند، این بند مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

بند (۸) ماده (۶) از این جهت که فرکانس ارتش و نیروهای مسلح را نیز در بر می‌گیرد، مغایر اصول ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۳۸۵ مورخ ۸۷/۶/۳ شورای نگهبان، خطاب به معاون اول رییس‌جمهور.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحى هيات وزيران: ۱۳۸۸/۹/۲۲

تاريخ بررسى در شوراي نگهبان: ۱۳۸۸/۱۰/۸

ماده ۶- وظائف و اختيارات سازمان به شرح زير مى باشد:

...

۸- تنظيم، مديريت و کنترل فضاى فرکانسى کشور و تدوين مقررات و تصويب ضوابط و جداول و معيارهاى استفاده بهينه از فرکانس و نظارت و حاکميت بر طيف و جدول ملى فرکانس در چهارچوب قانون وظائف و اختيارات وزارت ارتباطات و فناورى اطلاعات - مصوب ۱۳۸۲- و ساير قوانين و مقررات مربوط.

...

الف - نظر مخالف

- نظرى ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- نظرى ابراز نشد.

نظريه نهايى شوراي نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاح به عمل آمده، مغاير با موازين شرع و قانون اساسى شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۹۲۲ مورخ ۸۸/۱۰/۸ شوراي نگهبان، خطاب به معاون اول رييس جمهور.

طرح افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاههای مادر و مهم دولتی در سال ۱۳۸۷

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۷/۱۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۷/۱۷

ماده واحده - ظرفیت پذیرش دانشجو که از طریق آزمون سراسری در رشته‌های روزانه در دانشگاههای مادر و مهم دولتی پذیرش می‌شوند در رشته‌های:
الف - فنی و مهندسی و پزشکی.
ب - حقوق و به تشخیص وزارت علوم در سایر رشته‌های علوم انسانی که مورد تقاضای بالای داوطلبان است.
به صورت زیر افزایش می‌یابد:

۱- رشته‌هایی که در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ کاهش ظرفیت پذیرش داشته‌اند به میزان ظرفیت پذیرش دانشجو در سال ۱۳۸۶ افزایش می‌یابد.
۲- ده درصد (۱۰٪) به ظرفیت پذیرش دانشجو در سال ۱۳۸۷ در رشته‌های فوق‌الذکر اضافه می‌گردد.

تبصره ۱- به دولت اجازه داده می‌شود با جابه‌جایی در اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی، اعتبارات مورد نیاز را به دانشگاههای ذی‌ربط پرداخت نماید. در صورت عدم امکان این جابه‌جایی، دانشگاهها مجازند هزینه‌های مربوط را از دانشجویانی که از این طریق پذیرفته می‌شوند دریافت نمایند.
تبصره ۲- افزایش ظرفیت ایجاد شده بر طبق این قانون بر اساس نمره زیرگروه مربوطه در آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ صرفاً با تأثیر سهمیه مناطق ۱، ۲ و ۳ کشوری و به صورت آزاد و بدون تأثیر هر گونه سهمیه‌بندی‌های دیگر صورت می‌گیرد.

تبصره ۳- وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری موظف است گزارش کاملی از اقدامات و پذیرش‌های صورت گرفته در دانشگاهها را به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ارائه نماید.

تبصره ۴- ...

الف - نظرات مخالف

- با عنایت به حیطه صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی - که بر اساس حکم حضرت امام خمینی (ره) و سپس مقام معظم رهبری ایجاد و تثبیت شده است - و تفکیک آن از حیطه صلاحیت قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، چنانچه موضوع مصوبه از جمله مواردی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص آن، مصوبه مقدم داشته است، مجلس حق قانونگذاری در این رابطه را ندارد. بر این اساس، با توجه به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با موضوع ظرفیت پذیرش دانشگاهها مصوبه داشته^(۱) و مصوبه نیز اجرا شده است، مجلس، صلاحیت قانونگذاری در این خصوص را نداشته است.

- با توجه به اینکه دولت بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به پذیرش دانشجو کرده و موضوع پذیرش، به انجام رسیده و تمام شده است، تصمیم مجلس در رابطه با افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاهها در سال جاری، دخالت در امور اجرایی و مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی محسوب می‌گردد که اعلام می‌دارد اعمال قوه مجریه - جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده - از طریق رئیس‌جمهور و وزرا صورت می‌گیرد.

- با توجه به عام بودن حکم مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به کلیه سنواتی که پذیرش دانشجو صورت می‌گیرد، مصوبه مجلس شورای اسلامی که ظرفیتی را خارج از ضوابط مقرر در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای سال جاری مقرر کرده است، بر هم زننده و نقض کننده حکم عام مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

۱. «ضوابط مربوط به گسترش بومی‌گزینی در آزمون سراسری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی» مصوب جلسه ۶۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی:

۱- سازمان سنجش آموزش کشور موظف است بر اساس گسترش رشته‌های آموزش عالی و با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۶۵ درصد حجم پذیرش دانشجو در دوره‌های روزنامه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را به صورت بومی استانی انجام دهد.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی موظف است با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۷۰ درصد حجم پذیرش دانشجو در کلیه رشته‌ها (اعم از پزشکی و غیرپزشکی) را به صورت بومی استانی انجام دهد.

- با توجه به بندهای (۹)^(۱) و (۲۵)^(۲) از وظایف و اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی که تعیین سیاست‌های نظام آموزشی عالی و همچنین تعیین ضوابط جذب دانشجو را در صلاحیت این شورا دانسته است و همچنین با عنایت به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و عدم نقض این مصوبات توسط مجلس شورای اسلامی، از آنجا که مصوبه مزبور در تغایر با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص مورد می‌باشد، نتیجتاً از جهت عدم رعایت حکم ولایی ولی فقیه، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی خواهد بود.

- با وجود مصوبه عام شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص نحوه پذیرش دانشجو در دانشگاهها، کلیه مصوبات مجلس؛ اعم از آنکه ناظر بر نحوه پذیرش دانشجو و ظرفیت دانشگاهها باشد و یا ناظر بر افزایش ظرفیت و تعداد دانشجویان باشد، مغایر با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ چه آنکه در فرض افزایش ظرفیت و تعداد دانشجویان نیز می‌بایست ضابطه عام ارائه شده در حکم شورای عالی انقلاب فرهنگی ناظر بر نحوه تخصیص ظرفیت دانشگاهها مراعات شود. در غیر این صورت، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی بی‌خاصیت خواهد شد. در حال حاضر، تبصره (۲) مصوبه مجلس، ضابطه مقرر در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را بی‌خاصیت کرده است.

- مصوبه مجلس ویژگی‌های قانون را ندارد؛ چه آنکه اولاً ناظر بر امور اجرایی است که وفق اصل ۶۰ قانون اساسی در صلاحیت قوه مجریه است؛ ثانیاً ناظر بر گذشته است؛ موضوعی است که زمان آن به اتمام رسیده و پذیرش دانشجویان در سال مزبور انجام شده است؛ ثالثاً ناظر بر موضوعی کاملاً جزئی است. از این رو، این مصوبه، عناصر لازم برای عنوان «قانون» را فاقد است.

- چون مصوبه منحصر در افراد پذیرفته شده نیست تا ایراد تحمیل بار مالی بر دولت به استناد اینکه موضوع مصوبه صرفاً جابجایی افراد موجود است رفع شود و شامل افرادی که پذیرفته شده‌اند نیز می‌گردد، مصوبه به دلیل ایجاد بار مالی مغایر اصل ۷۵ است.

۱. «تعیین سیاست‌های نظام آموزشی و پرورشی و آموزش عالی کشور».

۲. «تصویب ضوابط کلی گزینش مدیران، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و مدارس کشور و تعیین مرجع برای گزینش آنان».

- مجلس شورای اسلامی در تبصره (۱) این مصوبه، جهت تأمین بار مالی این مصوبه اختیار جابه‌جایی در اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی را مقرر کرده است. این مقرر، کل ارقام بودجه را به هم می‌زند و با توجه به اینکه سقفی برای آن مشخص نشده کل ردیف‌های بودجه را نیز به هم می‌زند، بنابراین با اصل ۵۲ قانون اساسی ناظر بر ضوابط حاکم بر بودجه مغایرت دارد. جابه‌جایی در ارقام بودجه در صورتی فاقد اشکال است که به طور مشخص، از ردیفی کسر و به محلی دیگر اختصاص پیدا کند.

- وفق اصل ۵۳ قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت می‌بایست به حساب خزانه واریز شده و سپس هزینه‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون، از خزانه پرداخت شود. از این رو، ذیل تبصره (۱) این مصوبه که مقرر می‌دارد «دانشگاهها مجازند هزینه‌های مربوط را از دانشجویانی که از این طریق پذیرفته می‌شوند دریافت نمایند»، مغایر با ترتیب در نظر گرفته شده در اصل مزبور است.

- به موجب اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت باید وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد، در حالی که در مصوبه بیان شده در صورت عدم امکان جابه‌جایی اعتبارات، دانشگاهها مجازند هزینه‌های مربوط را از دانشجویانی که از این طریق پذیرفته می‌شوند دریافت نمایند. با این وصف، اطلاق تبصره، شامل رشته‌هایی که کشور در آنها به سر حد خودکفایی نرسیده است نیز می‌شود و از این جهت، اطلاق این مصوبه مغایر اصل ۳۰ قانون اساسی است.

- در قانون بودجه هر دانشگاهی ردیف مستقل دارد که بر اساس همین ردیفها، اعتبارات را دریافت می‌کند. حال آنکه تبصره (۱)، اختیار تغییر در ردیف‌ها را به دولت می‌دهد. این امر به معنای «اصلاح بودجه» است که با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی، نیازمند تقدیم «لایحه» از سوی دولت است و با «طرح» نمایندگان قابل بررسی و تصویب نیست. نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل مزبور نیز که بیان می‌کند «بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی آن - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه - می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد»^(۱)، مؤید همین ایراد است. بنابراین تبصره (۱)، که ناظر بر تغییر در ارقام بودجه نیست، بلکه کل بودجه و ردیفهای آن را دستخوش تغییر می‌کند، مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

۱. نظریه شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ شورای نگهبان.

- مصوبه مجلس با حکم مندرج در ذیل تبصره (۱)، منجر به تبعیض ناروا نیز می‌شود؛ چرا که به دانشگاهها مجوز می‌دهد که از یکی از دو دانشجو که دارای شرایط مساوی هستند، شهریه دریافت کنند. از این رو، مصوبه مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

- به موجب اصل ۷۵ قانون اساسی، مجلس باید برای جبران هزینه‌های جدیدی که در طرحهای پیشنهادی خود به تصویب می‌رساند، «تأمین اعتبار» نماید، در حالی که در این تبصره، مجلس به جای «تأمین اعتبار»، اقدام به «تعیین اعتبار» نموده است. از این رو، حکم مندرج در تبصره، رافع ایراد مغایرت با اصل ۷۵ نیست.

- تبصره (۲) ماده واحده، از آنجا که ترتیبی خلاف ضوابط مقرر در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را برای پذیرش دانشجو در نظر گرفته است، خلاف مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که به حکم ولایی ولی فقیه تأسیس و تثبیت شده است و از این حیث، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی ناظر بر اختیارات در نظر گرفته شده برای ولی فقیه (ولایت مطلقه امر و امامت امت) می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- در وضعیت فعلی با توجه به اینکه اکثر دانشگاههای مهم و مادر در تهران مستقر هستند، اختصاص بیش از نیمی از ظرفیت پذیرش دانشگاهها به متقاضیان بومی در رابطه با شهری مثل تهران، موجب اجحاف نسبت به افراد مستعد ساکن در نقاط دیگر کشور می‌شود. به عنوان مثال فردی که در تهران رتبه دو هزار است پذیرفته می‌شود، ولی فردی که ساکن شهر دیگری است با رتبه دویست نیز پذیرفته نمی‌شود.

- مصوبه کنونی مجلس شورای اسلامی، مغایرتی با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی ندارد؛ چه آنکه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی راجع به تعیین میزان بومی‌گزینی در ظرفیت موجود دانشگاهها بوده، در حالی که مصوبه اخیر مجلس، در صدد افزایش ظرفیت کنونی دانشگاهها است. بر این اساس، مجلس شورای اسلامی تغییری در ظرفیت تعیین شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد نکرده، بلکه ظرفیت اضافی برای پذیرش دانشگاهها ایجاد کرده است. در گذشته نیز مجلس شورای اسلامی، مصوبه‌ای مبنی بر افزایش ظرفیت دانشگاهها برای خانواده شهدا و ایثارگران

داشته است^(۱) که با وجود مصوبه سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۹^(۲)، در بررسی شورای نگهبان، مغایر شناخته نشده و تأیید شده است.

- با توجه به اینکه به موجب ماده (۴۹) قانون برنامه چهارم توسعه^(۳)، دانشگاهها از استقلال مالی برخوردارند و نیازی به واریز درآمد آنها به خزانه نیست، لذا ذیل تبصره (۱) این ماده واحده، مغایرتی با اصل ۵۳ قانون اساسی ندارد.

۱. قانون الزام به پذیرش افراد واجد شرایط استفاده از سهمیه ایثارگران در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور - مصوب ۱۳۷۷/۱/۱۸:

ماده واحده - وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظفند براساس تحقیقات و بررسیهای سازمان سنجش آموزش کشور و نتایج علمی کنکور سراسری در دو سال تحصیلی آینده کلیه افراد واجد شرایط استفاده از سهمیه چهل درصد (۴۰٪) موضوع قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران بسیجی به دانشگاهها و اصلاحات بعدی آن را در مؤسسات آموزش عالی کشور مورد پذیرش قرار دهند.

تبصره ۱- پنج درصد (۵٪) ظرفیت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به فرزندان و همسران شهدا و جانبازان بالای پنجاه درصد (۵۰٪) و همسران آزادگان با سنوات ۴ سال به بالا اختصاص می‌یابد. این ظرفیت با موافقت وزارتین فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند اضافه بر ظرفیت اعلام شده در دفترچه کنکور سراسری باشد. در صورت عدم تکمیل ظرفیت باقیمانده آن به فرزندان و همسران جانبازان بالای بیست و پنج درصد (۲۵٪) (به ترتیب اولویت درصد جانبازی) تخصیص داده می‌شود.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی لازم حداقل ظرف مدت دو ماه توسط وزارتین فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به صورت الحاق به آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۲. مصوبه شماره ۲۱۳ مورخ ۱۳۶۹/۲/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص «تصویب کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون سراسری».

۳. ماده ۴۹- دولت موظف است برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری با هدف توسعه کمی و کیفی، از ابتدای برنامه چهارم اقدامات ذیل را در مأموریت‌ها و ساختار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای بخش‌های مختلف کشور به انجام برساند:

الف - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، صرفاً براساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص، مصوب هیأت‌های امنای مربوط که به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد و تا زمانی که آیین‌نامه‌ها و مقررات مورد نیاز به تصویب هیأت اماناء نرسیده است، طبق مقررات سابق عمل خواهد شد. اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت بر اساس قیمت تمام شده به دستگاههای اجرایی یادشده اختصاص می‌یابد. اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و اختصاصی این مؤسسات کمک تلقی شده و پس از پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد. سهم دولت در هزینه‌های آموزش عالی بخش دولتی بر مبنای هزینه سرانه تعیین و نسبت آن به بودجه عمومی دولت براساس رشد پوشش جمعیت دانشجویی در مقایسه با عدد مشابه در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران افزایش می‌یابد.

ب - ...

- تبصره (۱) تغییری در ردیف‌های بودجه نمی‌دهد؛ چرا که بودجه وزارت علوم واحد است و این وزارتخانه به تشخیص خود، بودجه در اختیار دانشگاهها قرار می‌دهد. به همین دلیل اختیار تفویضی در تبصره باعث تغییر در ردیف‌های بودجه نمی‌گردد.

- حکم مقرر در تبصره (۱)، اعتبار جدیدی را تصویب نمی‌کند و بودجه جدیدی را بر دولت تحمیل نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، این مصوبه موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت نمی‌شود، بلکه صرفاً اختیار تغییر در محل صرف اعتبارات موجود را به دولت می‌دهد. از این رو، مغایرتی با اصل ۵۳ ندارد.

- با توجه به اینکه دانشجویان موضوع مصوبه در دانشگاه‌های کشور پذیرفته شده‌اند و با این مصوبه صرفاً محل تحصیل آنها تغییر می‌کند و فرد دیگری جایگزین آنها نمی‌شود، به نظر می‌رسد این مصوبه بار مالی بر دولت تحمیل نمی‌نماید، بنابراین مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی نیست.

ج - تصمیم شورا

تبصره (۱) ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

با توجه به اصل ۵۳ قانون اساسی که همه پرداختها باید در حدود اعتبارات مصوب باشد، تبصره (۱) ماده واحده از این جهت که میزان مبلغ جابجایی از محل‌های مذکور مشخص نیست، مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۷/۲۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۷/۲۴ و ۱۳۸۷/۸/۱

ماده واحده - ...

تبصره ۱- به دولت اجازه داده می‌شود با جابجایی در اعتبارات جاری و تملک دارایی سرمایه‌ای تا مبلغ نود میلیارد (۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از جزء (۱۵) ردیف (۱۰۱۰۰۰) اعتبارات مورد نیاز را به دانشگاه‌های ذی‌ربط پرداخت نماید.

...

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۷۱۰ مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

الف - نظرات مخالف

- ردیف مشخص شده برای جبران هزینه‌های ناشی از اجرای مصوبه، ابهام دارد؛ چرا که مربوط به بودجه فرهنگستان علوم پزشکی است که بودجه آن به نود میلیارد ریال نمی‌رسد. به نظر می‌رسد با توجه به بحث‌های مطروحه در مجلس، مقصود معاونت فناوری ریاست جمهوری بوده که دویست و پنجاه میلیارد (۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بودجه دارد که با توجه به اشتباه صورت گرفته در تطبیق ردیف مد نظر مجلس با ردیف نگاشته شده در مصوبه، امکان برداشت از بودجه ردیف معاونت فناوری وجود ندارد.

- با توجه به اینکه امکان برداشت نود میلیارد (۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از جزء (۱۵) ردیف (۱۰۱۰۰۰) وجود ندارد، تبصره اصلاحی مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است؛ زیرا طریق جبران هزینه‌های ناشی از اجرای مصوبه مجلس، به درستی تأمین نگردیده است.

ب - نظرات موافق

- از آنجا که مجلس شورای اسلامی، اصلاحاتی را در قانون عادی مصوب خود؛ یعنی قانون بودجه و ارقام آن داده است، از لحاظ قانون اساسی، ایرادی به مصوبه مجلس نمی‌توان وارد کرد، هر چند ممکن است از لحاظ شکلی و عملی ایراداتی داشته باشد. از این رو، شورای نگهبان صرفاً می‌تواند به مجلس تذکر دهد که در صورتی که مقصودشان ردیف دیگری بوده، مصوبه را اصلاح کنند و الاً مصوبه مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

- با توجه به روشن بودن اراده مجلس (از طریق بحث‌های صورت گرفته در مجلس) در ردیف مد نظر خویش برای جبران هزینه‌های این مصوبه - که ناظر بر ردیف اعتباری معاونت فناوری ریاست جمهوری است - و کافی بودن این اعتبار برای اجرایی شدن این تبصره و با عنایت به اینکه اشتباه صورت گرفته در تطبیق ردیف مقصود با ردیف نگاشته شده، مربوط به شورای نگهبان نمی‌شود، بلکه در حین اجرا، دولت با مجلس شورای اسلامی می‌بایست آن را مرتفع کنند، مصوبه مزبور مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۸۸۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن فرهنگستان‌های علوم آسیا

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن فرهنگستانهای علوم آسیا» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در انجمن فرهنگستانهای علوم آسیا مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این انجمن می‌باشد، و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در انجمن فرهنگستانهای علوم آسیا مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این انجمن (اساسنامه) می‌باشد، و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۹۱ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن فرهنگستانهای علوم آسیا» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۹۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۹۱/۴۴۲۹۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضmann لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن فرهنگستانهای علوم آسیا جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضmann ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد،

متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- همین که مجلس به ضمیمه ماده واحده، متن اساسنامه را ارسال کرده، اماره‌ای بر تصویب آن از سوی مجلس شورای اسلامی است و مسئولیت تصویب دقیق و واقعی یا کوتاهی احتمالی در آن بر عهده خود مجلس است. شورای نگهبان صلاحیت تفحص در این مسأله را ندارد.

ج - تصمیم شورا

۱- اطلاق عبارت «کمک» در ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضmann آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این انجمن باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۲ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (آموزش و تحقیقات) مجلس در حال بررسی است.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- نظر به اینکه تصویب عضویت در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این انجمن (اساسنامه) می‌باشد، و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء مستلزم تصویب و پذیرش

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۶ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

کنوانسیون موجد این فدراسیون (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۲۰۸/۴۴۳۰۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این فدراسیون، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست. به علاوه، در برخی صفحات اساسنامه این فدراسیون، با دستخط عباراتی

اضافه شده و برخی صفحات اساسنامه ارسالی مفقود است. این علائم نشان‌دهنده غیررسمی بودن اوراق ارسالی از سوی مجلس است.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظرات موافق

- همین که مجلس به ضمیمه ماده واحده، متن اساسنامه را ارسال کرده، اماره‌ای بر تصویب آن از سوی مجلس است و مسئولیت تصویب دقیق و واقعی یا کوتاهی احتمالی در آن بر عهده خود مجلس شورای اسلامی است. شورای نگهبان صلاحیت تفحص در این مسأله را ندارد.

- به صرف اجازه مجلس به دولت جهت الحاق به فدراسیون مزبور، اساسنامه آن مصوبه مجلس تلقی می‌شود. در نامه قبلی شورای نگهبان به مجلس هم، تصویب اساسنامه فدراسیون مفروض گرفته شده بود و تنها عدم ضمیمه اساسنامه را ایراد گرفته بودیم.

- با توجه به اینکه برخی از مؤسسات مذکور در این لایحه، غیرانتفاعی و غیردولتی هستند، اساساً داخل در قراردادهای بین‌المللی موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشند. چه آنکه، شخصیت حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران، عضو این فدراسیون نمی‌شود، بلکه مؤسسه ایرانی طرف الحاق را دولت تعیین می‌کند. از این لحاظ، عضویت در فدراسیون مزبور، از امور تصدی‌گری است و اساساً نیازی به تصویب مجلس ندارد.

ج - تصمیم شورا

۱- اطلاق عبارت «کمک» در ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضاء به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد. لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این فدراسیون باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (آموزش و تحقیقات) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۴ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این بنیاد (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۶۹ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۵/۴۵۰۱۲ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد. همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این بنیاد باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (صنایع و معادن) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۶ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرائی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این اتحادیه می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این اتحادیه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۴ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر درخصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۴ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۷۰/۴۵۰۱۳ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد»].

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضاء به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این اتحادیه باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (آموزش و تحقیقات) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۵ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ)

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۷/۲۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) و ضامم آن متشکل از لیست ممنوعه سال ۲۰۰۵ میلادی آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (ضمیمه یک) و شرایط اعطاء مجوز استفاده از داروهای ممنوعه برای درمان (ضمیمه دو)، آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (پیوست ۱)، مجموعه مقررات جهانی ضد زورافزایی (دوپینگ) استاندارد بین‌المللی برای آزمایشگاهها (پیوست ۲) و استاندارد بین‌المللی برای نمونه‌گیری (پیوست ۳) به شرح پیوست ملحق شده و سند الحاق را نزد امین اسناد بسپارد.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که برخی از عبارات انگلیسی به کار برده شده در کنوانسیون، دارای معادل فارسی است، به کارگیری عبارات غیرفارسی؛ از جمله واژه «دوپینگ» در قسمتهای مختلف این لایحه، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم به کارگیری زبان فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی است.

- ترتیب مقرر در این کنوانسیون جهت اخذ آزمایش ادرار از ورزشکاران، متضمن اموری است که عمل به آن، خلاف موازین شرع می‌باشد؛ چه آنکه در این کنوانسیون، یکی از آزمایشهای در نظر گرفته شده برای مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) ورزشکاران، آزمایش ادرار مقرر شده است که برای تصدیق صحت نمونه‌گیری در آن، بیان شده باید ناظری که همجنس ورزشکار باشد، شاهد اخذ نمونه‌گیری باشد.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه سند اصلی کنوانسیون مزبور به زبان اصلی (انگلیسی، فرانسوی و...)

است و از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی در الحاق به چنین معاهداتی، وارد بحث در رابطه با محتوای معاهده نمی‌شود و صرفاً با تصویب ماده واحده‌ای، الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این معاهدات را تصویب می‌کند، بر این اساس ترجمه فارسی کنوانسیون مزبور که از طرف مجلس شورای اسلامی برای شورای نگهبان ارسال شده، به تصویب مجلس نرسیده است و سند رسمی تلقی نمی‌شود، ضمن آنکه اساساً متون ترجمه شده کنوانسیونها، در سطح بین‌المللی سندیت ندارد و قابل استناد نیست. بنابراین اولاً آنچه را که شورای نگهبان می‌بایست مورد بررسی و اظهارنظر قرار دهد، سند اصلی معاهده است؛ ثانیاً ایراد مغایرت با اصل ۱۵ قانون اساسی نیز در این موارد، جایگاهی نخواهد داشت.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه در ضmann ماده واحده، متون و عبارات و اصطلاحاتی وجود دارد که ترجمه نشده و یا معادل فارسی آن قید نگردیده، از این جهت مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است، و به لحاظ ارتباط بین متن پیوسته، اظهارنظر قبل از اصلاح مذکور ممکن نمی‌باشد، فلذا پس از رفع اشکالات مذکور، کلاً اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۷/۲۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) و ضmann آن متشکل از لیست ممنوعه سال ۲۰۰۵ میلادی آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (ضمیمه یک) و شرایط اعطاء مجوز استفاده از داروهای ممنوعه برای درمان (ضمیمه دو)، آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (پیوست ۱)، مجموعه مقررات جهانی ضد زورافزایی (دوپینگ) استاندارد بین‌المللی برای

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۴۵ مورخ ۸۷/۸/۱۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

آزمایشگاهها (پیوست ۲) و استاندارد بین‌المللی برای نمونه‌گیری (پیوست ۳) به شرح پیوست ملحق شده و سند الحاق را نزد امین اسناد بسپارد.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۱۱/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۴۵ مورخ ۸۷/۸/۱۵ و پیرو نامه شماره ۲۱۶/۴۱۴۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۷ و با توجه به نامه شماره ۲۰۶۰۰۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ قائم مقام معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، بدین وسیله ترجمه ضمائم لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه ترجمه متون و ضمائم کنوانسیون مزبور، توسط معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری انجام شده و مستقیماً و بدون تصویب در مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان ارسال شده است، مصوبه مزبور به لحاظ عدم رعایت تشریفات مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی در خصوص تصویب معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی، مغایر با قانون اساسی می‌باشد.

- همچنان در این مصوبه، اسامی برخی افراد خاص وجود دارد که به زبان بیگانه درج شده است. از این حیث، مغایرت با اصل ۱۵ قانون اساسی مرتفع نشده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

با توجه به اینکه منظور از ایراد قبلی شورا این بود که ترجمه متون و عبارات و اصلاحات در متن مصوبه درج و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، نظر به اینکه در متن ارسالی رعایت موارد فوق نشده است، بنابراین ایراد سابق کماکان به قوت خود باقی می‌باشد. ضمناً در مواردی که حروف لاتین، اسم خاص یا نام یک فرد است هم باید معادل فارسی آنها در مصوبه قید شود.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۵۹۳ مورخ ۸۷/۱۲/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی دوم مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۳/۲۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۴/۸

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) و ضmann آن متشکل از لیست ممنوعه سال ۲۰۰۵ میلادی آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (ضمیمه یک) و شرایط اعطاء مجوز استفاده از داروهای ممنوعه برای درمان (ضمیمه دو)، آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (پیوست ۱)، مجموعه مقررات جهانی ضد زورافزایی (دوپینگ) استاندارد بین‌المللی برای آزمایشگاهها (پیوست ۲) و استاندارد بین‌المللی برای نمونه‌گیری (پیوست ۳) به شرح پیوست ملحق شده و سند الحاق را نزد امین اسناد بسپارد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه ترجمه متون و ضmann کنوانسیون مزبور، به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است، همچنان این مصوبه با اصل ۷۷ قانون اساسی مغایرت دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله سوم) شورای نگهبان^(۱)

ایراد سابق شورای نگهبان کماکان به قوت خود باقی است.

مرحله چهارم

مصوبه اصلاحی نهایی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۷/۲۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۸/۱۳

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) و ضmann آن متشکل از

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۳۶۲۴ مورخ ۸۸/۴/۱۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لیست ممنوعه سال ۲۰۰۵ میلادی آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (ضمیمه یک) و شرایط اعطاء مجوز استفاده از داروهای ممنوعه برای درمان (ضمیمه دو)، آئین‌نامه جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (پیوست ۱)، مجموعه مقررات جهانی ضد زورافزایی (دوپینگ) استاندارد بین‌المللی برای آزمایشگاهها (پیوست ۲) و استاندارد بین‌المللی برای نمونه‌گیری (پیوست ۳) به شرح پیوست ملحق شده و سند الحاق را نزد امین اسناد بسپارد.

[مجلس شورای اسلامی در راستای تأمین نظر شورای نگهبان، اقدام به تصویب متون مربوط و ضمائم آن در مجلس شورای اسلامی نموده و مصوبه را به شورای نگهبان ارسال نمود.]

الف - نظرات مخالف

- متون، ضمائم و پیوستهای کنوانسیون مزبور که به شورای نگهبان ارسال شده، در سربرگهای رسمی مجلس شورای اسلامی نیست، بلکه در سربرگهای متعلق به ریاست جمهوری و سازمان تربیت بدنی چاپ شده است. از این لحاظ، به لحاظ شکلی این متون، نسخه مصوب مجلس محسوب نمی‌شود.

- اصول صحیح مملکت‌داری و نظم در امور اقتضاء دارد که مصوبات مجلس به صورت رسمی و در نامه رسمی مجلس چاپ شود تا قابلیت استناد و استشهاد داشته باشد و جلوی هر گونه خدشه احتمالی و ایراد بالقوه‌ای گرفته شود.

ب - نظرات موافق

- با توجه به اینکه سخن رئیس مجلس شورای اسلامی برای شورای نگهبان حجت است، لذا چون ایشان در نامه خود به شورای نگهبان، به تأیید و تصویب ضمائم کنوانسیون مزبور در صحن علنی مجلس شورای اسلامی تصریح نموده است، عدم چاپ این متون در سربرگ مجلس، مغایرتی با اصول قانون اساسی ایجاد نمی‌کند.

- تفحص در چگونگی تصویب قوانین در مجلس و طی کردن یا نکردن مراحل قانونی لازم برای مصوبات مجلس شورای اسلامی، وظیفه شورای نگهبان نیست، بلکه اخبار مقامات مسئول؛ از جمله رئیس مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه متنی، مصوبه مجلس است، برای بررسی و اظهارنظر شورای نگهبان کفایت می‌کند.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۴۰۳ مورخ ۸۸/۸/۱۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «شورای برق کشورهای مستقل
مشترک‌المنافع» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام
نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این شورا می‌باشد و از آنجا که
متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت
بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای
اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز
امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

به اتفاق آرای کلیه اعضاء به جز یک نفر ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر
شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع مستلزم

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۲ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این شورا (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۲ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۵/۴۵۰۲۳ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد،

متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیر رسمی و بدون تعیین مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این شورا باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس به صورت رسمی برای این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۱ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آسیایی کاهش بلایا

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مرکز آسیایی کاهش بلایا» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مرکز آسیایی کاهش بلایا مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد. - مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در مرکز آسیایی کاهش بلایا مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این مرکز (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۸ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مرکز آسیایی کاهش بلایا» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۲۰۴/۴۴۳۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضmann لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آسیایی کاهش بلایا جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضmann ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیر رسمی و بدون تعیین مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضوابط آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همان گونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این مرکز باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس به صورت رسمی برای این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (امنیت ملی و سیاست خارجی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۶ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع آسیایی بو آ او

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع آسیایی بو آ او» عضویت یابد و نسبت به خرید سهام اولیه و پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مجمع آسیایی بو آ او مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در مجمع آسیایی بو آ او مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این مجمع (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۰ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع آسیایی بو آ او» عضویت یابد و نسبت به خرید سهام اولیه و پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۰ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۲۰۲/۴۴۳۱۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع آسیایی بو آ او جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این مجمع، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضmann آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این مجمع باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (اقتصادی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۸ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی آب

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی آب» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در انجمن بین‌المللی آب مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در انجمن بین‌المللی آب مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این انجمن (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۶/۲۹۰/۳۰ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی آب» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۹۰/۴۵۰۱۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی آب جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این انجمن باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۳ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی پارکهای علمی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی پارکهای علمی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرائی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در انجمن بین‌المللی پارکهای علمی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در انجمن بین‌المللی پارکهای علمی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این انجمن (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۷ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی پارکهای علمی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۹۸/۴۴۳۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی پارکهای علمی جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیر رسمی و بدون تعیین مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همان گونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این انجمن باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس به صورت رسمی برای این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (آموزش و تحقیقات) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۵ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه جهانی بهره‌برداران هسته‌ای

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «اتحادیه جهانی بهره‌برداران هسته‌ای» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه جهانی بهره‌برداران هسته‌ای مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این اتحادیه می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد. - مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه جهانی بهره‌برداران هسته‌ای مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این اتحادیه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۰ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهار نظر خواهد شد.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این مجمع می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهار نظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهار نظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این مجمع (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۳ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۳ مورخ ۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۸۸/۴۵۰۱۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمانت لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این مجمع، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهار نظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این مجمع باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهار نظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (صنایع و معادن) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۲ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان منطقه‌ای دریای پاک

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «سازمان منطقه‌ای دریای پاک» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در سازمان منطقه‌ای دریای پاک مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد. - مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در سازمان منطقه‌ای دریای پاک مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این سازمان (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۷ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کتوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع بین‌المللی انرژی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مجمع بین‌المللی انرژی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در مجمع بین‌المللی انرژی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این مجمع (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۵ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع بین‌المللی انرژی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۸۳/۴۵۰۱۴ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمیمه لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این مجمع، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمیمه ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این مجمع باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۴ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این انجمن (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۹ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۷۳/۴۴۳۱۰ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این انجمن، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و

محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است. - تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

- ۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد. لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضmann آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد. همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این انجمن باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (امنیت ملی و سیاست خارجی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۷ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در طرح همکاری نظارت بر امور دارویی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «طرح همکاری نظارت بر امور دارویی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در طرح همکاری نظارت بر امور دارویی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در طرح همکاری نظارت بر امور دارویی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این طرح (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۲/۲۹۰/۳۰ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «طرح همکاری نظارت بر امور دارویی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۵/۴۴۶۵۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۱ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در طرح همکاری نظارت بر امور دارویی جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این طرح، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهار نظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این طرح باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهار نظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (بهداشت و درمان) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۸ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه مطالعات بین‌المللی مس

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «گروه مطالعات بین‌المللی مس» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرائی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در گروه مطالعات بین‌المللی مس مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در گروه مطالعات بین‌المللی مس مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این گروه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۱ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: جلسات متعدد

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «گروه مطالعات بین‌المللی مس» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۳۵/۴۴۶۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۱ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه مطالعات بین‌المللی مس جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این گروه، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این گروه باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (صنایع و معادن) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۹ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مجمع کشورهای صادرکننده گاز مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در مجمع کشورهای صادرکننده گاز مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این مجمع (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۱ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرائی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۷/۴۵۰۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضامناً لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این مجمع، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضامناً ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این مجمع باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۰ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی گاز

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «اتحادیه بین‌المللی گاز» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرائی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه بین‌المللی گاز مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در اتحادیه بین‌المللی گاز مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این اتحادیه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره

۱. مندرج در نامه شماره ۸۳/۲۹۰/۳۰ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کتوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «اتحادیه بین‌المللی گاز» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۸۳ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۷/۴۵۰۱۱ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی گاز جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این اتحادیه، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این اتحادیه باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (انرژی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۷ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۱۵

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه (سازمان کنفرانس اسلامی)» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق‌السهم و حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه (سازمان کنفرانس اسلامی) مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این صندوق (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۵ مورخ ۸۷/۸/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه (سازمان کنفرانس اسلامی)» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق‌السهم و حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۸/۲۷ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ و پیرو نامه شماره ۱۶۰/۴۴۳۰۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این صندوق، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد، متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل،

متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- در خصوص غیررسمی و غیرمصوب بودن اساسنامه، به اتفاق آرای کلیه اعضا به جز یک نفر، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیررسمی و بدون تعیین تعداد مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضمائم آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همانگونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این صندوق باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس، به صورت رسمی به این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (اقتصادی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۳ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه الحاق به موافقتنامه اصولی بین دولتهای طرفهای موافقتنامه
چندجانبه اصولی راجع به حمل و نقل بین‌المللی برای ایجاد دالان
اروپا - قفقاز - آسیا و موافقتنامه راجع به تأمین مالی مشترک
دبیرخانه دائمی کمیسیون بین دولتی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۲

پیوست فنی موافقتنامه اصولی راجع به حمل و نقل جاده‌ای

...

ماده ۷- موارد نقض

در صورت نقض مقررات این پیوست فنی توسط متصدی حمل و نقل
یک‌طرف، طرفی که در قلمرو وی نقض رخ داده است، متعهد خواهد بود که
مراتب را در اسرع وقت به طرف دیگر اطلاع دهد که در این صورت آن طرف
دیگر باید اقداماتی را که در قانون ملی آن مقرر شده است به عمل آورد.
طرفهای مزبور باید یکدیگر را از کلیه مجازات‌هایی که مقرر داشته‌اند،
آگاه سازند.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که بر اساس اطلاق ماده (۷) پیوست فنی این موافقتنامه، چنانچه یکی از
اتباع مسلمان شیعه طرف این موافقتنامه در خاک ایران مرتکب تخلف شود، دولت ایران
مکلف است مراتب را به دولت متبوع فرد متخلف اعلام دارد تا آنها بر اساس قوانین
داخلی خود نسبت به رسیدگی به تخلف مزبور اقدام نمایند. بر این اساس، با توجه به
احتمال شرعی نبودن مقررات کشورهای عضو در خصوص این مورد، تکلیف و تعهد
دولت ایران نسبت به اعلام موضوع فوق، از یک سو مستلزم تجویز اجرای مقررات
غیرشرعی دول عضو، و از سوی دیگر، کمک به ظالم در انجام ظلم (= مجازات
غیرشرعی مزبور) بوده و از این رو، اطلاق این ماده، مغایر با موازین شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- صرف احتمال اجرای مجازاتهای خلاف شرع در کشورهای عضو متعاقد در خصوص تخلفات مدّ نظر در این ماده، حکم به مغایرت با موازین شرعی را ثابت نمی‌کند.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۲۰۶ مورخ ۸۷/۸/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۲

ماده واحده - موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا مشتمل بر یک مقدمه و پانزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود. تبصره - اجراء حکم بند (پ) ماده (۱۳) این موافقتنامه در حل و فصل هر نوع اختلاف ناشی از تفسیر یا اجراء آن، مستلزم رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

...

ماده ۹- گواهینامه‌های ملی دریانوردان

طرفهای متعاقد مقررات کنوانسیون شماره ۱۰۸ مربوط به شناسنامه ملی خدمه کشتی‌ها را که در تاریخ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۸ میلادی در چهل و یکمین دوره اجلاس کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ژنو به تصویب رسیده است را اعمال خواهند نمود.

الف - نظر مخالف

- در ماده (۹) از تاریخ هجری شمسی استفاده نشده است که بر اساس اصل (۱۷) ناظر بر تاریخ رسمی کشور، باید به مجلس تذکر داده شود. در سند اصلی، سال ۱۳۳۷ آمده، که در متن ارسالی از قلم افتاده است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۴- اصلاح موافقتنامه

این موافقتنامه فقط با توافق متقابل و مکتوب طرفهای متعاقد قابل تغییر و

اصلاح خواهد بود و اصلاحات مزبور مطابق تشریفات مندرج در بند (پاراگراف) (۲) ماده (۱۵) این موافقتنامه لازم‌الاجراء خواهد شد.
ماده ۱۵- لازم‌الاجراء شدن

این موافقتنامه سی روز پس از اینکه طرفهای متعاقد اتمام تشریفات داخلی برای لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه را به اطلاع یکدیگر برسانند، لازم‌الاجراء خواهد شد. این موافقتنامه تا زمانی که هر یک از طرفهای متعاقد به صورت کتبی و از طریق مجاری دیپلماتیک از شش ماه پیش طرف متعاقد دیگر را از قصد خود مبنی بر خاتمه موافقتنامه آگاه نماید بدون این که موجب خللی در اقداماتی که پیش از اتمام موافقتنامه به موجب آن انجام شده باشد گردد، همچنان معتبر خواهد بود.
این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ سه‌شنبه ۶ آذرماه ۱۳۸۶ هجری شمسی برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ میلادی به زبانهای فارسی، سینهالی و انگلیسی تنظیم شده و همه متون از اعتبار یکسان برخوردار خواهد بود. در صورت بروز اختلاف در تفسیر متون، متن انگلیسی ملاک می‌باشد.

الف - نظرات مخالف

- در ماده (۱۴) در خصوص نحوه اصلاح و تغییر موافقتنامه، به بند دوم ماده (۱۵) ارجاع داده است، لکن در بند مزبور هیچ حکمی بیان نشده و صرفاً به بحث نسخه‌ها و زبان موافقتنامه پرداخته است. بنابراین، این ماده از این حیث، واجد ابهام است.
- اطلاق ماده (۱۴) این امکان را فراهم آورده که دولت بدون کسب نظر مجلس شورای اسلامی اقدام به اصلاح و تغییر این موافقتنامه کند که این موضوع، با تشریفات مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب موافقتنامه‌های بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی مغایرت دارد.

ب - نظر موافق

- ممکن است بتوان بر اساس صدر ماده (۱۴) که بیان می‌کند «این موافقتنامه فقط با توافق متقابل و مکتوب طرفهای متعاقد قابل تغییر و اصلاح خواهد بود»، ایراد اصل ۷۷ را منتفی دانست؛ زیرا مفاد این عبارت ناظر بر اصلاح موافقتنامه بر مبنای توافق طرفین نیز می‌باشد.

ج - تصمیم شورا

ماده (۱۴)، با رأی موافق، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

ماده (۱۴) مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

تذکر: در ماده (۹)، تاریخ هجری شمسی ظاهراً از قلم افتاده است.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲

ماده واحده - موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا مشتمل بر یک مقدمه و پانزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - اجراء حکم بند (پ) ماده (۱۳) این موافقتنامه در حل و فصل هر نوع اختلاف ناشی از تفسیر یا اجراء آن، مستلزم رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و همچنین حکم ماده (۱۴) در مورد اصلاح موافقتنامه پس از رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجراء خواهد بود.

...

ماده ۹- گواهینامه‌های ملی دریانوردان

طرفهای متعاقد مقررات کنوانسیون شماره ۱۰۸ مربوط به شناسنامه ملی خدمه کشتی‌ها را که در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۸ میلادی در چهل و یکمین دوره اجلاس کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ژنو به تصویب رسیده است را اعمال خواهند نمود.

...

ماده ۱۴- اصلاح موافقتنامه

...

ماده ۱۵- لازم‌الاجراء شدن

...

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۲۰۷ مورخ ۸۷/۸/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۱۴۱ مورخ ۸۷/۱۱/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه سرویسهای هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۲

ماده ۱۱- نرخهای حمل و نقل هوایی

۱- نرخهای مورد اجراء توسط شرکتهای هواپیمایی تعیین شده طرفهای متعاقد در سرویسهای مورد توافق در سطح معقولی خواهد بود که با توجه به کلیه عوامل مربوط از جمله هزینه بهره‌برداری و سود معقول و خصوصیات سرویس و نرخهای شرکتهای هواپیمایی دیگر که در تمام یا قسمتی از همان مسیرها سرویسهای منظم انجام می‌دهند، وضع می‌گردد.

۲- نرخهای موضوع بند (۱) این ماده بر اساس قواعد زیر تعیین می‌گردد:

...

ت - در صورتی که شرکتهای هواپیمایی تعیین شده طرفهای متعاقد نتوانند درباره نرخهای قابل اجراء به توافق برسند یا در صورتی که یک طرف متعاقد شرکت هواپیمایی خود را به منظور انجام سرویسهای مورد توافق تعیین ننموده باشد و یا چنانچه در فاصله سی روز اول از دوره شصت روزه موضوع جزء «پ» این بند، مقامات هواپیمایی یک طرف متعاقد عدم رضایت خود را از هریک از نرخهای توافق شده بین شرکتهای هواپیمایی طرفهای متعاقد طبق جزءهای «الف» و «ب» این بند به مقامات هواپیمایی طرف متعاقد دیگر اعلام دارند، مقامات هواپیمایی طرفهای متعاقد اهتمام خواهند نمود در مورد نرخهای مناسب جهت اجراء به توافق برسند. به طور کلی هیچ نرخ قبل از تصویب مقامات هواپیمایی طرفهای متعاقد به مورد اجراء گذارده نخواهد شد. با وجود این در صورتی که ظرف مدت سی روز فوق‌الذکر، هیچ‌کدام از مقامات هواپیمایی طرفهای متعاقد عدم رضایت خود را نسبت به نرخهای توافق شده بین شرکتهای هواپیمایی تعیین شده اعلام ندارند، نرخهای مزبور تصویب شده تلقی خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- به نظر می‌رسد «تصویب شده تلقی شدن» نرخهای مورد اشاره در ذیل بند(ت) ماده مزبور، پس از مدت زمان در نظر گرفته شده، مغایر با تشریفات مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی، مبنی بر لزوم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیدن موافقتنامه‌های بین‌المللی باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۳- امنیت هوانوردی

۱- طرفهای متعاهد حقوق و تعهداتی را که به موجب حقوق بین‌الملل در قبال یکدیگر درخصوص حفظ امنیت هواپیمایی کشوری در برابر اعمال مداخله‌گرایانه غیرقانونی دارند، مورد تأکید قرار می‌دهند.

طرفهای متعاهد بدون تحدید کلیت حقوق و تعهداتی که به موجب حقوق بین‌الملل به عهده دارند، به‌ویژه طبق مفاد کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما امضاء شده در توکیو به تاریخ ۱۳۴۲/۶/۲۳ هجری شمسی مطابق با ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ میلادی، کنوانسیون راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما امضاء شده در لاهه به تاریخ ۱۳۴۹/۹/۲۵ هجری شمسی مطابق با ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ میلادی و کنوانسیون راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری امضاء شده در مونترال به تاریخ ۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی مطابق با ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی عمل خواهند کرد.

...

الف - نظرات مخالف

- معنای عبارت «بدون تحدید» در بند(۱)، از آنجا که میان دو معنای «تحدید کنوانسیونها» و یا «تحدید طرفها» در تردد است، دارای ابهام است.

- اطلاق عبارت «تعهداتی که به موجب حقوق بین‌الملل به عهده دارند»، از آنجا که مشتمل بر تمام الزاماتی که در رژیم گذشته ایجاد شده است نیز می‌باشد، مغایر با موازین شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۲۰۸ مورخ ۸۷/۸/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ)

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ)» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. سازمان تربیت بدنی دستگاه اجرایی طرف عضویت است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت در مجمع بین‌المللی انرژی مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون (اساسنامه) موجد این بنیاد می‌باشد و از آنجا که متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی در شورای نگهبان را ندارد.
- مشخص نیست که متن مورد اشاره در این ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص این مصوبه، از این حیث نیز امکان‌پذیر نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۹ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت در آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این آژانس (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۳۲۱ مورخ ۸۷/۹/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۹/۲۰

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ)» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. سازمان تربیت بدنی دستگاه اجرایی طرف عضویت است.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۹/۱۶ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۳۲۱ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲ و پیرو نامه شماره ۱۸۵/۴۸۰۲۲ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۶ به پیوست ضمائم لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»]

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه بر اساس اصل ۸۰ قانون اساسی تمامی وامها و کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت، باید به تصویب مجلس برسد، می‌بایست جزئیات مساعدت و کمک دولت به این مجمع، به تصویب مجلس برسد، نه اینکه اجازه کلی به دولت داده شود، تا به هر نحو، اقدام نماید. بر این اساس، اطلاق عبارت «کمک» که شامل وام و کمک مالی بلاعوض نیز می‌شود، مغایر با قانون اساسی است.

- مشخص نیست متنی که از سوی مجلس به شورای نگهبان ارسال شده است، به تصویب مجلس رسیده است یا خیر؛ چرا که ضمائم ارسالی در اوراق رسمی مجلس شورای اسلامی چاپ نشده و به امضاء رئیس مجلس نیز نرسیده است. به همین دلیل، نمی‌توان این اساسنامه را مصوبه مجلس تلقی کرد و اظهارنظر در مورد آن ممکن نیست.

- مستفاد از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، آنچه که باید به تصویب مجلس برسد،

متن و محتوای معاهده و موافقتنامه است، و نه صرف اجازه الحاق دولت به آن. به همین دلیل، متن ارسالی به لحاظ عدم رعایت تشریفات تصویب مقرر در اصول مزبور، مغایر با قانون اساسی است.

- تصویب کلی یک لایحه، بدون ورود در جزئیات، مصوبه مجلس تلقی نمی‌شود و از این نظر، شورای نگهبان قادر به اظهارنظر درباره آن نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

۱- ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

۲- ماده واحده، با ۷ رأی، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه طبق اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

لازم به تذکر است چون ضمیمه ارسالی لایحه در اوراق غیر رسمی و بدون تعیین مواد و تبصره‌های مصوب و فاقد امضاء می‌باشد، ضروری است ماده واحده و متن کنوانسیون و ضmann آن به صورت رسمی تنظیم و در انتهای آن مراتب تصویب در مجلس با تعداد مواد ذکر گردد.

همان‌گونه که در نامه قبلی شورای نگهبان آمده است، اساسنامه موجد این آژانس باید به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی برسد و آنچه که ارسال شده است به عنوان ضمیمه ماده واحده است و مشخص نیست که به تصویب مجلس محترم رسیده است یا خیر؟ از این جهت ابهام دارد و لازم است متن مصوب مجلس به صورت رسمی برای این شورا ارسال گردد تا اظهارنظر ممکن شود.

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون مربوطه (فرهنگی) مجلس در حال بررسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۴ مورخ ۸۷/۹/۲۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح مواد (۳۵) و (۵۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۱۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۸/۲۹ و ۱۳۸۷/۹/۶

- ماده ۱- سه تبصره به شرح زیر به ماده (۳۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ الحاق می‌گردد:
- تبصره ۱- انتخاب شوندگان علاوه بر شرایط فوق و دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و یا معادل حوزوی آن، باید موقع ثبت نام سابقه تصدی حداقل یکی از مناصب زیر را داشته باشند:
- الف - رئیس‌جمهور و معاونین وی.
- ب - نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان منصوب مقام معظم رهبری در نهادها و استانها.
- ج - رئیس قوه قضائیه و معاونین وی و رؤسای دیوان عالی کشور، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان قضائی نیروهای مسلح و دادستان کل کشور.
- د - اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر آن و اعضاء شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیر آن.
- ه - اعضاء شورای نگهبان (فقهاء و حقوقدانان).
- و - وزراء.
- ز - امراء، سرداران و فرماندهان عالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.
- ح - رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- ط - رؤسای سازمانها و نهادهای کشور، سفرا، استانداران و شهرداران کلان شهرها.
- ی - مدرسین سطوح عالی حوزه‌های علمیه و اعضاء هیأت علمی دانشگاهها با مدارک علمی استادیاری و بالاتر.
- ک - رؤسا، دبیران کل و قائم مقام آنان و دبیران سیاسی احزاب و جمعیت‌های سیاسی رسمی در سطح ملی و مدیران مسوول و سردبیران روزنامه‌های کثیرالانتشار.

- ل - حقوقدانان و وکلاء پایه یک با ده سال سابقه کار و مدیران غیردولتی در حوزه‌های صنعتی، اقتصادی و فرهنگی در سطوح ملی.
- تبصره ۲- احراز شرایط انتخاب شونده‌گان از جمله رجل مذهبی و سیاسی بودن بر عهده شورای نگهبان است.
- تبصره ۳- دارندگان سن کمتر از چهل سال و بالاتر از هفتاد و پنج سال نمی‌توانند نامزد شوند.

الف - نظرات مخالف

- شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، حصری است و امکان توسعه و تضییق آن از طریق قانونگذاری وجود ندارد. از منظر قانونگذار قانون اساسی، شرایط ریاست جمهوری بسیار حساس بوده و همه این شرایط را در اصل ۱۱۵ ذکر کرده است تا خارج از آن شرطی مشخص نشود.

- با توجه به اینکه در قانون اساسی، از یک سو در اصل ۱۱۵ شرایطی را برای احراز پست ریاست جمهوری بیان کرده است و از سوی دیگر، در بند (۹) اصل ۱۱۰ در مقام بیان نحوه و مرجع صالح برای احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری، صریحاً بیان کرده که احراز «شرایطی که در این قانون می‌آید» به عهده شورای نگهبان است، مشخص می‌شود که قانونگذار اساسی شرایط نامزدی ریاست جمهوری را منحصر به قانون اساسی اعلام کرده است.

- با عنایت به عبارت اصل ۱۱۶ قانون اساسی که بیان می‌کند «نحوه برگزاری انتخاب رئیس‌جمهوری را قانون معین می‌کند»، قانونگذار اساسی صرفاً نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را قابل تقنین توسط قانونگذار عادی اعلام کرده است و هیچ اشاره‌ای به امکان قانونگذاری عادی در خصوص شرایط انتخاب شونده‌گان نکرده، که سکوت در مقام بیان تلقی می‌شود. قرینه مؤید این استدلال، نحوه نگارش اصل ۶۲ قانون اساسی در خصوص انتخاب نمایندگان مجلس و حیطه امکان قانونگذاری عادی در این خصوص است که بیان می‌کند «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد».

- به قرینه اصل ۶۲ که شرایط انتخاب شونده‌گان را به قانون عادی ارجاع داده است، عدم ارجاع در اصل ۱۱۵ افاده حصر می‌کند و قانونگذار عادی حق ورود در تعیین شرایط جدید

برای انتخابات ریاست جمهوری را ندارد. مجلس حتی در مقام تعیین مصداق و تبیین شرایط و جعل ضابطه نیز حق ورود به تبیین این شرایط را ندارد؛ چه آنکه در این صورت، مجلس شورای اسلامی در جایگاهی که قانون اساسی به شورای نگهبان در مقام احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری اعطاء کرده، قرار گرفته است.

- مباحث مطرح در مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی در ذیل اصل ۱۱۵ قانون اساسی، قرینه دیگری مبنی بر حصر شرایط مندرج در اصل مزبور برای احراز پست ریاست جمهوری دارد؛ چه آنکه در ابتدای بررسی این اصل، شرایط بسیار کمتری برای ریاست جمهوری مقرر شده بود که نمایندگان با ناکافی دانستن این شرایط، مورد به مورد اقدام به اضافه کردن شرایط جدید نمودند.

- راه حل جلوگیری از ثبت نام بی رویه کاندیدها و مشکلات اجرایی ناشی از آن، تعیین سازوکار مناسب در تعامل میان شورای نگهبان با وزارت کشور است تا با اتخاذ تدابیر مناسب از ثبت نام افراد غیر واجد صلاحیت خودداری کنند.

- صدر تبصره (۱) ماده (۱) مصوب مجلس تصریح دارد که «علاوه بر شرایط فوق»، شرایط دیگری نیز اضافه می شود و صراحتاً بیان کرده که مجلس درصدد توسعه شرایط ریاست جمهوری مندرج در اصل ۱۱۵ است. لذا اساساً بحث از اینکه این مصوبه، درصدد تبیین و جعل ضابطه برای همان شرایط مقرر در اصل ۱۱۵ است، جایگاهی ندارد.

- تعیین شرط مدرک تحصیلی در تغایر صریح با اصل ۱۱۵ است؛ چرا که مدرک تحصیلی، نشانه تدبیر و مدیریت نیست. ضمن اینکه، چنانچه این اختیار به مجلس داده شود که شرط مدرک تحصیلی را برای نامزدی ریاست جمهوری قرار دهد، به طور ضمنی مجلس محق خواهد بود تا در آینده، سطح مدرک را نیز تغییر دهد و به عنوان مثال صرفاً مدرک دکتری را قابل قبول اعلام کند و یا داشتن مدرک در چند رشته خاص را شرط کند.

- محدود کردن دایره افراد واجد صلاحیت برای کاندیداتوری پست ریاست جمهوری به مناصبی که در تبصره (۱) الحاقی شمارش شده اند، و نیز تعیین محدوده سن مجاز برای آنها در تبصره (۳)، موجب تبعیض ناروا میان افراد ملت و محروم کردن بسیاری از افراد واجد صلاحیت می شود و به همین دلیل مغایر بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است.

- بر اساس اصل ۶ قانون اساسی، چهار نوع انتخابات در کشور وجود دارد: مجلس شورای اسلامی، شوراها، خبرگان رهبری و ریاست جمهوری. در سه مورد اول، به تصریح

در قانون اساسی (اصول ۶۲، ۱۰۰ و ۱۰۸) بیان کرده که شرایط انتخاب شوندگان را قانون عادی معین می‌کند، ولی در هیچ اصلی به امکان وضع قانون برای شرایط انتخاب‌شوندگان ریاست جمهوری اشاره نشده که این موضوع، قرینه روشنی بر افاده حصر شرایط برشمرده شده در اصل ۱۱۵ و در مقام بیان بودن قانونگذار اساسی است.

- رویه پیشین شورای نگهبان در نظرات گذشته خود (سالهای ۱۳۶۰^(۱)، ۱۳۶۴^(۲) و ۱۳۷۸^(۳)) در موارد مشابه، هر گونه توسعه و تضييق نسبت به موارد مصرح در اصل ۱۱۵ را نپذیرفته است.

- شورای نگهبان می‌تواند برای حل مشکل موجود در ثبت نام گسترده اقشار مختلف برای نامزدی ریاست جمهوری، آیین نامه داخلی به تصویب برساند و نظارت خود بر شرایط نامزدها را قاعده‌مند نماید، بدون آنکه اجازه تقنین را در این زمینه به مجلس شورای اسلامی اعطا کند.

ب - نظرات موافق

- عبارت مندرج در بند (۹) اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر نحوه و مرجع صالح برای احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری، به هیچ وجه مفهوم مخالف ندارد و از آن فهمیده نمی‌شود که قانونگذار عادی، هیچ شرط دیگری علاوه بر شرایط مقرر در اصل ۱۱۵ (مانند شرط سنی یا شرط مدرک) نمی‌تواند مقرر کند. آنچه از مجموع عبارت

۱. نظریه شماره ۲۹۰۷ مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵ شورای نگهبان، در خصوص «لایحه انتخاب رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران»: «بند ۷ ماده ۱۰ لایحه مزبور که از جمله شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را داشتن حداقل ۳۰ سال سن قرار داده است با توجه به اینکه اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مقام بیان شرایط ریاست‌جمهور شرایط را احصاء کرده و نصاب سنی تعیین نشده است و بند ۴ اصل ۱۱۰ نیز تأیید صلاحیت داوطلبان را از نظر دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی آمده به عهده شورای نگهبان گذاشته است به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مغایر قانون اساسی می‌باشد. ...»

۲. نظریه شماره ۳۶۸۱ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۵ شورای نگهبان، در خصوص «لایحه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران»: «... در بند ۷ و ۸ و ۹ ماده ۳۵ و نیز بندهای ۱ تا ۹ ماده ۳۷ هر چند بعضی شرایط و علل محرومیت به شرایطی مثل حسن سابقه و امانت و تقوی مرتبط می‌باشد، لکن علاوه کردن شرایط یا در نظر گرفتن موانع در کنار شرایط مطرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با اصل مذکور مغایرت دارد. ...»

۳. نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۱۷۳ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸ شورای نگهبان، در خصوص «طرح لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف»: «... اطلاق ماده واحده و تبصره ۱ آن نسبت به شرایط اثباتی داوطلبان که لامحاله احراز آن لازم است و الزام مراجع رسیدگی کننده به ارائه مستند و دلیل رد صلاحیت خلاف قانون اساسی، به خصوص اصل ۱۱۵ و مدلول التزامی اصل ۶۲ شناخته شد. ...»

مندرج در بند (۹) اصل ۱۱۰ به قرینه اصل ۱۱۵ استنباط می‌شود آن است که شرطی برخلاف شرایط مقرر در اصل ۱۱۵ قابل وضع نیست و شورای نگهبان نیز می‌بایست تحقق این شرایط را در کاندیداها مورد بررسی قرار دهد.

- در اصل ۱۱۵ فقط شرایط لازم بیان شده است و اشتراط شرایط دیگر برای تصدی ریاست جمهوری قابل تصور است و قانونگذار می‌تواند علاوه بر آن شرایط حداقلی موجود در اصل، شرایط دیگری نیز اضافه کند.

- بسیاری از شرایطی که در تبصره بیان شده است، نه توسعه اصل ۱۱۵ است و نه تضییق آن، بلکه صرفاً بیان مصادیق شرایط مندرج در اصل ۱۱۵، وضع معیار، بیان حدود و تبیین همان شرایط مندرج در اصل است. در تبصره (۱) معیار خوبی برای احراز شرط مدیر و مدبر بودن بیان شده است و موجب می‌شود شورای نگهبان در احراز این خصوصیت به این معیارها استناد کند.

- تعیین این شرایط، مانع از ثبت نام بسیاری از افراد غیر ذیصلاح می‌شود و از بازتاب منفی نامزدی برخی افراد معمولی جلوگیری می‌کند.

ج - تصمیم شورا

۱- تبصره (۱) و (۳) ماده (۱)، با ۱۰ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

۲- تبصره (۱) ماده (۱)، با ۷ رأی موافق، مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

همانطور که در نظریه‌های شماره‌های ۲۹۰۷ مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵ و ۳۶۸۱ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۵ و ۷۸/۲۱/۵۱۷۳ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸ این شورا آمده، با توجه به اینکه اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مقام بیان شرایط رئیس‌جمهور آن را احصاء کرده و تبصره‌های (۱) و (۳) ماده (۱) شرایط مذکور را تضییق یا توسعه داده است و بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز تأیید صلاحیت داوطلبان را از نظر دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی آمده به عهده شورای نگهبان محول نموده است، بنابراین تبصره‌های مزبور مغایر اصول فوق‌الذکر تشخیص داده شد. علاوه بر این، تبصره (۱) نسبت به کسانی که در حد اشخاص مذکور در مصوبه یا بالاتر از آنانند در مواردی تبعیض ناروا و مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۱ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۱۲/۴ نسبت به مصوبه خویش، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱)

مصوبه مذکور در حال بررسی در مجمع بوده و هنوز نظری در این خصوص ارائه نشده است.

۱. طی نامه شماره ۲۲۶/۷۰۷۶۵ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

لایحه اصلاح تبصره (۴) لایحه قانونی اصلاح مقررات مربوط به
تحصیل افسران و همافران و درجه‌داران و محصلین در
نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۸

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۹/۶

ماده واحده - تبصره (۴) لایحه قانونی اصلاح مقررات مربوط به تحصیل افسران و همافران و درجه‌داران و محصلین در نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۶ - به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

«تبصره ۱ - چنانچه میزان هزینه تحصیلی یا باقیمانده آن دو میلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال و یا کمتر باشد و اقامتگاه بدهکار مشخص نبوده و دسترسی به ایشان و اموال آنان میسر نگردد و یا پیگیری آن به صرفه نباشد، پرونده با موافقت بالاترین مقام سازمان مربوط (حسب مورد رئیس کل نیروهای مسلح، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و فرمانده نیروی انتظامی) بایگانی و تعقیب موضوع متفی می‌شود. مبلغ یاد شده با پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و تصویب هیأت وزیران قابل اصلاح خواهد بود».

الف - نظر مخالف

- اختیار واگذار شده به هیأت وزیران در خصوص تغییر مبلغ مورد اشاره در قسمت انتهایی تبصره، واجد ماهیتی تقنینی است که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، منحصرأ در اختیار مجلس شورای اسلامی می‌باشد. بنابراین، واگذاری آن به هیأت وزیران، مغایر با اصل یاد شده می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- به نظر می‌رسد این مصوبه هیچ ارتباطی با اصل ۸۵ قانون اساسی ندارد، بلکه این مصوبه در صدد اعطای اجازه اسقاط حق اقامه دعوا در محاکم است. این موارد نیز مربوط به

موقعی است که هزینه اقامه دعوا از هزینه مورد مطالبه بیشتر است. بنابراین، موضوع این ماده ارتباط بیشتری با مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی راجع به صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی دارد که وفق اصل یاد شده، اجازه صلح چنین دعاوی به تصویب هیئت وزیران واگذار شده است. البته قسمت انتهایی اصل ۱۳۹ در موقعی که طرف دعوا خارجی باشد یا در موارد مهم داخلی، تصویب مجلس شورای اسلامی را نیز لازم دانسته است که مسلماً دعاوی موضوع این مصوبه، ناظر بر مطالبات جزئی (تا سقف دو میلیون ریال)، مشمول موارد مهم داخلی مصرح در این اصل نخواهد بود.

– با توجه به قیود مندرج در مصوبه (عدم دسترسی به بدهکاران یا اموال آنان و عدم صرفه اقتصادی)، اساساً هیچ نیازی به قانون و مصوبه مجلس نیست؛ زیرا در مقام عمل، اگر چیزی میسور و ممکن نباشد، بود و نبود قانون تأثیری بر آن نخواهد داشت.

ج – تصمیم شورا

قسمت انتهایی مصوبه، با رأی موافق، خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

عبارت ذیل ماده واحده مبنی بر اینکه «مبلغ یاد شده با پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و تصویب هیأت وزیران قابل اصلاح خواهد بود»، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۳/۲۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۴/۲

ماده واحده – تبصره (۴) لایحه قانونی اصلاح مقررات مربوط به تحصیل افسران و همافران و درجه داران و محصلین در نیروهای مسلح – مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۶ – به شرح زیر اصلاح می گردد:

«تبصره ۴ – چنانچه میزان هزینه تحصیلی یا باقیمانده آن دو میلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال و یا کمتر باشد و اقامتگاه بدهکار مشخص نبوده و دسترسی

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۳۹۶ مورخ ۸۷/۹/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

به ایشان و اموال آنان میسر نگردد و یا پیگیری آن به صرفه نباشد، پرونده با موافقت بالاترین مقام سازمان مربوط (حسب مورد رئیس کل نیروهای مسلح، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و فرمانده نیروی انتظامی) بایگانی و تعقیب موضوع منتفی می‌شود.»

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۳۴۲۵ مورخ ۸۸/۴/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح تفسیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۹/۲۰

ماده واحده - آیا تشخیص مغایرت بین آراء مورد اعتراض با شرع توسط رئیس قوه قضائیه به معنای قبول و تجویز اعاده دادرسی محسوب و کلیه شعب مرجوع الیه (دادگاههای عمومی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و نظامی) مکلف به رسیدگی ماهوی به موضوع و انشاء رأی می‌باشند یا خیر؟
نظر مجلس:

تشخیص رئیس قوه قضائیه به معنای تجویز اعاده دادرسی است و پرونده در مورد آرائی که در سابق از شعب تشخیص صادر گردیده به شعب دیوان عالی کشور و در سایر موارد به مرجع صالح جهت رسیدگی ماهوی و صدور رأی مقتضی ارجاع می‌گردد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به مراد استفساریه که در مقام بیان مقصود قانونگذار از ماده (۱۸) بوده است و می‌خواسته بیان کند که تشخیص رئیس قوه قضائیه در جهت مغایرت آراء با شرع، تشخیصی ماهوی و دارای اصالت است که بنابراین، شعب مرجوع الیه، مکلف به قبول این تشخیص و رسیدگی مجدد بر اساس آن هستند، لذا نحوه استفسار و جواب ارائه شده توسط مجلس، چندان رسا نیست و می‌بایست این اشکال در قالب تذکری به مجلس، ارائه شود. اشکال هم این است که در استفسار از عبارات «قبول و تجویز اعاده دادرسی» و سپس عبارت «مکلف به رسیدگی» استفاده شده است، اما در پاسخ استفساریه، عبارت «مکلف» ذکر نشده و فقط لفظ «تجویز» آمده است که باعث عدم تصریح به مراد مقنن و باقی ماندن شبهه می‌شود.

- هر چند قرینه لئی بر مراد قانونگذار از به‌کارگیری واژه «تجویز» ناظر بر «لزوم و وجوب» اعاده دادرسی توسط محاکم است، اما احتیاط حکم می‌کند که با تصریح به این تکلیف و لزوم، هرگونه برداشت خلاف را از بین برد.

- به نظر می‌رسد الزام دادگاههای مرجوع الیه به رسیدگی مجدد در کلیه پرونده‌هایی که رئیس قوه قضائیه، آرای صادر شده در آنها را خلاف بین شرع می‌داند، از آنجا که هم شامل پرونده‌های ناظر بر حق‌الناس و هم حق‌الناس می‌شود، صحیح نباشد؛ زیرا در پرونده‌هایی که موضوع آنها حق‌الناس است، رسیدگی قضایی منوط به درخواست مدعی است. بنابراین، اطلاق الزام و تکلیف به رسیدگی در این خصوص برای دادگاهها، به صرف تشخیص خلاف بین شرع بودن حکم صادر شده توسط رئیس قوه قضائیه و بدون مشروط کردن رسیدگی مجدد به درخواست مدعی صحیح به نظر نمی‌رسد.

- اطلاق الزام مندرج در این استفساریه مبنی بر لزوم رسیدگی مجدد کلیه دادگاههای مرجوع الیه به پرونده‌ای که رئیس قوه قضائیه، رأی صادر شده در آن را خلاف بین شرع تشخیص داده است، از آنجا که شامل کلیه دادگاهها و از جمله دادگاه صادر کننده رأی ابتدایی می‌شود، اشکال دارد؛ زیرا قاضی صادر کننده رأی، بر طبق نظر خودش حکم کرده است و نمی‌توان او را ملزم به تجدیدنظر در رأی یقینی خویش کرد، مگر آنکه خودش یک نقصی در حکم خویش ببیند.

ب - نظرات موافق

- با توجه به بیان مقررات مربوط به اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی و «الزامی بودن» انجام آن بر اساس ضوابط مقرر پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی، روشن است که به‌کارگیری واژه «تجویز» در این استفساریه، به معنای «اختیار» نیست، بلکه به معنای «لزوم و تکلیف» است.

- مشروط کردن رسیدگی مجدد در پرونده‌هایی که موضوع آنها حق‌الناس است به درخواست مدعی، ریشه در یک اختلاف مبنایی دارد. بر این اساس، کسانی که ولایت قاضی را به عنوان شعبه‌ای از ولایت فقیه نمی‌پذیرند، چنین استدلال می‌نمایند و رسیدگی قضایی را در تمام مراحل منوط به اجازه ذی‌حق می‌دانند. در مقابل، ما معتقدیم در حق‌الناس نیز، نیاز به اجازه مدعی و شاکی خصوصی، تنها در مرحله ابتدایی طرح دعوی لازم است و بنابراین، همین که مدعی و شاکی اقدام به طرح دعوا در دادگاه نمود، پس از استماع دعوا در دادگاه، ادامه رسیدگی و صدور حکم و ... در اختیار کامل قاضی است و نیازی به کسب اجازه مجدد از مدعی در مراحل بعدی نیست. بنابراین، در سایر مراحل، تنها انصراف مدعی از ادامه رسیدگی و اسقاط حق خویش، می‌تواند رسیدگی را متوقف کند

و در غیر این صورت، نیازی به کسب اجازه مجدد و متوالی از وی برای ادامه رسیدگی قضایی نیست.

- در خصوص شبهه مطرح شده در خصوص الزام به رسیدگی در پرونده‌های حق‌الناس، بدون مشروط شدن این رسیدگی به درخواست مدعی، دو نکته قابل ذکر است: اولاً رسیدگی رئیس قوه قضائیه به این پرونده‌ها معمولاً با درخواست ذی‌حق انجام می‌شود و به صورت ابتدایی صورت نمی‌گیرد. ثانیاً پس از تشخیص رئیس قوه قضائیه و نقض رأی صادر شده، شکایت ابتدایی طرف اول، همچنان به قوت خود باقی است و نیاز به رسیدگی دارد، مگر آنکه دلیلی بر انصراف از ادامه رسیدگی و شکایت، وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، اعاده دادرسی، طرح دعوای مجدد نیست، بلکه ادامه رسیدگی به شکایت ابتدایی است.

- الزام مندرج در استفساریه نسبت به لزوم رسیدگی کلیه دادگاههای مرجوع الیه، اولاً شامل قاضی صادر کننده رأی ابتدایی نمی‌شود تا وی ملزم به صدور رأی بر خلاف نظر یقینی خویش باشد. ثانیاً با توجه به اینکه قضات فعلی دادگستری، قضات شرعی نیستند که صاحب اختیار کامل باشند، بلکه قضات منصوب هستند که حق قضایی آنها در چارچوب مقررات و قوانین تعریف شده است، لذا می‌توان در قوانین و مقررات، احکام صادر شده از آنها را محدود کرد و قواعدی برای آنها در نظر گرفت؛ از جمله این محدودیتها، همین ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و استفساریه مربوط به آن است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۲ مورخ ۸۷/۹/۲۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور و قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶ (طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶)

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۹/۲۰

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور ملغی‌الاثرب و ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

«ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و متراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، سطح زیربنا و سایر شاخصهای ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاههای ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در هر صورت نرخ حق بیمه با توجه به شاخصهای مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.»

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که در قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶ بر لزوم بیمه کارگران ساختمانی تأکید شده است و از سوی دیگر، بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷، اجرای قانون مزبور را در سال ۱۳۸۷ لازم‌الاجراء ندانسته بود، به نظر می‌رسد مصوبه اخیر مجلس درصدد بازگشت به اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران

ساختمانی در سال ۱۳۸۷ و لغو بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ است. بدین لحاظ، با توجه به اینکه دولت و وزارتخانه‌های دولتی نیز برای انجام کارهای ساختمانی خود، مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و الزام مندرج در آن می‌شوند و از سوی دیگر، در قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، پیش‌بینی شده که بخشی از سهم بیمه تأمین اجتماعی کلیه کارگران ساختمانی را نیز دولت پردازد، لذا از هر دو جهت مزبور، این طرح مصوب مجلس، منجر به افزایش هزینه عمومی و ایجاد بار مالی برای دولت می‌شود، بدون آنکه طریق تأمین این هزینه در مصوبه معلوم شده باشد. بنابراین، این مصوبه مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان^(۱) از اصل ۵۲ قانون اساسی مبنی بر اینکه «بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی مربوط - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه - می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد»، مصوبه مزبور که به صورت طرح تقدیم مجلس شده است، وجاهت قانونی ندارد؛ زیرا این مصوبه، مربوط به اصلاح قانون بودجه است که می‌بایست به صورت لایحه به مجلس بیاید و مورد بررسی قرار گیرد. از این لحاظ، این مصوبه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی و نظریه تفسیری شورای نگهبان راجع به این اصل است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

مصوبه مزبور، به اتفاق آراء حاضرین (۱۱ رأی)، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی و نظریه تفسیری شورای نگهبان در این خصوص شناخته شد.

۱. نظریه تفسیری شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ شورای نگهبان:

«نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۵۲ قانون اساسی این است که:

۱- بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی مربوط - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه - می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد.
۲- در مورد امکان تغییر در ارقام بودجه از طریق طرحی که نمایندگان محترم تقدیم مجلس می‌کنند شورای نگهبان به رأی نرسید.»

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ شورای نگهبان از این اصل، چون اصلاحات بعدی مربوط به بودجه سالانه کل کشور نیز باید به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد و اصلاحیه مذکور در خصوص حذف بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور به صورت طرح تقدیم مجلس محترم گردیده است، فلذا مخالف این اصل شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

عنوان طرح به شرح زیر اصلاح شد:

«طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶»

ماده واحده - ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب

۱۳۸۶/۸/۹ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

«ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملات اموال و تراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، سطح زیربنا و سایر شاخصهای ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاههای ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در هر صورت، نرخ حق بیمه با توجه به شاخصهای مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.»

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۳ مورخ ۸۷/۹/۲۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مذکور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۹۹ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در کنسرسیوم بین‌المللی زمین‌لغزش

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۸/۱۹

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۹/۲۰

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به عضویت مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در کنسرسیوم بین‌المللی زمین‌لغزش اقدام نماید. تغییر دستگاه طرف عضویت با هیأت وزیران است.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه تصویب عضویت مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در کنسرسیوم بین‌المللی زمین‌لغزش، مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون یا اساسنامه موجد این مرکز می‌باشد، ولی متن مزبور به ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، این مصوبه قابلیت بررسی و اظهارنظر در شورای نگهبان را ندارد.

- مشخص نیست مقصود از عبارت «تغییر دستگاه طرف عضویت با هیأت وزیران است» به چه معنا است؟ آیا مقصود از این عبارت این است که دولت می‌تواند به جای «مرکز تحقیقات ساختمان»، دستگاه دیگری را عضو کنسرسیوم بین‌المللی زمین‌لغزش کند؟ به نظر می‌رسد که این برداشت، مقصود نباشد؛ زیرا چنین چیزی معنی ندارد. از طرف دیگر، اگر تعیین و تغییر طرف عضویت در قرارداد بین‌المللی تأثیر داشته باشد، می‌بایست این تغییر به تصویب مجلس برسد؛ زیرا مقصود از لزوم تصویب قراردادهای بین‌المللی در مجلس، تصویب ارکان قرارداد است. بنابراین، ابهام مندرج در ذیل ماده واحده و اینکه آیا تغییر طرف عضویت، جزء ارکان قرارداد است یا خیر، باید روشن گردد تا بتوان نسبت به آن اظهارنظر کرد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده واحده، با ۷ رأی موافق، غیر قابل اظهارنظر شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه تصویب عضویت مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در کنسرسیوم بین‌المللی زمین‌لغزش، مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این کنسرسیوم (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد.

ضمناً جهت جلوگیری از اطاله امور در خصوص اقدامات بعدی، نظر مبارک را به نظریات ابراز شده توسط این شورا در موارد مشابه از جمله نظریه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ جلب می‌نماید.^(۲)

آخرین وضعیت مصوبه

* لایحه مذکور در کمیسیون اصلی (عمران) مسکوت مانده است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۶ مورخ ۸۷/۹/۲۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. نظریه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۲ مورخ ۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان در خصوص «لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن فرهنگستان‌های علوم آسیا».

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی و پروتکل پیوست آن در خصوص مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهاى ثابت واقع در فلات قاره

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی و پروتکل پیوست آن در خصوص مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهاى ثابت واقع در فلات قاره مورخ ۱۰ مارس ۱۹۸۸ میلادی برابر با ۱۳۶۶/۱۲/۱۹ هجری شمسی (به شرح پیوست)، با اعلام شروط مندرج در تبصره‌های (۱) و (۲) زیر ملحق گردد و سند الحاق را نزد امین کنوانسیون، دبیر کل سازمان ملل متحد، تودیع نماید: ...

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه از یک سو، در مقدمه کنوانسیون مزبور با عبارت «کشورهای عضو این کنوانسیون ... با شناسایی حق کلیه افراد در مورد برخورداری از زندگی و آزادی و امنیت شخصی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ...»، اعلامیه جهانی حقوق بشر را از حیث آزادی تأیید کرده است و از سوی دیگر، برخی از مفاد اعلامیه مزبور، قطعاً خلاف شرع است، بنابراین تصویب این کنوانسیون به معنای تأیید این مقدمه و به تبع آن، تأیید موارد خلاف شرع مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهد بود.

ب - نظر موافق

- مقدمه کنوانسیون، جزء متن قرارداد نیست و بیشتر جنبه تبیین و تعارف دارد، لذا مخالفتی با شرع از این جهت نخواهد داشت.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۱۱ مورخ ۸۷/۱۰/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۲
هجری شمسی برابر با ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی مشتمل بر پنجاه ماده به شرح
پیوست تصویب می‌گردد و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه تودیع اسناد
تصویب آن با رعایت تبصره‌های زیر داده می‌شود:

...

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

...

ماده ۳۰- مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریح، فراغت و ورزش
۱- دولت‌های عضو، حق افراد دارای معلولیت در جهت مشارکت در زندگی
فرهنگی بر مبنای برابر با سایرین را به رسمیت می‌شناسند و تمامی تدابیر مناسب
را اتخاذ خواهند

نمود تا تضمین نمایند که افراد دارای معلولیت:

(الف) از دسترسی به اقلام فرهنگی به صورت قابل دسترس برخوردار
می‌گردند؛

(ب) از دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و سایر فعالیتهای
فرهنگی به صورت قابل دسترس برخوردار می‌گردند؛

(پ) از دسترسی به اماکن اجراء برنامه‌ها یا خدمات فرهنگی نظیر تئاتر،
موزه، سینما، کتابخانه و خدمات گردشگری برخوردار می‌گردند و تا سرحد
امکان از دسترسی به یادمانها و اماکنی که از نظر ملی - فرهنگی حائز اهمیت
می‌باشند، برخوردار می‌گردند.

۲- ...

الف - نظر مخالف

- به نظر می‌رسد اطلاق حکم مندرج در بند (ب)، به نحوی است که ممکن است
شامل موارد خلاف شرع و ارزشها گردد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۱۰ مورخ ۸۷/۱۰/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه توافقنامه جامع همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بولیوی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - توافقنامه جامع همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و
جمهوری بولیوی مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده به شرح پیوست تصویب و
اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

...

ماده ۱-

۱- دو طرف بر تعهد خود مبنی بر چندجانبه‌گرایی در چهارچوب رعایت
کامل قوانین و اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد به ویژه اصول
برابری دولتها، پرهیز از توسل به تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و
یا استقلال سیاسی دیگر دولتها، استقلال، عدم دخالت در مسائل داخلی دیگر
کشورها و همچنین به رسمیت شناختن حقوق دیگر ملتها برای تدوین و تعیین
مدل توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود تأکید می‌نمایند.

۲- در راستای تغییرات مثبتی که در دنیا با روی کار آمدن نظام‌های سیاسی
مخالف نئولیبرالیسم ایجاد شده، دو طرف با هدف ترویج سیاستهای اجتماعی،
همکاری و همگرایی مبتنی بر دفاع از منافع ملی خود در برابر اهداف
برتری‌طلبی، مساعی مشترک خویش را به کار می‌بندند.

۳- ...

الف - نظر مخالف

- واژه نئولیبرالیسم در بند (۲) ماده (۱) از آن‌جا که واژه‌ای بیگانه و غیرفارسی است،
در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم به‌کارگیری زبان فارسی در اسناد و
مکاتبات رسمی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۰۶ مورخ ۸۷/۱۰/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو اکو و پروتکل اصلاحی آن

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - موافقتنامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو اکو مشتمل بر یک مقدمه و هفده ماده و پروتکل اصلاحی آن به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- ارجاع اختلافات موضوع مواد (۹) و (۱۰) موافقتنامه به داوری توسط دولت جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت قوانین و مقررات مربوط است.

تبصره ۲- اصلاحیه‌های موضوع ماده (۱۳) موافقتنامه در مورد دولت جمهوری اسلامی ایران پس از سیر مراحل قانونگذاری لازم‌الاجراء خواهد شد.

...

الف - نظرات مخالف

- با عنایت به اینکه در ماده (۱۷)^(۱) این موافقتنامه، امکان مقید و مشروط کردن آن برای اعضای پذیرفته نشده است، شرط مذکور در تبصره (۱) ماده واحده، فاقد اثر حقوقی می‌باشد. لذا برخلاف سایر موافقتنامه‌ها که مجلس شورای اسلامی در خصوص رعایت قانون اساسی یا شرع، حق شرط اعمال می‌نمود و شورای نگهبان چنین حق شرطی را رافع ایراد شرعی یا قانون اساسی می‌دانست، در این موافقتنامه با وجود ماده (۱۷)،

۱. ماده ۱۷- مقررات متفرقه:

۱- این موافقتنامه نمی‌تواند با در نظر گرفتن قید تحدید تعهد به امضاء برسد و قیود تحدید تعهد به هنگام تصویب پذیرفته نخواهد شد.

۲- این موافقتنامه نزد دبیر کل تودیع خواهد شد و دبیر کل سریعاً رونوشت مصدق آن را برای هر طرف متعاقد ارسال خواهد نمود.

۳- هر طرف متعاقد سند تصویب خود را نزد دبیر کل تودیع خواهد نمود و دبیر کل سریعاً هر طرف متعاقد را از این تودیع مطلع خواهد نمود.

امکان اعمال حق شرط وجود نداشته و لذا در خصوص موارد اختلافی که منجر به ارجاع به داوری می‌گردد، تشریفات مد نظر قانون اساسی رعایت نخواهد شد. از این حیث، این لایحه مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌باشد.

- از آن‌جا که در موارد اختلاف مطروحه در ماده (۱۰)^(۱) این موافقتنامه امر برای رفع اختلاف باید به داوری ارجاع شده و طرفین داور خود را معرفی نمایند و رعایت تشریفات مدنظر قانون اساسی فاقد اثر بوده و موافقت یا مخالفت مجلس شورای اسلامی هیچ تأثیری در ارجاع امر به داوری ندارد و خود به خود، موضوع به داوری ارجاع خواهد شد. لذا تبصره (۱) ماده واحده، رافع مغایرت با اصل ۱۳۹ قانون اساسی نمی‌باشد.

- اصولاً به عنوان یک قاعده کلی در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است که داوری، موضوعی طرفینی است که نیاز به پذیرش هر دو طرف اختلاف دارد؛ چه آنکه تعیین داور نیز از هر دو طرف صورت می‌گیرد. بنابراین، نمی‌توان تفکیکی بین مواردی که دولت ایران، اختلافی را به داوری ارجاع می‌دهد با مواردی که طرف متعاقد دولت ایران، اختلافی را

۱. ماده ۱۰- حل و فصل اختلافات بین طرفهای متعاقد:

۱- کلیه اختلافات میان طرفهای متعاقد در رابطه با تفسیر یا اجراء این موافقتنامه، ابتدا باید از طریق مشاوره دوستانه حل و فصل شود. در صورتی که اختلاف ظرف مدت شش ماه از تاریخ ایجاد آن از طریق مشاوره حل و فصل نشود، هر یک از طرفهای متعاقد می‌تواند، ضمن ارسال اطلاعیه به طرف دیگر، اختلاف را به یک هیأت داوری سه نفره متشکل از دو داور منتخب طرفهای متعاقد و یک سرداور ارجاع نماید. در صورت ارجاع اختلاف به داوری، هر یک از طرفهای متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه یک داور را انتخاب خواهد نمود و داوران منتخب طرفهای متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه هر یک از طرفهای متعاقد داور خود را انتخاب ننماید یا داورهای منتخب ظرف مدت یادشده درخصوص سرداور توافق نکنند، هر یک از طرفهای متعاقد می‌تواند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کند حسب مورد داوری را از سوی طرف ممتنع یا سرداور انتخاب نماید. در هر صورت، سرداور باید تبعه کشوری باشد که در زمان داوری با طرفهای اختلاف روابط سیاسی داشته باشد.

۲- در صورت انتصاب سرداور توسط دیوان بین‌المللی دادگستری، اگر رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری از انجام وظیفه مذکور معذور یا اگر او تبعه هر یک از طرفهای متعاقد باشد، انتصاب توسط نایب رئیس دیوان دادگستری بین‌المللی انجام خواهد شد، و اگر او نیز از انجام وظیفه مذکور معذور یا تبعه هر یک از طرفهای متعاقد باشد، انتصاب توسط عضو ارشد دیوان بین‌المللی دادگستری که تبعه هیچ یک از طرفهای متعاقد نباشد انجام خواهد شد.

۳- دیوان با رعایت سایر مواردی که طرفهای متعاقد توافق نموده‌اند، آئین و مکان داوری را تعیین خواهد نمود. در صورت فقدان توافق درخصوص قواعد، قواعد داوری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنستیرال) قواعد حاکم خواهد بود. تصمیمات دیوان برای طرفهای متعاقد الزام‌آور خواهد بود.

به داوری ارجاع می‌دهد قائل شد. بند (۴) ماده (۹)^(۱) نیز تصریح به این موضوع دارد که بدون توافق طرفین اختلاف نمی‌توان به داوری رجوع کرد.

ب - نظرات موافق

- اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از دیکتاتوری و خودرأیی دولت است که بدون اجازه و تنفیذ مجلس و نمایندگان ملت، اقدام به صلح دعوی و ارجاع آنها به داوری ننماید. بنابراین، این اصل، مربوط به سیر قانونگذاری ما و تشریفات داخلی است و برای طرف مورد تعاهد، رعایت یا عدم رعایت تشریفات داخلی اعتبار و اهمیتی ندارد. بر این اساس حتی اگر حق شرط مذکور در تبصره (۱) ماده واحده در موافقتنامه مورد پذیرش قرار نگیرد، باز دولت موظف به رعایت تشریفات اصل مذکور و اطلاع به مجلس شورای اسلامی در موارد ارجاع امر به داوری می‌باشد.

- با دقت در عبارت تبصره (۱) ماده واحده، مشخص می‌شود که این تبصره، مربوط به جایی است که دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد اختلافی را به داوری ارجاع دهد که در این صورت، می‌بایست از مجلس اجازه بگیرد، اما این تبصره، متعرض مواردی که طرف متعاهد ایران بخواهد اختلافی را به داوری ارجاع دهد، نشده است و ربطی به این قسمت ندارد.

ج - تصمیم شورا

تبصره (۱) ماده واحده با توجه به مفاد ماده (۱۷) موافقتنامه، با رأی موافق، مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۲)

با توجه به مفاد ماده (۱۷) موافقتنامه مبنی بر عدم قبول قیود تحدید به هنگام تصویب،

۱. ماده ۹- حل و فصل اختلاف میان یک طرف متعاهد و سرمایه‌گذاران طرف متعاهد دیگر:

۱- ...

۴- هر اختلافی که ابتدا در دادگاههای صالح طرف متعاهدی که در قلمرو آن سرمایه‌گذاری انجام شده است اقامه شود، تا زمانی که در دست رسیدگی است بدون توافق طرفها نمی‌تواند به داوری ارجاع شود، و همچنین در صورتی که منتهی به صدور حکم قطعی شود. ...

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۳۵ مورخ ۸۷/۱۰/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

شرط مذکور در تبصره (۱) ماده واحده از نظر موافقتنامه پذیرفته نیست و لذا مقررات مربوط به داوری در آن، مغایر اصل ۱۳۹ قانون اساسی شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۱۱/۱۶ نسبت به مصوبه خویش، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱)

۱. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی پس از حذف تبصره یک (۱) ماده واحده، مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۱ هجری شمسی برابر ۲ نوامبر ۲۰۰۱ میلادی مشتمل بر (۳۵) ماده و یک ضمیمه به شرح پیوست تصویب می گردد و با توجه به بند (۵) ماده (۲۵) آن به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود با انتخاب روش داوری موضوع جزء (پ) بند (۱) ماده (۲۸۷) کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) میلادی مطابق با (۱۳۶۰) هجری شمسی اسناد تصویب کنوانسیون را تودیع نماید.

تبصره ۱- ارجاع به داوری موضوع ماده واحده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت قوانین مربوط می باشد.

تبصره ۲- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با هماهنگی دستگاههای ذی ربط روش گزارش دهی موضوع جزء (ب) بند (۱) ماده (۹) کنوانسیون را هنگام تودیع اسناد مشخص و اعلام خواهد نمود.

تبصره ۳- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با همکاری وزارت دادگستری درمورد تهیه لایحه توسط قوه قضائیه برای وضع مجازاتهای موضوع ماده (۱۷) کنوانسیون و نیز ضمانت اجراء جلوگیری از ورود غیرقانونی موضوع ماده (۱۴) کنوانسیون پیگیری لازم را معمول خواهد داشت.

...

ماده ۲۹- هر کشور یا سرزمینی می تواند در هنگام تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون اظهارنامه ای را به امین اسناد تسلیم نماید مبنی بر این که این کنوانسیون به بخشهای خاصی از قلمرو آن، آبهای داخلی، آبهای مجمع الجزایری یا آبهای سرزمینی آن قابل اعمال نخواهد بود و در آن دلایل چنین اظهارنامه ای را مشخص خواهد نمود. کشور مزبور تا حدی که عملی باشد و در اسرع وقت شرایطی را که به موجب آنها این کمیسیون در مورد

مناطق مشخص شده در اظهارنامه آن اعمال خواهد شد، ایجاد خواهد کرد و به این منظور به محض نیل به موارد مزبور اظهارنامه خود را به طور کلی یا جزئی بازپس خواهد گرفت.

ماده ۳۰- به استثناء ماده (۲۹) نمی تواند هیچ گونه حق شرطی را در مورد این کنوانسیون در نظر گرفت.

الف - نظر مخالف

- در تبصره (۱) ماده واحده، برای ارجاع موضوعات اختلافی به داوری، حق شرطی در نظر گرفته شده و مقرر گشته ارجاع به داوری، منوط به رعایت مقررات جمهوری اسلامی ایران است، در حالی که در ماده (۳۰) این کنوانسیون، اجازه حق شرط قائل شدن برای پیوستن به کنوانسیون را جز در خصوص موارد مندرج در ماده ۲۹ سلب کرده است. لذا حق شرط مذکور در تبصره (۱)، فاقد اثر بوده و به همین جهت، به واسطه عدم الزام به رعایت تشریفات مقرر در اصل ۱۳۹ قانون اساسی برای رجوع به داوری، مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۰۸ مورخ ۸۷/۱۰/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۴

ماده واحده - موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب مشتمل بر یک مقدمه و نوزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.
تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجراء مواد (۱۶) و (۱۷) این موافقتنامه الزامی است.
...

الف - نظر مخالف

- از آنجا که قسمتی از لایحه (بخشی از پیوست موافقتنامه) ارسال نگردیده، امکان اظهارنظر در خصوص این لایحه وجود ندارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

چون متن صفحه (۱۲) پیوست موافقتنامه بدون مقدمه و ناقص است، لذا متن کامل آن ارسال شود تا اظهارنظر گردد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۱۱/۲۷ با ارسال نامه‌ای به

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۳۴ مورخ ۸۷/۱۰/۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

دبیر محترم شورای نگهبان، اعلام می‌دارد: «عطف به نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۷۳۴ مورخ ۸۷/۱۰/۷ و پیرو نامه شماره ۱۵۵/۵۳۶۹۰ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۱ و با توجه به نامه شماره ۱۸۸۸۰۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ معاون محترم حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری متن کامل لایحه موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب جهت بررسی و اظهارنظر ارسال می‌گردد.»

ماده واحده - موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب مشتمل بر یک مقدمه و نوزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.
تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجراء مواد (۱۶) و (۱۷) این موافقتنامه الزامی است.

...

ماده ۱۹- لازم الاجراء شدن

- ۱- این موافقتنامه سی‌روز پس از وصول آخرین اطلاعیه هر یک از طرفهای متعاقد از طریق مجاری دیپلماتیک مبنی بر تأیید انجام کلیه تشریفات قانونی مربوط به لازم الاجراء شدن موافقتنامه، به مورد اجراء گذاشته خواهد شد.
- ۲- این موافقتنامه برای مدت پنج سال لازم الاجراء باقی خواهد ماند. پس از آن به خودی خود تمدید اعتبار خواهد شد مگر این‌که هر یک از طرفهای متعاقد اطلاعیه‌ای کتبی برای فسخ موافقتنامه ارائه نمایند. این موافقتنامه شش ماه پس از اطلاعیه مزبور فسخ خواهد شد.
- ۳- این موافقتنامه در صورت لزوم با موافقتنامه کتبی طرفهای متعاقد از طریق مجاری دیپلماتیک اصلاح خواهد شد. اصلاحیه نیز همانند موافقتنامه لازم الاجراء خواهد گردید.

...

الف - نظر مخالف

- با توجه به آنکه در بند (۳) ماده مزبور مقرر شده که اصلاح موافقتنامه از طریق مراجع دیپلماتیک طرفهای متعاقد صورت گرفته و همانند موافقتنامه لازم الاجراء می‌گردد، لذا به جهت عدم الزام به رعایت تشریفات مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی (لزوم تصویب اصلاحیه موافقتنامه در مجلس شورای اسلامی)، این مصوبه مغایر با قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بند (۳) ماده (۱۹)، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

لازم الاجراء شدن اصلاحیه موافقتنامه بدون تصویب مجلس شورای اسلامی، مذکور در بند (۳) ماده (۱۹)، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی نهایی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۱/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۲

ماده واحده - موافقتنامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب مشتمل بر یک مقدمه و نوزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره ۱- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجراء مواد (۱۶) و (۱۷) این موافقتنامه الزامی است.

تبصره ۲ [الحاقی] - رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجراء بند (۳) ماده (۱۹) این موافقتنامه الزامی است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۵۹۴ مورخ ۸۷/۱۲/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۱۸۳ مورخ ۸۸/۲/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی علوم باغبانی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۱۱

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی علوم باغبانی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. دستگاه اجرایی طرف عضویت وزارت جهاد کشاورزی است.

انجمن بین‌المللی علوم باغبانی

ماده ۱- نام، ثبت و اهداف

...

بند ۳- فعالیتها:

فعالیت‌های انجمن عبارت است از:

- ۱-۳- برگزاری کنگره‌های بین‌المللی در فواصل منظم.
- ۲-۳- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های جهانی همراه با جلسات.
- ۳-۳- بنیان نهادن بخشهایی با توجه به مسائل موجود در باغبانی و کمیسیونهایی با موضوع باغبانی علمی فنی.
- ۴-۳- تشکیل همکاری با سایر سازمانهای دولتی و غیردولتی در زمینه‌های فوق.
- ۵-۳- بررسی و نشر اطلاعات، گزارشها و نشریات علمی و فنی با حفظ حق امتیاز نشر طبق قوانین بلژیک.
- ۶-۳- استفاده سایر موارد قانونی برای پیشبرد اهداف انجمن.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه ماهیت قوانین مربوط به حق امتیاز نشر کشور بلژیک (مذکور در بند ۵-۳) مشخص نگردیده و معلوم نیست متضمن چه نوع ضمانت اجراء یا مجازاتی برای نقض حقوق نشر می‌باشد، این بند دارای ابهام بوده و غیر قابل اظهارنظر می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۴- امور مالی

...

بند ۱۵- اصلاح اساسنامه

- ۱- ۱۵- اصلاح اساسنامه تنها در صورت تقاضای یکی از اعضاء ابتدا توسط شورا بررسی و سپس در مجمع عمومی مطرح می‌شود.
- ۲- ۱۵- در جلسه شورا، پنجاه درصد (۵۰٪) کشورهای رأی دهنده باید حاضر باشند یا به صورت وکالتی، با توجه به مناطق جغرافیایی که در دستور کار تعیین شده است اکثریت دوسوم اعضاء برای پیشنهاد یاد شده حاضر باشند.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که در بند (۲- ۱۵) و (۱- ۱۵) تنها ضابطه برای اصلاح اساسنامه، طرح آن در مجمع عمومی با نصاب خاصی مقرر شده و اشاره‌ای به ضرورت طی تشریفات و مراحل قانونی مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی (= تصویب در مجلس شورای اسلامی) نشده است، اطلاق بند (۲- ۱۵) مصوبه مزبور مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بند (۲- ۱۵)، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۴- امور مالی

...

بند ۱۸- مورد اختلاف

- ۱- ۱۸- در صورت بروز اختلافی که در اساسنامه مطرح نشده باشد، تصمیم‌گیری با شورا است که به جای کلیه اعضاء نظر می‌دهد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه اولاً اختلاف مورد اشاره، در اساسنامه پیش‌بینی نشده و تصمیم شورای مزبور، برای کشورهای عضو لازم الاجرا تلقی شده است، و ثانیاً برای تصویب آن از طریق مجاری قانونی (از جمله مجلس) جایگاه در نظر نگرفته است، لذا این بند مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- از آنجا که حوزه اختلافاتی که در اجرای اساسنامه رخ می‌دهد، غالباً شکلی، جزئی و اداری است و نه تقنینی، و با توجه به اینکه اصل اساسنامه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، لذا بند مزبور مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

در این علوم باغبانی بند (۲-۱۵) ماده ۴، مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۱۱

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «انجمن بین‌المللی علوم باغبانی» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. دستگاه اجرایی طرف عضویت وزارت جهاد کشاورزی است.
تبصره - در اجراء بند (۲-۱۵) ماده (۴) رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۹۸۴۸ مورخ ۸۷/۱۰/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۸۷۹ مورخ ۸۷/۱۲/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز ماشینها و مهندسی کشاورزی آسیا و اقیانوسیه

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۱۱

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «مرکز ماشینها و مهندسی کشاورزی آسیا و اقیانوسیه» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. دستگاه اجرائی طرف عضویت وزارت جهاد کشاورزی است. اساسنامه مرکز ماشینها و مهندسی کشاورزی آسیا و اقیانوسیه

...

الف - نظر مخالف

- از آنجا که در موارد متعدد این لایحه از کلمات غیرفارسی و نیز از حروف لاتین، بدون معادل فارسی آن استفاده شده است، کل این لایحه در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم فارسی بودن زبان و خط اسناد رسمی کشور؛ از جمله قوانین است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

مصوبه مزبور، با ۷ رأی موافق، در موارد متعدد مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

عضویت:

۳- اعضاء شرکت کننده در RNAEM در زمان تصویب اساسنامه جدید نیز اعضاء APCAEM می‌باشند. هریک از دیگر اعضاء ESCAP یا اعضاء سازمان ملل که خواهان عضویت در APCAEM باشند باید یک نامه اعلام آمادگی به دبیر اجرائی ESCAP بفرستند که ایشان بلافاصله باید به وسیله نامه رئیس شبکه APCAEM را مطلع سازد. همچنین بقیه اعضاء را باید در جریان قرار دهد. چنین عضویتی از تاریخی که اعضاء اعلام آمادگی کردند شروع خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که مرجع تصویب اساسنامه جدید که در صدر ماده مورد اشاره قرار گرفته است، مشخص نشده، و اطلاق آن موهم سلب صلاحیت از مجلس برای تصویب اساسنامه جدید است، شائبه مغایرت این ماده با اصل ۷۷ قانون اساسی وجود دارد.

ب - نظر موافق

- این ماده صرفاً در خصوص الزامات عضو جدید به ارسال نامه به اعضاء است و ارتباطی به تصویب اساسنامه جدید ندارد.

۳۱- یک صندوق امانی باید بر طبق قوانین و مقررات مالی سازمان ملل به منظور دریافت وجوه مالی تأسیس گردد..

الف - نظر مخالف

- با توجه به اطلاق «قوانین و مقررات مالی سازمان ملل» و احصاء نشدن مصادیق این مقررات، امکان بار مالی برای دولت و مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی وجود دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

اصلاحات:

۳۶- اصلاحات درمورد اساسنامه موجود باید مورد قبول ESCAP قرار گیرد، پیشنهادهای اصلاحی باید به دبیر اجرایی ESCAP و به سرپرست APCAEM اطلاع داده شود. تمامی اعضاء حداقل سه ماه قبل از تشکیل جلسه کارگروه (کمیته) باید از موارد اصلاحی مطلع باشند. پیشنهادهای اصلاحی باید حداقل یک ماه قبل از تشکیل جلسه به دبیر اجرایی ESCAP و سرپرست APCAEM اطلاع داده شود.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که مرجع تصویب اصلاح اساسنامه که در صدر ماده مورد اشاره قرار گرفته است، مشخص نشده، و اطلاق آن موهم سلب صلاحیت از مجلس برای تصویب اساسنامه جدید است، شائبه مغایرت این ماده با اصل ۷۷ قانون اساسی وجود دارد.

ب - نظر موافق
- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

عدم ذکر معادل فارسی کلمات و عبارتهای خارجی در این مصوبه، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

- معادل فارسی عبارات خارجی مندرج در این مصوبه به شرح زیر اضافه می‌شود:
- ۱- عبارت «شبکه منطقه‌ای مهندسی و ماشین‌آلات کشاورزی آسیا - اقیانوسیه» قبل از عبارت (RNAEM) اضافه می‌شود.
 - ۲- عبارت «مرکز منطقه‌ای ماشین‌آلات و مهندسی کشاورزی آسیا - اقیانوسیه» قبل از عبارت (APCAEM) اضافه می‌شود.
 - ۳- عبارت «سازمان بین‌المللی استانداردسازی» قبل از عبارت (ISO) اضافه می‌شود.
 - ۴- عبارت «سازمان خواروبار جهانی» قبل از عبارت (FAO) اضافه می‌شود.
 - ۵- عبارت «شورای گردانندگان» قبل از عبارت (GB) اضافه می‌شود.
 - ۶- عبارت «هیأت مدیره» قبل از عبارت (GBOARD) اضافه می‌شود.
 - ۷- عبارت «کمیسیون اجتماعی - اقتصادی آسیا و اقیانوسیه» قبل از عبارت (ESCAP) اضافه می‌شود.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۸۴۹ مورخ ۸۷/۱۰/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۸۸۰ مورخ ۸۷/۱۲/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۱۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۰/۱۱

ماده ۱- دولت موظف است برای انتقال کمکهای انسان‌دوستانه ملت ایران به ملت ستمدیده فلسطین به خصوص در اراضی اشغالی و سرزمین تحت محاصره غزه از تمام ظرفیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نماید و حمایت و دفاع از آرمان فلسطین و مردم مظلوم و مبارزان و آوارگان فلسطینی و مقاومت اسلامی فلسطین تا رسیدن به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن باید ادامه یابد.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که اولاً انجام تکالیف مذکور در این ماده از سوی دولت دارای بار مالی است و موجب افزایش هزینه‌های عمومی می‌گردد، و ثانیاً طریق جبران این هزینه‌ها در این طرح تعیین نگردیده است، فلذا این ماده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۲۹۸۷۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در برنامه کنترل بیماریهای مشترک انسان و دام مدیترانه

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۹/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲ و ۱۳۸۷/۱۱/۹

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در «برنامه کنترل بیماریهای مشترک انسان و دام مدیترانه» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید. دستگاه اجرائی طرف عضویت، وزارت جهادکشاورزی و مرجع رسمی تماس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

برنامه کنترل بیماریهای مشترک انسان و دام مدیترانه

مقدمه:

برنامه MZCP در سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۶ هجری شمسی) توسط تعدادی از کشورها، سازمان جهانی بهداشت و با کمک برنامه توسعه سازمان ملل تشکیل شد و آن نتیجه راه حل شماره ۴۵/۳۱ WHA بر روی پیشگیری و کنترل بیماریهای مشترک و بیماریهای منتقله توسط مواد غذایی حیوانی تنظیم شده بود و منطبق با مصوبات سی و یکمین اجلاس سازمان جهانی بهداشت بود که در سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۶ هجری شمسی) برگزار شده بود. برنامه خدمات بین کشوری و برنامه‌های ملی کنترل هاری، کیست هیداتیک، تب‌دره ریفت و بروسلا و بهداشت مواد غذایی را شامل می‌شد. وضعیت فعلی بر مبنای توسعه برنامه‌های کشورهای عضو استوار شده است.

ماده ۱- اهداف و تصویر برنامه

...

الف - نظرات مخالف

- تاکنون رویه بر این منوال بوده است که طبق اصل ۱۵ قانون اساسی معادل فارسی کلمات انگلیسی در متون قانونی ذکر شود و عبارت اختصاری لاتین در داخل پرانتز مکتوب شود. لکن در این لایحه، تنها از الفاظ اختصاری لاتین استفاده شده است و مشخص نشده است که منظور از این کلمات اختصاری انگلیسی، چه نهاد بین‌المللی یا ...

است. بر این اساس، این مصوبه در موارد متعدد در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است.

- بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی، «زبان» و «خط» اسناد رسمی باید به زبان فارسی باشد. بر این اساس، علاوه بر زبان، خط مورد استفاده در اسناد رسمی نیز باید «فارسی» باشد. بنابراین، لازم است اسامی لاتین و غیرفارسی نیز با خط فارسی نگارش یابد و در داخل پرانتز عبارت لاتین آن نوشته شود تا رفع ایراد شود.

- علاوه بر ایرادات فوق، ضروری است معادل فارسی بیماریهای مذکور در مقدمه (نظیر بروسلا) نیز در متن قانون درج شود، و الا ایراد اصل ۱۵ قانون اساسی بر مصوبه وارد است.

ب - نظرات موافق

- درج عبارت اختصاری به زبان لاتین، در کنار معادل کلمه به زبان فارسی، منافاتی با اصل ۱۵ قانون اساسی ندارد؛ چرا که کلمات اختصاری، متضمن حرف اول کلمات لاتین است و نمی‌توان کلمه اختصاری را با خط فارسی نوشت. به همین دلیل، صرف درج معادل فارسی رافع ایراد است.

- عمده اصطلاحات تخصصی به کارگرفته شده در این برنامه، کلماتی هستند که فاقد معادل فارسی هستند و نمی‌توان مجلس را الزام به فارسی کردن آنها کرد.

ج - تصمیم شورا

مصوبه مزبور، با ۷ رأی موافق، به دلیل استفاده از واژه‌ها و عبارتهای غیرفارسی در موارد متعدد، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲- مشارکت در برنامه

۱- هر کشوری در اروپا و یا در هر کشور عربی، می‌تواند توسط مدیرکل سازمانی جهانی بهداشت، به مشارکت در برنامه دعوت شده و پذیرش او ثبت شود.

...

الف - نظرات مخالف

- بر اساس بند (۱)، فقط کشورهای اروپایی و عربی می‌توانند به این موافقتنامه ملحق شوند، فلذا عضویت ایران در این برنامه فاقد توجیه بوده و مخالف با اساسنامه است. با این وصف، چگونه مجلس به دولت اجازه داده تا در این برنامه عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام نماید؟!

– هر چند در متن اصلی (انگلیسی) اجازه داده شده تا کشورهای شرق مدیترانه نیز به عضویت این برنامه درآیند، لکن ایران را نمی‌توان در زمره این کشورها دانست، لذا وجهی برای عضویت ایران در این برنامه وجود ندارد.

ب – نظرات موافق

– این بند صرفاً در خصوص دعوت به برنامه مزبور است و مستقیماً مربوط به عضویت نیست. به قرینه بند (ه) ماده (۷) این برنامه^(۱)، برخی کشورها به عنوان عضو فعالیت می‌کنند و برخی دیگر به عنوان عضو مشاهده‌گر (ناظر) در جلسات حضور می‌یابند. – عدم امکان عضویت ایران در این برنامه، مانعی برای تصویب این لایحه نیست؛ چرا که فرضاً ایران صلاحیت عضویت در آن را نداشته باشد، این لایحه کاً لم یکن می‌شود و مشکلی پیش نخواهد آمد.

– در متن اصلی (به زبان انگلیسی) که دارای اعتبار برابر با متن فارسی است، تأکید شده که کشورهای شرق مدیترانه نیز می‌توانند در این برنامه مشارکت کنند، حال آنکه در متن ترجمه شده این نکته از قلم افتاده است. به همین لحاظ مانعی برای عضویت ایران نیست. صرفاً ضروری است تذکر داده شود که متن فارسی اصلاح شود.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۲)

چون در متن مصوبه واژه‌ها و عبارتهای غیرفارسی بدون ذکر معادل فارسی وجود دارد و نیز مواردی هست که معادل آنها به خط فارسی نوشته نشده است، از این جهت مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

اصلاحیه مجلس:

به منظور رفع ایراد موضوع اصل (۱۵) قانون اساسی، موارد مطروحه از سوی

۱. بند (ه) ماده (۷): علاوه بر نمایندگان سازمانهایی که برابر ماده (۵) و (۶) عضو هستند نمایندگان و اعضاء دیگر مجازند که به عنوان مشاهده‌گر شرکت نمایند.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۲۶۰ مورخ ۸۷/۱۱/۱۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

شورای محترم نگهبان به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

- ۱- برنامه کنترل بیماری‌های مشترک انسان و دام مدیترانه (ام. زد. سی. پی) به جای برنامه (MZCP)
- ۲- مجمع جهانی بهداشت (دبلیو.اچ.آ) به جای (WHA)
- ۳- سازمان بهداشت جهانی (دبلیو.اچ.آ) به جای (WHO)
- ۴- سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) به جای سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل (FAO)
- ۵- اداره بین‌المللی بیماری‌های دامی واگیردار (اپیزوتیکو) به جای اداره بین‌المللی (epizootico)
- ۶- کمیته کنترل بیماری‌های مشترک انسان و دام مدیترانه (ام. زد. سی. سی) به جای (MZCC)

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۹۷ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۶۲

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲

ماده واحده - قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۶۲/۳/۱ و الحاقیه بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

۱- عنوان قانون به «قانون بیمه کشاورزی» اصلاح می‌گردد.

۲- در ماده واحده پس از عبارت «انواع محصولات کشاورزی» کلمه «درختان» و بعد از کلمه «طوفان» عبارت «بادهای گرم موسمی» و پس از عبارت «امراض واگیر حیوانی عمومی و قرنطینه‌ای» عبارت «و همچنین ابنیه، تأسیسات، مستحذات، قنات، چاههای آب کشاورزی و تأسیسات آبیاری، فعالیتها و کلیه خدمات کشاورزی و عوامل تولید (ماشین‌آلات، ابزار و ادوات کشاورزی)، در قبال حوادث بیمه‌پذیر» اضافه گردید.

۳- در تبصره (۳) عبارت «یک نماینده از جهاد سازندگی و دو نفر دیگر به معرفی وزیر کشاورزی» حذف و عبارت «سه نفر نماینده به معرفی وزیر جهاد کشاورزی» جایگزین گردید.

۴- تبصره (۵) حذف و شماره تبصره‌های بعدی اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۸) به شرح زیر الحاق گردید:

تبصره ۸- دولت مکلف است با توجه به قسمت اخیر بند «ج» ماده (۱۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون اساسنامه جدید صندوق بیمه کشاورزی را تهیه، تصویب و ابلاغ نماید.

۵- در این قانون عناوین «صندوق بیمه محصولات کشاورزی» به «صندوق بیمه کشاورزی»، «وزیر کشاورزی» به «وزیر جهاد کشاورزی» و «شورای عالی» به «مجمع عمومی» اصلاح گردید.

الف - نظرات مخالف

- چنانچه در بیمه امور کشاورزی، دولت موظف به کمک مالی بوده، و اصلاحات صورت گرفته در قانون بیمه محصولات کشاورزی (= توسعه دامنه محصولات کشاورزی)،

از سوی مجلس صورت پذیرفته باشد، به جهت افزایش هزینه‌های دولت و عدم پیش‌بینی منابع جدید برای تأمین این هزینه‌ها مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- با عنایت به تغییر عنوان قانون سابق، و شمول قانون جدید بیمه به اموری همچون «ابنیه، تأسیسات، مستحذات، قنات، چاههای آب کشاورزی و تأسیسات آبیاری، فعالیتها و کلیه خدمات کشاورزی و عوامل تولید (ماشین‌آلات، ابزار و ادوات کشاورزی)»، سهم دولت در پرداخت حق بیمه افزایش خواهد یافت و تا هنگام تدوین بودجه سال جدید (تبصره ۶ قانون بیمه محصولات کشاورزی ۱۳۶۲)، بر هزینه‌های دولت افزوده خواهد شد. بر این اساس، این مصوبه مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

- هر چند صندوق مورد اشاره در ماده واحده (مصوب ۱۳۶۲)، صندوقی دولتی است، لکن بر اساس تبصره (۶) آن، دولت مکلف گردیده تا کمک پیشنهادی شورای عالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به تصویب برساند. لذا الزام موجود در این تبصره، موجبات افزایش هزینه‌های عمومی را فراهم خواهد آورد.

- به طور کلی بیمه کشاورزی، بر خلاف برخی انواع دیگر از بیمه‌ها، بیمه‌ای زیانده است و شرکتهای بیمه تمایلی به ورود به این رشته ندارند و به همین سبب دولت ملزم به ورود به این بخش گردیده است. علیهذا، افزایش بار مالی صندوق بیمه، و به تبع آن افزایش هزینه‌های عمومی محرز است.

ب - نظرات موافق

- به موجب تبصره (۶) ماده واحده قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۶۲^(۱)، سهم دولت در پرداخت حق بیمه، هر سال در بودجه سالیانه می‌بایست مورد لحاظ قرار گیرد. اما از آنجا که پیش از تصویب هیأت وزیران، «کمک دولت بابت تأمین قسمتی از سهم حق بیمه کشاورز و جبران زیانهای احتمالی عملیات بیمه» پرداخت نخواهد شد، این مصوبه عملاً موجب افزایش هزینه‌های عمومی نخواهد شد؛ چه آنکه دولت، در پذیرش میزان پرداخت سهم خود از حق بیمه مختار است.

- با توجه به اینکه «صندوق بیمه کشاورزی در بانک کشاورزی» (موضوع ماده واحده

۱. تبصره ۶- کمک دولت بابت تأمین قسمتی از سهم حق بیمه کشاورز و جبران زیانهای احتمالی عملیات بیمه به پیشنهاد شورای عالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و تصویب هیأت وزیران، هر ساله در بودجه کل کشور منظور و به صندوق پرداخت خواهد شد.

مصوب ۱۳۶۲) با سرمایه دولتی تأسیس شده، لذا صندوقی کاملاً دولتی محسوب می‌شود و بدین لحاظ دولت در چگونگی اداره آن دارای صلاحیت لازم است و به هر نحو که مصلحت بداند اقدام می‌کند. در همین راستا، حتی با افزایش مصادیق تحت شمول بیمه، دولت با تغییر سهم صندوق از بیمه، می‌تواند مانع از افزایش هزینه‌ها گردد.

- به طور کلی، صنعت بیمه، صنعتی سودآور است و نمی‌توان با استناد به افزایش دایره شمول بیمه کشاورزی، مدعی افزایش هزینه‌ها شد. در مقابل، حتی احتمال افزایش درآمدهای صندوق فوق‌الذکر نیز وجود دارد. بنابراین، با محرز نبودن افزایش بار مالی برای دولت، ایراد مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی منتفی است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۱۴۴ مورخ ۸۷/۱۱/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲

ماده واحده - صندوق بیمه روستاییان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ الحاق می‌شود.

تبصره ۱- نام صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به تبصره (۲) ماده (۶۴) قانون محاسبات عمومی^(۱) مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ اضافه می‌شود.

تبصره ۲- نام صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به دستگاههای مذکور در بند «ج» ماده (۱۳۹) قانون مالیاتهای مستقیم^(۲) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ اضافه می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه تبصره (۲) ماده واحده ناظر بر معافیت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر از پرداخت مالیات، در لایحه تقدیمی دولت نبوده و با پیشنهاد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ماده واحده الحاق و به تصویب رسیده است و با عنایت

۱. ماده ۶۴ قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱): «اعتبارات مصوب از محل درآمدهای اختصاصی تا آخر سال مالی در حدود وصولی درآمدهای مربوط قابل تعهد و پرداخت می‌باشد و مانده وجوه اعتبارات از محل درآمد اختصاصی مصرف نشده هر سال باید تا پایان فروردین ماه سال بعد به خزانه برگشت داده شود تا به حساب درآمد عمومی کشور منظور گردد. تعهداتی که تا آخر سال مالی با رعایت مقررات در حدود اعتبار مصوب و درآمدهای وصولی مربوط ایجاد شده و پرداخت نشده باشد در سالهای بعد از محل اعتبار موضوع بند یک ماده ۶۳ این قانون قابل پرداخت خواهد بود.

تبصره ۱- هر مبلغ از درآمدهای اختصاصی موضوع این ماده که زائد بر میزان پیش‌بینی شده در بودجه‌های مصوب مربوط وصول شود، قابل مصرف نبوده و باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز گردد.

تبصره ۲- سازمان تأمین اجتماعی از شمول مقررات این ماده مستثنی است و مشمول مقررات مربوط به خود می‌باشد.»

۲. ماده ۱۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷): «... ج - کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی صندوق‌های پس‌انداز بازنشستگی و سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی و همچنین حق بیمه و حق بازنشستگی سهم کارکنان و کارفرما و جریمه‌های دریافتی مربوط توسط آنها از پرداخت مالیات معاف است. ...»

به اینکه این مصوبه، موجبات تقلیل درآمد عمومی را فراهم خواهد آورد و در پیشنهاد نمایندگان مجلس نیز طریق جبران کاهش درآمد مزبور پیش‌بینی نشده باشد، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

تبصره (۲) ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه شورای نگهبان^(۱)

تبصره (۲) ماده واحده چون در لایحه دولت نبوده و به تقلیل درآمد عمومی می‌انجامد و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، از این جهت، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۷/۱۲/۴ نسبت به مصوبه خویش در خصوص تبصره (۲) ماده واحده، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۱۴۸ مورخ ۸۷/۱۱/۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.
۲. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی، عیناً مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه اصلاح قانون حمایت از طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده پیرامون حرم مطهر حضرت امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) مصوب ۱۳۸۴

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۲ و ۱۳۸۷/۱۱/۹

ماده واحده - قانون حمایت از طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده

پیرامون حرم مطهر حضرت امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) - مصوب ۱۳۸۴ -^(۱)

۱. قانون حمایت از طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده پیرامون حرم مطهر حضرت امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۲۰:

ماده واحده - نظر به ضرورت نوسازی بافت‌های فرسوده و به منظور تسریع در اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرمین مطهر امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) که در این قانون «حرمین مطهر» گفته می‌شود مفاد زیر می‌باید به اجراء گذارده شود:

۱- وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است اجازه خرید و استملاک حداکثر چهار درصد (۴٪) از اراضی واقع در محدوده مصوب طرح حرمین مطهر را از محل اراضی و املاک متعلق به خود یا بخش خصوصی یا سایر بخش‌ها جهت احداث پروژه‌های مسکونی و اقامتی با رعایت قوانین و مقررات و کاربری مصوب به اتباع خارجی مسلمان (مشروط به رفتار متقابل کشور متبوع) صادر نماید.

تبصره - صدور مجوز خرید و استملاک گفته شده در ماده (۱) و همچنین نقل و انتقال‌های بعدی به نام اتباع مسلمان خارجی منوط به تصویب کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و نماینده آستان قدس رضوی یا آستان مقدسه حرم حضرت معصومه^(س) حسب مورد خواهد بود. دبیری کمیسیون مذکور به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است.

۲- برای احیاء، حفظ و گسترش ارزش‌های معماری ایرانی - اسلامی و بیان نمادها، ارزش‌ها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به تهیه طرح مجموعه فرهنگی، هنری، سیاحتی با الهام از معماری ایرانی - اسلامی در بافت پیرامون حرمین مطهر اقدام و آن را پس از تصویب در مرجع قانونی ذی‌ربط به مرحله اجراء درآورد.

۳- به منظور فراهم نمودن زمینه مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی و امکان استفاده از سرمایه‌های کوچک مردمی با هدف تأمین و تجهیز منابع مالی جهت اجرای پروژه‌های مصوب واقع در محدوده طرح حرم مطهر، وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان عمران و بهسازی شهری) مجاز است تا نسبت به تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری طرح حرم مطهر، اقدام کند.

تبصره ۱- ده درصد (۱۰٪) از درآمد حاصل از فروش اراضی استان خراسان رضوی و استان قم متعلق به دولت که از تاریخ تصویب این قانون به بعد واگذار می‌گردد، به منظور تأمین معوض املاک واقع در طرح‌های نوسازی و تأمین آورده اولیه دولت در صندوق مذکور در اختیار سازمان فوق‌الذکر قرار می‌گیرد.

تبصره ۲- اساسنامه صندوق یاد شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

- ۱- در انتهای عنوان و صدر ماده واحده عبارت «امامزادگان» جایگزین عبارت «حضرت معصومه (س)» گردید.
- ۲- کلمه «حرمین» در سطر دوم ماده واحده به کلمه «حرمهای» اصلاح گردید.
- ۳- در بند (۱) ماده واحده عبارت «مشروط به رفتار متقابل کشور متبوع» حذف گردید.
- ۴- عبارت «ماده (۱)» در تبصره بند (۱) ماده واحده به عبارت «بند (۱)» اصلاح شد.
- ۵- عبارت «دولت می‌تواند بیست درصد (۲۰٪) از سرمایه و منابع مالی صندوقهای یادشده را از محل اعتباری که هر ساله به این منظور در بودجه کل کشور پیش‌بینی می‌شود تأمین نماید» به انتهای بند (۳) ماده واحده اضافه گردید.
- ۶- عبارت «و سایر استانها» بعد از عبارت «استان قم» در تبصره (۱) بند (۳) ماده واحده اضافه گردید.
- ۷- متن زیر به عنوان بند (۴) به ماده واحده الحاق گردید:
- ۸- شمول قانون به امامزاده‌های واقع در محدوده بافتهای فرسوده استانها مشروط به پیشنهاد سازمان اوقاف و امور خیریه و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب هیأت وزیران خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- در بند (۶)، توسعه استانهای مشمول تبصره (۱) بند (۳) قانون، موجب می‌شود که اختیار دولت در نحوه هزینه درآمد حاصل از فروش املاک، تنها به شهرهای قم و مشهد محدود شود که این محدودیت، نهایتاً موجب کاهش درآمدهای عمومی دولت می‌شود. بر این اساس، به جهت آنکه اصلاح و افزوده شدن «سایر استانها» (در بند ۶ اصلاحیه) در متن لایحه تقدیمی دولت نبوده و با پیشنهاد نمایندگان مجلس افزوده شده است و از سوی دیگر، طریق جبران کاهش درآمد مزبور در این مصوبه پیش‌بینی نشده است، اصلاح مزبور مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.
- از آنجا که در بند (۱) اصلاحیه، مصادیق مشمول قانون به همه امامزادگان توسعه یافته است، افزودن بند (۴) (بند ۷ اصلاحیه) مبنی بر اینکه الحاق سایر امامزادگان به این قانون، مشروط به تصویب هیأت دولت است، فاقد توجیه است.

- با توجه به اینکه تعیین قلمرو یک قانون، امری تقنینی است و می‌بایست توسط خود قانون انجام شود، و با عنایت به اینکه وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، قانونگذاری در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل واگذاری به غیر است، اختیار واگذار شده به هیأت دولت در بند (۷) اصلاحیه، مبنی بر تصویب و تعیین ضابطه برای میزان شمول قانون به امامزاده‌های واقع در محدوده بافت‌های فرسوده استانها، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

- در خصوص بند (۷) اصلاحیه، این ابهام هست که آیا واگذاری تعیین شمول قانون به امامزاده‌های واقع در بافت‌های فرسوده به تصویب هیأت وزیران، در مقام بیان شمول مفهومی قانون به امامزادگان و به عبارت دیگر، توسعه یا تضییق حکمی قانون است، یا آنکه در مقام بیان شمول مصداقی آنان است؛ به این معنا که تصمیم‌گیری در خصوص مصداق امامزادگان، به هیأت وزیران واگذار شده است؟ با وجود ابهام مزبور، امکان اظهارنظر در خصوص مصوبه وجود ندارد.

ب - نظرات موافق

- نظر به اینکه دولت در بند (۵) مکلف شده تا اعتبارات لازم را هر ساله در بودجه پیش بینی کند، بند (۱) مغایرتی با اصل ۷۵ ندارد.

- با عنایت به اینکه این خود قانون است که صلاحیت دارد تا دایره شمول خویش را تعیین کند، به همین سبب تغایری میان بند (۷) اصلاحیه با بند (۱) آن وجود ندارد.

- در بند (۷) اصلاحیه، صرفاً «تشخیص فرسوده بودن یا نبودن بنای امامزادگان» به پیشنهاد سازمان اوقاف و امور خیریه و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب هیأت وزیران سپرده شده است، نه آنکه تعیین شمول قانون یا عدم شمول قانون به امامزادگان به مراجع مزبور واگذار شده باشد. بر این اساس، این مسئله به هیچ عنوان جنبه تقنینی ندارد تا ایراد مغایرت با اصل ۸۵ قانون اساسی به وجود آید.

ج - تصمیم شورا

۱- بند (۶) ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

۲- بند (۷) ماده واحده، با ۷ رأی موافق، دارای ابهام شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

در بند (۶) ماده واحده چون عبارت «و سایر استانها» در لایحه دولت نبوده و در مجلس اضافه شده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

در بند (۷) ماده واحده موضوع الحاق بند (۴) چون عبارت «شمول قانون به امامزاده‌های واقع...» ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۱/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۲ و ۱۳۸۸/۲/۹

ماده واحده - قانون حمایت از طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده پیرامون حرم مطهر حضرت امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) - مصوب ۱۳۸۴ - به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

۱- در انتهای عنوان و صدر ماده واحده عبارت «حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) و حضرت احمد بن موسی^(ع)» بعد از عبارت «حضرت معصومه^(س)» اضافه گردید.

...

۶- عبارت «استان تهران و استان فارس» بعد از عبارت «استان قم» در تبصره (۱) بند (۳) ماده واحده اضافه گردید.

۷- [حذف شد].

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۲۵۹ مورخ ۸۷/۱۱/۱۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۳۲۹ مورخ ۸۸/۲/۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح تبصره (۱) ماده (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۹

ماده واحده - تبصره (۱) ماده (۴۷)^(۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - به شرح زیر اصلاح شود:

تبصره ۱- تعلیف وام در جنگلها، مراتع و آبخیزها مستلزم اخذ پروانه چرا می باشد و پروانه های صادره در صورتی دارای اعتبارات که صاحب پروانه به شغل دامداری مشغول بوده و امتیاز پروانه چرای دریافتی را بدون اخذ مجوز قانونی به غیر واگذار نکرده باشد. مرجع اعطای مجوز، ابطال و انتقال پروانه چرا، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری و ادارات تابعه در استان های کشور می باشد. شیوه اعطای پروانه چرا، نحوه ابطال و انتقال و سایر موارد مربوط، به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که اطلاق عبارت «سایر موارد» در ذیل تبصره اصلاحی، موجب واگذاری صلاحیت وضع آیین نامه در امور دارای ماهیت تقنینی به هیأت وزیران می گردد، تبصره مزبور مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد.

- با توجه به اینکه اطلاق عبارت «سایر موارد» در ذیل تبصره اصلاحی، ممکن است

۱. ماده (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰): «متن زیر به عنوان بند (۵) به ماده (۸۴) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ الحاق می گردد:

۵- در راستای ایجاد تعادل دام در مرتع، به وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه های تابعه اجازه داده می شود از محل صدور و یا تجدید سالانه پروانه چرای دام در مراتع، مبلغی را معادل یک در هزار ارزش متوسط هر واحد دامی دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) واریز نماید.

تبصره ۱- پروانه چرا (پروانه بهره برداری مراتع) مدرک معارض محسوب شده و واگذاری اراضی محدوده پروانه بهره برداری با رعایت حقوق دارندگان پروانه بهره برداری بر اساس آیین نامه هایی خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- چرای دام در مراتع بدون پروانه چرا و یا مازاد بر ظرفیت تعیین شده در پروانه جرم محسوب می شود و مستلزم پرداخت معادل بیست درصد (۲۰٪) ارزش متوسط واحد دامی در سال خواهد بود که پس از وصول باید به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) واریز شود.

شامل مواردی گردد که دارای ماهیت تقنینی و خارج از صلاحیت هیأت وزیران است، فلذا تبصره مزبور دارای ابهام است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

اطلاق ذیل تبصره (۱) ماده واحده، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

ماده واحده - تبصره (۱) ماده (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - به شرح زیر اصلاح شود:

تبصره ۱ - تعلیف وام در جنگلها، مراتع و آبخیزها مستلزم اخذ پروانه چرا می باشد و پروانه های صادره در صورتی دارای اعتبارات که صاحب پروانه به شغل دامداری مشغول بوده و امتیاز پروانه چرای دریافتی را بدون اخذ مجوز قانونی به غیر واگذار نکرده باشد. مرجع اعطای مجوز، ابطال و انتقال پروانه چرا، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری و ادارات تابعه در استان های کشور می باشد. آیین نامه اجرایی این قانون ظرف شش ماه پس از تصویب به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته شد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۲۵۶ مورخ ۸۷/۱۱/۱۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۹۶ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح ماده (۱۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ و ماده (۲۹۵) آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۹

ماده واحده — مبلغ مندرج در ماده (۱۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ و ماده (۲۹۵) آیین نامه اجرائی قانون یادشده مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰^(۲) از یکهزار (۱،۰۰۰) ریال به یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال افزایش می یابد.

تبصره ۱- پرونده های کسر دریافتی تشکیل شده قبل از تصویب این قانون تا مبلغ یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال نیز مشمول این قانون بوده و قابل پیگیری نمی باشد.

تبصره ۲- به دولت اجازه داده می شود براساس نرخ تورم هر سه سال یکبار با پیشنهاد وزارت اموراتقتصادی و دارایی مبلغ مذکور را افزایش دهد.

الف - نظرات مخالف

— با توجه به اینکه تبصره (۱)، اولاً در لایحه دولت نبوده و توسط نمایندگان مجلس پیشنهاد شده است، و ثانیاً به جهت عطف بما سبق کردن صدر ماده واحده و ایجاد منع پیگیری بخشی از کسر دریافتی های گذشته، موجب کاهش درآمدهای عمومی می گردد، فلذا تبصره مزبور مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می باشد.

۱. ماده ۱۶ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰): هر گاه بعد از ترخیص کالا از گمرک معلوم گردد وجوهی که وصول آن به عهده گمرک می باشد بیشتر یا کمتر از آن چه مقرر بوده دریافت گردیده یا اساساً دریافت نشده و یا این که اشتباهی دریافت گردیده است گمرک و صاحب کالا می توانند ظرف چهار ماه از تاریخ صدور سند ترخیص کالای مورد بحث بر حسب مورد تمام یا مابه التفاوت را از یکدیگر مطالبه و دریافت کنند. اضافه یا کسر دریافتی کمتر از یک هزار ریال قابل مطالبه و دریافت طرفین نخواهد بود. رد اضافه دریافتها از درآمد جاری به عمل خواهد آمد.

تبصره ۱- ...

۲. ماده ۲۹۸ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰): کسر دریافتیهای مکشوفه را اداره گمرک وقتی می تواند مطالبه نماید که:

۱- مبلغ کسر دریافتی مربوط به هر یک از اسناد ترخیص کالا کمتر از یک هزار ریال نباشد.

۲- ...

– از آنجا که ماده (۱۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ اضافه دریافت وجوه گمرکی را – که متعلق حق افراد و حق الناس است – مجاز و غیرقابل مطالبه تلقی کرده است، در حکم غصب اموال بوده و مغایر با موازین شرع می باشد.

– هر چند که ولی فقیه صلاحیت عام قانونگذاری مجلس را تنفیذ کرده است، اما این تنفیذ در چهارچوب موازین شرع بوده و شورای نگهبان به عنوان ناظر، موظف به انطباق مصوبات مجلس با شرع است. به همین لحاظ، نمی توان با استناد به تنفیذ ولی فقیه، انطباق تمام مصوبات مجلس که دارای بعد حکومتی است را مفروض دانست. در صورت ضرورت و لزوم رعایت مصلحت نظام، قانون اساسی مجمع تشخیص را پیش بینی کرده تا در این امور تصمیم گیری نماید.

ب – نظرات موافق

– از آنجا که به جریان انداختن و تعقیب پرونده های مالی، که مبلغ قابل توجهی هم نیستند، خود به تنهایی مستلزم بار مالی برای دولت است، به همین جهت عطف به ماسبق کردن ماده واحده به گذشته (تبصره (۱) الحاقی از سوی مجلس)، و ممانعت از پیگیری پرونده های کسر دریافت عوارض گمرکی، موجب کاهش درآمدهای عمومی نمی گردد.

– فلسفه وضع ماده (۱۶) قانون امور گمرکی، جلوگیری از تحمیل هزینه های سنگین پیگیری مطالبات خرد گمرک بوده است؛ به این صورت که با استناد به این ماده، دولت از پرداخت هزینه برای به دست آوردن مبالغ خرد معاف گردد. به همین جهت، تبصره الحاقی مجلس که این رفع تکلیف از دولت را به گذشته نیز تسری داده است، موجب کاهش درآمده نخواهد شد که حتی موجب کاهش هزینه ها خواهد گردید.

– ماده (۱۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰، از جایگاه قانونگذاری و حاکمیتی اضافه یا کسری دریافت را معفو تلقی کرده و همه تاجران و صادرکنندگان و واردکنندگان کالا از این ضابطه اطلاع دارند و با این پیش فرض اقدام به فعالیت تجاری می کنند. به همین جهت، غیرقابل مطالبه دانستن کسری یا اضافه دریافت های گمرکی، به استناد قاعده فقهی اقدام^(۱)، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

– با عنایت به اینکه صلاحیت عام قانونگذاری مجلس شورای اسلامی از سوی ولی فقیه

۱. مطابق قاعده «اقدام»، کسی که به زیان خویش عملی انجام دهد، مستحق جبران خسارت نیست.

تنفیذ شده است، مجلس شورای اسلامی حق دارد در کلیه امور حاکمیتی، اقدام به وضع قوانین نماید. به همین دلیل، مصوبات مجلس شورای اسلامی که مربوط به امور حکومتی - همچون امور گمرکی - است، به تبع تنفیذ ولی فقیه، مطابق موازین شرع است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۲۵۷ مورخ ۸۷/۱۱/۱۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

اساسنامه شرکت فناوری اطلاعات ایران

مصوبه هیأت وزیران: ۱۳۸۷/۱۰/۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۹

ماده ۷- موضوع فعالیت و وظایف شرکت عبارت است از:

...

۸- یکپارچه سازی سیستم های فیلترینگ و نظارت بر اجرای صحیح آن در چارچوب سیاست های مربوط.

الف - نظر مخالف

- واژه فیلترینگ، واژه بیگانه و غیرفارسی است و استفاده از آن در اسناد رسمی مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۷- موضوع مغایرت و وظایف شرکت عبارت است از:

...

۱۶- تهیه و تصویب دستورالعملها و ضوابط مورد نیاز و رتبه بندی پیمانکاران، ناظران و مشاوران در قلمرو فناوری اطلاعات.

الف - نظر مخالف

- اطلاق «دستورالعملها و ضوابط مورد نیاز» از آنجا که شامل امور تقنینی نیز می گردد، واگذاری این صلاحیت به شرکت مزبور، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۷- موضوع فعالیت و وظایف شرکت عبارت است از:

...

۱۸- رفع اختلاف در حوزه فناوری اطلاعات بین طرف‌های دعوی در موارد

غیرقضایی.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که اطلاق «رفع اختلاف» ممکن است شامل حل و فصل دعاوی موضوع اصل ۱۵۶ گردیده و دخالت در امور قضایی باشد، این بند دارای ابهام است.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه این بند شامل امور غیرقضایی می‌گردد، اطلاق «رفع اختلاف» شامل امور مربوط به قوه قضائیه نبوده، فلذا فاقد ابهام یا مغایرت با قانون اساسی است.

ماده ۲۰- هیأت‌مدیره برای انجام هرگونه عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع فعالیت شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها در حیطه وظایف مجامع عمومی قرار نگرفته باشد با رعایت قوانین و مقررات مربوط دارای اختیارات کامل است. هیأت‌مدیره به ویژه دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:

...

۵- تصویب ضوابط مربوط به مبادله اطلاعات علمی، فنی، صنعتی و بازرگانی در زمینه‌های مرتبط با فعالیت شرکت و مفاد این اساسنامه.

الف - نظر مخالف

- اطلاق «تصویب ضوابط مربوط» از آنجا که شامل امور تقنینی نیز می‌گردد، واگذاری این صلاحیت به هیأت‌مدیره شرکت مزبور، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۲۰- هیأت‌مدیره برای انجام هرگونه عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع فعالیت شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها در حیطه وظایف

مجامع عمومی قرار نگرفته باشد با رعایت قوانین و مقررات مربوط دارای اختیارات کامل است. هیأت مدیره به ویژه دارای وظایف و اختیارات زیر می باشد:

...

۱۲- انتخاب، تعیین حقوق و مزایا و عزل مدیرعامل

الف - نظر مخالف

- با عنایت به اینکه که امور مذکور در بند (۱۲) دارای ماهیت اداری و استخدامی است و طبق اصل ۱۲۶ قانون اساسی، این امور به رئیس جمهور واگذار گردیده است، واگذاری آن به هیأت مدیره شرکت، مغایر با قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه در صدر ماده (۲۰) اختیارات هیأت مدیره مقید به رعایت قوانین و مقررات مربوط شده است، لذا شبهه مغایرت با قانون اساسی وارد نیست.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۲۶۱ مورخ ۸۷/۱۱/۱۰ شورای نگهبان، خطاب به معاون اول رئیس جمهور.

لایحه الحاق دو بند به ماده (۷) قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

ماده واحده - بندهای زیر به عنوان بندهای (۱۷) و (۱۸) به ماده (۷)^(۱) قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ الحاق می گردد:

۱۷- تخلف از ضوابط و مقررات اخلاق در پژوهشهای علوم پزشکی که از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بر اساس کدهای حفاظت

۱. ماده ۷- تخلفات انتظامی و جرائم شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی به قرار زیر است:
 - ۱- ترک خدمت و یا غیبت بدون اجازه یا عذر موجه.
 - ۲- تخلف از اجرای قوانین و مقررات دانشگاه.
 - ۳- سهل انگاری یا غرض ورزی در انجام وظایف.
 - ۴- تمرد از اجرای دستورات قانونی مقامات دانشگاه.
 - ۵- استفاده غیر مجاز از امکانات و اموال دولتی.
 - ۶- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها ندارند و یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها را دارند.
 - ۷- تسامح در حفظ اموال و وجوه دولتی و اسناد و مدارک دانشگاه اعم از محرمانه و غیر آن.
 - ۸- افشاء سؤالات امتحانی و یا تعویض برگهای امتحانی و یا تغییر اوراق.
 - ۹- افشاء اسناد محرمانه دانشگاه.
 - ۱۰- از بین بردن و اخفای غیر مجاز اسناد و مدارک دانشگاه و حیف و میل اموال و وجوه دولتی.
 - ۱۱- اعتیاد و ارتکاب اعمال خلاف اخلاق عمومی که موجب هتک و حیثیت و شؤن شغلی است.
 - ۱۲- ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی.
 - ۱۳- عضویت در یکی از فرق ضاله و ساواک منحل و تشکیلات فراماسونری و مشابه آن.
 - ۱۴- عضویت یا فعالیت یا تبلیغ به نفع احزاب و گروههای الحادی یا محارب یا احزاب و گروههای غیر قانونی.
 - ۱۵- القاء اندیشه های الحادی و توهین به مقدسات اسلامی.
 - ۱۶- ارتکاب اعمال خلاف مصالح نظام جمهوری اسلامی از قبیل به تعطیل کشاندن کلاسها و اعتصاب، تحصن و تظاهرات به طور غیر مجاز در محیط دانشگاه.
- تبصره - اثبات تخلفات و جرائم مذکور در بندهای ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ در مرجع صالح قضایی صورت می گیرد و عضو هیأت علمی در مدت رسیدگی در مرجع قضایی به حالت تعلیق در می آید.

آزمودنی انسانی مورد تأیید این وزارتخانه اعلام می‌گردد.
 ۱۸- سوء استفاده از مالکیت معنوی یافته‌های پژوهشی نظری و عملی
 دیگران که قبلاً نتایج آنها منتشر و یا به ثبت رسیده است.

الف - نظرات مخالف

- در بند (۱۷) ضوابطی مورد اشاره قرار گرفته و الزام‌آور شناخته شده که مشخص نیست دارای ماهیت تقنینی است و یا آئین‌نامه‌ای. چنانچه این ضوابط الزام‌آور اخلاقی، متضمن ایجاد حق و تکلیف برای افراد و تقنین باشد، واگذاری آن به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- چارچوب و ملاک تعیین ضوابط در بند (۱۷)، «کدهای حفاظت آزمودنی انسانی» مشخص شده است، حال آنکه ضابطه تصویب این کدها، امری مجهول است که تعیین آن نیز امری تقنینی و در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. با این وصف، اطلاق این بند، مغایر با اصل ۸۵ و موازین شرع می‌باشد.

- اطلاق «ضوابط اخلاق پزشکی» و مشخص نبودن معیار آن، ممکن است مستلزم پذیرش برخی مسائل؛ از جمله مرگ از روی ترحم (اتانازی) باشد. علیهذا، اطلاق آن مغایر موازین شرع است.

- در بند (۱۸) پذیرش حقوق مالکیت معنوی را منوط به انتشار و ثبت کرده است که در صورت پذیرش «حق مالکیت معنوی» برای اشخاص، چنین اناطه‌ای پذیرفته نیست؛ چه آنکه سوء استفاده از حق مالکیت معنوی یافته‌های پژوهشی منتشر نشده و به ثبت نرسیده نیز جایز نیست.

ب - نظرات موافق

- این ماده در مقام اعطای صلاحیت تقنینی به وزارت بهداشت و زیر مجموعه آن نیست و بدین لحاظ مغایرتی با قانون اساسی ندارد؛ چه آنکه ضوابط مورد اشاره در بند (۱۷) مقید به رعایت ملاک؛ یعنی «کدهای حفاظت آزمودنی انسانی» - که امری مشخص و معین می‌باشد - شده است. لذا این یک امر قانونگذاری کلی نیست که در صلاحیت مجلس شورای اسلامی باشد، بلکه این ضوابط؛ از جمله امور تخصصی است که در ضوابط داخلی تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام می‌گیرد.

بند (۱۷) اساساً ارتباطی با اخلاق پزشکی ندارد، بلکه به دنبال تبیین اخلاق در پژوهشهای علوم پزشکی است. به همین دلیل، مغایرتی با قانون اساسی و موازین شرع ندارد.

تمیز میان مالکیت معنوی یافته‌های پژوهشی منتشر نشده و یا به ثبت نرسیده با یافته‌های پژوهشی منتشر شده و یا به ثبت رسیده در بند (۱۸)، واجد ملاک عقلی است؛ چرا که بند (۱۸) در راستای برشمردن مصداقی از تخلفات انتظامی اعضای هیأت علمی است و بر این اساس، مانعی برای مراجعه اشخاصی که از مالکیت معنوی یافته‌های پژوهشی ثبت نشده یا منتشر نشده آنها سوء استفاده شده است، ایجاد نمی‌کند.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۳۵۹ مورخ ۸۷/۱۱/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح الزام دولت به پیگیری حقوق جانبازان و قربانیان جنگ شیمیایی علیه جمهوری اسلامی ایران

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است حقوق مصدومان و شهدای شیمیایی ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در محاکم داخلی و خارجی پیگیری نماید.

تبصره ۱- از زمان ابلاغ این قانون تا دو ماه دولت موظف است ضمن جمع دستگاههای فعال در پیگیری حقوق جانبازان و بازماندگان جنگ شیمیایی یک دستگاه مشخص پاسخگو به مجلس را به عنوان مسئول پیگیری و اجراء این قانون تعیین نماید.

تبصره ۲- دولت موظف است با جمع اقدامات گذشته در جمع آوری اسناد جنایات شیمیایی علیه ملت ایران، یک بانک اطلاعاتی تشکیل داده و اسناد مربوطه را به روز رسانی کند.

تبصره ۳- باتوجه به ضرورت ساماندهی به تحقیقات علمی و پژوهشی مربوط به عوارض جنگ شیمیایی بر افراد و محیط، دولت مکلف است مراکز متعدد مربوطه را در قالب یک مرکز خاص جمع نماید.

تبصره ۴- دولت و قوه قضائیه موظفند با رعایت قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی حمایت‌های فنی، حقوقی و دیپلماتیک را از تمام اتباع و اشخاص ایرانی صدمه دیده از حملات و کاربرد مواد شیمیایی ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به عمل آورند.

تبصره ۵- دولت مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش اقدامات مربوط به اجراء قانون را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارائه دهد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه برخی از دستگاههای مرتبط با امور جانبازان و مصدومان شیمیایی، زیر نظر مقام رهبری قرار دارند، الزام مندرج در این مصوبه به جمع دستگاههای فعال در

این حوزه، مداخله در امور ولی امر و مغایر با اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی است.
 - با توجه به اینکه پیگیری حقوق جانبازان و مصدومان شیمیایی در محاکم بین‌المللی متضمن هزینه‌های سنگین دادرسی است، چنانچه ردیف خاصی در بودجه برای این کار پیش‌بینی نشده باشد، این طرح موجبات افزایش هزینه‌های عمومی را فراهم می‌آورد که با عنایت به عدم پیش‌بینی طریق جبران این هزینه‌ها در طرح پیشنهادی نمایندگان، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

- آنچه از ظاهر این ماده برداشت می‌شود آن است که صرفاً ناظر بر جمعیت اطلاعات و ایجاد بانک اطلاعاتی نیست، بلکه جمعیت فعالیتهای نهادهای مختلف در این زمینه را پیش‌بینی کرده که با توجه به گستردگی دستگاههای ذیربط، بار مالی سنگینی برای دولت جهت تشکیل یک ساختار جدید ایجاد خواهد کرد. بر این اساس، با عنایت به عدم پیش‌بینی طریق تأمین هزینه‌های مزبور در طرح پیشنهادی نمایندگان، تبصره (۱) مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- جمعیت دستگاههای متعدد که در زمینه خدمت‌رسانی به جانبازان و قربانیان بمب‌های شیمیایی فعالیت می‌کنند و هر یک دارای بودجه معتناهی هستند، دارای بار مالی نیست و حتی ممکن است موجب کاهش هزینه‌های دولت شود. بدین لحاظ، مغایرتی با اصل ۷۵ نخواهد داشت.

- صرف حمایت و دفاع از جانبازان شیمیایی در داخل و خارج از کشور مستلزم هزینه مالی نیست؛ چرا که در حال حاضر، دولت جمهوری اسلامی ایران به نهادهای بین‌المللی مرتبط ملحق شده و حق عضویت آنها را نیز سالیانه پرداخت می‌کند. لذا این طرح هزینه‌ای برای دولت نخواهد داشت.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۳۵۶ مورخ ۸۷/۱۱/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه موافقتنامه تجارت ترجیحی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری مردمی بنگلادش

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

ماده واحده - موافقتنامه تجارت ترجیحی بین جمهوری اسلامی ایران و
جمهوری مردمی بنگلادش مشتمل بر یک مقدمه و بیست و دو ماده به شرح
پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

...

ماده ۲۰- پیوستهایی که متعاقباً نهایی خواهد گردید.

پیوست (الف) شامل ترجیحات تعرفه‌ای که توسط دولت جمهوری اسلامی
ایران اعطاء خواهد گردید و پیوست (ب) شامل ترجیحاتی که توسط دولت
جمهوری مردمی بنگلادش اعطاء خواهد گردید و پیوست (ج) که شامل قواعد
مبدأ موافقتنامه، در فاصله صد و بیست روز از زمان امضاء این موافقتنامه نهایی
خواهد شد. این پیوستها زمانی که هر دو طرف متعاقد آنها را از طریق مبادله
یادداشت‌های دیپلماتیک مورد تأیید قرار دهند، لازم‌الاجراء خواهد شد و جزء
لایفک این موافقتنامه به شمار خواهد آمد.

اصلاحات پیوستهای (الف، ب و ج) این موافقتنامه می‌تواند بین طرفهای
متعاقد مورد توافق قرار گیرد و از روز تبادل یادداشت‌های دیپلماتیک توسط دو
طرف لازم‌الاجراء خواهد گردید.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه در ماده (۲۰) این موافقتنامه، لازم‌الاجراء شدن پیوستهای بعدی
موافقتنامه که هنوز تهیه و تدوین نشده است را صرفاً از طریق مبادله یادداشت‌های
دیپلماتیک بین دو کشور مقرر کرده است، به لحاظ عدم تصریح به لزوم رعایت تشریفات
مقرر در اصل ۷۷ قانون اساسی (= تصویب مجلس شورای اسلامی)، مغایر با اصل ۷۷
قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۳۵۷ مورخ ۸۷/۱۱/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

ماده واحده:

الف - به منظور تأمین کسری اعتبارات هزینه‌ای دستگاههای ملی و استانی به دولت اجازه داده می‌شود مشروط به عدم افزایش در سقف بودجه عمومی دولت (قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور و متمم آن) بر اساس جدول پیوست به شرح زیر اقدام نماید.

۱- افزایش اعتبارات هزینه‌ای دستگاهها و ردیف‌های مندرج در جدول پیوست بدون الزام به رعایت محدودیت‌های مقرر در ماده (۷۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰^(۱) تا سقف مبلغ پنجاه و نه هزار و پانصد و هفتاد میلیارد (۵۹,۵۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مجاز خواهد بود.

۲- حداقل مبلغ ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از این افزایش از محل صرفه‌جویی و کاهش اعتبارات هزینه‌ای و حداقل تا مبلغ دوازده هزار میلیارد (۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل کاهش اعتبارات تملک داراییهای مالی و مابقی از محل کاهش با درصد یکسان از اعتبارات کلیه طرحهای تملک

۱. ماده ۷۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰): افزایش اعتبار هزینه هریک از برنامه‌ها و فصول هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منظور در قوانین بودجه سالانه، از محل کاهش دیگر برنامه‌ها و فصول هزینه دستگاه ذی‌ربط، مشروط به آنکه در جمع اعتبارات هزینه‌ای آن دستگاه تغییری حاصل نشود حداکثر تا سی درصد (۳۰٪) به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرائی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مجاز می‌باشد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کماکان بودجه خود را در قالب برنامه و طرح، تنظیم و اجرایی نمایند و تخصیص دریافت می‌کنند و تابع قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های مربوطه می‌باشند. تأمین و پرداخت کسور بازنشستگی سهم دولت از شمول محدودیتهای این ماده مستثنی می‌باشد. در اجرای ماده (۱۱) اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری مصوب ۱۳۵۴/۳/۸، خزانه مکلف است به تقاضای سازمان مذکور، کسور مربوط به هر دوره را از تخصیص اعتبار آن دوره برداشت و به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت نماید.

داراییهای سرمایه‌ای قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور به استثناء:

- طرحها و پروژه‌هایی که در سال ۱۳۸۷ به پایان می‌رسد.
- طرحهای سد آبهای مرزی.
- طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشگاهها و مراکز پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأمین خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- هدف از تهیه و ارسال این لایحه، جبران کمبود بودجه از سوی دولت بوده و این جبران از طریق برداشت از ردیف سرمایه‌ای و انتقال به ردیف‌های هزینه‌ای صورت گرفته است. سال گذشته، در هنگام تصویب لایحه بودجه ۸۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام طی نامه‌ای به شورای نگهبان به استناد سیاست‌های کلی نظام مبنی بر اینکه درآمدهای حاصل از نفت باید صرف امور سرمایه‌ای شود، لایحه بودجه را مغایر با سیاست‌های کلی نظام (بند ۵۱ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه) دانست. شورای نگهبان نیز به استناد نامه مزبور، لایحه را مغایر با بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی ارزیابی کرده و به مجلس عودت داد. بر این اساس، لایحه مزبور، که در مقام بازگشت به مصوبه مزبور است، در تغایر با سیاست‌های کلی نظام، و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- از آنجا که مشخص نیست که چه مقدار از بودجه عمرانی کشور از نفت تأمین می‌شود و چه مقدار صرف امور هزینه‌ای می‌گردد، اشکال مغایرت با سیاست‌های کلی نظام وارد نیست. ضمن اینکه منابع درآمدی در بودجه سالانه کل کشور متنوع و متعدد است که می‌تواند به درآمد مالیاتی و درآمد شرکت‌ها و فروش اموال و دارایی‌های دولت اشاره کرد که غیر از منبع درآمدی نفت است و نمی‌توان برداشت از بودجه عمرانی و انتقال آن به بودجه هزینه‌ای را الزاماً استفاده از منابع نفت برای امور هزینه‌ای تلقی کرد.

- با عنایت به اینکه منابع درآمدی که برای مصارف هزینه‌ای اختصاص می‌یابد، با منابع مربوط به مصارف سرمایه‌ای و عمرانی مشترک است و تفکیک میان درآمدها صورت نمی‌پذیرد، ایراد مغایرت با سیاست‌های کلی نظام مبنی بر عدم استفاده از درآمد نفت در امور هزینه‌ای قابل احراز نیست.

الف - ...

تبصره - اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای قوه مقننه، قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دستگاهها و ردیفهای وابسته به آنها و کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی صددرصد تخصیص یافته و پرداخت می‌گردد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه اولاً تبصره بند (الف) در لایحه دولت نبوده و توسط مجلس شورای اسلامی به لایحه اضافه شده است؛ و ثانیاً بار مالی اجرای آن بسیار قابل توجه است؛ شبهه مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی وجود دارد.

- از آنجا که تبصره الحاقی مزبور، از ماهیت تقنینی و برنامه‌ریزی خارج شده و وارد امور ماهیتاً اجرایی گردیده است (چرا که دولت پس از وصول درآمدها می‌تواند تخصیص اعتبار بدهد)، مداخله در قوه مجریه محسوب شده و مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است.

- پرداخت صددرصد اعتبارات تنها زمانی ممکن است که درآمدهای پیش‌بینی شده به طور کامل تحقق یافته باشند و دولت تا هنگامی که درآمدهای مربوطه وصول نگردیده باشد، نمی‌تواند اعتبارات را به طور کامل اختصاص دهد. به همین جهت، اختصاص صددرصد اعتبارات به نهادهای مزبور، و عدم امکان اقدام مشابه در خصوص سایر نهادها، موجب تبعیض ناروا و اختلال در توزیع بودجه است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به رویه شورای نگهبان مبنی بر عدم تأیید لوایح بودجه، و عدم ایراد به موارد مشابه تبصره فوق، ایرادی بر این مصوبه وارد نیست.

- هرچند مسأله بودجه از امور ماهیتاً اجرایی است، لکن قانون اساسی - علاوه بر وظیفه تقنین - اختیار بررسی و تصویب بودجه را مجلس سپرده است و به همین جهت، مداخله مجلس در امور بودجه، مغایرتی با صلاحیت‌های قوه مجریه ندارد.

- از آنجا که این تبصره، هیچ‌گونه افزایش هزینه یا کاهش درآمدی را موجب نشده است و صرفاً بر اختصاص کامل بودجه تأکید کرده است، ایراد افزایش هزینه‌های عمومی و مغایرت با اصل ۷۵ نیز بر آن وارد نیست.

- ایجاد تسهیلات دریافت بودجه، برای نهادهای خارج از قوه مجریه - که امکان دریافت اعتبارات اختصاص یافته در پایان سال برای آنان وجود ندارد - مصداق تبعیض ناروا محسوب نمی‌گردد.

د - بند «و» تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور^(۱) و حکم قانون «اصلاح جداول (۴) و (۸) قانون برنامه پنجساله چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور برای تأمین کسری اعتبار گازرسانی به روستاها»^(۲) مصوب ۱۳۸۶ برای سال مالی ۱۳۸۷ (۸۸/۴/۳۱) تنفیذ گردد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اصل سالیانه بودن بودجه کشور (مندرج در اصل ۵۲ قانون اساسی) عبارت «برای سال مالی ۱۳۸۷ (۱۳۸۸/۴/۳۱) تنفیذ می‌گردد» محل شبهه و ابهام است.
- رویه پیشین شورای نگهبان در تأیید بودجه چند ماهه یا بیشتر از یک سال - و نه سالانه - حجتی برای تأیید مجدد این مصوبه نیست و ضروری است اصل ۵۲ قانون اساسی و اصل سالیانه بوده در آن مراعات گردد.

ب - نظرات موافق

- از آنجا که شبهه مغایرت با اصل سالیانه بودن بودجه کشور در گذشته نیز در شورای نگهبان مطرح شده و مورد ایراد قرار نگرفته است، فلذا نمی‌توان ایرادی بر این مصوبه وارد دانست. پیش از این نیز مصرف بودجه‌های هزینه‌ای تا آخر فروردین و بودجه‌های عمرانی و تملک‌دارایی سرمایه‌ای تا آخر تیرماه به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۱. بند «و» تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور: وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذریبط موظف است علاوه بر حکم بند (د) این تبصره قیمت هر متر مکعب فروش گاز مصرفی را مبلغ بیست (۲۰) ریال افزایش داده و درآمد حاصله را عیناً جهت طرح گازرسانی به روستاهای کشور هزینه نماید.
۲. قانون اصلاح جداول شماره (۴) و (۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور به منظور تأمین کسری اعتبار گازرسانی به روستاهای کشور:
ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود معادل ارزی مبلغ نه هزار و پانصد میلیارد (۹,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از حساب ذخیره ارزی برداشت و پس از فروش، درآمد حاصله را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و تا سقف مبلغ فوق برای تأمین کسری اعتبار گازرسانی به روستاهای کشور اختصاص دهد.

- چون در عمل امکان اینکه کلیه درآمدها در همان سال مصرف شود وجود ندارد، و واریز این درآمدها به خزانه و سپس وصول آن از خزانه متضمن ضرر مالی قابل توجهی است، لذا معمولاً این اجازه داده می‌شود که این درآمدها تا یک ماه بعد (در امور جاری) یا چهار ماه بعد (در امور عمرانی) هزینه شود. بنابراین دستگاه‌های اجرایی می‌توانند باقیمانده اعتباراتی که تا پایان سال مصرف نشده است را در مهلت‌های مقرر (آخر فروردین و تیر) هزینه کنند و این تحدید منافاتی با سالانه بودن بودجه ندارد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۷۲۴ مورخ ۸۷/۱۱/۳۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح نظارت شرعی بر ذبح و صید

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

ماده ۳- وزارت جهاد کشاورزی موظف است با استفاده از نیروها، امکانات و ظرفیتهای موجود، بر اساس مأموریتهای محوله و حیطه جغرافیایی، امکان اعمال نظارت بر ذبح شرعی را توسط حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور فراهم نماید.

الف - نظرات مخالف

- بر اساس نامه حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی به شورای نگهبان، به استناد نظر رهبر معظم انقلاب، تاکنون نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی متکفل نظارت بر ذبح شرعی بوده است؛ لکن در این ماده، بدون لحاظ نظر رهبر انقلاب، این وظیفه به نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی منتقل گردیده است و به همین جهت دارای ایراد می باشد.

- هر چند که نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی منصوب نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی است، لکن ذکر نام حوزه نمایندگی فقیه در سازمان دامپزشکی ممکن است شائبه استقلال این حوزه را از حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی ایجاد کند و نوعی اصالت به حوزه مذکور اعطا کند در حالی که اصالت متعلق به حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به اینکه مستند تفویض نظارت بر ذبح شرعی از سوی رهبر انقلاب به حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، به ضمیمه نامه ارسال نشده است، نمی توان این ماده را صریحاً مغایر با موازین شرع یا قانون اساسی اعلام کرد.

- کلیه افرادی که به عنوان حوزه نمایندگی ولی فقیه در دامپزشکی فعالیت می کنند، منصوب نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی هستند و در واقع از نماینده ولی فقیه

در وزارت جهاد کشاورزی سلب اختیار نشده است؛ فلذا ایرادی بر این ماده وارد نیست.

ماده ۵- دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز این قانون را از محل اعتبارات وزارت جهاد کشاورزی (سازمان دامپزشکی کشور) در ردیف خاصی همه ساله در بودجه سالانه تأمین و منظور نماید.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که اصل ۷۵ قانون اساسی مجلس را مکلف کرده تا محل اعتبار افزایش هزینه‌های عمومی را «تأمین» کند، و با توجه به اینکه این ماده صرفاً دولت را مکلف کرده است تا هزینه‌های مربوطه را در بودجه‌های سالیانه لحاظ نماید و در واقع محل اعتبار را تعیین کرده است و نه تأمین، است، فلذا این ماده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- از آنجا که در این ماده، هزینه اضافی ایجاد نکرده و تنها اعلام کرده هنگامی که دولت بودجه سالرا که تنظیم می‌کند، هزینه‌های مربوط به این نظارت شرعی را نیز مورد توجه قرار دهد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۵، با رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۷- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی برای اجراء دقیق این قانون موظف به انجام اقدامات زیر است:

الف - آموزش و تعیین صلاحیت و وظایف و به‌کارگیری ناظران شرعی و ارزیابی عملکرد آنان در دوره‌های زمانی.

ب - تعیین صلاحیت ذابحین و صیادان و ارتقاء سطح آموزشی مرتبط با وظایف آنان.

ج - تعیین ضوابط مربوط به نحوه استفاده حلال از اجزاء حیوانات حرام گوشت و منافع محله اجزای حرام حیوانات حلال گوشت و آبزیان حرام وفق فتاوی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید و فقه اهل سنت (در جاهایی که طبق قانون باید فقه اهل سنت رعایت شود) برای داخل و خارج از کشور.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که اصل ۱۲ قانون اساسی مذهب جعفری اثنی عشری را به عنوان مذهبی رسمی کشور تلقی کرده است و سایر مذاهب رسمی را تنها در احوال شخصی آنها ملاک اعتبار دانسته است، فلذا ذبح حیوانات بر اساس فقه اهل سنت، مغایر با قانون اساسی است.

- تعیین وظایفی غیر از آنچه رهبر معظم انقلاب برای حوزه نمایندگی ولی فقیه تعیین کرده اند، توسط مجلس شورای اسلامی، تصرف در اختیارات معظم له و مغایر با شرع و قانون اساسی است. چنانچه در ذیل ماده، بر لزوم کسب اذن مقام معظم رهبری تأکید می‌شد، این ماده فاقد ایراد بود.

- تعیین صلاحیت ذابحین به نوعی دارای ماهیت تقنین است و به همین جهت سپردن این مسأله به حوزه نمایندگی ولی فقیه، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- با توجه به تفاوت فتاوی مراجع عظام تقلید در خصوص احکام صید، مشخص نیست مراد بند (ج) مبنی بر لزوم رعایت این فتاوی، عمل به احتیاط است، یا آنکه عمل به فتاوی هر یک از فقهاء کفایت می‌کند؟ مراجع حی یا میت؟ حکم مواردی که فتاوی مراجع در تضاد با یکدیگر هستند چیست؟ به همین جهت، ذیل این بند دارای ابهام است.

- از آنجا که اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی را مکلف کرده تا حکم هر قضیه را ابتدا در قوانین مدون بیابد، و در صورت نیافتن حکم آن حق رجوع به منابع فقهی دارد، این مسأله قابل استنباط است که قانون باید ملاک عمل باشد و نه فتاوی فقهی مراجع. بر این اساس، ارجاع بند مزبور به فتاوی مراجع تقلید، مغایر با قانون اساسی می‌باشد.

- از آنجا که تعیین ضوابط ذبح شرعی و نحوه استفاده حلال از اجزاء حیوانات حرام گوشت، دارای ماهیت تقنینی است و آیین‌نامه و ضوابط اجرایی تنها بر اساس متن قانون قابل اجراست، فلذا واگذاری تعیین ضوابط بر اساس فتاوی مراجع، در واقع واگذاری امر تقنین به دیگری بوده و مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ب - نظرات موافق

- با توجه به خروج موضوعی اصل ۱۶۷ قانون اساسی نسبت به محتوای ماده فوق، و اختصاص آن به امور قضائی، ایراد مغایرت با قانون اساسی موجه نیست.

- ملاک قرار دادن فتاوی مراجع، به جهت آنکه تعیین معیار از سوی قانون بوده است، مغایرتی با اصل ۸۵ قانون اساسی ندارد.

- بی تردید در اصول متعدد قانون اساسی، شرع بالاصاله به عنوان یکی از منابع حقوقی تلقی شده است و نه بالعرض. تنها در برخی اصول قانون اساسی تصریح شده است که اعمال برخی امور - نظیر اعمال مجازات و وضع مالیات - منحصر به وجود قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است.

- ماده فوق در مقام تعیین ضابطه یا تقنین نیست، بلکه صرفاً راهکار بیان احکام شرعی برای مردم و بر اساس رساله‌های عملیه را تبیین کرده است و به همین جهت هیچ‌گونه مغایرتی با اصل ۸۵ قانون اساسی ندارد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۷، به جهت مداخله در امور ولی فقیه، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۸- ناظران شرعی در حکم ضابطین قضائی محسوب گردیده و موظفند از موارد خلاف شرع موضوع این قانون جلوگیری نموده و مراتب را جهت رسیدگی به مراجع صالح قضائی از طریق دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی ابلاغ و اجراء نمایند.

تبصره - وظیفه ناظران شرعی براساس دیدگاهها و نظرات فقهی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید ابلاغ می‌شود.

الف - نظر مخالف

- تعیین وظایفی غیر از آنچه رهبر معظم انقلاب برای حوزه نمایندگی ولی فقیه تعیین کرده اند، توسط مجلس شورای اسلامی، تصرف در اختیارات معظم له و مغایر با شرع و قانون اساسی است. چنانچه در ذیل ماده، بر لزوم کسب اذن مقام معظم رهبری تأکید می‌شد، این ماده فاقد ایراد بود.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۸، به جهت مداخله در امور ولی فقیه، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه مرحله اول شورای نگهبان^(۱)

ماده (۵) از این جهت که موجب افزایش هزینه عمومی می‌شود و طریق جبران آن مشخص نگردیده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

اطلاق مواد (۷) و (۸) از این جهت که بدون اذن، نماینده ولی فقیه را موظف به اموری می‌کند، مغایر اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

ماده ۵- دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز این قانون را از محل عوارض دریافتی از کشتار دام و طیور در کشتارگاه‌های کشور تأمین و در ردیف خاصی همه ساله در بودجه سالانه منظور نماید.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۷- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی با اذن مقام معظم رهبری برای اجراء دقیق این قانون موظف به انجام اقدامات زیر است:

الف - ...

الف - نظر مخالف

- از آنجا که حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی فاقد وجود خارجی است و صرفاً افرادی از سوی حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، در آن سازمان مشغول به کار هستند، تأسیس یک چنین تشکیلاتی در زیر مجموعه رهبری و مداخله در امور ولی فقیه، دارای ایراد شرعی و قانون اساسی است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۸۸۱ مورخ ۸۷/۱۲/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه در این ماده از «حوزه نمایندگی ولی فقیه» یاد شده و نه «نماینده»، هیچ الزامی برای ولی فقیه ایجاد نشده و ساختار کنونی در زیر مجموعه وزارت جهاد کشاورزی به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

ماده ۸- ناظران شرعی در حکم ضابطین قضائی محسوب گردیده و موظفند از موارد خلاف شرع موضوع این قانون جلوگیری نموده و مراتب را جهت رسیدگی به مراجع صالح قضائی از طریق دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی با اذن مقام معظم رهبری ابلاغ و اجراء نمایند.

الف - نظر مخالف

- از آنجا که حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی فاقد وجود خارجی است و صرفاً افرادی از سوی حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، در آن سازمان مشغول به کار هستند، تأسیس یک چنین تشکیلاتی در زیر مجموعه رهبری و مداخله در امور ولی فقیه، دارای ایراد شرعی و قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه در این ماده از «حوزه نمایندگی ولی فقیه» یاد شده و نه «نماینده»، هیچ الزامی برای ولی فقیه ایجاد نشده و ساختار کنونی در زیر مجموعه وزارت جهاد کشاورزی به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مصوبه مزبور مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۹۸ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح ایجاد ردیف مستقل به منظور واریز منابع مالی صندوق تأمین خسارتهای بدنی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

ماده واحده - دولت مکلف است در اجراء قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب سال ۱۳۸۷ نسبت به ایجاد ردیف مستقل فرعی جهت واریز درآمدهای حاصل از اجراء این قانون و همچنین هزینه نمودن آن اقدام نماید. تبصره - این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است و کلیه وجوه مربوط به سال ۱۳۸۷ بلافاصله به این ردیف واریز خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- در ماده (۹۲) قانون برنامه چهارم^(۱) توسعه مقرر شده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگان در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کنند. در این مصوبه جدید، مجلس این اختیار را از وزارت بهداشت، گرفته و به صورت متمرکز درآورده است. این مصوبه، در واقع، به طور کلی ماده (۹۲) قانون برنامه چهارم توسعه را اصلاح کرده است، بی آنکه ضوابط آیین‌نامه داخلی مجلس (ماده ۲۱۵)^(۲) مبنی بر رأی دو سوم

۱. ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳): وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی، در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کند.

به منظور تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات فوق، ده درصد (۱۰٪) حق بیمه شخص ثالث، سرنشین و مازاد توسط شرکتهای بیمه تجاری وصول و به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نزد خزانه‌داری کل واریزی گردد و هزینه‌های درمان کلیه مصدومان ترافیکی، جاده‌ای و رانندگی از محل وجوه واریز شده به این حساب و سایر منابع موجود پرداخت خواهد شد. توزیع این منابع بر اساس عملکرد هر یک از سازمانهای بیمه‌گر پایه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هر شش ماه یک بار صورت خواهد گرفت.

۲. ماده ۲۱۵ آیین‌نامه داخلی مجلس: اصلاح قانون برنامه توسعه در ضمن لایحه بودجه و دیگر طرحها و لوایح با رأی دوسوم نمایندگان حاضر پذیرفته می‌شود و هرگونه اصلاح نیز با رأی دوسوم نمایندگان معتبر خواهد بود.

نمایندگان مجلس را مراعات کرده باشد. به همین لحاظ، نقض آیین‌نامه داخلی مجلس، مغایر با ذیل اصل ۶۵ قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- این صندوق بر اساس مواد ۱۰ تا ۱۳^(۱) «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» - مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ - تشکیل شده است و این ماده واحده صرفاً در پی تعیین ردیف مستقل برای این صندوق است و ارتباطی به قانون برنامه چهارم توسعه ندارد.

- در ماده (۹۲) قانون برنامه چهارم توسعه گفته شده است درصدی از حق بیمه به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی داده شود که ردیف خاص خود را دارد. در این مصوبه گفته شده است درصدی از حق بیمه نیز به صندوق تأمین خسارتهای بدنی اختصاص یابد و هر کدام مستقل از یکدیگر هستند.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶): به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارتهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارتهای بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارتهای بدنی پرداخت خواهد شد.

مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی ایران و تصویب مجمع عمومی و با حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می‌گردد. مجمع عمومی صندوق با عضویت وزراء امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی و دادگستری و رئیس کل بیمه مرکزی ایران حداقل یک بار در سال تشکیل می‌شود. بودجه، ترازنامه و خط مشی صندوق به تصویب مجمع خواهد رسید. متن کامل ترازنامه صندوق از طریق روزنامه رسمی و یکی از جرائد کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.

تبصره ۱- ...

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۸۸۷ مورخ ۸۷/۱۲/۴ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح ماده (۲۰ مکرر) آئین نامه مالی شهرداریها

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

ماده واحده - ماده (۲۰ مکرر) آئین نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۸۰ به شرح زیر اصلاح و تبصره ذیل آن ابقاء می گردد:

ماده ۲۰ مکرر - حد نصابهای تعیین شده در ماده (۱)، بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) این آئین نامه متناسب با شرایط اقتصاد کشور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت کشور و شورای عالی استانها با تصویب هیأت وزیران قابل تجدیدنظر خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- بر اساس این مصوبه هیأت وزیران تنها پس از پیشنهاد شورای عالی استانها و وزارت کشور می تواند ورود داشته باشد و نمی تواند حد نصابهای تعیین شده در ماده (۱)، بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) را بدون پیشنهاد و تصویب شورای عالی استانها تغییر دهد. این در صورتی است که بر اساس اصل ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون اساسی و نظرات متعدد شورای نگهبان، شوراها صرفاً وظیفه «نظارتی» دارند. بنابراین، این مصوبه که شأنی افزون بر وظیفه نظارت برای شورای عالی استانها در نظر گرفته، مغایر با اصول مزبور می باشد.

- صلاحیت شناسایی شده برای شورای عالی استانها در این مصوبه، بر اساس اصل ۱۰۲ قانون اساسی نیز قابل توجیه نیست؛ چرا که وفق اصل ۱۰۲، شورای عالی استانها، صرفاً امکان تهیه طرح در حدود وظایف خویش را دارد تا مستقیم یا به واسطه دولت در مجلس شورای اسلامی طرح و مورد بررسی قرار گیرد. در حالی که مصوبه کنونی مجلس، از این قبیل نیست، بلکه طرح و تصویب موضوع مربوط به حد نصابهای مقرر در آئین نامه مالی شهرداریها را منوط به پیشنهاد شورای عالی استانها کرده است.

- صلاحیت اعطا شده به شورای عالی استانها در این مصوبه، به روشنی واگذاری

کار اجرایی به این نهاد است. به دلیل اینکه در این مصوبه، سیری را برای چگونگی تصویب موضوع در هیأت وزیران مشخص کرده و بررسی و تصویب حد نصابها در هیأت وزیران را منوط و محدود به پیشنهاد شورای عالی استانها نموده است. بر این اساس، هیأت وزیران نمی‌تواند خود مستقیماً اقدام به تصویب حد نصابها نماید. این مسئله، موضوعی فراتر از نظارت است و دخالت در اجرا می‌باشد.

- وظیفه شوراهای بر اساس قانون اساسی نظارت است و اعضای شورای عالی استانها هم از میان اعضای شورای استانها انتخاب می‌شوند. بنابراین، شورای عالی استانها وظیفه‌ای زائد بر آنچه در اصل ۱۰۰ بر عهده شوراهای نهاده شده ندارند، بلکه وظیفه آنها از همان سنخ نظارت، اما در سطحی بالاتر است. نظارت آنها بدین صورت است که در استانهای مختلف مراقبت کنند تا روشهای گوناگونی به کار گرفته نشود که موجبات تبعیض میان مردم را فراهم آورد؛ دستگاههای مختلف در استانهای مختلف به صورت هماهنگ عمل کنند. این شوراهای با سنجش برنامه‌های مختلفی که در شهرها و استانهای مختلف اجرا می‌گردد، بر اجرای هماهنگ آنها نظارت دارند تا از این طریق، جلوی بروز تبعیض در نقاط مختلف را بگیرند.

- از اصل ۱۰۰ قانون اساسی سه نکته مهم قابل برداشت است: ۱- اداره امور با مجریان است. ۲- نظارت بر عهده شوراهای است و ۳- همکاری مردم در اجرای سریع برنامه‌ها از طریق شوراهای باید صورت گیرد. یعنی در کنار نظارت، همکاری و تشویق به همکاری با مجریان نیز جزء وظایف شوراهای است. در اصل ۱۰۱ در یک سطح بالاتری از شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان، شورای عالی استانها تعریف شده که این طرح‌ها که در سراسر کشور در حال اجرا است، بدون تبعیض و با همکاری مردم و به صورت هماهنگ، تحت نظارت این شورای عالی صورت گیرد. یعنی کار اجرایی تعریف نکرده است، بلکه همان وظایف شوراهای را در سطح بالاتری برای نظارت بیشتر و هماهنگی و انسجام بالاتر مطرح کرده است.

- این امر که قانون اساسی وظایف شورای عالی استانها را به قانون عادی موکول کرده است، تضادی با اینکه این وظایف باید در چارچوب اصول قانون اساسی باشد، ندارد. بنابراین، مجلس باید در چارچوب اصول ۱۰۰ و ۱۰۱ وظایف شورای عالی استانها را مشخص کند و نمی‌تواند فراتر از این اصول که چارچوب کلی را بیان کرده‌اند، اقدام به وضع مقرر نماید.

ب - نظرات موافق

- حکم مقرر در این ماده مبنی بر ارائه پیشنهاد مشترک توسط شورای عالی استانها و وزارت کشور و تصویب در هیأت وزیران، معنایش این نیست که هیأت وزیران حق ندارد بدون پیشنهاد دو مرجع مزبور، خود رأساً اقدام به تغییر و تصویب حد نصابهای جدید نماید. به عبارت دیگر، اثبات شیء، نفی ما عدا نمی کند. بنابراین، بررسی مستقیم مسئله در هیأت وزیران بدون پیشنهاد شورای عالی استانها و وزارت کشور نیز قابل انجام است.

- طرح پیشنهاد برای تغییر حد نصابهای موضوع مواد (۱)، (۴) و (۲۰) که فلان مقدار در نظر گرفته شده، کم است یا زیاد، پیشنهادی ذاتاً نظارتی است و ارائه آن از سوی شورای عالی استانها کاملاً موجه و منطبق با وظایف مصرح این نهاد در قانون اساسی است؛ چه آنکه این شورا، با ملاحظه وضعیت شهرها، مناطق و نیازمندیهای آنها و با ملاحظه عملکرد شهرداریها، بدون آنکه مستقیماً در کار اجرایی دخالت کند، با تصمیمات و پیشنهادهای خود، نوعی نظارت عملی را سامان می دهد. بنابراین، در این مصوبه نیز به نظر می رسد اقدام شورای عالی استانها، در راستای عملیاتی کردن وظیفه نظارتی این نهاد است و امر اجرایی تلقی نمی شود؛ چون این شورا صرفاً پیشنهاد دهنده است و مستقیماً نمی تواند امری را انجام دهد و باید با وزارت کشور مشورت نماید تا با هماهنگی هر دو نهاد برای تصویب و اخذ تصمیم نهایی به هیأت وزیران ارسال گردد.

- اصل ۱۰۰ قانون اساسی که وظیفه شوراها را نظارت معین کرده است، منحصر در شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان می باشد و شورای عالی استانها از شمول این اصل خارج است. بنابراین، منع دخالت در اجرا و محدود بودن صلاحیت شوراها به نظارت مندرج در اصل ۱۰۰، شورای عالی استانها را در بر نمی گیرد. آنچه مربوط به ترکیب و صلاحیت شورای عالی استانها است در اصل ۱۰۱ قانون اساسی بیان شده که قانونگذار، هدف از تشکیل این شورا را جلوگیری از تبعیض، جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها با تفصیلی که قانون عادی بیان می کند، مقرر داشته است. بر این اساس، این مصوبه مجلس، یکی از قوانین عادی است که در صدد تبیین تفصیلی وظایف شورای عالی استانها است و در همین راستا مقرر کرده که شورای عالی استانها اقدام به همکاری در تهیه پیشنهاد حد نصابها نماید. لذا صلاحیت واگذار شده به این شورا در این مصوبه، منطبق با عناوین مندرج در اصل ۱۰۱ قانون اساسی است.

- این استدلال که چون اعضای شورای عالی استانها از اعضای شوراهای مندرج در

اصل ۱۰۰ قانون اساسی هستند، نمی‌توانند وظیفه‌ای فراتر از وظیفه نظارتی مندرج در اصل ۱۰۰ داشته باشند، یک مغالطه است؛ چرا که شورای عالی استانها خود یک نهاد و تأسیس حقوقی است که دارای شخصیت مستقل می‌باشد. این شورا گرچه اعضایش همان اعضای شوراهای هستند، لیکن به واسطه شخصیت حقوقی مستقلی که دارد، می‌تواند وظایفی فراتر از آنچه در اصل ۱۰۰ قانون اساسی برای شوراهای در نظر گرفته شده داشته باشد. قانون اساسی این شخصیت مستقل را در اصل ۱۰۱ قانون اساسی برای این نهاد ایجاد کرده و مقرر داشته که قانونگذار عادی، تبیین تفصیلی وظایف این شورا را در چارچوب وظایف کلی مندرج در اصل ۱۰۱ مشخص کند. بنابراین، غایت شوراهای عالی در اصل ۱۰۱ ذکر گردیده و تبیین تفصیلی وظایف آن بر عهده مجلس شورای اسلامی است و مصوبه مزبور نیز در همین راستا وضع گردیده است.

– با دقت در اصل ۱۰۱ می‌توان این‌گونه بیان کرد که وظیفه شورای عالی استانها از جلب همکاری در پروژه‌های عمرانی و رفاهی تا نظارت بر حسن اجرای آنها را در برمی‌گیرد؛ یعنی هم متضمن نوعی اجرا است (= جلب همکاری) و هم نظارت. بر این اساس، جلب همکاری و مشارکت در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی را نمی‌توان یک امر نظارتی تلقی نمود و جلب همکاری را برخاسته از بحث نظارت دانست. این دو مقام، از یکدیگر جدا هستند و مسلماً نظارت، مرحله بعد از جلب همکاری برای تصویب و تهیه برنامه‌های عمرانی است.

– در قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی – که توسط شورای نگهبان نیز مورد تأیید قرار گرفته است – در بخش تعیین وظایف؛ از جمله در فصل سوم آن، مواردی همچون بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های موجود و ارائه پیشنهادها، اصلاحی و عملی در این زمینه‌ها به مقامات مسئول و همچنین برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذیربط و... را از وظایف شوراهای اسلامی مقرر کرده است. بنابراین، مشخص است که نظارت، صرفاً تماشا کردن نیست، بلکه اموری همچون «ارائه پیشنهاد» نیز، جزء کار نظارتی شوراهای و در زمره وظایف آنها است.

ج – تصمیم شورا

منوط کردن تجدیدنظر هیأت وزیران راجع به حد نصابها، به پیشنهاد شورای عالی استانها، با رأی موافق، مغایر با اصل ۱۰۱ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

در ماده (۲۰) مکرر، منوط کردن تصویب آئین نامه توسط هیأت وزیران به پیشنهاد شورای عالی استانها، مغایر اصل ۱۰۱ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۳/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۳/۲۰

ماده واحده - ماده (۲۰) مکرر) آئین نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۸۰ به شرح زیر اصلاح و تبصره ذیل آن ابقاء می گردد:

ماده ۲۰ مکرر - حد نصابهای تعیین شده در ماده (۱)، بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) این آئین نامه متناسب با شرایط اقتصاد کشور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت کشور و شورای عالی استانها و یا هر یک از آنها با تصویب هیأت وزیران قابل تجدیدنظر خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- ایرادی که به ماده (۲۰) مکرر) شده بود، تغایر آن با اصل ۱۰۱ قانون اساسی بود؛ یعنی اساساً شورای عالی استانها امکان و حق ارائه پیشنهاد در این موارد را ندارد؛ چه به صورت مستقل و چه مشترک؛ زیرا مستفاد از اصول ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون اساسی، ارائه پیشنهاد درخصوص تعیین حد نصابهای مقرر در این ماده، در حیطه هیچ یک از سه وظیفه معین شده برای شورای عالی استانها در اصل ۱۰۱ (جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها) و همچنین در چارچوب راهکار اجرایی ارائه شده برای نحوه عملکرد این شورا، مقرر در اصل ۱۰۲ قانون اساسی (ارائه طرحهای پیشنهادی مستقیماً یا از طریق دولت، به مجلس شورای اسلامی) نیست. بر این اساس، اصلاح صورت گرفته توسط مجلس، ایراد شورا را مرتفع نکرده است.

- از آنجا که نفس ارائه پیشنهاد، خود واجد اثر می باشد و اثر آن این است که دولت به واسطه این قانون، موظف به رسیدگی بدان است و این گونه نیست که چون پیشنهاد است، دولت مختار به رسیدگی یا عدم رسیدگی باشد. از سوی دیگر، صلاحیت این چنینی برای

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۵۹۵ مورخ ۸۷/۱۲/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

شورای عالی استانها از اصول ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون اساسی استنباط نمی‌گردد. بر این اساس، به رغم اصلاح به عمل آمده، ایراد مغایرت با اصل ۱۰۱ قانون اساسی همچنان وجود دارد. - به ماده مذکور دو ایراد مختلف وارد بوده است: یکی آنکه اختیار آئین‌نامه‌گذاری هیأت وزیران را محدود کرده است و دیگر اینکه وظیفه‌ای بیشتر از صلاحیتهای مندرج در قانون اساسی برای شورای عالی در نظر گرفته شده است که در نظریه شورای نگهبان عبارات ایراد، گویا تنظیم نشده است و این دو ایراد با هم مخلوط شده است، لذا باید ایراد مغایرت با اصل ۱۰۱ که در نظریه شورای نگهبان، صریحاً آمده مد نظر قرار گیرد. بر این اساس، از آنجا که این امر در حیطه صلاحیت شورای عالی استان نیست، ایراد مغایرت با اصل ۱۰۱ همچنان به قوت خود باقی است.

ب - نظرات موافق

- با عنایت به اینکه دلیل ردّ مصوبه پیشین مجلس توسط شورای نگهبان، منوط شدن تصویب آئین‌نامه توسط هیأت وزیران به پیشنهاد شورای عالی استانها و در نتیجه، ایجاد محدودیت در اختیار دولت در این خصوص بود، و با توجه به اینکه با اصلاح صورت گرفته، محدودیت مزبور از میان رفته است، ایراد شورا مرتفع گردیده است. - مصوبه قبل از اصلاح از آنجا که دولت را محدود کرده بود، واجد ایراد بود، لیکن با اصلاح صورت گرفته شورای عالی استانها می‌تواند در راستای وظیفه جلوگیری از تبعیض و نظارتی که وفق اصل ۱۰۱ قانون اساسی بر عهده این نهاد گذارده شده، پیشنهادهای را به هیأت دولت که نهاد صاحب صلاحیت برای به روز کردن ارقام و حد نصابهای مندرج در ماده (۱)، بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) آئین‌نامه مالی شهرداریها است، ارائه کند. ضمن آنکه اصل ۱۰۱، تفصیل و تبیین وظایف شورای عالی استانها را بر عهده قانونگذار عادی گذارده که این مصوبه نیز بر همین اساس و در راستای تبیین اهداف مقرر در اصل مزبور، توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۹۵۵ مورخ ۸۸/۳/۲۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

ماده واحده - شرکت مخابرات ایران مکلف است بر اساس قوانین تأمین اجتماعی و ضوابط و شرایط مقرر در قانون کار، حق بیمه تمام کارگزاران مخابرات روستایی اعم از شاغل و کارگزاردنی که به پیمانکار مخابرات روستایی تبدیل شده‌اند پرداخت نماید. تبصره ۱- منابع مالی حق بیمه جهت مصارف موضوع ماده فوق‌الذکر از محل منابع داخلی شرکت مذکور تأمین و در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد. تبصره ۲- میزان و چگونگی پرداخت حق بیمه و نحوه احتساب سنوات گذشته براساس آئین‌نامه‌ای به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب هیأت وزیران خواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- در تبصره (۱) بار مالی این طرح مفروض انگاشته شده و مقرر شده از محل منابع داخلی شرکت تأمین گردد؛ یعنی از محل اموال و داراییهای موجود شرکت به این امر اختصاص یابد. در حالی که بر اساس اصل ۷۵ قانون اساسی طرحهایی که با افزایش هزینه عمومی همراه باشد، باید طریق تأمین هزینه جدید معلوم باشد و راهکار تأمین این هزینه‌ها مشخص باشد. بر این اساس، با توجه به اینکه در این مصوبه، طریق تأمین این هزینه‌ها مشخص نشده و تنها معین شده که از محل منابع داخلی شرکت پرداخت گردد، ایراد مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی دارد.

- با توجه به اینکه بخشی از شرکت مخابرات، متعلق به دولت نبوده و مالکیت بخشی از آن به مردم واگذار گردیده است و در این طرح مقرر شده که کارفرما (شرکت مخابرات)، می‌بایست کلیه کارگزاران خود را الزاماً بیمه نماید، بنابراین در حقیقت، بخش خصوصی و مردم به پرداخت حق بیمه ملزم شده‌اند، بدون آنکه رضایت آنها در نظر گرفته شده باشد. بر این اساس، این حکم بر خلاف احکام اولیه بوده و خلاف شرع است و اگر هم قرار است بر اساس احکام ثانویه و صلاحیتهای ولی امر، چنین اجباری صورت بگیرد،

مرجع تشخیص وجود یا عدم وجود مصلحت وضع این حکم، نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در این خصوص جانشین ولی امر می‌باشد.

ب - نظرات موافق

- با توجه به اینکه در اصل ۷۵ قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در طرحهای پیشنهادی موظف شده‌اند که در صورت بار مالی داشتن مصوبه، طریق «تأمین» (و نه «تعیین») هزینه‌های ناشی از اجرای مصوبه را مشخص کنند، و از سوی دیگر، «تأمین» اعم است از آنکه از اموال و داراییهای موجود، هزینه‌های جدید جبران شود یا آنکه درآمد جدیدی مورد پیش‌بینی قرار گیرد، لذا مصوبه مجلس که در تبصره^(۱) طریق تأمین هزینه‌های جدید ناشی از اجرای این مصوبه را از محل منابع داخلی شرکت مخابرات تعیین کرده است، فاقد اشکال است.

- وظیفه شورای نگهبان تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرع می‌باشد و موازین شرع؛ اعم از احکام اولیه و ثانویه بوده و مختص به احکام اولیه نمی‌باشد و مجمع تشخیص مصلحت هنگامی وارد می‌شود که شورای نگهبان امری را صد در صد خلاف شرع، ولو بر اساس احکام ثانویه و یا مغایر با قانون اساسی تلقی کرده باشد و در آن صورت بنا به مصلحت، مجمع تشخیص آن مسئله را تا هنگامی که مصلحت اقتضاء کند، به طور موقت لازم‌الاجراء می‌نماید. اما اموری که برای اعمال حاکمیت و تنظیم امور اجتماع لازم است ولو آنکه محدودیتی برای مردم ایجاد کند - نظیر آن که قانون مقرر می‌کند در محلهایی نمی‌توان نانوایی یا آهنگری دایر کرد، هرچند آن مکان در ملکیت فرد خاصی باشد، امکان دایر کردن مغازه را ندارد - اینها هیچ کدام خلاف شرع نیست و به عنوان حق حاکمیت، مطابق موازین شرع می‌باشد.

ج - تصمیم شورا

مصوبه مزبور، با ۷ رأی موافق، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه ماده واحده، به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در تبصره یک آن جبران هزینه مذکور را نمی‌نماید، بنابراین ماده واحده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۰۸ مورخ ۸۷/۱۲/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۲/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۸۸/۲/۳۰ و ۸۸/۳/۱۳

ماده واحده - ...

تبصره ۱- منابع مالی حق بیمه جهت مصارف موضوع ماده فوق‌الذکر از محل منابع داخلی شرکت مذکور و فروش سهام شرکت مخابرات ایران و با عنایت به استفساریه بند(س) تبصره(۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور^(۱) و بر اساس قراردادهای موجود مبنی بر تعهد پرداخت حق بیمه کارگزاران مخابرات روستایی توسط شرکت مزبور تأمین و در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد.

تبصره ۲- ...

الف - نظرات مخالف

- این مصوبه از چند جهت واجد ایراد است:

الف) با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از مخابرات کماکان دولتی می‌باشد، الزام مقرر در این مصوبه مبنی بر لزوم پرداخت حق بیمه کارگزاران مخابرات، در قبال آن بخش دولتی، مغایر با اصل ۷۵ می‌باشد؛ چه آنکه حکم مقرر در این طرح پیشنهادی نمایندگان، موجبات افزایش هزینه عمومی را فراهم نموده، بدون آنکه طریق تأمین هزینه‌های جدید در آن مشخص گردیده باشد.

ب) همچنین، بخشی از سهام شرکت مخابرات نیز از طریق بورس به بخش خصوصی و مردم فروخته شده است که این مصوبه با الزامی کردن بیمه کارگزاران مخابرات، برای بخش خصوصی که مقداری از سهام مخابرات را خریداری کرده، تعهدی در نظر گرفته که متأخر بر فروش سهام به او است، ضمن آنکه در قرارداد فروش نیز

۱. بند(س) تبصره(۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور: «شرکت مخابرات ایران موظف است کلیه کارگزاران مخابرات روستایی را بیمه نموده و حق‌العمل آنها را بر اساس ضوابط و شرایط موضوع شرکتهای پیمانکاری پرداخت نماید.»

قانون تفسیر بند(س) تبصره(۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۶/۵/۳۰:

ماده واحده - آیا منظور قانونگذار از الزام شرکت مخابرات به بیمه نمودن کارگزاران مخابرات روستایی، تأمین هزینه‌های اجراء آن از محل اعتبارات و منابع داخلی شرکت مخابرات ایران است؟
نظر مجلس: بلی.

چنین شرطی نشده و به خریدار نیز اطلاعی در این خصوص داده نشده است. لذا از آنجا که با بخش خصوصی در خصوص این تعهد اضافه، تراضی صورت نگرفته و هزینه جدیدی بر عهده بخش خصوصی گذارده شده، محل ایراد شرعی است.

- اشاره به قانون تفسیر بند(س) تبصره(۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور در اصلاحیه تبصره(۱)، فاقد اثر است؛ چرا که قانون بودجه یکساله است و تفسیر مزبور نیز در چارچوب همان قانون یکساله قابل استناد و اثر است. تسری قانون بودجه سال ۱۳۸۶ و تفسیر مزبور برای سالهای بعد نیاز به وضع قانون جدید و تأیید مجدد دارد و اساساً نیاز به تصویب قانون جدید، مجلس شورای اسلامی را وادار به ارائه این طرح نموده است. بنابراین، اشاره و استناد به قانون مذکور بی اثر می باشد.

- تصویب این قانون موجب ضرر کسانی است که سهام مخابرات را خریداری کرده اند؛ چرا که در هنگامی که خرید کرده اند نمی دانسته اند که از نظر پرداخت بیمه، این شرکت بدهکار می باشد و عملاً پرداخت حق بیمه مزبور بر ارزش سهام تأثیر می گذارد و با تصویب این قانون، مقداری از اموال آنها جهت پرداخت حق بیمه مزبور مصادره می شود.

- در قوانین بودجه سالانه و در سیاستها، تمامی درآمدهای دولت؛ از جمله درآمدهای ناشی از فروش سهام و همین طور محل هزینه کرد آنها مشخص است، لذا منبع جدیدی وجود ندارد که در تبصره(۱) گفته است از محل فروش سهام، بار مالی و هزینه های ناشی از اجرای این مصوبه تأمین شود. لذا اشکال سابق مبنی بر عدم تأمین هزینه های اجرایی این مصوبه، کماکان به قوت خود باقی است.

- با توجه به اینکه پیمانکاران طرف قرارداد با شرکت مخابرات، اشخاص آزادی هستند که کارکنان کم و زیادی برای خود دارند، بنابراین وجهی ندارد که شرکت مخابرات و دولت، به دلیل اینکه این پیمانکاران با مخابرات ارتباطی پیدا می کنند، هزینه بیمه کارگران پیمانکاران مزبور را بدهد. آنها مثل هر شرکت پیمانکاری دیگر، خود باید عهده دار بیمه کارگانشان باشند و نمی توان دولت را موظف به پرداخت حق بیمه کارکنان آنان نمود.

- اطلاق تبصره مزبور نسبت به بخش خصوصی در مورد سهامی که قبلاً به اشخاص واگذار شده، مغایر با اصول ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی است؛ چه آنکه این مصوبه، مالکین بخش خصوصی شرکت مخابرات را ملزم کرده که بیمه سنوات گذشته کارگزاران طرف قرارداد خویش را که هیچ تعهدی در هنگام خرید سهام نسبت به آنها نداشته، بپردازد.

از این جهت، مالکیت خصوصی مشروع و محترم شمرده شده در اصل ۴۷ را خدشه‌دار نموده، که موجبات اضرار به بخش خصوصی را فراهم نموده است. از این جهت، با اصل ۴۰ قانون اساسی نیز مغایرت خواهد داشت.

ب - نظرات موافق

- به طور کلی، بسیاری از قوانینی که به تصویب می‌رسد، بخش خصوصی را به انجام امور و تکالیفی ملزم می‌نماید و از این جنبه، هزینه‌هایی را بر آنها تحمیل می‌نماید. با این وصف، قوانین مزبور هیچ گاه با ایراد شورای نگهبان مواجه نبوده است. لذا قوانینی که الزامات و هزینه‌هایی را نسبت به آینده برای بخش خصوصی ایجاد می‌کند؛ از جمله مصوبه مزبور، قطعاً ایراد نخواهد داشت. النهایه قسمت ذیل مصوبه مزبور در خصوص تسری پرداخت حق بیمه نسبت به سنوات گذشته، ممکن است واجد ایراد باشد.

- قوانین بیمه جزء قوانین آمره بوده و می‌توان بر اساس آن شرکتهای خصوصی را نیز ملزم به پرداخت حق بیمه کارگران خود کرد. لذا از این نظر که مصوبه مزبور، تعهد متأخری را بر بخش خصوصی تحمیل می‌کند، بلا اشکال است و نیازی به جلب رضایت بخش خصوصی نیست. از طرف دیگر، از آنجا که اموال شرکتهای بیمه نیز از اموال عمومی محسوب می‌شود، الزام دولت به پرداخت حق بیمه مصرح در این مصوبه، به کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌انجامد؛ چه آنکه از یک جیب دولت می‌گیرند و به جیب دیگر وارد می‌کنند.

- اصل پذیرش بیمه و بلا اشکال بودن الزام شهروندان به آن، بر اساس پذیرش عرف و سیره عقلای عالم است. بر این اساس، شبهه خلاف شرع بودن آن منتفی گردیده است.

ج - تصمیم شورا

۱- به رغم اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا با ۸ رأی موافق، کماکان به قوت خود باقی تشخیص داده شد.

۲- اطلاق تبصره مزبور نسبت به بخش خصوصی در مورد سهامی که قبلاً به اشخاص واگذار شده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصول ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

علی رغم اصلاح به عمل آمده در تبصره (۱) ماده واحده، اشکال قبلی این شورا کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این، اطلاق تبصره مزبور نسبت به بخش خصوصی در مورد سهامی که قبلاً به اشخاص واگذار شده، مغایر با اصول ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۸/۳/۳۱ نسبت به مصوبه خویش در خصوص تبصره (۱) ماده واحده، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۸۵۰ مورخ ۸۸/۳/۱۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.
 ۲. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۲ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و به شرح زیر مورد اصلاح و تصویب قرار گرفت:
 «ماده واحده - دولت مکلف است، ضمن درج در بودجه سال ۱۳۸۹، حق بیمه کلیه کارگزاران مخابرات روستایی (از هر نوع بیمه) را بر اساس دوره کارگزاری، نسبت به سنوات کارکرد آنان که بابت آنها بیمه پرداخت نشده است، بر مبنای سهم کارفرما و صرفاً بابت حق بیمه از محل بودجه ۱۳۸۹ و حداکثر تا پایان سال مذکور پرداخت نماید. این پرداخت مشمول جریمه تأخیر نمی شود و از هر نوع جریمه ای معاف است. هر نوع پرداخت بابت خدمات کارگزاران بعد از واگذاری در بورس بر عهده شرکت طرف قرارداد با آن کارگزاران می باشد.»

طرح اصلاح ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

ماده واحده - ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و تبصره اصلاحی آن مصوب ۱۳۶۵/۹/۲۵ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۵- بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهردار و رئیس شورای اسلامی شهر ذی‌ربط و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که دارای بار مالی مستقیم جدید برای شهرداری باشد پس از تصویب شورای اسلامی آن شهر برای شهرداری لازم‌الاجراء است.

تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر بر اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد باید به تأیید مرجع تصویب کننده طرح جامع (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران یا مرجع تعیین شده از طرف شورای عالی) برسد.

تبصره ۱- بررسی‌های فنی این کمیسیون برعهده کارگروه (کمیته) فنی کمیسیون متشکل از نمایندگان کمیسیون و مشاور طرح تفصیلی شهر می‌باشد.

تبصره ۲- دبیرخانه کمیسیون در سازمان مسکن و شهرسازی استان می‌باشد.

تبصره ۳- در مورد شهر تهران معاونین ذی‌ربط وزراء مسکن و شهرسازی،

کشور، نیرو، جهاد کشاورزی و معاونین رؤسای سازمانهای حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و شهردار تهران (رئیس

کمیسیون) و رئیس شورای اسلامی شهر تهران، اعضاء کمیسیون می‌باشند.

محل دبیرخانه این کمیسیون در شهرداری تهران خواهد بود. جلسات کمیسیون

با حضور اکثریت اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با پنج رأی موافق معتبر است.

تبصره ۴- در صورت فقدان شورای اسلامی شهر در تهران، نماینده وزیر کشور و در سایر شهرها نماینده معرفی شده از سوی استاندار به جای رئیس شورای اسلامی شهر در کمیسیون ذی ربط شرکت خواهد نمود.

الف - نظرات مخالف

- از آنجا که بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی، شوراهای تنها وظیفه نظارتی دارند، عضویت نماینده شورای شهر و داشتن حق رأی در کمیسیون مذکور در این مصوبه، دخالت در تصمیم‌گیریهای اجرایی و فراتر از آنچه قانون اساسی برای شوراهای در نظر گرفته است، می‌باشد. لذا این مصوبه، از این جهت، مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی است. - با توجه به اینکه سازمان نظام مهندسی، نهادی غیردولتی است، عضویت نماینده سازمان مزبور در کمیسیون موضوع این مصوبه و اعطای حق رأی به وی، مستلزم مداخله در امور اجرایی است که وفق اصل ۶۰ قانون اساسی به عهده رئیس‌جمهور و وزراء نهاده شده است. بر این اساس، این مصوبه از این جهت نیز مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی است. - از آنجا که این مصوبه مجلس به صورت طرح قانونی ارائه شده است و اجرای آن، موجبات افزایش هزینه شهرداریها - که قطعاً جزء هزینه‌های عمومی است - را فراهم می‌آورد، و از سوی دیگر، طریق جبران یا تأمین هزینه‌های جدید در این مصوبه توسط نمایندگان مشخص نشده است، اطلاق این ماده مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- وجود طرح تفصیلی برای شهرها، یکی از ضروریات زندگی اجتماعی امروز جوامع است که باید توسط مجموعه متخصصی که در زمینه‌های شهرسازی و معماری، آثار اسلامی، نوع و کیفیت زندگی اسلامی‌آشنایی دارند، تهیه گردد تا در طراحی آن، جوانب مختلف قضیه در نظر گرفته شده باشد. لذا حضور رئیس شورای شهر، شهردار و نماینده نظام مهندسی در این کمیسیون، به واسطه احاطه‌ای که بر مسائل شهری دارند، الزامی به نظر می‌رسد. ضمن آنکه حضور رئیس شورای شهر در این کمیسیون، دقیقاً منطبق با وظایف نظارتی در نظر گرفته شده در اصل ۱۰۰ قانون اساسی برای شوراهای و عین نظارت است.

ج - تصمیم شورا

- ۱- عضویت رئیس شورای شهر در کمیسیون مذکور در ماده (۵)، با ۱۰ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- عضویت نماینده سازمان مهندسی در کمیسیون مذکور در ماده (۵)، با ۱۰ رأی موافق، مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- ماده (۵)، از آنجا که بار مالی جدیدی را بر شهرداریها تحمیل می‌کند، به اتفاق آرای اعضاء، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۴- در تبصره (۳)، عضویت رئیس شورای شهر در کمیسیون مربوط به شهر تهران، به اتفاق آرای اعضاء، مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۵- تبصره (۴)، مبنیاً بر ایرادهای وارد بر ماده (۵) و تبصره (۳)، به اتفاق آرای اعضاء، واجد ایراد شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

- در ماده (۵) عضویت رئیس شورای اسلامی شهر در کمیسیون مذکور با حق رأی و نیز تصویب نقشه‌های تفصیلی توسط شورای شهر، مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی شناخته شد.
- عضویت نماینده سازمان مهندسی استان با حق رأی در کمیسیون مذکور، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است.
- در تبصره (۳) نیز عضویت رئیس شورای اسلامی شهر با حق رأی، مغایر اصل ۱۰۰ قانون اساسی می‌باشد.
- تبصره (۴) مبنیاً بر اشکالات فوق باید اصلاح شود.
- ایجاد بار مالی مستقیم جدید برای شهرداری در ماده (۵)، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۱/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۲

ماده واحده - ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۵۹۶ مورخ ۸۷/۱۲/۱۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و تبصره اصلاحی آن مصوب ۱۳۶۵/۹/۲۵ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۵- بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهردار و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر ذی‌ربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) بدون حق رأی انجام می‌شود.

...

تبصره ۳- در مورد شهر تهران معاونین ذی‌ربط وزراء مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، جهاد کشاورزی و معاونین رؤسای سازمانهای حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و شهردار تهران (رئیس کمیسیون) و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر تهران بدون حق رأی، اعضاء کمیسیون می‌باشند.

محل دبیرخانه این کمیسیون در شهرداری تهران خواهد بود. جلسات کمیسیون با حضور اکثریت اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با چهار رأی موافق معتبر است.

...

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، باتوجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۱۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه جرائم رایانه‌ای

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ و ۱۳۸۷/۱۲/۲۱

ماده ۱- هرکس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- چنانچه ماده مزبور، واجد مفهوم مخالف باشد، بدین صورت که دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که با تدابیر امنیتی حفاظت نشده، مجاز باشد، دارای ایراد خواهد بود.

- به نظر می‌رسد اطلاق ماده شامل مواردی هم می‌شود که افراد با استفاده از نرم‌افزارهای فیلترشکن به سایتهایی که مخابرات فیلتر نموده دسترسی پیدا می‌کنند؛ چه آنکه در این موارد نیز، افراد به‌طور غیر مجاز از تدابیر حفاظتی فیلترینگ عبور می‌کنند. با این فرض، جرم‌انگاری کلیه این موارد و وارد کردن آن در صلاحیت رسیدگی قضایی صحیح به نظر نمی‌رسد. برخورد با این تخلفات از طریق مخابرات و دستگاههای ذی‌ربط شیوه مناسبتری می‌باشد.

ب - نظر موافق

- منظور از «تدابیر حفاظتی» در ماده، غیر از فیلترینگی است که مخابرات برای جلوگیری از دسترسی به برخی سایتها و پایگاهها اعمال می‌کند و تنها شامل مواردی می‌شود که مالک اطلاعات، تدابیری بازدارنده جهت ممانعت از دسترسی افراد به اطلاعات و رایانه‌اش اتخاذ می‌کند. ضمن آنکه تشخیص مفسده یا مصلحت موضوعات و لزوم یا عدم لزوم جرم‌انگاری بر عهده شورای نگهبان نمی‌باشد و شورای نگهبان باید

مصوبه مجلس را که بر اساس کار کارشناسی تهیه شده و احیاناً موضوعی را جرم‌انگاری کرده، از منظر مغایرت با شرع و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۳- هر کس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازاتهای مقرر محکوم خواهد شد:

الف) دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات.
ب) در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) افشاء یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.
تبصره ۱- داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

تبصره ۲- آئین‌نامه نحوه تعیین و تشخیص داده‌های سری و نحوه طبقه‌بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- در تبصره (۲) ماده مزبور، مسئولیت تهیه آئین‌نامه تعیین و تشخیص داده‌های سری و نحوه طبقه‌بندی و حفاظت از آنها به عهده وزارت اطلاعات با همکاری سایر وزارتخانه‌های ذکر شده سپرده شده است که به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت لایحه، می‌بایست در صلاحیت وزیر دادگستری قرار می‌گرفت؛ چه آنکه بر اساس اصل ۱۶۰ قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با دیگر قوا را بر عهده دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۶- هر کس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده به آنها،

ب) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آنها.

الف - نظر مخالف

- عبارت «داده‌های قابل استناد» در بند (الف) ماده (۶)، به جهت عدم تعریف در قانون، مبهم بوده و ابتدا باید مفهوم داده‌های قابل استناد روشن گردد تا جرم‌انگاری تغییر یا ایجاد آنها امکان‌پذیر باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۴- هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازاتهای فوق می‌شود.

محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد.

تبصره ۲- هر گاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده

باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق عبارت «تولید»، از آنجا که شامل مواردی که فرد بدون قصد انتشار، اقدام به تولید آثار مستهجن می نماید نیز می شود، واجد ایراد است؛ چه آنکه صرف تولید چنین آثاری، خلاف عفت عمومی و مشمول حکم حرمت نیست، بلکه نشر و تولید به قصد انتشار است که دارای حرمت می باشد.

- اطلاق جرم انگاری و حکم مقرر در این ماده در خصوص «ارسال» تصاویر مستهجن، که شامل مواردی نیز می شود که به صورت موردی به فرد خاصی ارسال گردد یا شامل ارسال موارد مشتمل بر تصاویر غیرواقعی که وجود خارجی ندارد نیز می گیرد، واجد ایراد است؛ چه آنکه متعلق حکم حرمت شرعی بودن این موارد نیز محل اشکال است.

ب - نظر موافق

- در خصوص ارسال تصاویر مستهجن غیرواقعی، توجه به واقعیات جامعه نیز لازم است؛ چه آنکه هم اینک نرم افزارهای بازی رایانه ای در بازار عرضه شده که شخصیت های کارتونی مستهجن برای انحراف کودکان و نوجوانان در آنها وجود دارد. بنابراین، نمی توان گفت چون این شخصیتها غیرواقعی است، ارسال شخصی آنها به طور مطلق اشکال ندارد و می بایست با دقت بیشتری در این خصوص اظهار نظر گردد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق عبارت تولید محتوای مستهجن از آنجا که شامل مواردی نیز می گردد که قصد انتشار وجود ندارد، با ۴ رأی موافق، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۷- هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا

عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- عبارت «رضایت او» در ماده اشکال دارد؛ چرا که در مواردی که تصویر یا فیلم خانوادگی منتشر می‌شود، رضایت یکی از اعضای خانواده کفایت نمی‌کند. این عبارت به این شکل این ابهام را ایجاد می‌کند که می‌توان با رضایت یکی از اعضای خانواده؛ نظیر پدر اقدام به انتشار فیلم خصوصی یا خانوادگی آنها کرد.

- به نظر می‌رسد ماده مزبور مفهوم مخالف داشته باشد، بدین صورت که اگر کسی یا خانواده‌ای نسبت به انتشار فیلم یا تصویر خصوصی یا خانوادگی خود رضایت داشته باشد، انتشار آن اشکالی نخواهد داشت که چنین موضوعی مورد پذیرش نیست و صرف رضایت اشخاص، در مواردی که انتشار موجب اشاعه فحشاء یا خلاف عفت عمومی باشد، موجب اباحه انتشار نمی‌گردد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ماده ۱۹- در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:
(الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.
(ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع پیوندد.

(ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

(د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق بند(الف) این ماده، محل ایراد است؛ چه اینکه بر اساس این بند، اگر مدیر شرکت یا مجموعه‌ای تخلفی انجام دهد و بر خلاف دستور هیأت مدیره، مصوبات مجمع عمومی و یا اساسنامه شرکت جرمی را مرتکب شود، نمی‌توان عمل مجرمانه را به شخص حقوقی منتسب کرد و وی را مسؤول دانست، بلکه تنها خود این فرد مسؤول است. - از آنجا که در تبصره(۲) مسؤولیت کیفری شخص حقوقی را مانع از مجازات مرتکب ندانسته است، اطلاق این مسئله که هم شخص حقوقی مجازات شود و هم مرتکب محل ایراد است؛ چه آنکه اگر جرم ارتكابی منتسب به شخص حقیقی باشد، باید وی را مجازات کرد و مجازات شخص حقوقی وجهی ندارد.

ب - نظرات موافق

- اعمال مجازات بر شخص حقوقی در ماده(۱۹)، در مواردی است که مرتکب به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن، دست به ارتکاب جرم می‌زند. در تبصره(۱) نیز بیان کرده که مدیر کسی است که از ناحیه شخص حقوقی وکالت و نمایندگی دارد. بنابراین، آنچه در راستای منافع موکل انجام می‌دهد را باید به پای شخص حقوقی نوشت و آثار و عواقبش را بر شخص حقوقی نیز مترتب دانست. اما در مواردی که مدیری بر خلاف اساسنامه شرکت و در مواردی که اختیار نمایندگی ندارد، اقدام به ارتکاب جرم نماید، جرم انجام شده ارتباطی با شخص حقوقی ندارد و تنها خود شخص حقیقی مسؤولیت دارد. این اقدام قانونگذار، عاقلانه طرح‌ریزی شده تا در مواردی که مدیری به نام شخص حقوقی و در راستای منافع شرکت و در چارچوب اختیار و صلاحیتش اقدامات مجرمانه‌ای صورت می‌دهد، آثار و عواقبش متوجه شخص حقوقی نیز بشود.

- ارتکاب عمل مجرمانه توسط یک شخص به وکالت از دیگری، به هیچ وجه وکیل را از مسؤولیت مبری نمی‌سازد. بنابراین، تبصره(۲) این ماده و حکم مندرج در تبصره(۲) ماده(۲۰) به درستی، هم شخص حقوقی و هم شخص حقیقی که به وکالت از شخص حقوقی مرتکب جرم شده است را مسؤول شناخته است.

- جرمه مقرر در ماده(۱۹) برای شخصیت حقوقی می‌تواند از نظر شرعی قابل توجیه باشد؛ چه آنکه در فرض اطلاع شرکت از انجام اعمال مجرمانه به نام او، چنانچه شرکت، اقدامات بازدارنده و حفاظتی را انجام ندهد، اعمال مجازات بر وی، اشکال شرعی

نخواهد داشت. همچنان که، اگر در راستای استفاده از کارت تیزی که ممکن است وسیله ارتکاب جرم قتل شود، قانونی وضع شود و در آن تأکید شود که از این وسیله حفاظت شود و برای عدم حفاظت و سوء استفاده از آن، مجازاتی وضع کرد. مؤید روایی نیز در این زمینه وجود دارد.^(۱) بنابراین، تنها در صورتی که فعل ارتكابی، مستند به شخص حقوقی نباشد و شخصیت حقوقی هم مطلع نبوده و قدرت جلوگیری نداشته باشد، می‌توان حکم مندرج در این ماده را خلاف شرع دانست و در صورت فقدان هر یک از این شرایط، مجازات شخص حقوقی از لحاظ شرعی اشکالی نخواهد داشت.

ج - تصمیم شورا

اطلاق در نظر گرفتن مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی در بندهای (الف) و (ج) ماده (۱۹)، نسبت به مواردی که جرم مستند به شخصیت حقوقی نباشد و شخصیت حقوقی نیز مطلع نباشد و یا قدرت بر منع نداشته باشد، با ۵ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۲۰- اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره ۱- مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می‌شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

۱. «عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: جاء رجل إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: إن أُمِّي لا تدفع يد لأمس، فقال: فأحبسها، قال: قد فعلت، قال: فامنع من يدخل عليها، قال: قد فعلت، قال: قيدها، فانك لا تبرها بشيء أفضل من أن تمنعها من محارم الله عز و جل» (وسائل الشيعه، جلد ۲۸، صفحه ۱۵۰).

تبصره ۲- خسارات شاکی خصوص از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جبران خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- حکم مندرج در تبصره (۲) فاقد دلیل است؛ چه آنکه اگر مرتکب (شخص حقیقی) متخلف است و مرتکب تقصیر شده است که خود مسئول است و باید جبران ضرر و خسارات را بنماید. در این صورت، جبران خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی وجهی ندارد. اما در صورتی که خسارت وارد شده متناسب به شخص حقوقی باشد، شخص حقوقی را باید مسئول جبران خسارت دانست و نمی‌توان مدیر را ملزم به جبران خسارت نمود.

- وقتی فرد به وکالت و نمایندگی از شخص دیگر مرتکب عملی می‌گردد و به دیگری ضرری وارد می‌سازد، شخص مرتکب (= مباشر) مسئول جبران خسارت است و وجود دستور و وکالت‌نامه سبب نمی‌گردد تا جبران خسارت، از مباشر به موکل و آمر منتقل شود، بلکه علی‌القاعده، شخص ضرر زننده (= مباشر) است که مسئول جبران خسارت می‌باشد. در هر حال، آمر را نمی‌توان مسئول جبران خسارات عملی که مستند به فعل دیگری است دانست.

- طبق قاعده فقهی «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» هرکس به دیگری زیانی وارد کند مسئول جبران آن خسارت می‌باشد، لذا در حالی که شخص حقیقی موجب ورود خسارت به شخص ثالثی شده باشد، عمل ارتكابی به وی متناسب است و نمی‌توان شخص حقوقی را ضامن خسارات شاکی خصوصی دانست. بنابراین، اطلاق عبارات مندرج در تبصره (۲) ماده (۲۰) که شخص حقوقی را مسئول جبران خسارت شاکی خصوصی دانسته، خلاف موازین شرع می‌باشد.

- اطلاق حکم مندرج در تبصره (۲) واجد اشکال است؛ چرا که در این تبصره مشخص نشده که خسارت وارد شده به شاکی خصوصی، از ناحیه چه کسی وارد شده است تا بر اساس آن، بتوان ضامن جبران خسارات را مشخص کرد. گرفتن خسارت از شخص حقیقی، در صورت عدم تکافوی اموال شرکت حقوقی برای جبران خسارات شاکی خصوصی، تنها زمانی است که بتوان ضامن و تقصیر شخص حقیقی را ثابت دانست

و گرنه چنانچه شرکت (شخص حقوقی) به تنهایی ضامن پرداخت خسارت وارد شده شناخته شود و دارایی‌های شرکت تکافوی ضرر و زیان را نکند، شرکت را باید مفلس قلمداد کرد و به اعتبار قاعده «المفلس فی أمان الله»، قواعد افلاس را برای شرکت در نظر گرفت. روشن است که در این موارد، نمی‌توان باقیمانده طلب را از کس دیگری مطالبه کرد. اما اگر خسارت وارد شده به شاکی خصوصی، مستند به شخص حقیقی باشد و وی، ضامن خسارات شناخته شود، جبران تمام یا بخشی از خسارت توسط شرکت وجهی ندارد، بلکه جبران تمام خسارات وارد شده، بر عهده شخص حقیقی مستقر است. با این اوصاف، حکم مندرج در تبصره (۲) که مطابق با هیچ یک از فروض فوق نیست، صحیح به نظر نمی‌رسد.

- هنگامی که وکیل و نماینده عملی را انجام می‌دهند که موجب خسارت به دیگری شود، همیشه نمی‌توان گفت که خسارت بر عهده وکیل است یا موکل، بلکه باید حسب مورد بررسی کرد که عمل و خسارت وارده، مستند به فعل کدام یک است و به چه نسبت، هر کدام ضامن هستند.

- با عنایت به اینکه عمل خسارت‌بار، در مواردی هم به فعل مدیر و هم به شخص حقوقی مستند است و دلیلی هم بر اولویت‌بندی ضمان یکی از این دو نیست، لذا حکم مقرر در تبصره (۲) این ماده که در درجه اول، شخص حقوقی را مسئول جبران خسارت شاکی خصوصی معرفی کرده و سپس، در صورت عدم تکافوی اموال شرکت برای جبران خسارت، مرتکب عمل را مسئول جبران بقیه خسارات دانسته است، وجهی ندارد، بلکه می‌بایست در این موارد، هر دو را به صورت مشترک ضامن جبران خسارت دانست.

- در مواردی که فاعل عمل، به طور مثال مغرور شده باشد، نمی‌توان وی را مسئول جبران خسارات به وجود آمده دانست. مثلاً چنانچه شخص حقوقی، در حالی که جوانب امر را سنجیده و می‌دانسته که انجام عمل، موجب خسارت می‌شود، ولی در عین حال، فردی را به انجام آن کار گمارده که بر اثر آن، خساراتی به شخص ثالث وارد شده است، در این موارد نمی‌توان گفت که فرد مرتکب هم ضامن است و بر همین اساس، مرتکب را در مواردی که اموال شخص حقوقی تکافوی جبران خسارت را نکرد، مسئول جبران بقیه خسارات نمود. بنابراین، اطلاق حکم مندرج در تبصره (۲) از این حیث نیز اشکال دارد.

ب - نظرات موافق

- ابتدا باید روشن کرد که از نظر فقهی شخص حقوقی را قبول داریم یا خیر؟ اگر از نظر شرعی برای شخص حقوقی، شخصیت قائل شویم، در نتیجه می‌توان شخصیت حقوقی را در هنگامی که به تسبیب موجب خسارتی شده است، ضامن دانست؛ چه آنکه اساساً فایده پذیرش شخص حقوقی، قبول مسئولیت شخص حقوقی، جدای از اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن است. بر این اساس، تبصره (۲) ماده (۲۰) که بر همین مبنا و با توجه به تعاریف موجود در قانون تجارت، تنظیم شده است، فاقد اشکال می‌باشد.

- قانون تجارت، شخصیت حقوقی شرکتها؛ از جمله شرکتهای سهامی را به رسمیت شناخته است تا افراد و سهامداران تنها به اندازه میزان مبلغ اسمی سهم خود در قبال بدهی‌های شرکت مسئول باشند و اصل بر این است که در خصوص بدهی‌های شخص حقوقی بیش از میزان سهم، نمی‌توان به اموال سهامداران مراجعه کرد؛ چرا که شرکت، شخصیتی مجزا از شخصیت حقیقی سهامداران دارد و بنابراین، بدهیهای شرکت می‌بایست از اموال شرکت استیفا شود، نه از اموال اشخاص حقیقی تشکیل دهنده شرکت. با این اوصاف، با توجه به اینکه خسارت وارد شده به شاکی خصوصی توسط نماینده شرکت و به نمایندگی از شخص حقوقی وارد شده است، و از سوی دیگر، خسارات وارده نیز می‌بایست جبران گردد، در تبصره (۲) مقرر شده است که در درجه اول، خسارات وارد شده می‌بایست از اموال شخص حقوقی پرداخت شود و سپس، در صورتی که اموال شخص حقوقی تکافوی خسارات شاکی خصوصی را نکند، باقی‌مانده خسارت از اموال شخص حقیقی (= نماینده) که عمل را انجام داده است، پرداخت شود.

- مسئول دانستن شخص حقوقی در تبصره (۲) برای جبران خسارت شاکی خصوصی، در مواردی که خسارت مستند به شخص حقوقی نباشد نیز بدون اشکال است؛ چه آنکه ضامن، همیشه از ناحیه تلف متوجه اشخاص نمی‌شود، بلکه گاهی ضامن بر اساس قاعده «ید» (علی الید ما أخذت حتی تؤدی) مستقر می‌شود، ولو اتلاف، مستند به عمل ضامن نباشد. به طور مثال وقتی جنسی را به صاحب مغازه می‌سپاریم و او به شاگردش می‌دهد و شاگرد آن مال را تلف می‌کند. در اینجا، هر چند تلف مستند به فعل شاگرد است، لیکن صاحب مغازه به واسطه ید و اختیاری که نسبت به جنس پیدا کرده بود، ضامن تلف و جبران خسارت می‌باشد. این امر بر اساس سیره عقلا نیز پذیرفته شده است. در خصوص

این مصوبه هم وضع همین گونه است؛ زیان‌دیده با شخص حقوقی طرف است و خسارتی که وارد می‌شود را باید شخص حقوقی جبران کند و این منافاتی با این ندارد که شخص حقوقی به فاعل عمل رجوع کند و خسارات پرداختی را از وی مطالبه نماید.

- جایگاه حقوقی مدیر و شخص حقوقی را نمی‌توان مشابه آمر و مأمور دانست که به‌طور مثال مصوبه هیئت مدیره حکم امر دارد و مدیر مربوطه مأمور به اجراست بلکه باید جایگاه مدیر را این‌گونه تحلیل کرد که انجام مصوبه هیئت مدیره و تلاش در جهت سمت و سوی شخصیت حقوقی و کسب منافع جز وظایفی است که بر عهده گرفته است لذا شخص حقوقی نیز ضامن جبران خسارت می‌باشد.

ج - تصمیم شورا

۱- مسؤول شناختن شرکت، در مواردی که مدیر عامل بر خلاف ضوابط شرکت مرتکب عملی گردد که مستلزم خسارت به شاکی خصوصی باشد، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۲- اطلاق جبران خسارت شاکی از اموال شخص حقوقی نسبت به صوری که سبب ضمان نسبت به شخص حقوقی وجود نداشته باشد، همچنین اطلاق جبران مابه التفاوت از اموال مرتکب، در صوری که سبب ضمان نسبت به او وجود نداشته باشد، با ۴ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۲۱- ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ۱- چنانچه محتوای مجرمانه به وبسایت‌های مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه‌گانه مقرر، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیتها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، وبسایت مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش (فیلتر) نخواهد شد.

تبصره ۲- پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده انجام خواهد گرفت.

الف - نظرات مخالف

- استفاده از کلمه غیرفارسی «وبسایت» در تبصره (۱) این ماده، در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم به کارگیری زبان و خط فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی می‌باشد.

- در تبصره (۱)، مؤسسات عمومی غیردولتی را بر اساس قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی دانسته است، در حالی که قانون مدیریت خدمات کشوری، تعریف جدیدی برای مؤسسات عمومی غیردولتی ارائه کرده است. لذا از این حیث، می‌بایست به مجلس شورای اسلامی، این موضوع تذکر داده شود.

- مطابق با مفاد این ماده، بر تصمیمات کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه ۳ اثر بار می‌شود؛ یکم) ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند بر اساس ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه، محتوای مجرمانه را پالایش کنند؛ دوم) در صورتی که ارائه دهندگان خدمات دسترسی، عامدانه از پالایش خودداری کنند، منحل می‌شوند؛ سوم) ارائه دهندگان خدمات مزبور، در صورتی که از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم کنند، به جرایم نقدی محکوم می‌شوند. بنابراین، چنانچه ملاحظه می‌شود بر تصمیمات و تعیین مصادیق کارگروه، آثار قضایی (انحلال شرکت ارائه دهنده خدمات دسترسی و جریمه نقدی) بار شده است، لذا با توجه به ترتب

آثار قضایی بر تصمیمات این کارگروه، خود تصمیمات هم قضایی است و نمی‌توان گفت عمل کارشناسی صرف است.

- تشخیص مجرمانه بودن محتوای منتشر شده در اینترنت و در نتیجه، لزوم پالایش آن در جهت عدم امکان دسترسی به آن، موضوعی کاملاً قضایی است که غیر قضایی صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد. بر این اساس، مقام قضایی می‌بایست شخصاً به چنین برداشتی برسد و وی نمی‌تواند بر اساس تشخیص کارگروه که مغایر نظر خودش است، حکمی مبنی بر تأیید نظر کارگروه بدهد.

ب - نظر موافق

- این مسئله تخلف است و همان‌طور که مامورین پلیس راهنمایی و رانندگی بر اساس قانون اقدام به تعیین جریمه متخلف می‌کنند اینجا هم کمیته بر اساس قانون تشخیص می‌دهد که صفحه و مطلبی باید پالایش شود یا خیر.

ج - تصمیم شورا

- ۱- استفاده از لفظ بیگانه «وب سایت» در تبصره (۱) این ماده، بدون ذکر معادل فارسی آن، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲- به دلیل مشخص نبودن ماهیت وظایف واگذار شده به کارگروه تعیین شده در این ماده، با ۷ رأی موافق، واجد ابهام شناخته شد.

ماده ۲۲- قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون قضائی و حقوقی به انتخاب کمیسیون قضائی و حقوقی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کارگروه (کمیته) را تشکیل خواهند داد. ریاست کارگروه (کمیته) به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره ۱- جلسات کارگروه (کمیته) حداقل هر پانزده روز یک بار و با حضور هفت نفر عضو رسمیت می‌یابد و تصمیمات کارگروه (کمیته) با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کارگروه (کمیته) موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش (فیلتر) شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم‌گیری کند. رأی کارگروه (کمیته) قطعی است.

تبصره ۳- کارگروه (کمیته) موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

الف - نظرات مخالف

- تعیین مصادیق و مشخص کردن اینکه عملی جرم است یا خیر، عملی تقنینی است که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. بنابراین، واگذاری این موضوع به قوه قضائیه در این ماده، در تغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

- تعیین مصادیق و تشخیص این امر که عمل ارتكابی، مصادق حکم قانونگذار هست یا خیر، وظیفه‌ای قضایی و صرفاً در صلاحیت قاضی است. بنابراین، واگذاری تشخیص مصادیق مجرمانه به کارگروه تعیین شده در این ماده، مغایر با اصول ۳۶، ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

- در تبصره (۲)، واگذاری صلاحیت داوری و رسیدگی به شکایات راجع به مصادیق پالایش به کارگروه تعیین شده در این ماده، به دلیل شأنت قضایی این موضوع، مرادف با واگذاری اختیارات قوه قضائیه و محاکم دادگستری به این کارگروه است. از این حیث، این تبصره مغایر با اصول ۳۶، ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی است.

- قطعی تلقی نمودن آرای صادره کارگروه در تبصره (۲) و غیر قابل شکایت بودن مصوبات کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، در تغایر با اصل ۱۷۳ قانون اساسی مبنی بر قابل اعتراض بودن تصمیمات مقامات اداری در دیوان عدالت اداری می‌باشد.

- تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مقرر در این ماده و ماده (۲۱)، دو حالت ممکن است داشته باشد؛ چنانچه منظور از آن، تعیین ضوابط کلی برای جرم تلقی شدن موارد باشد، در این صورت، این امر داخل در تقنین و صلاحیت در نظر گرفته شده برای

مجلس شورای اسلامی در اصل ۸۵ قانون اساسی است. از این حیث، واگذاری این صلاحیت به کارگروه مزبور، دخالت در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. اما در صورتی که منظور از آن، تشخیص مصادیق مجرمانه وفق ضوابط قانونی مقرر باشد، این امر داخل در صلاحیت قضاء، مصرح در اصول ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی است. از این حیث، واگذاری این صلاحیت به کارگروه مزبور، دخالت در صلاحیت قوه قضائیه و محاکم دادگستری است.

- ماهیت وظیفه واگذار شده به این کارگروه واجد ابهام است. چنانچه ماهیت آن، کار تقنینی است، انجام آن وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. چنانچه ماهیت آن کار اجرایی است، این کارگروه و اعضای تشکیل دهنده آن، مجموعه اجرایی نیستند. چنانچه ماهیت آن کار قضایی است، واگذاری آن به غیرقضایی وجهی ندارد و صرف موظف کردن قوه قضائیه برای تشکیل این کارگروه در محل دادستانی کل و واگذاری ریاست آن به دادستان کل کشور نمی‌تواند رافع ایراد باشد، بلکه می‌بایست تشخیص مقام قضایی در این موارد، ملاک عمل باشد، حتی اگر تشخیص قضایی او بر خلاف نظر اکثریت اعضای کارگروه باشد.

- قطعی قلمداد نمودن آراء و تصمیمات صادر شده از سوی کارگروه، مغایر با حق تظلم‌خواهی مقرر در اصول ۳۴ و ۱۵۶ قانون اساسی برای مردم و امکان مراجعه آنها به محاکم دادگستری است.

- مطابق با مفاد ماده (۲۱)، بر تصمیمات کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه ۳ اثر بار می‌شود؛ یکم) ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند بر اساس ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه، محتوای مجرمانه را پالایش کنند؛ دوم) در صورتی که ارائه دهندگان خدمات دسترسی، عامدانه از پالایش خودداری کنند، منحل می‌شوند؛ سوم) ارائه دهندگان خدمات مزبور، در صورتی که از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم کنند، به جرایم نقدی محکوم می‌شوند. بنابراین، چنانچه ملاحظه می‌شود بر تصمیمات و تعیین مصادیق کارگروه، آثار قضایی (انحلال شرکت ارائه دهنده خدمات دسترسی و جریمه نقدی) بار شده است، لذا با توجه به ترتب آثار قضایی بر تصمیمات این کارگروه، خود تصمیمات هم قضایی است و نمی‌توان گفت عمل کارشناسی صرف است.

ب - نظرات موافق

- کارگروه مقرر در این ماده مشابه هیأت نظارت بر مطبوعات است که متشکل از هفت نفر به نمایندگی از نهادهای مختلف هستند. همان‌طور که هیأت نظارت بر مطبوعات می‌تواند تشخیص مصداق دهد و نشریه‌ای را تعطیل نماید و مدیر مسؤول نشریه نیز می‌تواند از تصمیم هیأت مزبور به دادگاه و دیوان عدالت اداری شکایت کند، در اینجا نیز چنین امری متصور است. با توجه به ماهیت فضای مجازی و لزوم سرعت عمل در برخورد با جرایم اینترنتی؛ مثلاً برای جلوگیری از تکثیر عکسهای مبتذل یا شخصی افراد در فضای اینترنت، می‌بایست مرجعی باشد تا بلافاصله پس از اطلاع، از انتشار اسرار خصوصی و خانوادگی افراد جلوگیری کند؛ چه آنکه در این موارد، نمی‌توان منتظر تشکیل دادگاه و حکم قضایی شد. بر همین اساس، ضرورت دارد چنین کمیته‌ای شکل بگیرد که با سرعت تصمیم‌گیری نماید. البته، می‌بایست امکان تظلم‌خواهی از آرای صادر شده توسط این کارگروه، در مراجع دادگستری وجود داشته باشد.

- کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، کار قضایی انجام نمی‌دهد، بلکه هیأتی کارشناسی است که محتوای منتشر شده در اینترنت را بررسی کارشناسی می‌کند تا بر اساس قانون، مشخص کند آیا آنچه منتشر شده، محتوای مجرمانه است و باید فیلتر شود یا خیر. با این وصف، به دلیل فنی بودن موضوع، نیازمند کارشناسی افراد متخصص است. لذا اشکالات مطروحه قابل قبول نیست، لیکن تصمیمات این کارگروه باید در محاکم صالح دادگستری قابل رسیدگی باشد.

ج - تصمیم شورا

۱- به دلیل مشخص نبودن ماهیت وظایف واگذار شده به کارگروه تعیین شده در این ماده، با رأی موافق، واجد ابهام شناخته شد.

۲- قطعی بودن مصوبات کارگروه در تبصره (۲) و عدم امکان اعتراض به آنها در محاکم دادگستری، با رأی موافق، مغایر با اصول ۳۴ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۳- ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور

کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضائی رسیدگی

کننده به پرونده مبني بر وجود محتوای مجرمانه در سامانه‌های رایانه‌ای خود از

ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کارگروه (کمیته) یا مقام قضائی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی احتیاطی و بی مبالائی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد. تبصره - ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب را به کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق اطلاع دهند.

- تصمیم شورا

به دلیل مشخص نبودن ماهیت وظایف واگذار شده به کارگروه تعیین شده در این ماده، با رأی ۷ موافق، واجد ابهام شناخته شد.

ماده ۲۵- هر شخصی که مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تولید یا انتشار یا توزیع و در دسترس قرار دادن یا معامله داده‌ها یا نرم‌افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌روند.

ب) فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیر مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند.

ج) انتشار یا در دسترس قرار دادن محتویات آموزش دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلاف در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی.

تبصره - چنانچه مرتکب اعمال یاد شده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- بر خلاف بند (الف) که داده‌ها و نرم‌افزارهایی که صرفاً برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای

استفاده می‌شوند را ملاک مجرمانه بودن عمل قرار داده بود، در بند(ب) به صورت مطلق، فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند، جرم‌انگاری کرده است، در حالی که بسیار متصور است که از این داده‌ها و نرم‌افزارها و گذرواژه‌ها می‌توان استفاده مفید کرد و برای دسترسی به اطلاعات علمی از آنها بهره گرفت. به عبارت دیگر، موارد ذکر شده در بند(ب)، جزء امور مشترکه می‌باشند که هم امکان استفاده و دسترسی به محتوای مفید و هم محتوای مجرمانه را فراهم می‌کند. لذا اطلاق جرم‌انگاری در این موارد به جهت شمول آن بر مواردی که استفاده مباح از آن متصور است، خلاف موازین شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

اطلاق عبارت مندرج در بند(ب)، به دلیل شمول آن بر «موارد استفاده مباح» با ۵ رأی موافق، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۲۸- علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاههای ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حاملهای داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق وب‌سایتهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیرایرانی در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و وب‌سایتهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه وب‌سایتهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرائم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

الف - نظر مخالف

- استفاده از کلمه غیرفارسی «وبسایت» در تبصره (۱) این ماده، در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم به کارگیری زبان و خط فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

استفاده از لفظ بیگانه «وبسایت» در تبصره (۱) این ماده، بدون ذکر معادل فارسی آن، با رأی موافق، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۲- ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- داده ترافیک هر گونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا IP، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.

الف - نظر مخالف

- استفاده از واژه (IP) در تبصره (۲) این ماده، بدون ذکر معادل فارسی آن، در تغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر لزوم به کارگیری زبان و خط فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

به کار بردن عبارت بیگانه «IP»، بدون ذکر معادل فارسی آن، با اتفاق آرای اعضای حاضر در جلسه، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۴۱- در هر یک از موارد زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهند شد:

الف) داده‌های ذخیره شده به سهولت در دسترس نبوده یا حجم زیادی داشته باشد،

ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد،

ج) متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد،

د) تصویربرداری (کپی‌برداری) از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد،

ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود،

و) سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.

الف) نظر مخالف

- با توجه به اینکه در بند (و)، با عبارت «سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد»، تشخیص قاضی در خصوص موارد امکان توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را در عرض موارد پنج‌گانه مصرح در این ماده قرار داده است، عملاً قاضی را در مقام مقنن قرار داده و موجبات توسعه موارد قانونی توقیف سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را فراهم می‌کند. لذا این بند، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بند (و) ماده (۴۱)، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۵۲- به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چند جانبه قضائی انجام دهد.

الف - نظرات مخالف

- موضوع جرایم رایانه‌ای و لوایحی که پیرامون آن باید تهیه گردد، امری قضایی است که می‌بایست به استناد اصل ۱۵۸ قانون اساسی توسط رئیس قوه قضاییه تهیه گردد و ارتباطی با وزارت دادگستری ندارد.

- صلاحیت وزیر دادگستری در اصل ۱۶۰ قانون اساسی مقرر شده است که وظیفه تعیین شده در این ماده، به دلیل عدم تصریح در اصل ۱۶۰، موجبات توسعه اختیارات و وظایف وزیر می‌باشد که در تغایر با اصل مذکور می‌باشد.

ب - نظر موافق

- بحث این ماده مربوط به پیوستن ایران به کنوانسیونها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای است که دولت باید به آنها بپیوندد، لذا موضوع این ماده منصرف از لوایح قضایی می‌باشد. بر همین اساس، اینجا مقرر شده که تشریفات مربوط به تهیه لایحه و تصویب در مجلس، بر اساس این ماده صورت گیرد.

ج - تصمیم شورا

ماده (۵۲)، با رأی موافق، مغایر با اصول ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

اطلاق تولید و ارسال و قصد ارسال مذکور در ماده (۱۴)، چون شامل مواردی می‌شود که تولید مورد خاصی بدون ارسال به موردی و یا همچنین ارسال به مورد خاصی خصوصاً در صورتی که صور مستهجن (با توجه به تبصره ۴) جعلی باشد، خلاف موازین شرع می‌باشد.

اطلاق مسئولیت کیفری شخص حقوقی مذکور در ماده (۱۹) در بندهای (الف) و (ج) در صورتی که جریمه مستند به شخصیت حقوقی نباشد و شخصیت حقوقی نیز مطلع نباشد و یا

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷۷ مورخ ۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

قدرت بر منع نداشته باشد، خلاف موازین شرع است.

تبصره (۲) در ماده (۲۰)، در صورتی که مدیر عامل بر خلاف ضوابط شرکت مرتکب عملی گردد که مستلزم خسارت به شاکی خصوصی باشد، تمام ضمان به عهده این شخص است و ضامن ساختن شرکت خلاف موازین شرع است.

در تبصره (۲) ماده (۲۰)، اطلاق جبران خسارت شاکی از اموال شخص حقوقی نسبت به صورتی که سبب ضمان نسبت به شخص حقوقی وجود نداشته باشد، خلاف موازین شرع است. و همچنین اطلاق جبران مابه‌التفاوت از اموال مرتکب در صورتی که سبب ضمان نسبت به او وجود نداشته باشد، خلاف موازین شرع است.

در تبصره (۱) ماده (۲۱) و ماده (۲۸) عبارت «وب‌سایت» و در تبصره (۲) ماده (۳۲) عبارت «AP»، از این جهت که استفاده از عبارتهای خارجی بدون ذکر معادل فارسی آن است، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.

اموری که به کارگروه (کمیته)، در مواد (۲۱) و (۲۲)، داده شده است و نیز ماده (۲۳) ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

در تبصره (۲) ماده (۲۲)، چون شکایاتی که در کارگروه (کمیته) رسیدگی می‌شود، قابل شکایت در دادگاه نیست، مغایر اصول ۳۴ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

اطلاق بند (ب) ماده (۲۵) در جایی که استفاده مباح می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد. اطلاق بند (و) ماده (۴۱) در مواردی که قانون وجود ندارد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده (۵۲) از این جهت که وزارت دادگستری را موظف به انجام موارد مذکوره در ماده نموده است، مغایر اصول ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۱/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۹ و ۱۳۸۸/۲/۱۶

ماده ۱۴- هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامله‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری یا ارسال کند، به حبس از نود و یک روز تا

دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- به نظر می‌رسد صدر ماده اصلاح شده است، ولی ذیل ماده که تولید یا ذخیره یا نگهداری را به قصد ارسال و انتشار یا تجارت جرم‌انگاری کرده است، همچنان ایراد سابق باقی است؛ چرا که در این موارد، هنوز آن را منتشر یا ارسال نکرده است.

- اطلاق این عبارت هرکس «... محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت، تولید یا ذخیره یا نگهداری یا ارسال کند...» محل تأمل است؛ چرا که شامل موردی که فرد تصویر مستهجنی را از محارم خود تولید کرده و قصد ارسال داشته، لیکن هنوز ارسال نکرده است نیز می‌شود.

- عبارت اصلاحی، از نظر نگارشی غلط است و در عمل موجب ابهام می‌شود؛ چرا که بیان کرده هرکس محتویات مستهجن را به قصد ارسال یا انتشار، ... ارسال کند!

- ایراد این بود که صرف تولید محتوای مستهجن را نمی‌شود جرم دانست، بلکه تولید همراه با انتشار است که باید جرم‌انگاری شود. بنابراین، با توجه به اینکه عبارت اصلاحی، همچنان صرف تولید را جرم‌انگاری کرده، اشکال سابق کماکان به قوت خود باقی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

به رغم اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۴)، ایراد سابق شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۹- ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص حقوقی فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- اشکال شورا این بود که در صورتی که فعل را نتوان به شخصیت حقوقی مستند کرد، نمی‌توان شخصیت حقوقی را مسئول دانست. حال در اصلاح صورت گرفته دو شرط برای عدم مسئولیت شخص حقوقی معین کرده است: الف) نبود شرایط صدر ماده؛ ب) عدم انتساب جرم به شخص حقوقی. با این وصف، مفهوم ماده چنین می‌شود که برای عدم مسئولیت شخص حقوقی، لزوماً می‌بایست هر دو شرط مزبور تحقق یابد؛ یعنی در صورت فقدان یکی و وجود دیگری، همچنان شخص حقوقی مسئولیت خواهد داشت که چنین موضوعی صحیح نیست. بلکه با فقدان یکی از این شرایط نیز، شخصیت حقوقی مسئولیتی نخواهد داشت. (عبارت باید این گونه اصلاح گردد: «و در صورت نبود شرایط صدر ماده یا عدم انتساب جرم...»)

ب - نظر موافق

- با توجه به اینکه «نبود شرایط صدر ماده»، لازمه‌اش «عدم انتساب جرم به شخص حقوقی» است، بنابراین، این برداشت از عبارت مندرج در ماده صحیح نیست و قانونگذار نیز هر دو مورد را به یک مفهوم به کار برده؛ یعنی «عدم انتساب جرم به شخص حقوقی»، بیان دیگری از عبارت «نبود شرایط صدر ماده» و قید توضیحی آن است. بر این اساس، ایراد سابق شورا مرتفع گردیده است.

- «نبود شرایط صدر ماده»، ملازمه‌ای با «عدم انتساب جرم به شخص حقوقی» ندارد، بلکه این دو شرط، دو شرط مجزای از هم هستند و قانونگذار هم متغی بودن هر دو شرط را برای مسئولیت نداشتن شخصیت حقوقی لازم دانسته، لیکن ذکر این دو شرط، مفهوم مخالف ندارد که بر اساس آن، وجود یکی از دو شرط، مرادف مسئولیت داشتن شخص حقوقی باشد.

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۰- ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- چنانچه جرم منتسب به شخص حقوقی باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال

شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند و جرم متناسب به شخص حقیقی نیز باشد
ما به التفاوت از اموال مرتکب جبران خواهد شد.

الف - نظر مخالف

- عبارت قسمت اخیر تبصره (۲)، واجد ایراد است؛ زیرا مفهوم این عبارت آن است که در مواردی که هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی با هم جرم مربوطه را مرتکب شده‌اند، خسارات ابتدا از اموال شخص حقوقی پرداخت می‌شود و در صورت عدم تکافو، مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی جبران خواهد شد. در صورتی که قاعده آن است که چنانچه خسارت مستند به شخص حقیقی و حقوقی باشد، هر کدام به نسبتی که خسارت وارد کرده‌اند، ضامن جبران خسارت هستند و نمی‌توان این گونه بیان کرد که خسارت از اموال شخص حقوقی پرداخت می‌گردد و در صورت عدم تکافوی اموال شخص حقوقی ما بقی از اموال شخص حقیقی برداشت می‌گردد. لذا اشکال قبلی برطرف شده است، لیکن عبارت جدید خود به دلیل عدم مراعات نسبت در خسارت، واجد اشکال جدیدی است.

ب - نظر موافق

- در مواردی که انتساب به شخصیت حقوقی وجود دارد، بالطبع مباشرت در ارتکاب جرم، توسط شخص حقیقی صورت گرفته است، لذا در چنین مواردی، به سبب استقلال شخصیت حقوقی، حکم به ضمان شخص حقوقی می‌شود و در صورت عدم تکافوی اموال شخص حقوقی، برای بلا جبران نماندن خسارات وارد شده، شخص حقیقی را نیز مسؤول جبران بقیه خسارات می‌دانیم. لذا در این موارد، اساساً نسبت و مراعات نسبت میزان تقصیر، قابل تصور و قابل سنجش نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد ایراد مرتفع شده است.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد سابق شورا برطرف شده است، لیکن ایراد جدیدی به وجود آمده است؛ ظاهر تبصره (۲) در ماده (۲۰) و قرینه ذیل آن، آن است که جرم، متناسب به شخص حقیقی و حقوقی می‌باشد و در این فرض، از نظر شرع جبران خسارت شاکی خصوصی می‌بایست از اموال هر دو شخص حقیقی و حقوقی، بر اساس مقدار دخالت آنان در جرم و خسارت محاسبه شود و لذا وجهی برای حکم به جبران خسارت شاکی بالابتداء از خصوص اموال شخص حقوقی و جبران مابه‌التفاوت - در صورت عدم تکافو - از اموال شخص حقیقی نیست.

ماده ۲۱- ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چهارچوب قاتون تنظیم شده است اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ۱- چنانچه محتوای مجرمانه به وبسایت‌های مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیتها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، تارنما (وبسایت) مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش (فیلتر) نخواهد شد.

تبصره ۲- ...

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات صورت گرفته در ماده (۲۱) و تبصره (۱) آن، ابهام و ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۲- ...

تبصره ۲- تبصره ۲- کارگروه (کمیته) موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش (فیلتر) شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم‌گیری کند.

(عبارت «رأی کارگروه (کمیته) قطعی است» از انتهای تبصره (۲) ماده (۲۲) حذف شد.)

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده در تبصره (۲) (حذف صورت گرفته)، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۵– هر شخصی که مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) ...

ب) فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیر مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را بدون رضایت او فراهم می‌کند.

...

الف – نظر مخالف

– اصلاح صورت گرفته ارتباطی با ایراد شورا ندارد؛ چرا که ایراد این بود که از گذرواژه می‌توان هم در موارد غیرمجاز و هم موارد مباح استفاده کرد، لذا اطلاق جرم‌انگاری در این بند به دلیل شمول آن بر موارد مباح، ایراد گرفته شد و مراد این است که تنها مواردی که موجب استفاده غیرمجاز قرار می‌گیرد جرم‌انگاری شود. لذا رضایت و عدم رضایت، تأثیری در ایراد مذکور ندارد. به عبارت دیگر هر چیزی که امکان دسترسی به امر غیرمجازی را فراهم می‌کند، حرام نبوده و نمی‌توان آن را مورد جرم‌انگاری قرار داد.

ب – نظر موافق

– از آنجا که اشکال این ماده، از جهت شمول اطلاق جرم‌انگاری نسبت به مواردی بوده که خود فرد گذرواژه خویش را در اختیار قرار داده است، بنابراین، با اضافه کردن قید «بدون رضایت او» توسط مجلس، ایراد شورا برطرف شده است.

ج – تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۸- علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاههای ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

...

ب) جرم از طریق تارنماهای (وبسایتهای) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیرایرانی در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و وبسایتهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای (وبسایتهای) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

...

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاحات به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۳۲- ...

تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۴۱- در هر یک از موارد زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهند شد:

الف) داده‌های ذخیره شده به سهولت در دسترس نبوده یا حجم زیادی داشته باشد،

ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد،

ج) متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد،
 د) تصویربرداری (کپی‌برداری) از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد،
 ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.
 (بند «و» ماده (۴۱) حذف شد.)

– تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف بند «و»)، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۵۲– به منظور ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، دولت موظف است با همکاری قوه قضائیه اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چند جانبه قضائی انجام دهد.

الف – نظر مخالف

– ایراد سابق کماکان به قوت خود باقی است؛ زیرا اشکال مبتنی بر این بود که در این ماده، اختیار رئیس قوه قضائیه مندرج در اصل ۱۵۸ قانون اساسی مبنی بر تهیه لوایح قضایی را نادیده گرفته و آن را به دولت واگذار کرده است. بر این اساس، این اشکال همچنان در اصلاح صورت گرفته نیز وجود دارد.

ب – نظر موافق

– موضوع این ماده، اساساً مربوط به لوایح قضایی نیست، بلکه بحث معاهدات بین‌المللی و موافقتنامه‌ها و اسناد بین‌المللی است که وفق اصل ۱۲۵ قانون اساسی، امضای آنها پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی، صرفاً بر عهده دولت است و ارتباطی با وظایف رئیس قوه قضائیه مذکور در اصل ۱۵۸ ندارد.

ج – تصمیم شورا

به رغم اصلاح به عمل آمده، ایراد سابق شورا نسبت به مغایرت با اصل ۱۵۸ قانون اساسی، با رأی موافق، همچنان به قوت خود باقی است.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال بند (۱) قبلی این شورا، کماکان به قوت خود باقی است.

ایراد بندهای (۳) و (۴) رفع شده، ولی چون ظاهر تبصره (۲) در ماده (۲۰) و قرینه ذیل آن، آن است که جرم، متناسب به شخص حقیقی و حقوقی می‌باشد و در این فرض از نظر شرع جبران خسارت شاکی خصوصی می‌بایست از اموال هر دو شخص حقیقی و حقوقی، بر اساس مقدار دخالت آنان در جرم و خسارت محاسبه شود و لذا وجهی برای حکم به جبران خسارت شاکی بالاتداء از خصوص اموال شخص حقوقی و جبران مابه‌التفاوت - در صورت عدم تکافو - از اموال شخص حقیقی نیست.

در خصوص ایراد بند (۱۰) علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال مربوط به مغایرت با اصل ۱۵۸، کماکان به قوت خود باقی است.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی نهایی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۳/۲۰

ماده ۱۴- هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- اشکال همچنان نسبت به مواردی که شخصی به قصد تجارت، محتویات مستهجن را تولید نماید یا نگهداری نماید، ولی آنها را ارسال ننماید، باقی است.
- ایراد سابق شورای نگهبان، ایراد شرعی بود، نه ایراد قانونی. بنابراین، با توجه به نوع ایراد، به نظر می‌رسد با اصلاح به عمل آمده، ایراد سابق برطرف شده است.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ب - نظر موافق

- در خصوص این مسئله که قصد حرام، حرام نیست، باید میان گناهان فردی با اعمالی که در صورت اتفاق، اثرات مهم و فساد بزرگی در اجتماع دارد تفاوت قائل شد. در اینجا، کسی که محتویات مستهجنی را تولید کرده، ولی به دلایلی؛ از جمله دستگیری نتوانسته آنها را منتشر کند، یقیناً نمی‌توان با استناد به عدم موفقیت وی در انتشار و ارسال، وی را معاف از مجازات دانست. عرف جامعه هم قطعاً چنین مسئله‌ای را جرم می‌داند.

ج - تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورا برطرف شده است.

ماده ۲۰- ...

تبصره ۱- ...

(تبصره ۲) ماده (۲۰) حذف شد.)

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف تبصره ۲)، ایراد شورا برطرف شده است.

(ماده ۵۲- حذف شد.)

- تصمیم شورا

با توجه به اصلاح به عمل آمده (حذف ماده ۵۲)، ایراد شورا برطرف شده است.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۹۵۶ مورخ ۸۸/۳/۲۰ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

ماده ۱- ماده (۲۸) الحاقی قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران^(۱) - مصوب ۱۳۷۸ - به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۲۸- تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و شعب و نمایندگی آنها و مؤسسات کارگزاری بیمه ایرانی و شعب و نمایندگی مؤسسات بیمه خارجی و مؤسسات کارگزاری بیمه خارجی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مجاز و صرفاً تابع مقرراتی است که به پیشنهاد بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظرات مخالف

- اطلاق واگذاری صلاحیت وضع مقررات مربوط به تأسیس و فعالیت مؤسسات مذکور در این ماده به هیأت وزیران، از آنجا که مشتمل بر امور واجد ماهیت تقنینی نیز می شود که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، مغایر اصل مزبور می باشد.

- عموم عبارت «صرفاً تابع مقرراتی است که ...» به جهت آنکه متضمن تفوق بخشی به مصوبه هیأت وزیران نسبت به قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و همچنین واگذاری حق نسخ قوانین توسط آیین نامه است، در تغایر با اصول متعدد قانون اساسی؛ از جمله اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است.

۱. ماده ۲۸ (اصلاحی ۱۳۷۸/۴/۳۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام): «تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و شعب و نمایندگی آنها و مؤسسات کارگزاری بیمه در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مجاز و صرفاً تابع مقرراتی است که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۲۸ اصلاحی، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲- متن زیر به عنوان ماده (۲۹) به قانون مذکور الحاق گردید:

ماده ۲۹- تأسیس و فعالیت بورسها (اوراق بهادار، کالا و ارز) با سرمایه داخلی و خارجی در مناطق آزاد تابع مقرراتی است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- اطلاق واگذاری صلاحیت وضع مقررات مربوط به تأسیس و فعالیت مؤسسات مذکور در این ماده به هیأت وزیران، از آنجا که مشتمل بر امور واجد ماهیت تقنینی نیز می شود که وفق اصل ۸۵ قانون اساسی، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، مغایر اصل مزبور می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده ۲۹ الحاقی، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

نظر به اینکه اطلاق مقررات مذکور در مواد (۱) و (۲) شامل تقنین نیز می گردد، بنابراین اجازه تصویب آن به هیأت وزیران، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۸۰۰ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۲/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۳۰

ماده ۱- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۲۸) الحاقی قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران^(۱) - مصوب ۱۳۷۸ - الحاق می گردد: تبصره - حکم مذکور در این ماده شامل شعب و نمایندگی مؤسسات خارجی و مؤسسات کارگزاری بیمه خارجی نیز خواهد بود.

ماده ۲- متن زیر به عنوان ماده (۲۹) به قانون مذکور الحاق گردید:

ماده ۲۹- تأسیس و فعالیت بورسها (اوراق بهادار، کالا و ارز) با سرمایه داخلی و خارجی در مناطق آزاد بر اساس مقررات مجاز و تابع آئین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- با توجه به اینکه اصلاحیه سال ۱۳۷۸ این قانون، به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، اضافه کردن موادی به مصوبه مجمع یا تغییر آن از سوی مجلس شورای اسلامی، در تغایر با اصل ۱۱۲ قانون اساسی و صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام است.^(۲)

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

مواد مزبور، با ۸ رأی موافق، مغایر با اصل ۱۱۲ قانون اساسی شناخته شد.

۱. ماده ۲۸ (اصلاحی ۱۳۷۸/۴/۳۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام): «تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و شعب و نمایندگی آنها و مؤسسات کارگزاری بیمه در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مجاز و صرفاً تابع مقرراتی است که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

۲. بر اساس نظریه شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچیک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ندارد، اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتد به آن که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. ...»

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

چون اصل ماده (۲۸) مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، الحاق تبصره از این جهت که موجب توسعه آن مصوبه می‌شود، علاوه بر اینکه ایراد این شورا در خصوص مصوبه مذکور بر این مصوبه وارد است، مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی نیز شناخته شد.

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۸۸/۵/۷ نسبت به مصوبه خویش، مصوبه مزبور طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۶۶۳ مورخ ۸۸/۳/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.
۲. این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر مجلس شورای اسلامی پس از حذف جمله داخل پرانتز شامل (اوراق بهادار، کالا و ارز) از صدر ماده ۲۹، عیناً مورد تأیید قرار گرفت».

لایحه ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

ماده واحده - به منظور کارآیی و اثربخشی سرمایه‌های انسانی نظام سلامت شامل شاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی در بخشهای دولتی (کشوری و لشکری) و غیردولتی:

۱- ساعت کار هفتگی شاغلین موضوع این قانون با توجه به صعوبت کار، سابقه خدمت و کار در نوبت‌کاریهای غیرمتعارف، به تناسب در هفته حداکثر تا هشت ساعت تقلیل می‌یابد.

۲- کارکنان بیمارستانهای روانی و سوختگی و مشمولین مشاغل موضوع ماده (۱۶) قانون سازمان نظام پرستاری شاغل در بخشهای دولتی و غیردولتی جزء مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شوند و ضمن برخورداری از مزایای مواد (۶۷) و (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، از محدودیتهای مندرج در ماده (۷۵) قانون کار مستثنی می‌شوند. همچنین کارکنان رسته بهداشتی، درمانی موضوع بند (۳) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری علاوه بر مرخصی استحقاقی سالیانه، حداکثر تا یک ماه از مرخصی کار در محیطهای غیرمتعارف برخوردار می‌شوند.

۳- ساعت کار در نوبتهای شب و ایام تعطیل با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه می‌شود و همچنین مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را ندارند و می‌توانند حداکثر معادل نصف ساعت کار موظف ماهانه، با توافق کارفرما اضافه کار انجام دهند.

۴- مزایای این قانون به شاغلینی تعلق می‌گیرد که فقط در یکی از بخشهای دولتی یا غیردولتی مشغول خدمت باشند. روش پرداخت حقوق و مزایای آنها نیز ترکیبی از دو روش ثابت و مبتنی بر عملکرد می‌باشد، به طوری که مبنای پرداخت در روش مبتنی بر عملکرد، تعرفه‌های خدمات به صورت کمی و کیفی براساس فهرستهای ارزیابی خدمات می‌باشد.

تعرفه خدمات کمی، مبتنی بر بسته خدمتی و شرح وظایف مشمولین این قانون بوده و تعرفه‌های کیفی مبتنی بر استانداردهای روشهای کار (پروسیجر)

قابل ارائه در هر ساعت بر اساس کدهای اخلاقی و منشور ارتباط با بیمار می‌باشد.
 ۵- آئین‌نامه اجرائی این قانون حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون، توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای نظام پزشکی و نظام پرستاری تهیه و به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید و از روند اجراء این قانون سالی دو بار به کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گزارش خواهد شد.

الف - نظرات مخالف

- با توجه به اینکه ماده واحده لایحه تقدیمی دولت^(۱) به مجلس شورای اسلامی، تنها به تعدیل ساعات کار شاغلین رسته‌های بهداشتی درمانی اشاره شده بود، و افزایش حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در بندهای (۲) و (۳) برای کارکنان مشاغل مزبور، بر اساس پیشنهاد نمایندگان مجلس افزوده شده، بدون آنکه طریق تأمین هزینه جدید مشخص گردیده باشد، از این رو بندهای مزبور به دلیل افزایش هزینه‌های عمومی، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی ارزیابی می‌شود.

- بند (۴) این ماده واحده نیز به دلیل اینکه بر اساس پیشنهاد نمایندگان مجلس به لایحه دولت اضافه شده است و در خصوص نحوه محاسبه و پرداخت حقوق و مزایای مندرج در بندهای (۲) و (۳) به شاغلین رسته‌های بهداشتی درمانی می‌باشد، منبئاً بر ایراد مذکور در بندهای (۲) و (۳)، ایراد خواهد داشت.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

بندهای (۲) و (۳) ماده واحده، با ۷ رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

۱. «ماده واحده - ساعت کار شاغلین رسته‌های بهداشتی درمانی با توجه به میزان صعوبت کار و مخاطرات شغلی و با در نظر گرفتن سنوات خدمتی آنها تعیین می‌شود. آئین‌نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کار و امور اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و بنیاد شهید و امور ایثارگران به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

بندهای (۲) و (۳) ماده واحده از این جهت که موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردد و طریق جبران آن پیش بینی نشده است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد و بند (۴) آن نیز مبنیاً بر ایراد مذکور اشکال دارد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۱/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۹

ماده واحده - به منظور کارآیی و اثربخشی سرمایه‌های انسانی نظام سلامت شامل شاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی در بخشهای دولتی (کشوری و لشکری) و غیردولتی:

۱-

۲- کارکنان بالینی بیمارستانهای روانی و سوختگی و مشمولین موضوع ماده (۱۶) قانون سازمان نظام پرستاری شاغل در بخشهای دولتی و غیردولتی از شمول ماده (۷۵) قانون کار مستثنی می‌شوند. دولت می‌تواند مشاغل مزبور را جزء مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب و از مزایای مواد (۶۷) و (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری برخوردار نموده و علاوه بر مرخصی استحقاقی سالیانه حداکثر تا یک ماه مرخصی کار در محیطهای غیرمتعارف به آنان اعطاء نماید.

۳- دولت می‌تواند ساعات کار بخشهای دولتی و غیردولتی در نوبتهای شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه نماید و همچنین مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را ندارند و می‌توانند حداکثر معادل نصف ساعت کار موظف ماهانه، با توافق کارفرما اضافه کار انجام دهند.

۴- مزایای این قانون به شاغلینی تعلق می‌گیرد که فقط در یکی از بخشهای دولتی یا غیردولتی مشغول خدمت باشند. روش پرداخت حقوق و مزایای آنها نیز ترکیبی از دو روش ثابت و مبتنی بر عملکرد می‌باشد، به طوری که مبنای

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۸۰۱ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

پرداخت در روش مبتنی بر عملکرد، تعرفه‌های خدمات به صورت کمی و کیفی بر اساس فهرستهای ارزیابی خدمات می‌باشد.

تعرفه خدمات کمی، مبتنی بر بسته خدمتی و شرح وظایف مشمولین این قانون بوده و تعرفه‌های کیفی مبتنی بر استانداردهای روشهای کار (پروسیجر) قابل ارائه در هر ساعت براساس کدهای اخلاقی و منشور ارتباط با بیمار می‌باشد.

۵-

الف - نظر مخالف

- در بند (۳)، هر چند که دولت می‌تواند بار هزینه‌ای مربوط به خود را بپذیرد، اما از آنجا که در صورت پذیرش دولت، این افزایش حقوق و مزایای کارکنان به بخش غیردولتی نیز اجباراً تحمیل می‌شود و آنها نیز موظف به پرداخت مزایا و حقوق افزوده می‌شوند، بند مزبور مغایر با شرع می‌باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۳۳۶ مورخ ۸۸/۲/۹ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح اصلاح مواد (۷) و (۱۰) اصلاحی اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

- ماده ۱- ماده (۷) (ارکان جمعیت هلال احمر) اصلاحی اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۴ به شرح زیر اصلاح می شود:
- الف - در بند (۱) عبارت «نماینده ولی فقیه در جمعیت» اضافه شود.
- ب - عبارت «مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان» به متن بند (۲) (ارکان جمعیت در استان) اضافه می گردد.
- ماده ۲- ماده (۱۰) اصلاحی (اعضاء شورای عالی جمعیت) اساسنامه مذکور به شرح زیر اصلاح می شود:
- الف - عبارت زیر به عنوان جزء (۸) به بند «الف» الحاق و تبصره ذیل این بند حذف می شود:
- ۸- نماینده ولی فقیه در جمعیت.
- ب - متن زیر به عنوان تبصره ذیل بند «ب» اضافه می گردد:
- تبصره - نماینده ولی فقیه در جمعیت بر نحوه مصرف اموال اهدائی و تبدیل هدایای مردمی در صورت لزوم اداره موقوفات و تعیین خط مشی و امور فرهنگی در جهت انطباق با موازین شرعی نظارت خواهند کرد.
- ج - عبارت زیر به بند «ج» (ترکیب وظایف هیأت در استان) به شرح ذیل اضافه می شود و جزء (۵) به عنوان جزء (۶) اصلاح می شود:
- ۵- مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان.

الف - نظرات مخالف

- در این مصوبه، صلاحیت خاصی به نماینده ولی فقیه داده نشده و صرفاً به عنوان یکی از اعضاء شناخته شده است و فاقد صلاحیت نظارتی لازم است. بر اساس تبصره ماده ۱۰

اساسنامه جمعیت هلال احمر^(۱)، نماینده رهبری، تنها حق شرکت در جلسات دارد و فاقد صلاحیت دیگری است.

- با استناد به حکم امام خمینی (ره) به حجة الاسلام غیوری جهت نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر و تنفیذ بعدی رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، مجلس صلاحیت تعیین تکلیف یا تغییر صلاحیتهای نمایندگان ولی فقیه را بدون اذن ولی فقیه ندارد. بنابراین، این مصوبه مغایر با موازین شرع و اصل ۱۱۰ قانون اساسی ارزیابی می‌شود.

ب - نظر موافق

- سابق بر این، نماینده ولی فقیه نیز در ساختار هلال احمر حضور داشت، و دارای صلاحیتهای نظارتی بود، لکن طی اصلاحیه مصوب ۱۳۸۲ از وی سلب صلاحیت شد. به همین دلیل، اصلاحیه کنونی مجلس، در واقع مصوبه جدیدی نیست و صرفاً بر یک واقعیت سابق تأکید کرده است، لذا نمی‌توان آن را مغایر با صلاحیتهای ولی فقیه دانست.

ج - تصمیم شورا

مواد اصلاحی، با ۴ رأی موافق، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۲)

علاوه بر اینکه مصوبه مذکور مخالف نامه حضرت امام «رحمة الله علیه» درباره نمایندگی جناب آقای غیوری که مورد تنفیذ مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» قرار گرفته، می‌باشد، مواد (۱) و (۲) آن نیز از این جهت که بدون اذن ولی فقیه، نماینده معظم له را موظف به اموری می‌کند، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۱. «ماده ۱۰ - ...

تبصره - نماینده مقام معظم رهبری در صورتی که توسط معظم له تعیین شده باشد در جلسات شورای عالی شرکت خواهد نمود.»

۲. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۸۱۳ مورخ ۸۷/۱۲/۲۸ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۲/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۳/۱۳

ماده ۱- ماده (۷) (ارکان جمعیت هلال احمر) اصلاحی اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۴ به شرح زیر اصلاح می شود:
الف - در بند (۱) عبارت «نماینده ولی فقیه در جمعیت با اذن معظم له» اضافه شود.

ب - عبارت «مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان» به متن بند (۲) (ارکان جمعیت در استان) اضافه می گردد.

ماده ۲- ماده (۱۰) اصلاحی (اعضاء شورای عالی جمعیت) اساسنامه مذکور به شرح زیر اصلاح می شود:

الف - عبارت زیر به عنوان جزء (۸) به بند «الف» الحاق و تبصره ذیل این بند حذف می شود:

۸- نماینده ولی فقیه در جمعیت با اذن معظم له.

ب - متن زیر به عنوان تبصره ذیل بند «ب» اضافه می گردد:

تبصره - نماینده ولی فقیه در جمعیت بر نحوه مصرف اموال اهدائی و تبدیل هدایای مردمی در صورت لزوم اداره موقوفات و تعیین خط مشی و امور فرهنگی در جهت انطباق با موازین شرعی نظارت خواهند کرد. اختیارات مصرح در این اصلاحیه نافذ و وظایف و اختیارات مفوضه از سوی ولی فقیه نمی باشد.

ج - عبارت زیر به بند «ج» (ترکیب وظایف هیأت در استان) به شرح ذیل اضافه می شود و جزء (۵) به عنوان جزء (۶) اصلاح می شود:

۵- مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۸۵۱ مورخ ۸۸/۳/۱۳ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

طرح بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (کددار)

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۱/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

ماده ۱- از تاریخ ابلاغ این قانون، استادکاران و کارگران قالی و فرش دستباف بدون کارفرما و با کارفرما، شاغل در کارگاههای خانگی تکباف قالی و فرش و یا تحت پوشش تعاونی‌های قالی و فرش و مجتمعهای کوچک و بزرگ مربوطه و همچنین شاغلان صنایع دستی خانگی و غیر آن در گروههای مصوب شناسه‌دار (کددار) صنایع دستی ایران که به صورت تمام‌وقت به مشاغل یاد شده اشتغال دارند، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. بیست درصد (۲۰٪) سهم دولت و هفت درصد (۷٪) سهم بیمه‌شده خواهد بود. در صورت وجود کارفرما، با پرداخت سه درصد (۳٪) سهم کارفرما بیمه یادشده شامل بیمه بیکاری نیز خواهد بود.

تبصره ۱- تابلوبافان طرح پوستر، رنگرزان، پرداخت‌زنان دستی، چله‌کشان دستی ماهر و رفوگران ماهر و سایر شاغلان صنایع وابسته به تولید فرش و قالی مشمول این قانون می‌باشند.

...

تبصره ۲- شاغلین خانگی و یا پاره‌وقت موضوع این قانون می‌توانند از مزایا و تسهیلات مزبور بهره‌مند گردند.

...

ماده ۳- دولت مکلف است سهم موضوع تبصره (۱) ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی را همه ساله در بودجه‌های سنواتی منظور و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.

ماده ۴- مواد و اجزاء قوانین و مقررات دیگر که با این قانون مغایرت دارد، لغو می‌شود.

الف - نظر مخالف

- به رغم الزام ماده (۳) به لحاظ کردن هزینه اجرای این طرح در بودجه سنواتی، همچنان طریق جبران افزایش هزینه‌های عمومی جدید ناشی از الزام دولت به پرداخت حق بیمه مشمولان این طرح در ماده (۱) و تبصره‌های (۱) و (۴) این مصوبه، در پیشنهاد نمایندگان ارائه کننده و تصویب کننده طرح، مشخص نشده و از این نظر مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

ماده (۱) و تبصره‌های (۱) و (۴)، با رأی موافق، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

ماده (۱) و تبصره‌های (۱) و (۴) آن از این جهت که موجب افزایش هزینه عمومی می گردد و طریق جبران آن پیش بینی نشده است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می باشد و بند (۳) رافع اشکال آن نمی باشد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۲/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۲/۳۰

ماده ۱- ...

...

ماده ۳- دولت مکلف است برابر بند (۳۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸

کل کشور هزینه های ناشی از اجراء این قانون را تأمین و در سالهای آتی نیز سهم

موضوع تبصره (۱) ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی را در بودجه های سنواتی

منظور و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۸۰۲ مورخ ۸۷/۱۲/۲۷ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

الف - نظر مخالف

- به رغم اصلاح صورت گرفته، همچنان طریق جبران افزایش هزینه‌های عمومی جدید ناشی از این مصوبه، توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی مشخص نشده و از این نظر مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی کماکان وجود دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

به رغم اصلاح به عمل آمده، با ۷ رأی موافق، ایراد مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی همچنان وجود دارد.

نظریه (مرحله دوم) شورای نگهبان^(۱)

علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق کماکان به قوت خود باقی است.

مرحله سوم

مصوبه اصلاحی نهایی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۸/۵/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۸/۶/۱۱

ماده ۱- ...

...

ماده ۳- هزینه اجراء این قانون در سال ۱۳۸۸ از محل اعتبار برنامه ۳۰۴۴۱ مذکور در بند (۳۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور تأمین می‌شود و در سالهای بعد، در صورت تأمین اعتبار قابل اجراء خواهد بود.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۲)

مصوبه مزبور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۶۶۰ مورخ ۸۸/۳/۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. مندرج در نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۵۱۰ مورخ ۸۸/۶/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

لایحه بودجه سال ۱۳۸۸

مرحله اول

مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۲۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

۶-

الف - سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس)، (موضوع قانون استفاده از منابع مالی خارجی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶)^(۱) مندرج در قوانین بودجه‌های سال‌های گذشته در سال ۱۳۸۸ نیز به قوت خود باقی است.

ب - در اجراء بند (۱) ماده (۲۸) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^(۲) و اجراء

۱. موضوع قانون استفاده از منابع مالی خارجی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶:

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب حکم بند (ب) ماده (۱۳) و جدول شماره (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ و احکام قوانین بودجه‌های سالانه و سایر مجوزهای قانونی از تسهیلات و منابع مالی خارجی (فاینانس) استفاده نماید. سقف مانده تسهیلات استفاده نشده سال ۱۳۸۳ و هر سال برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مندرج در بند (ب) جدول شماره (۷) به سقف سال بعد بند (ب) جدول شماره (۷) برنامه اضافه می‌گردد.

تبصره - حکم موضوع بند (ن) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور ملغی‌الاثرب می‌شود.

۲. ماده (۲۸) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: منابع مالی و شرایط تأمین مالی مورد نیاز برای اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند سالانه حداقل ده میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار خط اعتباری جهت تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های غیردولتی از خارج کشور فراهم نمایند.

۲- دولت مکلف است سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که از طریق هیأت امناء حساب ذخیره ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های عامل چهل درصد (۴۰٪) از مانده حساب ذخیره ارزی سال پیش را به بخش غیردولتی اختصاص دهد و در صورت وجود تقاضا در این بخش و داشتن طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی به متقاضیان پرداخت نماید. در هر صورت سهم بخش غیردولتی در هر سال نباید از چهل درصد (۴۰٪) برداشت از حساب ذخیره ارزی در آن سال کمتر باشد.

۳- به هیأت امناء حساب ذخیره ارزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به منظور افزایش سهم تسهیلات ارزی به بخش غیردولتی، بخشی از ارز حساب ذخیره ارزی و یا ارز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان سپرده در بانک‌های عامل جهت باز کردن خط اعتباری ارزی توسط بانک‌های عامل و بانک‌های خارجی و پرداخت تسهیلات بیشتر منظور نماید.

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند در سال ۱۳۸۸ امکان استفاده از تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) را تا معادل ارزی مبلغ پنجاه و هفت هزار میلیارد (۵۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال فراهم کند.

الف - نظر مخالف

- اینها (دستگاه‌های اجرایی) هر سال یک اعتباری می‌گرفتند که بتوانند مثلاً برای نفت و غیره فاینانس کنند و بعد مصرف نمی‌شد، لذا در قانون بودجه سال بعدی آوردند که در سال بعد مصرف شود. این موضوع قبلاً توسط فقهای شورای نگهبان همه ساله در قانون بودجه ایراد می‌گرفتند، لذا برای دوره برنامه پنج ساله یک قانونی وضع کردند و فقهای یاد شده نیز بر آن ایراد شرعی وارد کردند و در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و در آنجا تصویب و اجازه کلی داده شد. جزء (الف) بند (۶) ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور اجازه مجمع تشخیص مصلحت نظام را دارد ولی جزء (ب) بند مذکور مجوز مجمع را ندارد. فاینانس چهار صورت دارد و اطلاق آن موارد ربوی را هم در بر می‌گیرد. اگرچه در بند (۱) ماده (۲۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی از عبارت «تأمین مالی سرمایه‌گذاری» استفاده کرده است و شکل آن را متعرض نشده است و در نگاه اول به آن ایرادی نباشد و کلیه قوانین نیز باید طبق موازین شرع باشد و اقتضاء می‌کند که این مبلغی که اینها می‌خواهند بدهند، به گونه‌ای باشد که از نظر موازین شرعی اشکال نداشته باشد با این وجود چون در جزء (ب) بند (۶) لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور از واژه فاینانس استفاده کرده است و فضای فاینانس تأمین اعتبارات مالی است و این تأمین اعتبارات مالی ممکن است شامل موارد ربوی نیز باشد، لذا تجویز این حکم ایراد شرعی دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

د - در اجراء بند (۳) ماده (۲۸) قانون سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و به منظور افتتاح خط اعتباری ارزی جهت افزایش سهم تسهیلات ارزی بخش‌های غیردولتی، بانک مرکزی مکلف است از محل منابع ارزی خود مبلغ سه میلیارد (۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار را در بانک‌های عامل یا بانک‌های خارجی جهت واحدهای تولیدی سپرده‌گذاری نماید.

الف - نظر مخالف

- در اینجا مقداری را که باید به مصرف برساند، به صروت دلار تعیین کرده است. چون بودجه، بودجه کشور ایران است، باید با ارزی که خود ایران دارد، به صورت ریال باشد در حالی که در اینجا بودجه را به صورت ارز خارجی تعیین کرده است، بودجه هر کشوری قاعده‌اش این است که با ارز خود همان کشور بسته شود. این امر خلاف اصول بودجه‌نویسی است. در اصل پنجاه و سوم قانون اساسی مقرر شده است کلیه دریافت‌های دولت در حساب خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. آن چیزی که در حساب‌های خزانه‌داری کل ریخته می‌شود، مگر ریال نیست؟

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ه- به دولت اجازه داده می‌شود برای تحقق اهداف این بند نسبت به بررسی شرایط صدور اوراق مشارکت ارزی دولتی اقدام و زمینه صدور حداکثر یک میلیارد و پانصد میلیون (۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) یورو اوراق مشارکت جهت تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی توسعه‌ای اولویت دار کشور در بازارهای مالی بین‌المللی را فراهم نماید. آیین‌نامه اجرایی چگونگی صدور و فروش اوراق مزبور به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

و- به شرکت‌های صنایع پتروشیمی اجازه داده می‌شود در راستای تأمین منابع ارزی مورد نیاز طرح‌های سرمایه‌گذاری در دست اجرای خود پس از تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اقدام به انتشار مبلغ یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار اوراق مشارکت ارزی نماید. تضمین اصل و سود این اوراق با شرکت مذکور می‌باشد.

الف - نظر مخالف

- چگونگی صدور اوراق مشارکت نیاز به قانون دارد. در حالی که به آیین‌نامه واگذار شده است، زیرا موضوع چگونگی صدور اینگونه اوراق، امری ماهوی است. در خصوص چگونگی صدور اوراق مشارکت داخلی، قانون‌گذار در سال ۱۳۷۶ قانون نحوه انتشار

اوراق مشارکت را تصویب نمود، بنابراین برای اوراق مشارکت بین‌المللی نیز باید قانون داشته باشیم و نیاز به تقنین نیست.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

۷- به منظور تنظیم رابطه دولت و وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه و ذی‌ربط و اعمال حق، کلیت دولت بر منابع نفت و گاز کشور، به دولت اجازه داده می‌شود (با رعایت اصل مالکیت منابع نفتی و گازی ایران) برای سال ۱۳۸۸ نسبت به عقد قرارداد بین وزارت نفت و «وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط» بر اساس مقررات این بند اقدام نماید.

الف - وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است ارزش نفت خام تولیدی از کلیه میدانهای نفتی ایران توسط آن شرکت و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن و نیز نفت خام تولیدی ناشی از عملیات نفتی پیمانکاران طرف قرارداد را پس از وضع و کسر معادل شش درصد (۶٪) از ارزش نفت خام تولیدی به عنوان سهم آن شرکت، معادل نود و چهاردرصد (۹۴٪) (بقیه ارزش نفت خام) را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نماید.

الف - نظر مخالف

- مگر نباید تمامی درآمدهای کشور به خزانه واریز شود؟ قطعاً باید به خزانه برود. در اینجا یک درصدی از آن را به حساب شرکت‌ها و نود و شش درصد آن را به حساب خزانه واریز می‌کنند. به هر حال درآمد عمومی کشور است و فرقی نمی‌کند. این شرکت‌های تابعه معلوم نیست. همان ایراد اساسنامه شرکت نفت را دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - ... چگونگی تسویه حساب فی مابین خزانه داری کل کشور از طریق گواهی‌های اعتبار صادره یاد شده با وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط و شرکت‌های ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و بدون

گردش ریالی آن در دفاتر خزانه‌داری کل کشور به موجب دستورالعملی خواهد بود که مشترکاً توسط وزارت نفت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و ابلاغ می‌شود. عملکرد مالی این جزء به صورت مستقل پس از تایید سازمان حسابرسی و تصویب کارگروهی متشکل از وزیران امور اقتصادی و دارایی و نفت و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان قطعی و قابل تسویه خواهد بود.

الف - نظر مخالف

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اصلاً وجود خارجی و مستند قانونی ندارد. ما اساساً سازمانی به معنای مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از اول نداشتیم. دو سازمان قانونی وجود داشت. یکی سازمان برنامه و بودجه و دیگری سازمان امور اداری و استخدامی کشور که دولت آن دو را (شورای عالی اداری) در سال ۱۳۷۸ [به موجب مصوبه شماره ۱۴/۴۵۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶] در یکدیگر ادغام و به نوعی منحل کرد و یک سازمانی به نام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد. بنابراین سازمان مذکور منشاء قانونی ندارد یعنی قانون آن را تأسیس نکرده است و منشاء آن خود دولت بود. اصل ۱۲۶ قانون اساسی رئیس‌جمهور را مسؤول مستقیم برنامه و بودجه معرفی کرده است و این مسؤولیت به وسیله رئیس‌جمهور قابل انتقال به دیگری است. متصدی بودجه و برنامه کشور شخص رئیس‌جمهور است و ما نمی‌توانیم به جای این که قانون اساسی گفته است رئیس‌جمهور این کار را بکند، بگوییم شخص دیگری این کار را عهده‌دار شود که هویتی مستقل از رئیس‌جمهور دارد. حتی نمی‌توانیم بگوییم که این مسؤولیت را یک معاون انجام دهد. چون معاون کسی است که اختیارش مأخوذ از رئیس است. شورای نگهبان اگر یک سازمانی را بدون اذن مقام معظم رهبری واگذار شده، خلاف قانون اساسی تلقی کند، در این نیز مسؤولیت امر بودجه در اجراء، مستقیماً و بلاواسطه به رئیس‌جمهور داده شده است، لذا هر کجا که بحث بودجه‌ای شود باید بگوید رئیس‌جمهور نه شخص دیگری و اگر رئیس‌جمهور نگوید، خلاف اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی است. مصوبه مجلس اختیارات رئیس‌جمهور را بر خلاف اصل یکصد و بیست و ششم از دل گرفته و به یک سازمانی محول کرده است که ماهیت قانونی هم ندارد. مجلس نمی‌تواند اختیارات رئیس‌جمهور را بر خلاف اصل مذکور از وی سلب کند و به دیگری واگذار کند، ولی اگر خود رئیس‌جمهور اختیارات خود را واگذار کند، بر اساس اصل یاد شده ایرادی ندارد.

- مصوبه مجلس بدین معناست که یک سازمانی تأسیس شود و رئیس جمهور هم مسئولیتش را به این سازمان بدهد که این امر برای دولت مشکل ایجاد می‌کند. این مصوبه مجلس قابل اجراء نیست.

ب - نظر موافق

- این مصوبه مجلس نمی‌گوید رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور فلان شخص باشد، مجلس نمی‌تواند بگوید رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور معاون رئیس جمهور است، زیرا ما می‌گوییم رئیس جمهور شاید بخواهد خودش اداره کند.

۹- به منظور تسریع در روند اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بازکردن فضای کسب و کار و توسعه سرمایه‌گذاری به دولت اجازه داده می‌شود ضمن توسعه بازار سرمایه نسبت به موارد زیر اقدام نماید:

الف - طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای نیمه‌تمام، تکمیل شده و آماده بهره‌برداری ملی و استانی و از محل منابع داخلی از جمله طرحهای توسعه علوم و فناوری و فرهنگ و هنر، رسانه‌های جمعی و گردشگری را به شرط حفظ موضوع و کاربری این طرحها به صورت نقد و اقساط به متقاضیان بخش‌های خصوصی و تعاونی واگذار نماید. وجوه حاصل از واگذاریها به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل، موضوع ردیف (۳۱۰۵۰۵) جدول شماره (۶) این لایحه واریز شده و معادل صددرصد (۱۰۰٪) آن از محل اعتبار جزء (۴) ردیف (۱۰۱۰۰۰) جدول شماره (۸) این لایحه در اختیار دستگاه واگذارکننده قرار می‌گیرد تا پنجاه درصد (۵۰٪) آن را برای تکمیل طرحهای تملک‌داراییهای سرمایه‌ای نیمه تمام از جمله طرحهای فصل‌های مذکور هزینه نماید و پنجاه درصد (۵۰٪) دیگر را برای پرداخت تسهیلات در قالب وجوه اداره شده به خریداران طرحهای تملک‌داراییهای سرمایه‌ای موضوع این جزء برای تکمیل، تجهیز و بهره‌برداری از پروژه‌های موصوف اختصاص دهد.

ب - اموال منقول و غیرمنقول خود را به فروش رسانده و وجوه حاصل را به درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل، موضوع ردیف (۲۱۰۲۰۴) جدول شماره (۶) این لایحه واریز نماید. معادل هشتاد درصد (۸۰٪) از وجوه حاصل این جزء از محل اعتبار جزء (۷) ردیف (۵۳۰۰۰۰) جدول شماره (۹) در اختیار دستگاه اجرائی ذی‌ربط حسب مورد ملی یا استانی قرار می‌گیرد تا چهل درصد (۴۰٪) آن را

برای تکمیل طرحهای تملک‌داراییهای سرمایه‌ای نیمه‌تمام از جمله طرحهای فصلهای مذکور هزینه نماید و چهل درصد (۴۰٪) دیگر را برای پرداخت تسهیلات در قالب وجوه اداره شده به خریداران طرحهای تملک‌داراییهای سرمایه‌ای موضوع این جزء برای تکمیل، تجهیز و بهره‌برداری از پروژه‌های موصوف اختصاص یابد. بیست درصد (۲۰٪) از وجوه باقیمانده جهت تکمیل طرحهای نیمه تمام روستاها شامل طرحهای آبرسانی به روستاها و راههای روستایی و اجراء طرحهای هادی روستائی و طرحهای فرهنگی و ورزشی روستاها در اختیار دستگاههای ذی‌ربط قرار می‌گیرد.

ج - منابع مشخص شده در بودجه مصوب شرکتهای دولتی در سال ۱۳۸۸ را با فروش اموال ثابت مازاد (زمین و ساختمان) آنها محقق، و تا نود و پنج درصد (۹۵٪) از منابع حاصل را صرف سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و زیربنایی خود نمایند. حداکثر تا پنج درصد (۵٪) از این منابع صرف پرداخت کمک به تعاونیهای مسکن و صندوقهای رفاه کارکنان این شرکتها خواهد شد. از ابتداء شهریور ماه سال ۱۳۸۸ تخصیص بودجه تملک‌داراییهای سرمایه‌ای به این شرکتها و یا پرداخت هزینه‌ای و سرمایه‌ای آنها مشروط به تصویب برنامه زمانبندی فروش اموال مذکور توسط دولت است. موارد استثناء به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- جزءهای الف و ب اشکال ندارند. اما جزء «ج» اشکال دارد زیرا ممکن است در بودجه مصوب شرکت‌های دولتی، درآمدها بیشتر باشد. در اصل پنجاه و سوم قانون اساسی مقرر شده است تمام دریافت‌های دولت در حساب خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اختیارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد، لذا مقنن باید مبلغ معین بگوید یا ردیفی ذکر کند که دارای سقف باشد. اگر ردیف سقف را بگویند یا مبلغ آن را بگویند (تا چند میلیارد تومان) این اعتبار مصوب است ولی اگر بگویند هرچه دست تو آمد، خرج کن؛ این اعتبار مصوب نیست. منابع مشخص شده در بودجه مصوب شرکت‌های دولتی، جزء دریافت‌های دولت است. حالا اگر زمین و ساختمان را فروختند و درآمد زیادی حاصل شد، چون مقدارش را مشخص نکرده‌اند و سقف ندارد، ایراد دارد و اعتبار مصوب محسوب نمی‌شود.

- در لایحه دولت گفته بود «منابع مشخص شده در بودجه مصوب شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان استفاده از دارایی‌های جاری» یعنی مشخص کرده بود که

مقصود این بخش است که در حساب‌های شرکت‌ها به عنوان استفاده از دارایی‌های جاری محسوب می‌شود. حالا این را حذف کرده‌اند و لذا ابهام دارد.

ب - نظر موافق

- یک هزینه‌ای در بودجه آمده است و مقنن بر آن منبع تعیین کرده است. شرکت‌های دولتی یک بودجه مصوب دارند و منبع این بودجه عبارت است از آن میزانی که به اندازه بودجه باید باشد که این امر نیز از طریق فروش زمین و ساختمان حاصل می‌شود نه این که به شش برابر بفروشند و بگویند این منبع بودجه است. هر کجا بگویند منبع این هزینه را تعیین کند، یعنی به اندازه این هزینه را تعیین کند نه این که شش برابر آن معلوم کند و بگویند منبع این هزینه است. در اینجا مجلس منبع این بودجه مصوب شرکت‌های دولتی را تعیین کرده است و آن فروش اموال و املاک مازاد است.

د - سازمان تربیت بدنی مجاز می‌باشد پروژه‌های مصوب تربیت بدنی تفاهم شده با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که متقاضی بخش خصوصی جهت اجراء آنها وجود دارد تا سقف یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل درآمد ردیف ۲۱۰۲۰۴ جدول شماره (۶) این قانون، با تصویب شورای برنامه‌ریزی استان برای کلانشهرها تا ده درصد (۱۰٪) و برای سایر شهرهای کوچک تا سی درصد (۳۰٪) هزینه پروژه را از محل اعتبارات مربوطه به صورت کمک بلاعوض پرداخت نماید.

الف - نظر مخالف

- سقفش مهم نیست، لذا مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

۱۲- الف:

الف ۵- کمیته‌ای متشکل از معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، وزرای آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس دیوان محاسبات و چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات، آموزش و تحقیقات و بهداشت و درمان و فرهنگی مجلس شورای اسلامی بر نحوه اجراء و تحقق احکام فوق نظارت و هر شش ماه گزارش اجراء موارد فوق را به مجلس ارائه می‌کنند.

الف - نظر مخالف

- حضور نمایندگان مجلس در این کمیته که کار اجرایی می‌کند، نوعی دخالت در امر اجراء تلقی می‌شود لذا مغایر اصل شصتم قانون اساسی است.

- این کمیته کار اجرایی نمی‌کند، بلکه تصمیم‌گیری می‌گیرد. اگر تصمیم‌گیری او زمانی به اجراء منتهی شد، نمایندگان مذکور می‌توانند بر این اجراء نظارت کنند.

- اصولاً شیوه نظارت مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی احصاء و تعیین و طرق آن نیز به تفصیل بیان شده است.

ب - نظر موافق

- حضور نمایندگان مجلس در کمیته دخالت محسوب نمی‌شود. اینها فقط نظارت می‌کنند چون مجلس حقوق تحقیق و تفحص در همه امور کشور را دارد (مطابق اصل هفتاد و ششم قانون اساسی). مجلس در جهت تحقق و عملیاتی کردن این ابزار قانونی و ایفای نقش نظارتی خود می‌خواهد در این کمیته حضور داشته باشد. البته نمایندگان باید منتخب خود مجلس باشند نه کمیسیون‌های مجلس مصوبه مجلس نمی‌گویند که در کار کمیته مذکور دخالت کنید. اینها صرفاً ناظر هستند و ناظر مزاحم اجراء نیست. می‌گویند نمایندگان منتخب ببینند این کمیته چگونه عمل می‌کند. هرطور که عمل می‌کند، گزارش آن را به مجلس ارائه کنند.

- یک وقت دخالت در کار اجراء می‌کنند و یک وقت می‌خواهند ببینند اجرای آنها چگونه است، مصوبه مجلس نمی‌گویند اگر نمایندگان خلاف و تخلفی دیدند به مجریان بگویند و تذکر دهند یا جلوی آنها را بگیرند بلکه فقط کیفیت اجراء را بررسی و به مجلس گزارش می‌دهند.

۱۲- الف:

الف ۱- کلیه دستگاههای اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مکلفند براساس ضوابط و شاخصهای موضوع ماده (۲۹) قانون و آئین‌نامه اجرایی مربوطه، ساختار تشکیلاتی، پستهای سازمانی و سایر اصلاحات ساختاری موضوع قانون مدیریت خدمات کشوری را با رعایت ماده (۳۱) آن قانون ظرف حداکثر شش ماه به تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور برسانند.

الف ۲- در اجراء فصل پنجم قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاههای اجرایی مکلفند اعتبارات مربوط به فناوری اطلاعات و خدمات اداری و دولت الکترونیک و پایگاههای اطلاعات را صرفاً در جهت تحقق اهداف آن قانون

و با هماهنگی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور هزینه نمایند. الف ۳- در اجراء فصل دوم قانون مدیریت خدمات کشوری، چهار درصد (۴٪) از بودجه مصوب دستگاههای اجرایی از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (به استثناء فعالیتهای آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی و مراکز تحقیقاتی وابسته) و سازمان تربیت بدنی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی در اختیار وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوطه قرار می گیرد تا در راستای تحقق احکام فصل دوم قانون به ویژه مواد (۱۳)، (۱۶) و (۲۴) هزینه نمایند.

الف ۴- وزارت آموزش و پرورش فعالیت ها و خدماتی را که قابلیت قیمت تمام شده یا هزینه تمام شده را دارند احصاء و در جهت افزایش بهره وری، کارائی و کیفیت خدمات و کاهش تصدی، به کارکنان و مدیران ذی ربط و متقاضیان بخش تعاونی، خصوصی، نهادها و مؤسسات غیر دولتی به شیوه واگذاری مدیریت واحدهای دولتی، موضوع بند (۴) ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری واگذار نماید.

الف ۵- کمیته ای متشکل از معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، وزرای آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس دیوان محاسبات و چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات، آموزش و تحقیقات و بهداشت و درمان و فرهنگی مجلس شورای اسلامی بر نحوه اجراء و تحقق احکام فوق نظارت و هر شش ماه گزارش اجراء موارد فوق را به مجلس ارائه می کنند.

الف ۶- تخلف از مفاد جزء (الف) در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی بوده و مرتکب مشمول حکم ماده (۵۹۸) قانون مجازاتهای اسلامی^(۱) خواهد بود.

۱. ماده (۵۹۸) قانون مجازاتهای اسلامی: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها یا شوراها و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلاب انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه دارد می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و در صورتی که متفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

الف - نظر مخالف

- در این حکم مجازات وضع کرده است، این قانون، قانون بودجه است و قانون مجازات نیست. قانون بودجه بر اساس اصل سالانه بودجه، یکساله است، در حالی که نمی‌شود مجازات را صرفاً برای یک سال تعیین کرد. نمی‌شود گفت که عملی برای یک سال تصرف غیرقانونی محسوب می‌شود و سال بعد از آن دیگر تصرف غیرقانونی محسوب نمی‌شود. در قانون بودجه نمی‌شود احکام جز این وضع کرد، زیرا خلاف اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است و اگر چنین چیزی وجود دارد، تکرار آن در قانون بودجه بی‌معنا می‌باشد. جزء الف ماهیت مدیریتی دارد و بعضی از آنها ممکن است قابل تحقق نباشد یعنی در واقع اجرایی کردن قانون مدیریت خدمات کشوری است. مدیریت شد و نشد دارد، کما اینکه در مورد اساسنامه شرکت ملی نفت ایران هر سال می‌گویید سه ماهه انجام دهند، کسی نگفته است که مجازات دارد تخلف شامل عذر موجه نیز شود، محل ایراد است.

- این از جنس کارهای دیوان محاسبات است. آنجا هم نیامده است مشمول ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی بکند. چطور ما این را مشمول کنیم؟

ب - نظر موافق

- این موضوع مثلاً در قوانین گذشته به صورت مکرر سابقه داشته است و شورای نگهبان به آن ایراد نکرده است.

بند الحاقی ۲- به دولت و شهرداری‌ها اجازه داده می‌شود در صورت موافقت فرماندهی کل قوا، با رعایت مفاد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، زمین و تأسیسات پادگان‌ها را با کاربری نظامی به نرخ روز به خزانه واریز نمایند. ارزش زمین با کاربری نظامی به صورت تفکیک نشده سی درصد (۳۰٪) ارزش زمین با کاربری مسکونی تفکیک شده منظور خواهد شد. عین مبالغ واریزی به یگان‌های ذی‌ربط پرداخت می‌گردد.

الف - نظر مخالف

- چون ردیف و سقف را معلوم نکرده است، لذا مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۷- دولت مکلف است در اجراء قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، بودجه مصوب را مستقیماً به کلیه دستگاه‌های اجرایی که دارای ردیف بودجه مستقل هستند ابلاغ کند. مبادله موافقتنامه و تخصیص اعتبار نیز مستقیماً با دستگاه‌های اجرایی دارای ردیف مستقل صورت خواهد گرفت. تخلف از این بند در حکم تصرف غیرمجاز در وجوه عمومی تلقی خواهد شد. خزانه‌داری کل کشور مکلف است بر اساس مفاد این بند و درخواست دستگاه‌های اجرایی مذکور، در سقف تخصیص اعتبار و درخواست وجه، وجوه لازم را در اختیار آنها قرار دهد. سهم اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌ای استانها از محل ردیفهای مختلف پیش‌بینی شده در این قانون در شورای برنامه ریزی و توسعه استانها براساس برنامه تدوین شده و با تعیین اولویتهای توسعه و براساس شاخصهای موجود و به نسبت سهم شهرستانها توزیع می‌گردد. دو نفر از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی با معرفی مجمع نمایندگان استان به عنوان ناظر در جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان شرکت می‌نمایند.

الف - نظر مخالف

- حضور دو نفر از نمایندگان استان در مجلس در شورای مذکور بدون انتخاب مجلس شورای اسلامی مغایرت قانونی دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۹- کلیه شرکتهای دولتی موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت موظفند حداقل یک درصد (۱٪) از درآمد عملیاتی خود را در سال ۱۳۸۸ (به استثنای سود سپرده‌های بانکی) بمنظور انجام امور پژوهشی هزینه نمایند. دولت موظف است نسبت به اصلاح جداول بودجه شرکتهای و بانکهای مذکور به نحوی که درآمد عملیاتی آنها و اعتبارات پژوهشی موضوع این بند در سرفصل جداگانه در قانون بودجه سال ۱۳۸۸ مشخص شود، اقدام نماید. دولت مکلف است گزارش عملکرد شرکتهای و بانکهای موضوع این بند را اخذ و پس از بررسی، نتیجه را هر شش ماه یکبار به کمیسیون‌های آموزش و تحقیقات و بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی ارسال دارد.

الف - نظر مخالف

- کمیسیون که مجلس شورای اسلامی محسوب نمی‌شود. دولت در برابر مجلس شورای اسلامی مسؤول است نه در برابر کمیسیون‌های مجلس. در اینجا مصوبه مجلس، دولت را مکلف می‌کند که گزارش مربوط را به کمیسیون ارائه کند، لذا مغایرت قانونی دارد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند ۱۰ الحاقی - دولت موظف است حداقل ۳۵٪ از محل اعتبارات ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ همچنین حداقل ۲۰٪ از اعتبارات ماده (۱۲) قانون سازمان مدیریت بحران کشور را در اختیار صندوق بیمه کشاورزی قرار دهد تا صرف توسعه بیمه کشاورزی گردد.

الف - نظر مخالف

- چون سقف و ردیف را معلوم نکرده است، مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۱۶- به وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اجازه داده می‌شود به منظور تامین منابع لازم برای خرید اراضی مورد نیاز جهت اجراء طرحهای مسکن و معوض نصابهای مالکانه و سایر برنامه های مصوب، آن قسمت از اراضی شهری متعلق به دولت که تا پایان سال ۱۳۸۳ توسط مردم به صورت غیر مجاز تصرف و در آن احداث بنا شده است در صورت عدم مغایرت با طرحهای مصوب شهری و رعایت تناسب عرصه و اعیان در قبال دریافت بهای کارشناسی روز زمان فروش به متصرفین واگذار نماید.

الف - نظر مخالف

- آیا می‌توان یک تصرف غیرمجاز را مجاز تلقی کرد؟ این همان احیای مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت است که دوباره بدون ضابطه احیاء شده است.
- با توجه به اصل پنجاه و سوم قانون اساسی به دلیل عدم حکم به واریز به خزانه، مغایرت قانونی دارد.

ب - نظر موافق
- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۱۷- مازاد درآمد اختصاصی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موضوع بند ۱۲۴ ردیف ۱۲۹۰۰۰ و بند ۴۰ ردیف ۱۱۳۵۰۰ براساس درخواست دستگاههای مزبور توسط وزارتخانه های مذکور (حسب مورد) به همان دانشگاه و مؤسسه ای که درآمد را کسب کرده، اختصاص می یابد.

الف - نظر مخالف

- این مازاد باید بر اساس اصل پنجاه و سوم قانون اساسی باید به خزانه واریز و عدد و ردیفش معلوم شود.

ب - نظر موافق
- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۱۹- سه درصد (۳٪) از اعتبارات پیش بینی شده در ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور به منظور پیشگیری، آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح کشور به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران اختصاص می یابد. این اعتبار صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی و پس از پرداخت به هزینه قطعی منظور می گردد.

الف - نظر مخالف

- چون سقف و ردیف را معلوم نکرده است، لذا مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

ب - نظر موافق
- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۲۴- مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اعتبار موضوع ردیف ۵۸ - ۵۳۰۰۰۰ منظور در جدول شماره (۹) این قانون صرفاً متناسب با مازاد درآمدهای وصولی موضوع ردیف ۱۱۰۴۰۱ یا ردیف ۱۴۰۱۱۲

منظور در جدول شماره (۶) قانون یادشده نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در ردیف‌های مذکور در قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور قابل تخصیص به گمرک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. اعتبار موضوع این بند بایستی به مصرف آموزش و بالابردن دانش تخصصی، تأمین مسکن مورد نیاز کارکنان گمرکها واقع در نقاط محروم و مرزی، تجهیز گمرک‌ها به سامانه کنترل الکترونیکی و رفع کمبود تجهیزات و تأسیسات مورد نیاز آنها و پرداخت پاداش به کارکنان گمرک (حداکثر تا دوماه حقوق و مزایا) برسد. این اعتبار در حدود مازاد وصولی در مقاطع سه ماهه در سال ۱۳۸۸ تخصیص یافته تلقی می‌شود.

الف - نظر مخالف

- این مصوبه در واقع یک راهی است برای این که دستگاه‌های اجرایی دیگر ناهماهنگی ایجاد کند. حقوق و دستمزدها تقریباً به صورت هماهنگ تعیین شده است، ولی این مصوبه نوعی تبعیض ناروا است و این امر نظام هماهنگ مذکور را به هم می‌ریزد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۲۹- دولت مکلف است به میزان بیست و پنج هزار میلیارد (۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سهام قابل عرضه در بورس اوراق بهادار شرکتهای دولتی و یا سهام دولت در سایر شرکتها را به سازمان تأمین اجتماعی واگذار نماید. سازمان تأمین اجتماعی در راستای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان موظف است از محل فروش و سود حاصل از مالکیت سهام مزبور نسبت به افزایش حقوق بازنشستگی و مستمری بازنشستگان و مستمری‌بگیران خود از ابتدای سال ۱۳۸۸ اقدام کند. ضوابط افزایش و آئین‌نامه اجرائی مربوطه حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

الف - نظر مخالف

- یکی از مواردی که یک حکم دائم با هزینه دائم برای دولت بدون مشخص کردن منابع تعیین می‌کند، همین است. مبلغ بیست و پنج هزار میلیارد ریال در لایحه دولت نبوده است و مجلس گفته است دولت این مقدار سهام شرکت‌های دولتی را در بورس ارائه کند. اولاً این با سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی منطبق نیست. باید این سهام به گونه‌ای

در بورس عرضه شود که موجب توسعه کار در بخش خصوصی شود و ارزش این سهام حفظ شود. بیست و پنج هزار میلیارد ریال سهام است، چند هزار میلیارد ریال نیز دولت باید بدهد که در جمع رقمی در حدود کل بودجه نزدیک به ده هزار میلیارد تومان سهام باید در بورس عرضه گردد که این امر ارزش سهام را پایین می‌آورد و شرکت‌ها زمین می‌خورند و همین باعث می‌شود سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم در بعد شرکت‌های دولتی پیش نرود. بدیهی است ظرفیت عرضه این مقدار سهام وجود ندارد. از سوی دیگر از محل فروش این عرضه سهام باید حقوق کارگران بازنشسته بخش خصوصی را افزایش داد، یعنی برای آنها یک حقی ایجاد کنیم که حقوق آنها باید افزایش یابد. همه آنها متعلق به بخش خصوصی هستند و صندوق بازنشستگی جداگانه دارد و یک سال هم نمی‌شود این کار را کرد و باید دائماً این کار را انجام داد. یک افزایش دائم است که پایه‌اش در قانون بودجه گذاشته می‌شود و منابعش هم منابعی است که قابل تحقق و تحصیل نیست. مجوز ارائه این سهام در اصل ۴۴ داده نشده است که ما بخواهیم در جهت آن سیاست‌ها عمل کنیم. این مصوبه مجلس ماهیتش دائمی است و باری را به دولت تحمیل می‌کند که وظیفه دولت نیست و با سیاست‌های اصل ۴۴ تطبیق نمی‌کند.

ب - نظر مخالف

- نظارت بر این سیاست‌ها به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شده است و اگر این ایراد دارد، مجمع باید به شورای نگهبان بگوید تا شورا ایراد کند و اگر مشکل قانون اساسی داشته باشد، شورا باید رأساً وارد شود و ایراد وارد کند.

بند الحاقی ۳۴- به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجازه داده می‌شود در هریک از مقاطع سه‌ماهه سال بر اساس مازاد درآمد واریزی استانها از ابتدای سال تا پایان همان مقطع، نسبت به ارقام مصوب مندرج در جدول اعتبارات استانی این قانون، مازاد درآمد استانها را از محل این ردیف در اختیار استانها قرار دهد تا توسط شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استان به شرح هشتاد درصد (۸۰٪) برای تکمیل طرحها و پروژه‌های نیمه تمام استانی و بیست درصد (۲۰٪) به صورت اعتبارات هزینه‌ای هزینه شود.

بند الحاقی ۴۰- نظام بانکی کشور مکلف است در شهرها، منازل مسکونی را که فاقد سند ثبتی هستند از متقاضیان تسهیلات بانکی برای خرید یا احداث

واحدهای مسکونی واقع در شهرها وثیقه‌ای غیر از سند ثبتی مربوطه اخذ نماید.
 بند الحاقی ۴۱- طرح‌های در دست اجراء موضوع جدول شماره (۱۳) ماده
 واحده (اعتبارات موضوع جزء ۱۷ ردیف ۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) بر اساس
 ماده (۲۰) قانون برنامه و بودجه^(۱) و ماده (۶۸) قانون محاسبات عمومی^(۲) که
 دارای مصوبه کمیسیون موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی،
 اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^(۳) هستند به پیوست طرح‌های تملک
 دارایی‌های سرمایه‌ای با مشخصاتی از قبیل سال شروع، سال خاتمه، برآورد

۱. ماده (۲۰) قانون برنامه و بودجه: مورد طرح‌های عمرانی که مدت اجرای آنها از یک سال مالی تجاوز می‌کند اعتبار مورد نیاز تا پایان کار به تفکیک سالانه در بودجه‌اولین سالی که طرح مزبور در آن منظور می‌گردد تعیین و همراه با بودجه کل کشور به تصویب می‌رسد و دستگاه اجرایی مجاز به تأمین اعتبار و تعهد درباره کلیه مبلغ طرح با رعایت اعتبارات سالانه تفکیک شده می‌باشد.

تبصره ۱- روش فوق در مورد طرح‌های عمرانی که مدت اجرای آنها از دوره برنامه عمرانی پنجساله تجاوز نماید نیز قابل اجرا خواهد بود.

تبصره ۲- هرگاه در مورد برخی از طرح‌ها تعیین مبلغ اعتبار مورد نیاز برای تکمیل طرح در سالهای بعد در موقع تهیه پیشنهادها بودجه سال از طرف دستگاه اجرایی مقدور نباشد تغییر طرح و برنامه اجرایی به تصویب کمیسیونهای برنامه مجلسین می‌رسد و تأمین اعتبار و اصلاح و تغییر بودجه موکول به تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی است و قبول هر گونه تعهد مالی از طرف دستگاه‌های اجرایی برای سالهای بعد موکول به تحصیل این مجوز خواهد بود.

۲. ماده (۶۸) قانون محاسبات عمومی: بودجه هر یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و واحدهای وابسته به آنها باید به طور کامل و جداگانه در بودجه کل کشور درج شود و منظور کردن اعتبار تحت عنوان کمک ضمن بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی برای پرداخت به واحدهای تابعه و وابسته همان وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی دیگر و همچنین پرداخت هر نوع وجه از این بابت ممنوع است.

۳. ماده (۳۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: اعتبارات طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای جدید صرفاً براساس گزارش‌های توجیهی فنی، اقتصادی و زیست محیطی تأییدشده برای یکبار و به قیمت ثابت سالی که طرح مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد، به تفکیک سالهای برنامه چهارم و سالهای بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز سالهای باقیمانده برنامه چهارم را با اعمال تغییر نرخهای ابلاغی خود محاسبه نموده و برحسب برنامه - دستگاه در لوایح بودجه سالانه کل کشور منظور نماید. مبادله موافقتنامه شرح عملیات طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای انتفاعی و غیرانتفاعی مشتمل بر اهداف طرح، شرح عملیات اجرایی، اعتبارات مصوب، پیشرفت فیزیکی و مشخصات فنی فقط برای یکبار در دوران برنامه انجام می‌پذیرد. این موافقتنامه‌ها برای دوران برنامه چهارم معتبر و ملاک عمل خواهند بود. موافقتنامه‌هایی که برای انطباق میزان اعتبارات سالانه طرح‌ها با قوانین بودجه سنواتی مبادله می‌شوند جنبه اصلاحیه داشته و نباید موجب افزایش اهداف و تعداد پروژه‌های طرح شوند. موارد استثناء که منجر به افزایش حجم عملیات و یا تعداد پروژه‌هایی گردد مشابه طرح‌های جدید تلقی می‌گردند. مبادله موافقتنامه طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای صرفاً نظامی بخش دفاع تابع دستورالعمل خاصی است که به پیشنهاد مشترک ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح خواهد رسید. آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی ابلاغ و تخصیص اعتبارات طرح‌های ملی و نحوه اعمال مفاد این ماده برای اعتبارات تملک دارائی‌های سرمایه‌ای استانی با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

سال جاری، اعتبارات مورد نیاز سال‌های آتی دستگاه اجرایی منتقل شود.

بند الحاقی ۴۳- دولت مکلف است در سال ۱۳۸۸ کلیه سهام، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهم و سهم‌الشرکه حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت تمامی شرکتهای دولتی اصلی (مادر تخصصی) و عملیاتی (نسل دوم) مشمول گروه یک (جدول پیوست شماره ۱) و شرکتهای دولتی مشمول گروه دو (جدول پیوست شماره ۲) ماده (۲) قانون اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) متعلق به دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۸۶) قانون اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) و کلیه سهام دولت و شرکتهای دولتی در شرکتهای غیردولتی را حداقل به میزانی که منابع ردیفهای ۳۱۰۵۰۱، ۳۱۰۵۰۲ و ۳۱۰۵۰۴ حاصل گردد به بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید. به منظور تسریع در اجراء بند فوق و تحقق منابع حاصل از واگذاری شرکتهای دولتی اصلی و عملیاتی: دولت مکلف است کلیه طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های قابل واگذاری را تا پایان شهریورماه سال ۱۳۸۸ مطابق با بند (ح) ماده (۱۹) قانون اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)^(۱) تعیین تکلیف و واگذار نماید. کلیه اعتبارات مصوب طرح‌های مذکور به بخش غیردولتی منتقل خواهد شد.

بند الحاقی ۴۸- در سال ۱۳۸۸ کلیه لوایح پیشنهادی دولت که اجراء آنها مستلزم افزایش در هزینه‌ها یا کاهش در دریافت‌های بودجه عمومی دولت می‌شود، موکول به ارائه بار مالی مربوط و محل تأمین آن است.

بند الحاقی ۵۰- به منظور تقویت شفافیت بودجه و امکان پذیر ساختن نظارت بر انطباق بودجه با سیاستهای کلی نظام به ویژه سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اهتمام به نظم و انضباط مالی بودجه و تعادل بین منابع و مصارف دولت موضوع بند (۵۰) سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت مکلف است تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۸۸ گزارش تطبیق بودجه سال ۱۳۸۸ را با سیاستهای مذکور به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ نیز باید در چارچوب سیاستهای کلی نظام همراه با گزارش به صورت برنامه یک ساله و چگونگی تطبیق بودجه با این سیاستها تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود.

۱. بند (ح) ماده (۱۹) قانون اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم: هیأت واگذاری مجاز است حسب شرایط متناسب با مفاد این ماده از کلیه روش‌های ممکن برای واگذاری بنگاه‌ها و مالکیت (اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال) و واگذاری مدیریت (اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت)، تجزیه، واگذاری، انحلال و ادغام شرکت‌ها حسب مورد به شرح ذیل استماده نماید.

الف - نظر مخالف

- این بند دولت را مکلف می‌کند بودجه سال ۱۳۸۸ را با سیاست‌های کلی تطبیق بدهد. ممکن است بعضی جاهای آن تطبیق نداشته باشد. اگر آنهایی که در لایحه دولت بوده است و تطبیق با سیاست‌های کلی ندارد، مسؤولیتش با دولت است ولی اگر مواردی که در لایحه دولت نیست و مجلس آن را اضافه کرده است با سیاست‌های مذکور تطبیق ندارد، چرا مسؤولیت آن با دولت باشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

بند الحاقی ۵۱- صددرصد (۱۰۰٪) اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌ای استانی مندرج در جدول شماره (۱۰) این قانون با رعایت مواد (۷۹) و (۸۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،^(۱) حداکثر یک ماه پس از ابلاغ توسط کمیته برنامه‌ریزی استان بر اساس شاخص‌های توسعه هر شهرستان بین طرح‌ها و پروژه‌های استانی توزیع خواهد شد. ایجاد هر گونه بار مالی توسط شورای برنامه‌ریزی توسعه استان جهت پروژه‌های سفرهای استانی از این محل ممنوع است.

۱. ماده (۷۹) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی: عناوین برنامه‌های عمرانی و آن دسته از وظایف دولت که نتایج کاربردی آن از محدوده استان فراتر نباشد (وظایف استانی) و می‌بایست در قالب بودجه استانی تأمین اعتبار شود، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

- ماده (۸۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی: دولت مکلف است در اجرای کامل نظام درآمد - هزینه استان، اقلام درآمدی زیر رابه عنوان درآمد استانی وصول و از طریق خزانه‌داری کل به خزانه معین استان واریز و در اجرای وظایف جاری و عمرانی استانی، هزینه نماید:

الف - کلیه مالیاتهای مستقیم (به استثنای مالیات بر شرکت‌های دولتی).

ب - مالیات بر کالاها و خدمات به استثنای حقوق ورودی.

ج - آن دسته از درآمدهای حاصل از مالکیت دولت که وصول آنها در همه استانهای کشور عمومیت دارد.

د - درآمدهای حاصل از خدمات که در استانها عرضه می‌شود و توسط دستگاههای استانی وصول می‌گردد، به استثنای درآمد ناشی از انفال و خدمات قضائی دادگستری جمهوری اسلامی.

ه - درآمدهای حاصل از جرائم و خسارات که در استانها وصول می‌شود به استثناء درآمد ناشی از جرائم مبارزه با قاچاق و مواد مخدر.

الف - نظر مخالف

- ذیل این بند اختیارات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان را از هیأت دولت بیشتر کرده است. این بودجه‌های استانی را قانون در اختیار شورای مذکور قرار داده است تا توزیع کند. یعنی اصل اختیار اجرایی بوده است. این اعتبارات به طور صددرصد تخصیص نمی‌یابد. وقتی دولت به استانی سفر می‌کند و پروژه‌ها را بررسی می‌کند می‌بیند یک پروژه‌ای از اولویت برخوردار است و باید تقویت شود، لذا یک جابجایی صورت می‌گیرد. اگر این اختیار ذاتاً متعلق به دولت است، الان هم می‌تواند آن را جابجا کند و تصمیم خودش را تصحیح و تقویت کند تا یک پروژه زودتر به اتمام برسد. این امر دخالت در اجراء محسوب می‌شود و خلاف اصل شصتم قانون اساسی است. این امر در کار قوه مجریه ایجاد اختلال می‌کند و دست قوه مجریه بسته می‌شود.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

ج - تصمیم شورا

در خصوص مغایرت با اصل شصتم رأی‌گیری شد و تنها یک رأی داشت.

بند الحاقی ۵۲- یک درصد (۱٪) تنخواه‌گردان موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷^(۱) (حوادث غیرمترقبه) به سه درصد (۳٪) افزایش می‌یابد. اعتبار مازاد بر یک درصد (۱٪)، اختصاص به

۱. ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهی‌ها، پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و اپیدمی‌های دامی، اعتبار مورد نیاز را در لوائح بودجه سالانه منظور نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط کمک‌های بلاعوض را برای پرداخت خسارت‌دیدگان به طریق تعیین می‌کنند که سهم اعتبار اقدامات بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه یادشده نسبت به کمک‌های بلاعوض، سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل به تدریج کمک‌های بلاعوض حذف شوند. به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی، سیل و مانند آنها تا معادل یک درصد (۱٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه موضوع ماده (۱) این قانون تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه خواهد شد. آیین‌نامه اجرائی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

مدیریت خشکسالی داشته و از طریق ستاد ذریبط در اختیار شورای برنامه‌ریزی استانها قرار می‌گیرد.

– تصمیم شورا

درخصوص مغایرت این بند با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی رأی‌گیری شد که پنج رأی داشت.

بند الحاقی ۵۳- دولت مکلف است تا مبلغ هشتاد و پنج هزارمیلیارد (۸۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از اعتبارات هزینه‌ای و تملک‌داراییهای سرمایه‌ای ملی و استانی دستگاههای اجرایی و ردیفهای متفرقه و تملک‌داراییهای مالی مندرج در این قانون را با رعایت ضوابط زیر از محل عدم تخصیص ضمن اجراء بودجه، تأمین و جداول پیوست قانون را به هنگام ابلاغ اعتبارات ملی و استانی تا سقف مزبور اصلاح نماید.

۱- اعتبارات طرحهای تملک‌داراییهای سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون که خاتمه آنها سال ۱۳۸۸ است، کاهش نیابد.
ب - اعتبارات تملک‌داراییهای سرمایه‌ای موضوع این بند با درصد یکسان کسر شود.

الف - نظر مخالف

- این که می‌گویند مساوی کسر کنید، بعضی طرح‌ها را امکان دارد واقعاً نشود از آن کسر کرد و ضرورت داشته باشد. مصوبه می‌گویند یکسان کسر کنید ردیف‌های آن نامعلوم است. ما همیشه می‌گوییم باید بودجه برای هر موضوعی مصوب باشد. یعنی اصل پنجاه و سوم صراحتاً می‌گوید ردیف هر طرحی باید معلوم باشد. سقف آن هم معلوم باشد. این ایجاد بی‌نظمی می‌کند. ردیف هر پروژه‌ای باید معلوم و مصوب باشد و سقف آن هم معلوم باشد. این اصلاً معلوم نیست. این چون الحاق به یک مجهول شده است، اصلاً معلوم نیست. این بودجه با کسری بسته شده است. علت آن هم این است که دولت لایحه بوده را بر اساس طرح هدفمند کردن یارانه‌ها ارائه داد. از محل آزادسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌های سی و چهار هزار میلیارد تومان درآمد تحصیل می‌شد که بخشی از آن یعنی هشتاد و پنج هزارمیلیارد ریال در بودجه جهت هزینه‌های عمرانی دولت آورده شد. مجلس این طرح را نپذیرفت. نتیجه این ارقام است که جبران نشده است و رقم هشتاد هزار و پانصد میلیارد تومان کسری بودجه است که در اینجا تصریح شده است. وقتی

کسری بودجه ایجاد می‌شود، دولت باید دستش باز باشد تا با ایجاد تعادل و توازن در منابع درآمدی و هزینه‌ای این کسری را برطرف کند، ولی دست دولت با توجه به مفاد جزءهای (۱) و (۲) بند ۵۳ الحاقی بسته است و دولت قدرت مانور لازم را ندارد. این اصلاً بودجه نیست و ترازى هم ندارد. اختیارات اجرایی دولت سلب شده است. شورای نگهبان بودجه را بررسی نمی‌کند و صرفاً یکسری احکام را بررسی می‌کند و وارد ماهیت بودجه نمی‌شود که این امر باید بازنگری شود و باید نگاه شورای نگهبان عوض شود. اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به لایحه بودجه اشاره می‌کند. دولت مسئول اجرایی است و می‌داند که چقدر درآمد تحصیل می‌کند و این درآمدها را با اولویت‌های مربوط چگونه خرج کند. مجلس می‌تواند قبول کند یا رد کند. دولت بر اساس یک الگویی این دخل و خرج را تنظیم می‌کند و مسؤولیت آن را هم می‌پذیرد و مجلس می‌تواند این الگو را تصویب نکند و بگوید هر یک مدل و الگوی دیگر به مجلس ارائه کند. دولت بر اساس طرح هدفمند کردن یارانه‌ها یک مدلی از بودجه را به مجلس ارائه داد و توافق قبلی نیز با مجلس صورت گرفت، ولی در وسط کار مجلس این توافق را هم زد لذا دولت یک اصلاحیه‌ای بر بودجه داد بر اساس الگویی که هدفمند کردن یارانه‌ها تصویب نشود یعنی برای هشتاد هزار و پانصد میلیارد ریال کسری برنامه دارد ولی مجلس آن را نپذیرفت و مبلغ سی و چهار هزار میلیارد را به بیست هزار میلیارد تغییر داد و در مجلس آن بیست هزار میلیارد را هم حذف کردند و به یک الگوی جدید رسیدند. الگویی که دولت بر اساس آن برنامه‌ریزی نکرده بود. این بودجه غیر واقعی را می‌خواهند به دولت جهت اجراء بدهند و دولت نیز قدرت اجرای آن را ندارد. اگر اجراء نکند می‌گویند قانون‌شکنی کرده است و اجرای آن نیز مستلزم پذیرش بحران‌های گوناگون است. بودجه یک حکم خاص ندارد که با سایر لوایح و طرح‌ها فرق کند. تمام اشکال بر محتوای بودجه یعنی اعداد و ارقام است. شورای نگهبان هم اعداد و ارقام را بررسی نمی‌کند. امکان کارشناسی جزء به جزء اعداد و ارقام بودجه توسط شورای نگهبان امکان‌پذیر نیست. قانون بودجه با سایر قوانین فرق ماهوی می‌کند. مجلس یا باید کل لایحه دولت را تصویب کند یا کل آن را رد کند و نمی‌تواند آن لایحه دولت را اصلاح کند زیرا قالب و ترکیب و انسجام بودجه به هم می‌ریزد.

- بودجه حتماً باید در قالب لایحه باشد. همانطور که حق دولت این است که می‌تواند لایحه بدهد، حق مجلس هم این است که می‌تواند تغییر بدهد ولی اگر هیچ اثری از لایحه دولت نبود و آن مبنایی که برای تنظیم و تدوین لایحه وجود داشت، به هم برخورد

باید چه کرد یعنی در واقع لایحه به طرح تبدیل شده است. در بند (۵۰) سیاست‌های کلی به اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت تأکید شده است، در حالی که در اینجا این تعادل به هم خورده است.

ب - نظر موافق

- اگر بودجه را مثلاً هشت ماه قبل مجلس تصویب کند شورای نگهبان می‌تواند وارد جزئیات ارقام و اعداد شود. بدون لایحه نمی‌شود بودجه را به مجلس ارائه کرد. (یعنی از طریق طرح قانونی) اما اصل دیگری وجود دارد بر این مبنا که اگر دولت لایحه بودجه را ارائه کرد، مجلس می‌تواند در آن تغییر دهد مثلاً بگوید از محل صرفه‌جویی این کسری تأمین می‌شود.

بند الحاقی ۵۶- به شرکت ملیت نفت ایران اجازه داده می‌شود که از محل منابع داخلی خود و از درآمدهای ناشی از تولید زود هنگام همان میادین، سرمایه‌گذاری لازم را برای توسعه همان میادین تأمین نماید.

نظریه (مرحله اول) شورای نگهبان^(۱)

۱- در موارد متعدد از جمله جزء (الف) بند (۷) ... که عناوین «شرکت ملی نفت ایران» و «شرکت ملی گاز ایران» و «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران» یا به نحو اشاره این شرکت‌ها را ذکر نموده است، همان ابهام معموله در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲- جزء الف - ۵ بند (۱۲)، انتخاب چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی توسط کمیسیون‌ها، مغایر اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی شناخته شد و از این جهت که وظایف تعیین شده برای کمیته ماهیت اجرایی، حضور نمایندگان مذکور مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.^(۲)

۳- جزء (د) بند (۹)،^(۳) بندهای الحاقی (۲)، (۱۰)،^(۴) (۱۹)، (۵۶) از جهت عدم تعیین سقف

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۴۳ مورخ ۸۷/۱۲/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

۲. این موضوع که نظارت مذکور محل اجراء (اصل شخصیت) است با هفت رأی مغایر اصل مذکور تلقی شد.

۳. لازم به ذکر است نه نفر از اعضای شورای نگهبان اعلام مغایرت نمودند.

۴. این اعلام مغایرت هفت رأی داشت.

اعتبار، مغایر ذیل اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.

۴- بند الحاقی (۷)، معرفی دو نفر از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی توسط مجمع نمایندگان استان، مغایر اصل ۷۶ قانون اساسی شناخته شد.

۵- بند الحاقی (۱۶) به دلیل عدم واریز درآمد مذکور به خزانه، مغایر صدر اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.

در موارد متعدد از جمله ... بند الحاقی (۵۶) که عناوین «شرکت ملی نفت ایران» و «شرکت ملی گاز ایران» و «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران» یا به نحو اشاره این شرکت‌ها را ذکر نموده است، همان ابهام معمول در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مرحله دوم

مصوبه اصلاحی مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

- در جزء (الف) بند (۷) و بند الحاقی (۵۶) عبارت «شرکت ملی نفت ایران» به عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط» اصلاح شود.
- در جزء (د) بند (۹) بعد از عبارت «وجود دارد» عبارت «تا سقف یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل درآمد ردیف ۲۱۰۲۰۴ جدول شماره (۶) این قانون» اضافه شود.

- جزء (الف) ۵- بند (۱۲) به شرح ذیل اصلاح شود:

الف ۵- کمیته‌ای متشکل از معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، وزیر آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس دیوان محاسبات کشور بر نحوه اجراء و تحقق احکام فوق رسیدگی و چهارنفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات، آموزش و تحقیقات، بهداشت و درمان و فرهنگی مجلس به انتخاب مجلس به عنوان ناظر در این کمیته حضور خواهند داشت. گزارش عملکرد این بند هر شش ماه یکبار توسط معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد.

- در بند الحاقی (۲) بعد از عبارت «به خزانه» عبارت «موضوع ردیف ۲۱۰۲۰۹ جدول شماره (۶) این قانون» اضافه شود در انتهای این بند نیز بعد از

کلمه «واریزی» عبارت «تا مبلغ دوهزارمیلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل اعتبار ۵۵-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون» اضافه شود.

- پاراگراف آخر بندالحاقی (۷) (در مورد نمایندگان استان) به شرح ذیل اصلاح شود:

دو نفر از نمایندگان هراستان به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان شرکت می نمایند.

- در بندالحاقی (۱۰) بعد از عبارت «مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷» عبارت «مبلغ سه هزار و سیصد و هشتاد و هفت میلیارد (۳,۳۸۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» و همچنین بعد از عبارت «سازمان مدیریت بحران کشور» عبارت «مبلغ دوهزار و سیصد و بیست و دومیلیارد (۲,۳۲۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» اضافه شود.

- عبارات پایانی بندالحاقی (۱۶) به شرح ذیل اصلاح شود:

..... در قبال دریافت بهای کارشناسی روز زمان فروش به متصرفین واگذار و درآمد آن را به حساب متمرکز شرکت نزد خزانه داری کل واریز نماید.

الف - نظر مخالف

- این امر موجب مفسده در جامعه می شود. آیا نمی توان این را از جهت این که موجبات تصرف عدوانی و غصب را فراهم می کند، ایراد شرعی بر آن گرفت. اینها متصرفات غیرقانونی هستند. مردم از این به بعد اراضی دولتی را تصرف می کنند و بعد می گویند دولت یک روزی آن را به ما واگذار می کند. ضمن این که این اراضی متعلق به بیت المال و غصبی است. این ماده در واقع زمینه غصب و تصرف غیرشرعی را فراهم می کند.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

- در بندالحاقی (۱۹) بعد از عبارت «بحران کشور» عبارت «مبلغ ششصدوسی و نه میلیارد (۶۳۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» اضافه شود.

- در بندالحاقی (۳۴) بعد از عبارت «این ردیف» عبارت «مبلغ پنج هزار میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» اضافه شود.

- بندالحاقی (۴۰) به شرح ذیل اصلاح شود:

بندالحاقی ۴۰- نظام بانکی کشور مکلف است در سال ۱۳۸۸ از متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی برای خرید و یا احداث واحدهای مسکونی در

شهرهایی که برخی از املاک آنها فاقد سند ثبتی هستند وثیقه‌ای معتبر غیر از سند واحد مسکونی ذی‌ربط أخذ نماید.

- جزء (د) بند الحاقی (۴۱) حذف شود.

- جزء (د) بند الحاقی (۴۳) به شرح ذیل اصلاح شود:

د - دولت مکلف است مطابق با بند (ح) ماده (۱۹) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی شرکتهای قابل واگذاری و طرحهای نیمه تمام آنها را تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۸ تعیین تکلیف و واگذار نماید.

- بند الحاقی (۴۸) حذف شود.

- بند الحاقی (۵۶) به شرح ذیل اصلاح شود:

بند الحاقی ۵۶- به وزارت نفت از طریق شرکتهای تابعه ذی‌ربط اجازه داده می‌شود از محل منابع داخلی خود، از درآمدهای ناشی از تولید زود هنگام میادین تا سقف یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای توسعه همان میادین تأمین نماید.

- نظر مخالف

- نظری ابراز نشد.

ب - نظر موافق

- نظری ابراز نشد.

نظریه نهایی شورای نگهبان^(۱)

* مصوبه مذکور، باتوجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. مندرج در نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷۹ مورخ ۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

کتاب منتشر شده مرکز تحقیقات شورای نگهبان

- ۱- مجموعه نظرات شورای نگهبان ویژه لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور
- ۲- مجموعه نظرات شورای نگهبان درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم، سال اول)
- ۳- بررسی تحلیلی مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور
- ۴- مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۸۰ - ۱۳۵۹)
- ۵- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم - سال دوم)
- ۶- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم - سال سوم)
- ۷- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم - سال چهارم)
- ۸- مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری (۱۳۸۳ - ۱۳۶۱)
- ۹- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم)
- ۱۰- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم)
- ۱۱- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره سوم)
- ۱۲- مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره دوم)
- ۱۳- مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره اول)
- ۱۴- مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره هفتم)
- ۱۵- مشروح مذاکرات شورای نگهبان (سال ۱۳۵۹) [چاپ دوم، ویرایش اول]
- ۱۶- مشروح مذاکرات شورای نگهبان (سال ۱۳۵۹) [چاپ اول]
- ۱۷- مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۸۸ - ۱۳۵۹) [چاپ دوم - ویرایش اول]
- ۱۸- دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران؛ اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۸۹ - ۱۳۵۹)
- ۱۹- مشروح مذاکرات شورای نگهبان (سال ۱۳۶۰)

کتاب در دست انتشار مرکز تحقیقات شورای نگهبان

۱- تحلیل نظرات فقهی فقهای شورای نگهبان (بر مبنای مشروح مذاکرات)
(فروردین لغایت مرداد ماه ۱۳۶۱)

۲- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۶۱)

۳- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۸۸)

۴- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۸۷)

۵- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۸۶)

۶- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۷۳)

۷- مشروح مذاکرات شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۷۷)

۸- مجموعه نظرات فقهی و حقوقی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات
اشخاص حقیقی و حقوقی (۱۳۸۹-۱۳۵۹)

۹- جستارهایی در تفکیک حوزه تقنین از اجرا

۱۰- تفکیک تقنین و اجراء؛ تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای
مقننه و مجریه